

## فصلنامه گنجینه اسناد

سال بیست و نهم، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۸  
شماره پیاپی ۱۱۶  
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲  
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸  
شماره: ۱۰۰ نسخه



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطبوع آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره  
و مطالعات آرشیمیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد  
مدیرمسئول: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

### هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهراء / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر ربابه معتقدی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طراح نشانه و جلد: علیرضا حصارکی

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ناظر چاپ: یوسف امیری

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه نهم، اتاق ۱۱.  
صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۲۶۴۰۵۶۲۱

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام ماهه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.  
www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
پژوهشکده اسناد



## فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۲۹، دفتر ۴، (زمستان ۱۳۹۸)

شماره پیاپی ۱۱۶

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸



### تحقیقات تاریخی

- ۶-۴۰(۳۵) اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران / حسین احمدزاده نودیجه، قباد منصوربخت  
بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها/  
۴۲-۷۲(۳۱) باقرعلی عادل‌فر، مسعود آدینه‌وند  
داستان یک جاده: ساخته شدن و نگهداری راه مشهد-عشق‌آباد (۱۳۰۵-۱۳۴۴ق)/  
۷۴-۱۰۵(۳۲) جلیل قصابی گزکوه، هادی وکیلی، یوسف متولی حقیقی  
کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمیات و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول/  
۱۰۶-۱۳۹(۳۴) علی‌رضا سنگ‌تراشان، منیژه صدری، حسن زندیه، معصومه قره‌داغی

### مطالعات آرشیوی

- امکان‌سنجی ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران/  
۱۴۰-۱۶۷(۲۸) زینب‌سادات صندید، سعید رضائی شریف‌آبادی، رویا برادر  
توصیف عنوان منابع آرشیوی براساس استانداردهای بین‌المللی/آناهیتا نظری  
رتوش، مواد و فنون آن در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای کاخ گلستان/  
۱۶۸-۱۸۵(۱۸) سحر نوحی، هلن اسدیان، فتح‌الله نیازی  
۱۸۶-۲۰۵(۲۰)

## شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

## ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

## ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون‌متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

## کوتاه‌تنتها





# International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran<sup>1</sup>

Hossein Ahmadzadeh-Nodijeh<sup>2</sup> | Ghobad Mansourbakht<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

## Abstract:

**Purpose:** Reports the role of the International Labor Office (ILO) in enacting and formulating the first labor law in Iran in the late Qajarid and early Pahlavi years

**Method and Research Design:** Archival records and library materials were examined to collect data.

**Findings & Conclusion:** Reza Shah (1925-1941) was not interested in regulating employer-employee relation partly because of partly because of an undeveloped economy and the lack of the industrial proletariat. His concern about the left-wing parties. Initially he preferred to preserve the traditional work relation. He regarded the matter of merely internal He thought he could disregard the demand of ILO for reform. However, later he found it impossible to resist the international pressure and ordered the first labor laws to be drafted.

## Keywords:

International Labor Office (ILO); Labour law; Iran; Reza Shah Pahlavi (1925-1941).

## Citation:

Ahmadzadeh Nojideh, H., Mansourbakht, G. (2019). International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 6-40. (In persian)

1. This article was extracted from my doctoral dissertation under the title of "History of the Emergence and Evolution of the New Concept of Worker in the Modern Iran: 1906-1953".

2. PhD Student, Department of History, University of Shahid Beheshti, Tehran, I.R. Iran (Corresponding Author).

[h\\_ahmadzadeh@sbu.ac.ir](mailto:h_ahmadzadeh@sbu.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of History, University of Shahid Beheshti, Tehran, I.R. Iran.

[G\\_mansourbakht@sbu.ac.ir](mailto:G_mansourbakht@sbu.ac.ir)

Copyright © 2020, NLA1 (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2395

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 6 - 40 (35) | Received: 23, Oct. 2018 | Accepted: 6, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

# اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران<sup>۱</sup>

حسین احمدزاده نودیجه<sup>۲</sup> | قباد منصوربخت<sup>۳</sup>

## چکیده:

**هدف:** توضیح نقش دفتر بین‌المللی کار در تدوین قوانین کار در ایران در اواخر دوره قاجار و عصر پهلوی اول.

**روش/ رویکرد پژوهش:** داده‌ها از اسناد وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی ایران (ساکما) گردآوری شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در آغاز، دولت علاقه چندانی به تدوین و وضع قوانین کار نداشت. عقب‌ماندگی اقتصادی کشور و نبود طبقه کارگر صنعتی و ناسازگاری رضاشاه با احزاب چپ حامی حقوق طبقه کارگر، در تردید او برای وضع قانون کار موثر بود. او موضوع را داخلی می‌پنداشت و گمان می‌کرد می‌تواند به تصمیمات مجامع بین‌المللی بی‌توجه بماند؛ اما سرانجام زیر فشار عامل بیرونی که دفتر بین‌المللی کار بود به وضع نخستین قوانین کارگری ایران تن داد.

## کلیدواژه‌ها:

اداره بین‌المللی کار؛ نخستین قانون کار؛ ایران؛ رضا شاه پهلوی.

## استناد:

احمدزاده نودیجه، حسین؛ منصوربخت، قباد. (۱۳۹۸). اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران. گنجینه اسناد، ۲۹(۴)، ۴۰-۶.

۱. این مقاله از رساله دکتری حسین احمدزاده نودیجه با عنوان: «تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر: ۱۲۸۵-۱۳۳۲ ش» استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

H\_ahmadzadeh@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

G\_mansourbakt@sbu.ac.ir



## گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۳۳۹۵

نمایه در ISI, Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

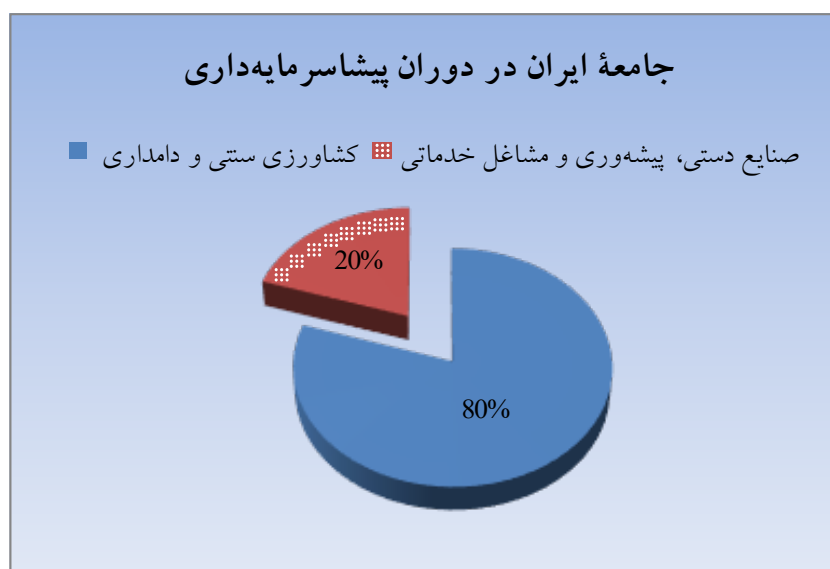
سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۶-۴۰ (۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

جامعه ایران در دوره پیشاسرمایه‌داری عمدتاً روستایی-ایلیاتی بود. روابط کار از نوع ارباب-رعیتی بود و بیش از ۸۰٪ از نیروی کار فعال، در بخش کشاورزی سنتی و دامداری اشتغال داشتند (عبدالله‌یف، ۱۳۶۰، ص ۲۳۷؛ باریر، ۱۳۶۳، ص ۶؛ فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۳؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۳۶۸ و ۳۶۹). بقیه مردم نیز به دلیل فقدان صنعت و کارخانه‌جات «به معنای اروپایی کلمه» (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۲۲؛ روزنامه مردان روز، ش ۱، (۱۳۰۳ش)، ص ۴) در سایر بخش‌ها نظیر صنایع دستی کوچک و کارگاه‌ها، و کارهای پیشه‌وری و خدمات به فعالیت مشغول بودند (جمال‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۷۷-۸۱؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). به همین علت، در این دوره کارگر صنعتی به معنای مدرن کلمه در ایران وجود نداشت (بهار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱۹؛ استادوخ، ۱۳۳۹/۶۳/۶/۱۷؛ روزنامه کار، ش ۵۱ (۱۳۰۲ش)، ص ۴).



### نمودار ۱

اقتصاد معیشتی ایران در دوره پیشاسرمایه‌داری (ترسیم شده براساس آمار و اطلاعات عرضه شده در: عبدالله‌یف، ۱۳۶۰، ص ۲۳۷؛ باریر، ۱۳۶۳، ص ۶؛ فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۳؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۳۶۸ و ۳۶۹).

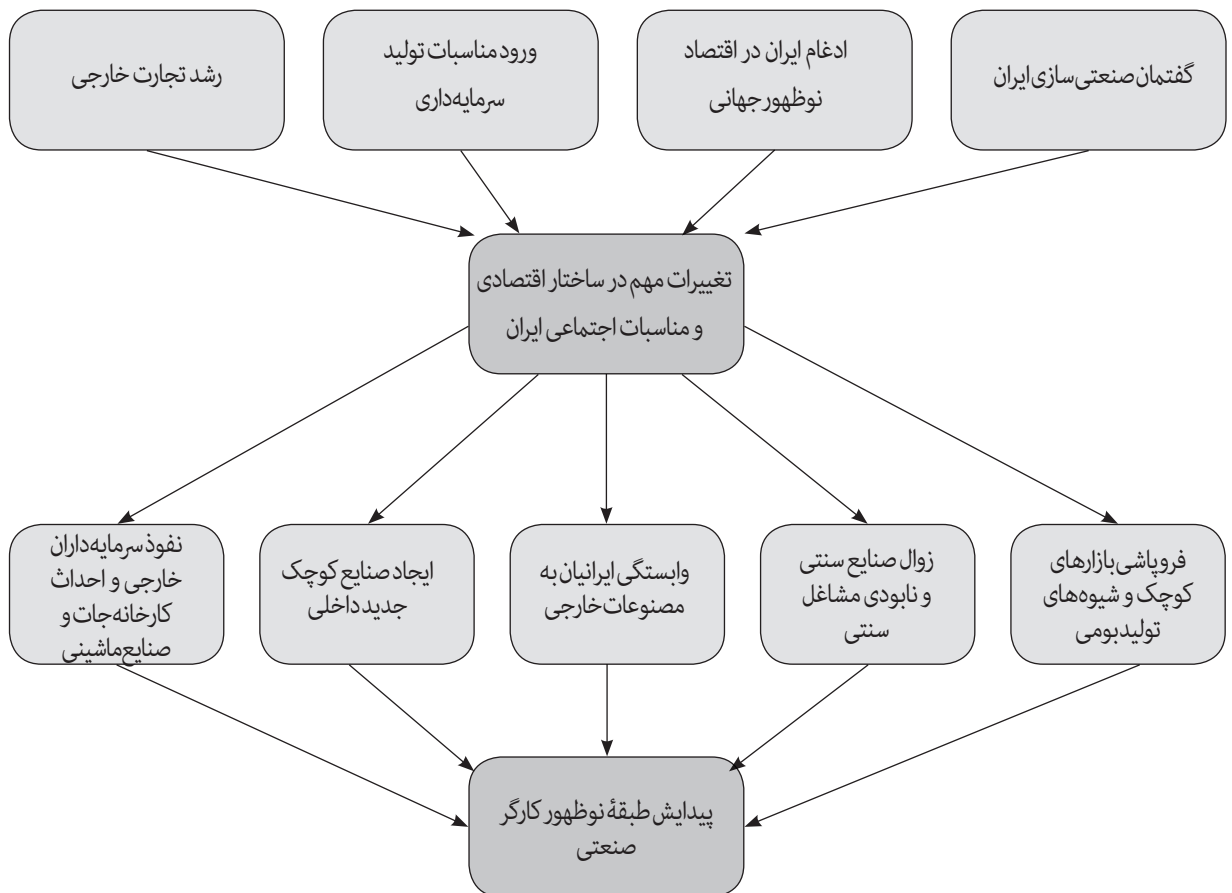
به تدریج، با ظهور گفتمان صنعتی‌سازی ایران در پی شکست کشور در جنگ‌های ایران و روس (فلور، ۱۳۷۱، صص ۳۰ و ۳۱؛ صادقی، ۱۳۸۷، صص ۲۳-۳۸)، ادغام ایران در اقتصاد نوظهور جهانی و ورود مناسبات تولید سرمایه‌داری در دهه‌های نخستین قرن ۱۴ق/ دهه‌های پایانی قرن ۱۹م، تغییرات مهمی در ساختار اقتصادی و مناسبات اجتماعی کشور پدید آمد. ادغام ایران در بازار جهانی و رشد تجارت خارجی به نوبه خود به فروپاشی بازارهای کوچک و شیوه‌های تولید بومی، زوال صنایع سنتی و از بین رفتن برخی از مشاغل سنتی، وابستگی ایرانیان به استفاده از





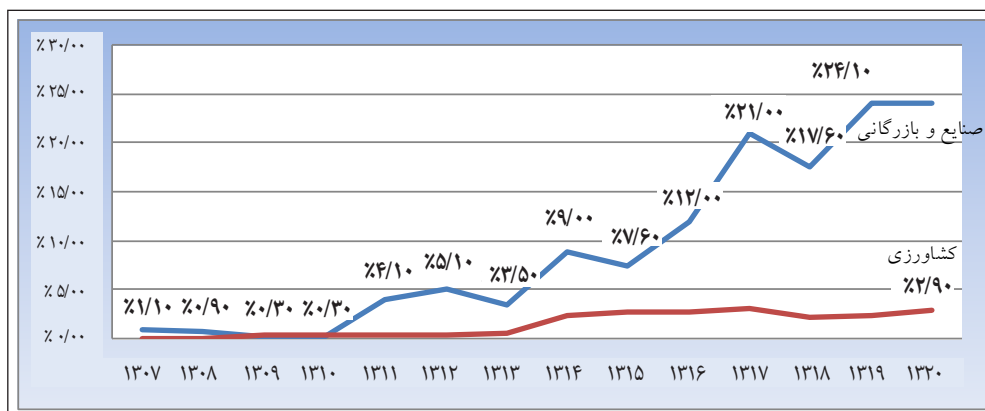
مصنوعات خارجی و ایجاد صنایع کوچک جدید داخلی و خارجی منجر شد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۹۷؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ منصوربخت، ۱۳۸۸، تابستان، صص ۱۲۴-۱۴۷).

وضعیت اقتصادی جدید به زیان صنایع خانگی، مشاغل پیشه‌وری و اقشار مختلف جامعه ایرانی منتهی شد؛ چراکه محصولات دستی و سنتی آن‌ها با انبوه اجناس ارزان‌قیمت وارداتی از اروپا قادر به رقابت نبود. ازسوی دیگر، نفوذ سرمایه‌داران خارجی به ایران و احداث کارخانه‌جات و صنایع ماشینی سبب ظهور گروه‌ها و طبقات اجتماعی جدیدی شد؛ از جمله: «طبقه نوظهور کارگر صنعتی» (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۸۹-۹۲؛ فوران، ۱۳۷۷، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ شاکری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۶۷؛ آفاری، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۷۲ و ۷۳؛ اشرف، ۱۳۹۳، ص ۶۳).



با تأسیس سلسله پهلوی در ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م و اجراشدن سیاست‌هایش مبنی بر مدرن‌سازی، سکولاریزه‌کردن جامعه و صنعتی‌کردن کشور، تغییرات مذکور شتاب گرفت. پس از تمهید مقدمات لازم برای نوسازی اقتصادی یعنی سرکوب کانون‌های قدرت محلی و گریز از مرکز و تثبیت امنیت در کشور و اصلاح نهادهای مختلف اداری و آموزشی، نوسازی اقتصادی ایران با محوریت ایجاد صنایع جدید آغاز شد. برخلاف نوسازی اداری و آموزشی که صرفاً اموری داخلی به‌شمار می‌آمدند، نوسازی صنعتی تنها جنبه داخلی نداشت و موجب ادغام روزافزون ایران در اقتصاد جهانی و گسترش طبقه کارگر در ایران شد.

با مقایسه اعتبار اختصاص داده‌شده به دو وزارتخانه صنایع و کشاورزی باهم به‌وضوح می‌توان گرایش دولت پهلوی اول را به صنعتی‌شدن مشاهده کرد. درحالی‌که اعتبار وزارتخانه صنایع و بازرگانی در طول ۱۶ سال تقریباً به مرز ۲۵٪ رسید، اعتبار اختصاص داده‌شده به وزارت کشاورزی (فلاحت) در طول این سال‌ها چندان تغییری نکرد (نمودار شماره ۲). رشد اعتبار وزارت صنایع حاکی از توسعه صنایع ماشینی و کارخانه‌جات و به‌تبع آن رشد طبقه کارگر در ایران بود. درحالی‌که تا پیش از سال ۱۳۰۴ کمتر از بیست کارخانه جدید در ایران وجود داشت، در دوره رضاشاه، تعداد کارخانه‌های مدرن صنعتی، بدون احتساب شرکت نفت، به بیش از هفده برابر رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۹، صص ۱۸۲ و ۱۸۳).



## نمودار ۲

مقایسه تطبیقی سهم درصدی اعتبار وزارتخانه‌های صنایع و کشاورزی در بودجه عمومی دولت (ترسیم‌شده براساس آماروراقم عرضه‌شده در: کاتوزیان، ۱۳۹۲، صص ۱۵۹ و ۱۷۷).

رضاشاه و مشاورانش در ابتدا، ایجاد صنایع جدید را صرفاً اقدامی در جهت استفاده از ماشین‌آلات و ابزار پیشرفته تصور می‌کردند و نوسازی صنعتی و مسائل مربوط به کارگران

۱. برای اطلاعات تفصیلی‌تر درباره رشد صنایع، کارخانه‌جات و تعداد کارگران نگاه کنید به: فلور، ۱۳۷۱، صص ۳۷ و ۳۸ و ۴۱-۴۸؛ فوران، ۱۳۷۷، صص ۳۵۱-۳۵۲.



را موضوعی داخلی می‌پنداشتند؛ ولی با رشد تمایلات کمونیستی و جنبش‌های کارگری به تدریج احساس خطر کردند. در پی تصویب ماده واحده‌ای با عنوان «قانون مجازات مُقَدِّمین<sup>۱</sup> بر علیه امنیت و استقلال مملکت» در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م از سوی مجلس، رضاشاه توانست این احزاب را سرکوب کند و حامیان آن‌ها را تحت پیگرد قرار دهد و جنبش‌های کارگری را در نطفه خفه کند (فوران، ۱۳۷۷، صص ۳۷۶-۳۷۸؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹، صص ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۹۲ و ۱۹۳؛ بیات، ۱۳۹۰، صص ۱۹۱ و ۱۹۲). این اقدامات سبب شد تا رضاشاه و کارگزارانش مسئله کارگران کارگاه‌های قدیم، به‌ویژه قالی‌بافی به‌عنوان تنها صنعت فعال کشور و کارگران صنایع جدید را موضوعی پایان‌یافته تلقی کنند؛ ولی این تصور دیری نپایید، چراکه دولت پهلوی اول با مسئله‌ای جدید یعنی دخالت اداره بین‌المللی کار در امور مربوط به کارگران ایرانی مواجه شد. نهاد مذکور دولت ایران را موظف ساخت تا در راستای تأمین حقوق شغلی، مالی، بهداشتی و آتیه کارگران قوانین مناسبی وضع کند. دولت پهلوی اول با وجود شانه خالی کردن‌های مکرر، سرانجام ناچار شد به خواسته این نهاد بین‌المللی تن دهد.

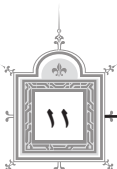
پرسش مقاله حاضر عبارت است از اینکه چه عواملی موجب شد تا رضاشاه با وجود بی‌توجهی به قوانین کارگری، در نهایت نخستین قانون کارگری ایران را در ۱۳۱۵/۵/۱ به تصویب مجلس شورای ملی برساند؟

## ۲. تأسیس اداره بین‌المللی کار و عضویت ایران

پس از خاتمه جنگ جهانی اول برای نخستین بار در کنفرانس بین‌المللی اتحادیه کارگران در شهر برن (۱۹۱۹ م) موضوع همکاری میان دولت‌ها با کارگران و کارفرمایان مطرح شد و در ۲۵ ژانویه ۱۹۱۹ م جلسه‌ای برای بررسی و تدوین قانون بین‌المللی کار تشکیل شد. در سپتامبر همین سال، اداره بین‌المللی کار اولین جلسات خود را پیش از تأسیس جامعه ملل تشکیل داد. این شتاب‌زدگی صرفاً به‌علت تأثیرات شدید و مستقیم جنگ جهانی اول بر وضعیت اجتماعی طبقه کارگر در اروپا بود. پس از امضای عهدنامه ورسای در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ م - که یکی از پیامدهای عمده آن تأسیس جامعه ملل بود - اداره بین‌المللی کار برای حفظ و تأمین منافع کارگران، اتحاد جهانی میان آن‌ها و تضمین اجرایی حقوق کارگران در کشورهای مختلف، موجودیت خود را به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی ذیل جامعه ملل اعلام کرد (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۳۳-۲/۸/۱۳۱۶ ش).

براساس بند سیزدهم عهدنامه ورسای با عنوان «لزوم تأسیس تشکیلات بین‌المللی مشاغل»، هدف عمده از تأسیس جامعه ملل «تأمین و استقرار صلح عمومی» ذکر شده بود؛

۱. اقدام‌کنندگان



ولی از نظر بنیان‌گذاران این سازمان «طرز فعلی استفاده از کارگران» و ظلم و اجحافاتى که در حق آنها می‌شود، منافی هدف جامعه ملل است و تحقق عدالت عمومی و صلح، بدون رسیدگی به وضعیت کارگران ناراضی، میسر نخواهد شد (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش)؛ بنابراین، اداره بین‌المللی کار طبق مفاد ۳۸۹ تا ۴۰۸ از بند سیزدهم عهدنامه ورسای، با تأسیس دو شعبه در ژنو و واشنگتن، به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی جامعه ملل، موظف شد تا به امور مربوط به کار و کارگری در جهان رسیدگی کند (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۱-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). از جمله وظایف اداره بین‌المللی کار - که عهدنامه ورسای ضامن حفظ و تحقق آن بود- وضع قانون در زمینه تعیین ساعت کار و حداقل دستمزد، تعطیلات هفتگی، مبارزه با بیکاری، شیوه انتخاب کارگر، تأمین بیمه اجتماعی کارگران، حمایت از کودکان و زنان کارگر، فراهم کردن وسایل آموزشی و تعلیمی و حمایت از کارگران خارجی و... می‌توان اشاره کرد (استادوخ، ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۱ و ۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲ و ۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۴ و ۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۶ و ۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۸ و ۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۰ و ۱۱-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۴-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۶-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۸-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۰-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۱-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۴-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۶-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۸-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش). این اداره هم‌چنین موظف بود تا هر ساله کنفرانسی با حضور چهار نماینده از هر کدام از کشورهای عضو شامل دو نماینده از طرف دولت، نماینده کارفرما و نماینده کارگران تشکیل دهد و در هر جلسه درباره موارد مذکور مذاکره و قراردادهایی در این باره تصویب کند (استادوخ، ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

پذیرش عهدنامه ورسای از سوی ۳۲ کشور فی‌نفسه به‌منزله عضویت این کشورها در جامعه ملل و به‌تبع آن عضویت در اداره بین‌المللی کار محسوب می‌شد و همین موضوع اعضای مذکور را به رعایت تعهداتی در قبال این اداره ملزم می‌کرد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۲ق؛ ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). از جمله این وظایف به وضع قوانین و مقررات مربوط به کارگران و فراهم کردن تسهیلاتی برای آنها (طبق بند اول ماده ۲۳ اساس‌نامه جامعه ملل) براساس شرایط داخلی کشور عضو، باید اشاره کرد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۳ق؛ ۲۸/۲۲/۶۶/۱۳۳۹ق؛ ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). طبق این بند، دولت‌ها



باید «سعی نمایند برای کار مردان و زنان و اطفال وضعیت منصفانه و عادلانه‌ای در مملکت خود و ممالکی که روابط تجارتي و صنعتی با آنها دارند ایجاد و صیانت نمایند و برای نیل به این مقصود، مؤسسات بین‌المللی لازمه را تأسیس و نگاهداری نمایند» (استادوخ، ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش).

در کل اعضای جامعه ملل به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول: اعضای اصلی این سازمان را تشکیل می‌دادند و شامل سی و دو کشوری بودند که در جنگ جهانی اول شرکت کرده و عهدنامه ورسای را نیز امضا کرده بودند. دسته دوم: متشکل از سیزده کشور از جمله ایران بود که اعضای اصلی جامعه ملل در هنگام امضای عهدنامه ورسای از آنها برای عضویت در جامعه ملل دعوت کرده بودند. دعوت مزبور از طرف دولت ایران پذیرفته شد و در ۹ دی ۱۳۰۰ ش ذیل ماده واحده‌ای در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. بدین ترتیب، ایران به عضویت جامعه ملل و به تبع آن اداره بین‌المللی کار درآمد (استادوخ، ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش). دسته سوم: کشورهایی بودند که خود درخواست عضویت می‌دادند و در صورت موافقت دوسوم اعضای جامعه ملل، با عضویت آنها موافقت می‌شد (استادوخ، ۳۰-۱۳۱۰/۸/۱۳ ش؛ ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش؛ بهار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۴).

### ۳. روابط میان ایران و اداره بین‌المللی کار پیش از دوره رضاشاه

اداره بین‌المللی کار برای برنامه‌ریزی مدون و همه‌جانبه به گردآوری اطلاعاتی جامع در زمینه کار و کارگری نیاز داشت؛ ولی از آنجاکه در ابتدای کار اطلاعات چندان دقیقی از شرایط زندگی کارگران و قوانین موضوعه مرتبط با آنها وجود نداشت (استادوخ، ۲۸-۱۳۱۰/۸/۱۳ ش)، این اداره پرسش‌نامه‌هایی را تهیه و برای دول عضو از جمله ایران ارسال کرد و تأکید کرد که برای پیشرفت هرچه سریع‌تر کار فوراً به سؤالات مزبور پاسخ دهند (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۶ ق). در پرسش‌نامه مذکور که از طریق سفارت انگلیس در تهران به مقامات ایرانی تسلیم شد، سؤالاتی درباره ساعت کار، تربیت کارگران، شیفت شب و تعطیلی کارگران مطرح شده بود (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۷ ق).

در آغاز، دولت ایران از پاسخ به سؤالات فوق اولاً به دلیل جدی‌نگرفتن اداره بین‌المللی کار و ثانیاً فقدان اطلاعات لازم در باب مسائل مربوط به کارگران در کشور، طفره می‌رفت (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۴۹ ق؛ ۱۳۳۷/۳/۱۵/۵۱ ق). پس از ملزم شدن ایران به انجام تعهدات خود در برابر اداره بین‌المللی کار - به دلیل عضویت ایران در جامعه ملل - دولت وقت در پاسخ به سؤالات مذکور بیان داشت که تاکنون رسماً هیچ قانونی از سوی دولت درباره مسائل مرتبط با کارگران، اعم از صنعتی و فلاحتی، وضع نشده است





نظامات در کارخانه‌جات و غیره قبول نماید» و نظر خود را در باب اصول فوق‌الذکر بیان کند و به تهیه اطلاعات لازم و ارائه اقدامات صورت‌گرفته درباره بهبود وضعیت کارگران در کنفرانس آتی بپردازد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷ ق). کمیسیون در خاتمه گزارش خود نیز خواهان کسب اطلاع از وضعیت اطفال کارگر در کارخانه‌جات نساجی کرمان شد و از دولت ایران خواست تا هرچه سریع‌تر اقداماتی را که در این راستا انجام داده‌است به اطلاع اداره بین‌المللی کار برساند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۴ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۵ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۶ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷، ۱ ق).

دولت ایران به درخواست اداره بین‌المللی کار مبنی بر دادن گزارشی برای جلسه سوم کنفرانس در ۲۷ اوت ۱۹۲۰ م/۵ شهریور ۱۲۹۹ ش درباره اقدامات انجام‌شده از جانب این کشور در راستای بهبود وضعیت کارگران، وقعی ننهاد؛ بنابراین، نماینده ایران به اولیای وقت خاطر نشان کرد: به دلیل فشارهای سایر دول عضو دولت نمی‌تواند برای مدت مدیدی از انجام تعهدات خود استنکاف ورزد و از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند؛ به‌ویژه آنکه امروزه بسیاری از کشورهای مترقی دارای تشکیلات پیشرفته‌ای تحت عنوان اداره یا وزارتخانه کار هستند و قوانینی را در راستای بهبود وضعیت کارگران و رفاه حال آنها در کشور خود وضع کرده‌اند و بیان داشت: «تصور نمی‌رود که دولت علیّه بالاخره بتواند خود را از تعقیب این امر معاف بدارد؛ ولی عدم اقدام در این مسئله [هم] ممکن است که نتیجه منفی حاصل نماید» (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۳ ق).

در آغاز ظاهراً دولت ایران، بنابه پیشنهادهای نماینده خود در ژنو، درصدد برآمد تا از طریق دادن وعده‌های پوچ به سازمان کار مبنی بر اتخاذ تصمیماتی در راستای بهبود وضعیت کارگران، تشکیل شورای مشاغل مرکب از ۱۵ نفر افراد خبره و بصیر با هدف تدوین نظامنامه کاری و مطالعه درباره قراردادهای بین‌المللی کار، و اختصاص بودجه صوری و حداقلی برای تأسیس اداره کار، مسئله را حل و فصل کند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۴ ق)؛ ولی از آنجاکه نمایندگان ایران در کنفرانس واشنگتن متعهد شده بودند «که دولت علیّه بلا تأخیر درصدد اصلاح حال کارگران خود برآمده و طوری خواهد نمود که در ظرف ده سال مؤسسه کارگران ایرانی را تابع مقررات و نظامات بین‌المللی قرار دهد» (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق)، هیئت‌رئیس این اداره به‌طور مکرر خواهان کسب اطلاع از اقدامات صورت‌گرفته از جانب ایران و عرضه آن در کنفرانس ژنو بود (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق).

از آنجاکه در ایران اداره‌ای وجود نداشت تا به امور مربوط به کار و کاری رسیدگی کند و در صورت لزوم اطلاعات لازم را در اختیار نمایندگان ایران برای عرضه در اداره

بین‌المللی کار بگذارد، وزارت امور خارجه از دولت خواست ضمن اختصاص بودجه، شعبه‌ای مخصوص برای رسیدگی به مسائل جامعه ملل و سازمان‌های وابسته به آن تأسیس کند؛ چراکه ندادن گزارش ازسوی ایران در کنفرانس‌های آتی سبب خواهد شد «در انظار عموم نمایندگان دول، عدم لیاقت دولت ایران در مشارکت با تأسیسات بین‌المللی مبرهن گردیده و البته نتیجه خوبی نخواهد داشت»؛ بنابراین، در کمیسیونی با حضور فروغی، نمایندگان وزارت فلاح و تجارت و وزارت امور خارجه تصمیم گرفته شد که باتوجه به اوضاع داخلی ایران شعبه‌ای در وزارت امور خارجه تأسیس شود تا پاسخگویی اداره بین‌المللی کار باشد و در موقع نیاز اطلاعات را در اختیار آن‌ها بگذارد (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق؛ ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۹ ق).

موضوع ایران بار دیگر در هفتمین جلسه هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار در اکتبر ۱۹۲۰ مطرح شد. مسئله زمانی جدی شد که این سازمان گزارش‌هایی درباره وضعیت اسفناک و بسیار بد کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی دریافت کرد؛ کارگاه‌هایی که بیشتر کارگران آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. در پی این جلسه آلبرت توماس رئیس اداره بین‌المللی کار به دولت ایران به علت اجیرکردن کودکان، وضعیت نامناسب محیط کار و مشکلات جسمانی کارگران هشدار داد و از ایران خواست به تعهداتش درقبال اداره بین‌المللی کار (طبق ماده ۲۳ قانون کار) وفادار باشد و تمام تلاش خویش را در جهت بهبود وضعیت کارگران به کار بندد. آلبرت توماس پس از مشورت با کنسول انگلیس در کرمان پیشنهادهایی را در زمینه سن به کارگماشتن اطفال، وضعیت محیط کار و ساعت کار کارگران، برای دولت ایران مطرح کرد (ططری، ۱۳۸۳، پاییز، صص ۹۵ و ۹۶).

بی‌توجهی ایران به ساعت کار و وضعیت بهداشتی کارگران و کارگاه‌های قالی‌بافی سبب شد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴ ق؛ ساکما، ۲۹۳/۶۴۴۶) که مجدداً ازسوی هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار به دولت ایران اخطار داده شود. آلبرت توماس ضمن ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران ضمن کسب اطلاع از وضعیت کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی - که بی‌پاسخ مانده بود- از دولت ایران تقاضا کرد تا «اطلاعات و پیشنهادات راجع به جهات کار در کارخانه‌ها و قوانین لازمه در اجرای سفارشات واشنگتن» را ارسال کند. هیئت‌مدیره هم‌چنین یادآور شد که طبق ماده ۲۳ قرارداد جامعه ملل و کنفرانس ۲۹ نوامبر ۱۹۱۹ م در واشنگتن دولت ایران متعهد شده است تا «وضعیات حسنه کار مردان و زنان و اطفال را تأمین نماید» و رعایت نکردن وعده‌ها و تعهدات داده شده ازسوی ایران در این باب را «مخالف اصول انسانیت» دانست (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴ ق). سرانجام هیئت‌مدیره با عنایت به اینکه «مؤسسات صنعتی در ایران





هنوز چنانکه باید و شاید به درجات تکامل نرسیده اند]» و به همین جهت ممکن است برخی مشکلات جزئی در راستای برقراری کامل ماده ۲۳ مجمع وجود داشته باشد، از مقامات ایران خواست «در مجاهدت [ی] که سایر اعضای اداره بین‌المللی مشاغل برای وضع و ایجاد قوانین موافق با مراتب عدل و نَصَفَت<sup>۱</sup> به عمل می‌آورند شرکت نمایند» و در جلسه آتی اقدامات انجام‌شده در این باره را به سمع و نظر هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار برسانند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۰؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۱؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴، ۱؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵). در نهایت نیز اعضای هیئت‌مدیره یادآور شدند: چنانچه اقدامی از سوی ایران مبنی بر انجام تعهداتش به‌عنوان یکی از اعضای اداره بین‌المللی کار انجام نشود، «به نام نیک ایران به‌عنوان یک دولت منورالفکر» خدشه وارد خواهد آمد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵).

بی‌پاسخ ماندن پیشنهادهای هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار از سوی ایران طبق معمول، سبب شد توماس طی مکاتبه‌ای با پرنس ارفع وزیرمختار ایران در ژنو (۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱م) شکایت خود را مبنی بر بی‌پاسخ ماندن نامه ارسالی اش به ایران به او اعلام کند. پرنس ارفع نیز در پاسخ، دلیل بی‌جواب ماندن نامه توماس را مشکلات مراوده میان ایران و اروپا اعلام کرد که بعضاً به گم‌شدن اصل نامه منجر می‌شود و در ضمن از اقدامات کابینه جدید<sup>۲</sup> در ایران یاد کرد که در برنامه خود موضوع اصلاح زندگی کارگران و زارعین را مدنظر قرار داده است (ططری، ۱۳۸۳، پاییز، ص ۹۶). گزارش پرنس ارفع مبنی بر دلخوری‌های آلبرت توماس و هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار، به مقامات کشور متبوعه خود سبب شد در نهایت زمامداران ایران بار دیگر تحت فشار اداره بین‌المللی کار به تدوین نظامنامه‌ای برای کارخانه‌های قالی‌بافی و بهبود وضعیت کارگران اقدام کنند.

این نظامنامه که از آن به‌عنوان اولین نظامنامه امور مربوط به کار و کارگری در سطح محدود و صرفاً مرتبط به امور کارگران شاغل در کارخانه‌های قالی‌بافی باید یاد کرد، متشکل از پنج فصل و ۲۹ ماده بود که در هر یک از فصول مربوطه به یکی از مسائل مرتبط به کار نظیر شرایط محیط کار، وضعیت بهداشت، سن و جنسیت کارگران شاغل، ساعت کار و میزان دستمزد، و نحوه اجرای این نظامنامه اشاره شده بود. در فصل اول آمده بود که کارخانه‌های قالی‌بافی باید به تصحیح و بهبود شرایط فیزیکی محیط کار بپردازند. برای نمونه به مساحت و فضای درونی کارگاه، داشتن تهویه، پنجره، و نبودن رطوبت در محیط کار اشاره شده بود. در فصل دوم این نظامنامه به اصول بهداشتی حاکم بر کارگاه و رعایت آن از جانب کارفرما و کارگر پرداخته شده است؛ مثلاً محل نشستن و استراحت کارگران متناسب باشد و اصول گرمایشی و سرمایشی و داشتن نور کافی در آن لحاظ شود.

۱. انصاف؛ عدل و داد.  
۲. در این زمان قوام‌السلطنه به‌جای سیدضیاء کابینه جدید را تشکیل داده بود.

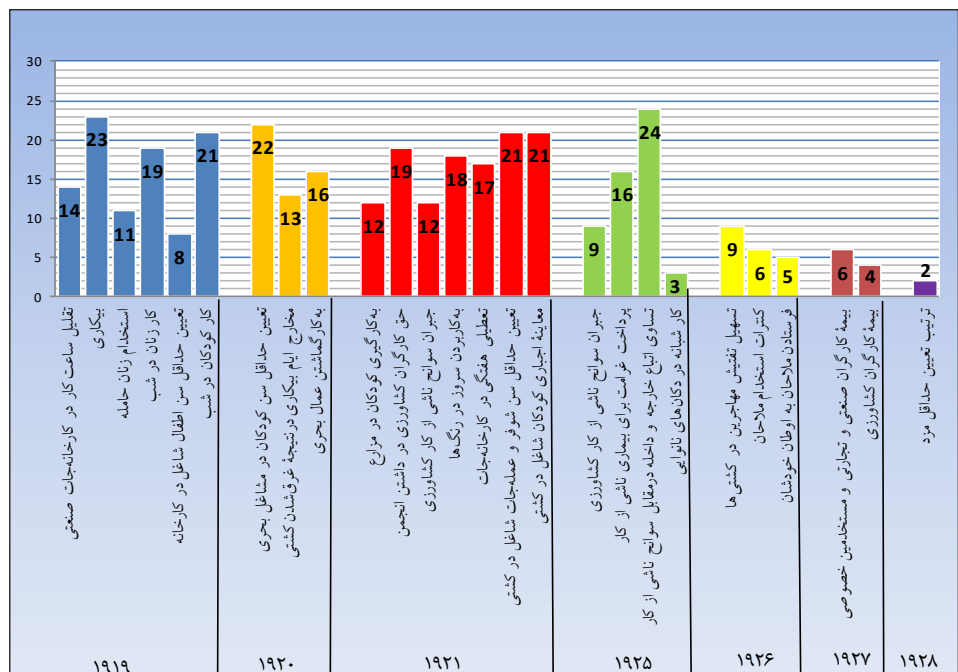
آب آشامیدنی کارگران پاک و تمیز باشد و محیط کارخانه از هرگونه بید، ساس، موریانه و سایر حشرات موزی عاری شود و صاحب کارخانه باید به هر نحوی از انجا به دفع آن‌ها بپردازد و از ورود آن‌ها به کارگاه جلوگیری کند. همه‌روزه در پایان ساعت کاری نیز کارخانه باید آب و جارو شود و به مدت یک ساعت در و پنجره‌ها برای تهویه هوای داخل کارگاه باز گذارده شود. کارگاه باید حداقل هفته‌ای یک بار ضدعفونی شود. قالی‌بافان نیز باید قبل از شروع به کار و ماهی یک بار پس از شروع به کار گواهی تأیید سلامت دریافت کنند تا مبادا به بیماری مسری دچار شوند. فصل سوم به تعیین حداقل سن اطفال اعم از دختر و پسر و جنسیت شاغلان پرداخته است و در فصل چهارم نیز به مدت کار، میزان استراحت کارگران و دستمزد آن‌ها اشاره شده است. برای کارگران ۸ ساعت کار در روز و ۴۸ ساعت در هفته در نظر گرفته شده بود و چنانچه اضافه‌کار مورد توافق کارگر و کارفرما بود، ساعت کار نباید از ده ساعت در روز و شصت ساعت در هفته بیشتر می‌شد. افزون بر این، به ازای هر ساعت اضافه‌کار باید ۵۰٪ به حقوق کارگران افزوده می‌شد. مزد کارگر نیز باید به صورت نقدی پرداخت می‌شد، مگر اینکه کارگر خودش از پرداخت دستمزد به صورت جنسی رضایت داشته باشد. در این فصل برای اولین بار در نظامنامه (مجموعه قوانین مصوب) مرتبط با امور کارگری، در صورت جراحی یا مرگ ناشی از کار پرداخت بیمه حداقلی برای کارگر و بستگانش در نظر گرفته شده بود. در فصل پنجم و آخر این نظامنامه هم به شرایط عملی کردن مفاد این قانون و ضمانت اجرایی آن اشاره شده بود (استادوخ، ۲۱-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۲-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۳-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۴-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش).

از این نظامنامه نمی‌توان به‌عنوان یک قانون جامع کارگری نام برد، چراکه اولاً این نظامنامه فقط در مجلسی متشکل از اعضای دوایر دولتی و هیئت قالیباف‌ها تنظیم و تصویب شده بود و به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده بود و ثانیاً این نظامنامه در مرحله اجرا عمومیت نداشت و حتی شامل همه کارگران قالی‌باف هم نمی‌شد و سایر کارگران شاغل در بخش‌های مختلف را نیز در نظر نمی‌گرفت. با وجود این، اداره بین‌المللی کار موفق شده بود از طریق پیگیری‌های مکرر و اعمال فشار، دولت ایران را دست‌کم وادار کند تا قوانینی حداقلی را برای کارگران صنعت قالی‌بافی که بزرگ‌ترین صنعت داخلی پویا در ایران بود در نظر بگیرد و خود را در مقابل این طبقه در حال تکوین مسئول ببیند و به فکر برنامه‌ریزی برای آینده آن‌ها باشد.



#### ۴. اعمال فشار اداره بین‌المللی کار بر دولت پهلوی اول

با وجود هشدارهای مکرر از سوی اداره بین‌المللی کار به ایران مبنی بر انجام تعهدات خود، طی این سال‌ها نماینده ایران همچنان از حضور در جلسات اداره بین‌المللی کار سر باز می‌زد و از دادن هرگونه تعهدی مبنی بر رعایت قراردادهای منعقدشده در این سازمان در زمینه امور کار و کارگری، اجتناب می‌ورزید. برای نمونه نگاهی به قراردادهای ۲۶ گانه اداره بین‌المللی کار در حداث ۱۹۱۹-۱۹۲۸ م حاکی از آن است که دولت ایران به هیچ‌وجه قصد نداشته است خود را به این قراردادها ملزم و متعهد کند؛ چراکه در هیچ‌کدام از این کنفرانس‌ها و رأی‌گیری‌های انجام‌شده نماینده دولت ایران شرکت نکرده است (استادوخ، ۳-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۴-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش). شاید هم فقدان تأسیسات صنعتی باعث می‌شد که ایران برای حضور در این جلسات ضرورتی احساس نکند. در نمودار شماره ۳ می‌توان میزان مشارکت نمایندگان دول عضو اداره بین‌المللی کار را در تصویب قراردادها و پذیرفته شدن آن‌ها از سوی دولت متبوعه‌شان مشاهده کرد:



#### تصویر ۳

میزان مشارکت دول عضو در تصویب قراردادهای اداره بین‌المللی کار به تفکیک سال و عنوان قرارداد (استادوخ، ۳-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۴-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش).

بی‌توجهی‌های مکرر ایران در عصر پهلوی در انجام تعهداتش در برابر اداره بین‌المللی کار از قبیل عرضه نکردن پیشنهادهای این سازمان به مجلس شورای ملی برای تصویب شدن، اعزام نکردن دو نماینده کارفرما و کارگر به کنفرانس سالانه و ندادن گزارش سالیانه از



وضعیت کارگران و حقوق قانونی آنها مجدداً باعث اعتراض مدیر اداره بین‌المللی کار به نماینده ایران در این سازمان شد. او تألم خویش را از این موضوع ابراز داشت و از ایران در کنار کشورهای نظیر بولیوی، جمهوری دومی نیک، حبشستان<sup>۱</sup>، گواتمالا، هندوراس، لیبریا، و پرو به‌عنوان کشورهای یاد کرد که بدون هیچ «دلیل و مانعی» در انجام تعهدات خود در قبال اداره بین‌المللی کار قصور می‌ورزند. مدیر سازمان ضمن مسامحه‌کار خواندن دول مذکور، اداره بین‌المللی کار را به دادن تذکر و پیگیری مجدد موظف دانست و معتقد بود که سرانجام دولت‌ها با توجه به تعهداتی که در قبال اداره بین‌المللی کار دارند به انجام وظایف مقرر تن خواهند داد (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۴-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

محمدعلی جمالزاده نماینده ایران در ژنو، طی چندین گزارش مراتب اعتراض مدیر اداره را به دولت متبوعه منتقل کرد. بنابه اظهارات نماینده ایران تا به حال ۳۱ قرارداد و ۳۸ توصیه‌نامه از سوی اداره پیشنهاد شده بود که اغلب آنها از سوی پارلمان اکثر دولت‌های عضو تصویب شده بود و اجرا هم شده بود؛ در حالی که در ایران حتی به مجلس شورای ملی هم تقدیم نشده بود. جمالزاده هم چنین یادآور شد که تاکنون ۱۴ دوره کنفرانس از سوی اداره بین‌المللی کار منعقد شده است؛ ولی ایران فقط برای چهار دوره نماینده فرستاده و در یک دوره هم فقط نماینده این کشور در برن به‌عنوان مستمع شرکت کرده است (استادوخ، ۵-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۶-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). نماینده ایران در پایان گزارش خویش ضمن اشاره به ماده ۴۰۵ عهدنامه ورسای مجدداً به دولت متبوعه خود یادآور شد:

«هریک از اعضاء متعهدند که در ظرف یک سال پس از ختم دوره کنفرانس و در صورتی که به ملاحظه کیفیت استثنائی یک سال کافی نباشد، منتهی در ظرف یک سال و نیم- توصیه‌نامه و یا طرح قرارداد را تقدیم مقام یا مقامات صلاحیت‌دار بنمایند تا آنها را به‌عنوان قانون بپذیرد و یا آنکه هرگونه اقدامات مقتضیه دیگر به‌عمل آید» (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

درواقع، طبق ماده ۴۰۵ عهدنامه ورسای، دول عضو اداره بین‌المللی کار موظف بودند قراردادهایی را که در این سازمان به تصویب می‌رسید در اسرع وقت در اختیار مجلس شورای ملی کشورشان بگذارند تا در صورت توافق نمایندگان مجلس تصویب، و سپس اجرا شود (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

جمالزاده در گزارش دیگری پیاده‌کردن قراردادها و توصیه‌نامه‌های اداره بین‌المللی کار را که عمدتاً به مسائل بهداشتی و تعلیمات فنی و غیره مربوط بود به نفع و صلاح خود دولت و ملت دانست؛ چراکه اولاً توسط بهترین متخصصان علمی و فنی و باتوجه به شرایط

۱. دومینیکن  
۲. حبشه



و ویژگی‌های داخلی یک کشور پیشنهاد و وضع می‌شدند و ثانیاً باعث حفظ حیثیت و اعتبار بین‌المللی دولت ایران در مقابل سایر دول عضو می‌شدند (استادوخ، ۳-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). او ضمن اظهار تأسف از اینکه از ایران هم‌ردیف با «ممالک کوچک غیر مهم مجهول‌الحالی اسم برده شود» که به تعهدات بین‌المللی خویش پایبند نیستند، به اولیای دولت خاطر نشان ساخت: درحالی‌که پنجاه و پنج دولت مهم دیگر همگی در محقق ساختن قراردادهای اداره بین‌المللی کار از یکدیگر سبقت می‌جویند، برای دولت ایران نیز عمل به این وظایف و تعهدات کارچندان سخت و دشواری نیست و به مقامات ایرانی توصیه کرد تا برای پرهیز از هر پیشامدی بهتر است ایران هم هرچه سریع‌تر پیشنهادهای اداره بین‌المللی کار را در دستور کار خویش قرار دهد تا از سوی این اداره و سایر اعضا مورد اعتراض قرار نگیرد. او در انتهای گزارش خویش مجدداً وظایف دول عضو اداره بین‌المللی کار را یادآوری کرد (استادوخ، ۴-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ استادوخ، ۵-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۶-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۸-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش).

جمال‌زاده در تشریح تعهدات ایران در قبال اداره بین‌المللی کار خاطر نشان ساخت که تبدیل طرح‌ها و پیشنهادهای این سازمان برای دول مختلف به قانون، فارغ از اینکه دارای صنعت باشند یا خیر، کار پیچیده‌ای نیست (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). اداره بین‌المللی کار نیز با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، وضعیت اقتصادی و صنعتی کشورهای مختلف، دولت‌های عضو را به پذیرش بی‌چون و چرای این طرح‌ها و تصویب آن‌ها در بازه زمانی مشخصی ملزم نمی‌کند؛ ولی نمایندگان عضو اداره بین‌المللی کار را موظف می‌کند تا قراردادهای مذکور را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی به «مقامات صلاحیت‌دار» کشور متبوعه تسلیم نمایند (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش) و دولت نیز باید این قراردادها را در اختیار مجلس شورای ملی قرار دهد تا این «توصیه‌نامه را اساس طرح‌های قانونی قرار دهند و قراردادها را بدون تصرف و اصلاحی به‌عنوان قانون مملکتی تصویب نمایند» و در صورتی که دولت «به‌علت عدم تناسب با موقعیت اجتماعی و صنعتی ایران تصویب آن‌ها را مقتضی نشمارد»، نظرات خود را به مجلس شورای ملی اعلام کند تا برای آن چاره‌ای بیندیشند (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۸-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). جمال‌زاده در خاتمه‌نامه نیز از دولت خواست که طی گزارشی اولاً به اداره بین‌المللی کار تذکر دهد که دلیل کوتاهی ایران از اعزام نمایندگان کارفرما و کارگر به این اداره و عملی نکردن پیشنهادهای آنان صرفاً به دلیل نبود تشکیلات صنعتی در ایران بوده‌است و به محض شکل‌گیری مؤسسات صنعتی به تعهدات خویش در قبال سازمان جامع عمل خواهد پوشاند (استادوخ، ۵-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش)؛ ثانیاً اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته از جانب ایران در راستای

همکاری با اداره بین‌المللی کار نظیر تأسیس نمایندگی دائمی و یا ایجاد دفتر مخصوص در یکی از وزارت‌خانه‌ها و... را به این اداره اعلام کند (استادوخ، ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). او هم‌چنین یک بار دیگر قراردادهای مصوب اداره بین‌المللی کار را با عنایت به اینکه این اداره به شرایط خاص صنعتی و کشاورزی ایران و مسائل مربوط به کار و کارگر توجهی ویژه دارد، حتی اگر در حال حاضر زمینه اجرای برخی از این مصوبات مهیا نباشد، در بلندمدت به نفع خود ایران خواند. او معتقد بود در نهایت ایران نیز با توجه به این که پنجاه و چهار عضو دیگر اداره بین‌المللی کار این قراردادها را پذیرفته‌اند، مجبور خواهد شد برای تنظیم امور صنعتی و فلاحتی خویش این قراردادها را به کار بندد. از نظر او بهتر بود ایران از وضع قوانین جدید در این راستا بپرهیزد و مصوبات اداره بین‌المللی کار را ملاک و معیار قوانین مصوب خود قرار دهد؛ چراکه با این کار مانع اعتراض سایر دول عضو و هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار می‌شود (استادوخ، ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). جمال‌زاده در نهایت نیز آمادگی خود را برای ترجمه سی و یک قرارداد و سی و هشت توصیه‌نامه تصویب‌شده در ادوار چهارده‌گانه اداره بین‌المللی کار اعلام کرد (استادوخ، ۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

دولت ایران در راستای تعهدات خویش به اداره بین‌المللی کار مبنی بر تأسیس اداره کار در تهران و پاسخگویی به مطالبات این اداره، از نماینده خود در ژنو خواست تا نسخه‌ای از قانون کار ترکیه و مصر را که در همین راستا تهیه و تنظیم شده و برای اداره بین‌المللی کار فرستاده شده بودند به وزارت امور خارجه ارسال کند تا مطالعه و بررسی شوند (استادوخ، ۱-۱۱/۷/۱۳۱۲ش؛ ۲-۱۱/۷/۱۳۱۲ش؛ ۵-۱۱/۷/۱۳۱۲ش). در میان نسخه‌های ارسالی، قانون کار مصر از آنجاکه با وضعیت ایران به لحاظ اقتصادی و اجتماعی بیشتر شباهت داشت و با مشورت اعضای برجسته اداره بین‌المللی کار تنظیم شده بود مدنظر مقامات ایرانی قرار گرفت (استادوخ، ۵-۱۱/۷/۱۳۱۲ش). براساس قانون کار ارسالی، اداره کار در کشور مصر به انجام وظایفی نظیر بررسی وضعیت بهداشتی و سلامت کارخانه‌جات، جلوگیری از اشتغال اطفال به کارهای خطرناک، قانون کار زنان، تهیه لوایح قانونی در زمینه صنعت و تلاش در راستای عملی ساختن آن، بهبود و برقراری روابط حسنه میان کارگر و کارفرما، بهبود وضعیت کارگران در زمینه تهیه مسکن و تعلیم و تربیت آن‌ها، تحقیق در باب علل بیکاری و مهیا کردن بسترهای لازم برای تأمین اشتغال، گردآوری آمار و انجام سرشماری‌های موردنیاز، تحقیق درباره ساعت کار، دستمزد و بیمه کارگران می‌پرداخت (استادوخ، ۲-۱۱/۷/۱۳۱۲ش؛ ۴-۱۱/۷/۱۳۱۲ش؛ ۵-۱۱/۷/۱۳۱۲ش؛ ۶-۱۱/۷/۱۳۱۲ش).

در ایران اگر از مقررات خصوصی و تلاش‌های محدودی که از سوی برخی از



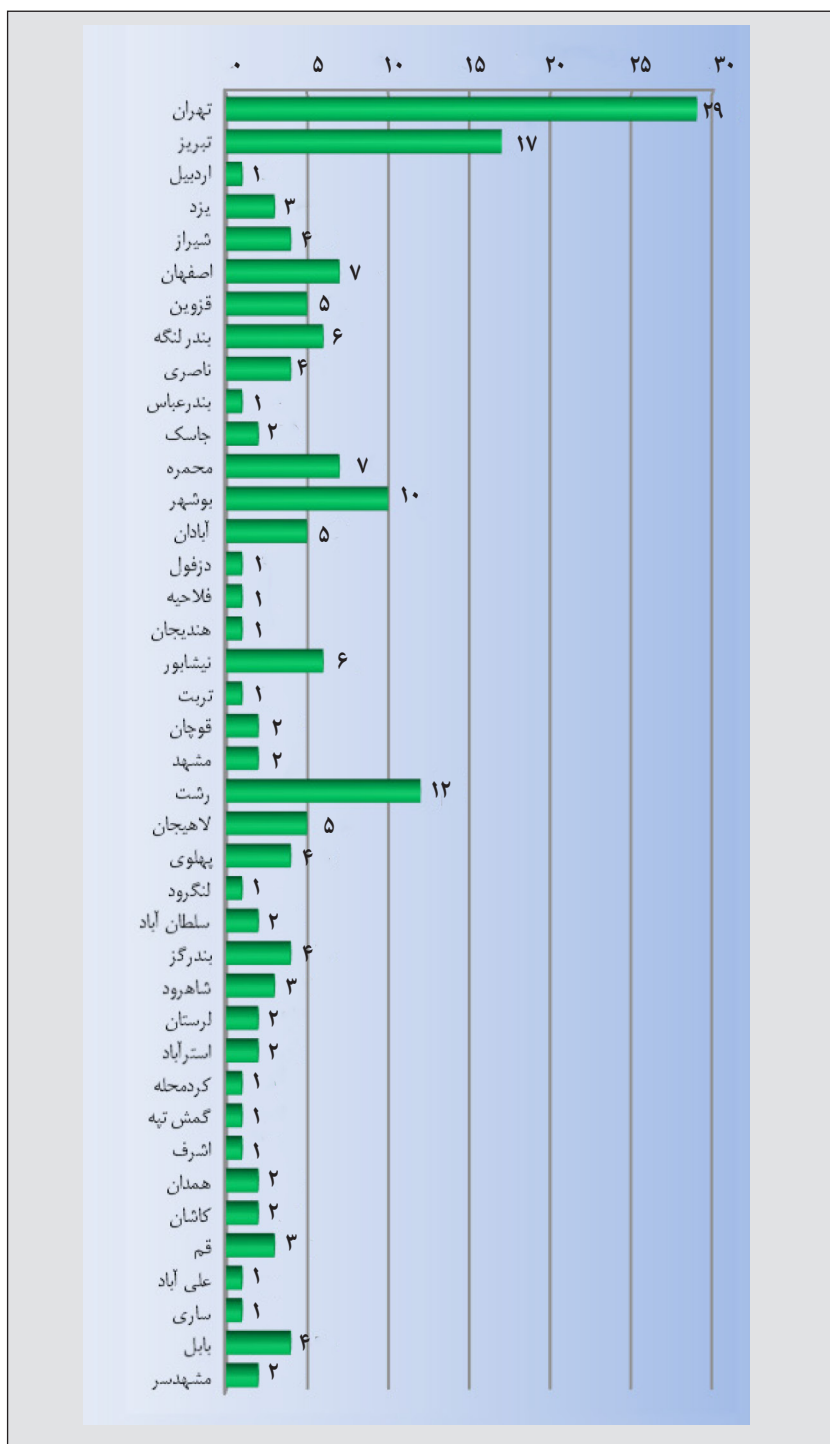
مؤسسات، کارگاه‌ها و وزارت‌خانه‌های دولتی برای حمایت از کارگران وضع شده بود صرف‌نظر کنیم (برای مثال نگاه کنید به: «نظامنامه کارگران مطابع طهران» در سال ۱۲۹۷: ساکما، ۲۷۸۱-۲۹۷؛ دستور سردار سپه مبنی بر «لزوم مراعات حفظ‌الصحه و بهبودی شرایط کارگران کارخانه‌جات قالی‌بافی» در سال ۱۳۰۲: ساکما، ۵۵۰۷-۲۹۳؛ اولین نظامنامه کارگری تهیه‌شده در سال ۱۳۰۶ از سوی وزارت فواید عامه: ساکما، ۶۱۷۸/۲۴۰)، به اقدام وزارت طرق و شوارع در تدوین «نظامنامه صندوق احتیاط» و تصویب آن در ۹ مرداد ۱۳۱۰ش باید به‌عنوان نخستین تکاپوهای رسمی دولت ایران در جهت حمایت از حقوق کارگران اشاره کرد.

این نظامنامه چهارده ماده‌ای که صرفاً به موضوع بهداشت کارگران و کارخانه‌جات و بیمه‌های اجتماعی کارگری معطوف می‌شد (استادوخ، ۱/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۲/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۳/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۴/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۵/۲۷/۱۳۱۷/ش)، تنها شامل حال کارگران وزارت طرق و شوارع می‌شد و کارگران سایر بخش‌ها از این امتیاز حداقلی نیز محروم بودند. براساس این نظامنامه از جمله خدمات حمایتی صندوق احتیاط وزارت طرق و شوارع به کارگران عبارت بود از: «مراقبت صحی عمله‌ها و کارگران روزمزد و معالجه و مداوای آنان» که در اثر حوادث و امراض ناشی از کار رخ داده بود؛ «پرداخت غرامت نقدی» به کارگرانی که درحین کار یکی از اعضای خود را از دست داده بودند؛ و «کمک نقدی معادل سه سال آخرین حقوق» به ورثه کارگرانی که درحین کار فوت می‌کردند (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰).

این مصوبه تا سال ۱۳۱۱ش در کشور اجرا می‌شد. با توجه به گسترش واحدهای صنعتی و کارخانه‌جات موجود در سایر شهرها (نمودار ۴)، و آغاز پروژه ساخت راه‌آهن در ایران و مشغول‌شدن تعداد زیادی کارگر در این بخش خدماتی و از آنجاکه دولت رأساً کارخانه‌جاتی را اداره می‌کرد و مهم‌ترین کارفرما در کشور محسوب می‌شد، دولت درصدد برآمد تا خدمات حمایتی صندوق احتیاط را که تا آن زمان فقط شامل حال کارگران وزارت طرق و شوارع می‌شد به کارگران دیگر هم تعمیم دهد؛ بنابراین براساس تصویب‌نامه‌ای که در مورخ ۱۳۱۲/۲/۱۴ موردصحه هیئت‌وزیران قرار گرفت، علاوه بر کارگران وزارت طرق و شوارع، سایر کارگران و کارکنان کنتراتی و روزمزد شاغل در کارخانه‌جات دولتی و بنگاه‌های صنعتی و معادن، شیلات و راه‌آهن نیز از مزایای صندوق احتیاط برخوردار شدند (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰؛ ۴۶۳۶/۲۹۰۰۰). چندین بار جرح و تعدیل‌هایی در این نظامنامه انجام شد و پس از افزوده‌شدن کارگران سایر بخش‌ها به صندوق احتیاط، مفاد جدیدی به این نظامنامه اضافه شد (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰).

۱. مطابع چاپخانه‌ها؛ جمع مطبعه و مطبع.





### نمودار ۴

فهرست توزیع و پراکندگی کارخانه جات  
 موجود براساس تعداد در هر شهر  
 (۱۳۱۱ ش)  
 (ترسیم شده براساس آماروارقام عرضه شده  
 در: فلور، ۱۳۷۱، صص ۶۱-۶۶).





از طرف دیگر، در سال ۱۳۱۲ش در جریان سفر هیئت اعزامی اداره بین‌المللی کار به ایران، این هیئت با آقای زرین‌کفش - کفیل وقت وزارت داخله - وارد مذاکره شد و هم‌چنین درباره لزوم و مزایای تأسیس اداره کار در تهران و وضع قانون جامع کار با اعضای این وزارت‌خانه وارد مذاکره شد. اعضای مذاکره‌کننده از این پیشنهاد استقبال کردند؛ ولی از هیئت اعزامی خواستند که درخواست خود را کتباً برای مقامات دولت شاهنشاهی ارسال کنند. در همین زمان جمال‌زاده نماینده ایران در اداره بین‌المللی کار در تشریح وظایف اداره کار طی نامه‌نگاری خویش به مقامات ایران خاطر نشان کرد: در تمام ممالک مترقی و پیشرفته علاوه بر وزارت‌خانه مرتبط با صنایع و کشاورزی، وزارت‌خانه جداگانه دیگری وجود دارد که به امور مربوط به کار و کارگری اختصاص داده شده است که از جمله وظایف اساسی آن وضع و اجرای قوانینی برای بهبود وضعیت کار و کارگران است که به مجموع آن‌ها «کُد کار» می‌گویند. او هم‌چنین خاطر نشان کرد: چنانچه در کشوری نظیر ایران تعداد کارگران مشغول به کار در صنایع و کشاورزی در حد و اندازه تأسیس وزارت‌خانه‌ای مستقل نباشد آن کشور به گشایش دفتری به نام «اداره کار» اکتفا خواهد کرد و آن را بنابه میل اولیای دولت جزو یکی از وزارت‌خانه‌ها قرار خواهد داد که «برای تحقیق در امور کار و تهیه لوایح قانونی و اجرای قوانین و مقررات موضوعه و تفتیش و نظارت مجهزتر از سایر وزارت‌خانه‌ها» خواهد بود (استادوخ، ۳-۱۱/۷/۸/۱۳۱۲ش). افزون بر این، جمال‌زاده برای تشویق و ترغیب دولتمردان ایرانی در تسریع روند مذکور مبنی بر تأسیس اداره کار در ایران و وضع قوانینی برای رفاه حال کارگران به اولیای وقت گوشزد کرد که حتی دولت عراق هم که کشوری تازه تأسیس است و تازه یک سال است به عضویت جامعه ملل و اداره بین‌المللی کار درآمده، برای بهبود و رفاه حال کارگران و زارعان خویش به تأسیس اداره کار و وضع قوانینی در این راستا اقدام کرده است (استادوخ، ۵-۱۱/۷/۸/۱۳۱۲ش). او ضمن الحاق ترجمه دو نسخه از تمام قراردادهای توصیه‌نامه‌های مصوب اداره بین‌المللی کار (استادوخ، ۱۶/۳/۸/۱۳۱۳ش) به گزارش خویش، در پایان نامه ارسالی خود در تیر ۱۳۱۳ش وظایف اداره کار را چنین برشمرد:

الف. تحقیق و بررسی در باب وضعیت صنعتی و کشاورزی کشور و کارگران شاغل در این بخش و ارزیابی شرایط و کیفیت محل کار؛

ب. دادن پیشنهادها و طرح‌های قانونی و تدوین نظامنامه‌هایی در زمینه: تعیین ساعت کار، تعطیلات هفتگی، میزان دستمزد پرداختی، حفظ و تأمین سلامت و بهداشت کارگران، حل و فصل مناقشات میان کارگر و کارفرما و دهقان و مالک، تعیین و ترتیب وضعیت زنان و اطفال کارگر، شیفت کاری در شب، آموزش و تعلیمات فنی به کارگران، تأسیس

شرکت‌های تعاونی، بیمه کارگران و کارگران مهاجر؛  
ج. ضمانت اجرایی قوانین موضوعه در زمینه کار و کارگری از سوی اداره بلدیة  
(شهرداری)؛

د. نظارت بر اجرای صحیح و اصولی قوانین وضع شده به کمک مأموران شهرداری،  
مالیه و حکومتی؛

ه. حفظ مناسبات و تداوم روابط با اداره بین‌المللی کار و دادن گزارش‌های سالیانه  
به کنفرانس و پاسخگویی به سؤالات مطروحه از جانب آن سازمان و مطالعه و بررسی  
قراردادهایی که هر ساله از سوی اداره بین‌المللی کار وضع و تصویب می‌شود و تقدیم  
این لوایح به مجلس شورای ملی اعم از اینکه مجلس بپذیرد یا رد کند (استادوخ،  
۵-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ ش؛ ۶-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ ش).

چنانچه اشاره شد باوجود تغییراتی که در نظامنامه صندوق احتیاط وزارت طرق و  
شوارع انجام شد، این نظامنامه دیگر پاسخگوی نیازهای صنعت روبه‌رشد ایران و افزایش  
تعداد کارگران ایرانی نبود. سرانجام دولت در اثر فشارهای وارده از جانب اداره بین‌المللی  
کار و برای پاسخگویی به نیازهای برآمده از توسعه و رشد کارخانه‌جات و کارگران، در  
۱۳۱۵/۵/۱ ش به تصویب «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات» دست زد.

نماینده ایران در بیستمین کنفرانس اداره بین‌المللی کار، این سازمان را از تصمیم  
کشور ایران و توجه خاص رضاشاه به تصویب قوانینی در راستای بهبود وضع کارگران  
باخبر ساخت (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۶۵ ش). دولت ایران در گزارش ارسالی به نماینده  
خود در اداره بین‌المللی کار ضمن اشاره به توجهات رضاشاه به موضوع کارخانه‌جات و  
صنایع و دستور او مبنی بر وضع قوانین و مقرراتی در جهت بهبود وضعیت کارگران اظهار  
داشت: از آنجاکه «هنوز تشکیلات صنعتی به حدی نرسیده که تمام مقررات دفتر بین‌المللی  
مشاغل را بتوان در این کشور اجرا نمود»، بنابراین دولت ایران به تهیه و تدوین «نظامنامه  
کارخانه‌جات و مؤسسات» اقدام کرده و نسخه‌ای از آن را به اداره بین‌المللی کار تحویل  
داده است (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۸۰ ش). هم‌چنین دولت ایران به اداره بین‌المللی کار  
وعده داد تا در آینده پس از مطالعات و بررسی‌های تکمیلی در اطراف موضوع، با توجه به  
مقتضیات کشور ایران به وضع قوانین جامع‌تری اقدام کند و در این راستا از نظرات اداره  
بین‌المللی کار نیز بهره‌مند شود (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۸۰ ش).

این نظامنامه شامل ۹ فصل و ۶۹ ماده می‌شد. در هر فصل به یکی از مسائل مربوط  
به کارخانه‌جات و کارگران پرداخته شده بود: فصل اول و دوم نظامنامه به تأسیس  
کارخانه‌جات، شرایط بهداشتی و رعایت اصول ایمنی در آن‌ها اختصاص داده شده بود.



فصل سوم به سلامت و بهداشت کارگران و محیط کاری آنها پرداخته بود. فصل چهارم و پنجم به ترتیب با عنوان «تکالیف صاحب‌کار» و «در تکالیف مزدوران» به تنظیم روابط میان کارفرما و کارگر و حقوق این دو در قبال هم پرداخته بود. فصل ششم به حوادث ناشی از کار و غرامت پرداخت شده از سوی کارفرما می‌پرداخت. فصل هفتم به موضوع نظارت وزارت صنعت و معدن اشاره می‌کرد و فصل هشتم و نهم نیز به برخی از مقررات عمومی و میزان فراگیری این نظامنامه اشاره داشت (ساکما، ۲۴۰/۹۴۰۳۱؛ ۲۴۰/۳۲۵۱۱). اگرچه این نظامنامه چنانکه الول ساتن نیز اشاره کرده است: «اولین قانونی بود که دولت ایران برای بهبود اوضاع کارگران از مجلس شورای ملی گذراند» و وضع کارگران را تاحدی بهبود داد (ساتن، بی‌تا، ص ۳۰۷)، ولی هنوز ناقص بود و تا تبدیل شدن به قانون کار بسیار فاصله داشت. این قانون در قیاس با قانون کار مصوب در مصر و ترکیه نیز در درجه نازل‌تری قرار داشت. در حالی که در قانون کار مصر که مورد عنایت مقامات ایرانی قرار گرفته بود به کارگران توجه بیشتری شده بود، در «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات» چنانکه از نام آن هم هویداست بیشتر به مسائلی توجه شده بود که به پیشرفت صنعت و دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما در کشور منجر می‌شد. برای نمونه به دلیل نوبابودن صنایع و کارخانه‌جات ایران و نیاز به نیروی کارگر برای ساعات طولانی، به ساعت کار روزانه و اضافه‌کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، حداقل دستمزد، و تعیین حداقل سن کار برای کودکان که جزو مهم‌ترین قوانین حمایتی در راستای بهبود وضعیت کارگران بود توجهی نشده بود و بیمه‌های اجتماعی کارگران تنها شامل حوادث ناشی از کار می‌شد و برای زنان کارگر هم به حقوق حداقلی اکتفا شده بود. چنانکه ساتن نیز به درستی اشاره می‌کند: دولت در وضع و تصویب این قانون دقت زیادی به عمل آورده بود و مفادش بسیار سخت‌گیرانه بود و هرگونه آزادی عملی را محدود می‌کرد و هرگونه جنبش و اعتصاب کارگری را غیرقانونی اعلام کرده بود (ساتن، بی‌تا، ص ۳۰۷). برخی از محققان مدعی شده‌اند که حتی همین قانون هم فقط بر روی کاغذ ماند و صورت اجرایی نیافت (لاجوردی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵).

با وجود این، اداره بین‌المللی کار در شرحی که درباره «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات صنعتی»، مصوب ۱۳۱۵ ش، به وزارت امور خارجه ایران نوشت و آن را در نشریات این اداره به چاپ رساند، از دولتمردان ایران به دلیل وضع این نظامنامه حداقلی و اعمال قراردادهای توصیه‌های مصوب در اداره بین‌المللی کار در این نظامنامه جدید تقدیر و تشکر کرد. وزارت امور خارجه نیز در پاسخ به اداره بین‌المللی کار اعلام کرد: نظر به اینکه تجربیات و مطالعات کاملی در این سازمان درباره امور کار و کارگری انجام

شده است و از آنجاکه موضوع کار و کارگر در ایران با عنایت به توسعه روزافزون صنایع اهمیتی فراوان دارد، دولت ایران به دلیل عضویت در اداره بین‌المللی کار در آینده نیز خود را به رعایت و اعمال قراردادها و توصیه‌های ابلاغی از سوی این سازمان موظف می‌داند (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۵/۶ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۵/۹ ش). البته شواهد و قرائن حاکی است که دولت ایران همچنان در انجام برخی از تعهداتش در برابر اداره بین‌المللی کار و فرستادن نمایندگان مستقل کارگر و کارفرما به این اداره بعضاً قصور ورزیده و باعث اعتراض اداره بین‌المللی کار به نمایندگی ایران در سال‌های بعدی شده است.

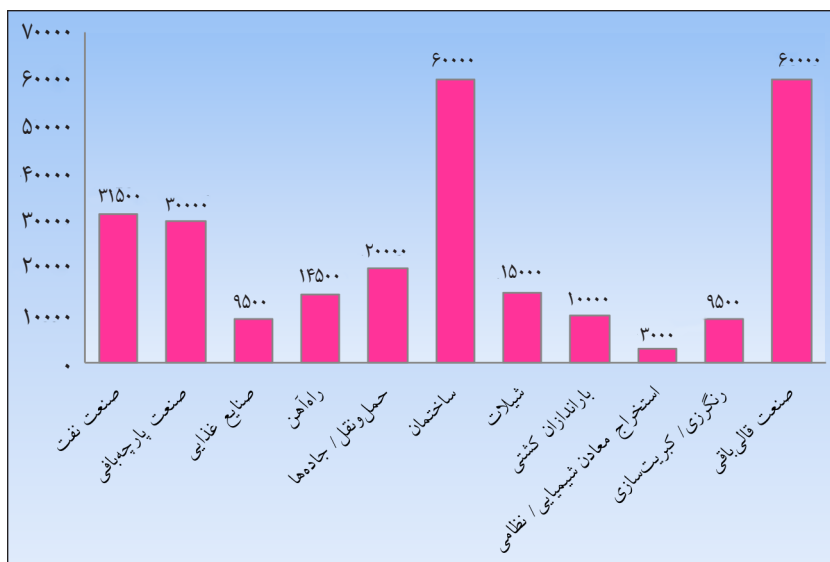
دولت ایران در پاسخ به این اعتراضات، به نمایندگی خود در ژنو خاطر نشان کرد: از ۱۸ سال پیش تاکنون که اداره بین‌المللی کار تأسیس شده و ایران به آن ملحق شده است، بالغ بر ۵۳ طرح قرارداد و ۴۸ سفارش از سوی این سازمان در ۸۰ مجلد وضع شده است. از نظر مقامات ایران بررسی و مطالعه کامل این مصوبات و تطبیق آن با وضعیت ایران به دلیل نبود اطلاعات و مهیا نبودن شرایط در ایران به صرف وقت بیشتری نیاز دارد. افزون بر این، دولت ایران فاقد تشکیلاتی است که قادر باشد نمایندگان کارگر و کارفرما را هر ساله راهی کنفرانس کند. دولت در نهایت اشاره کرد: تنها کاری که می‌تواند بکند این است که سفارش‌ها و طرح قراردادهایی را که اداره بین‌المللی کار از امسال به بعد تهیه و تدوین می‌کند، بدون آنکه آن اداره انتظار داشته باشد فوراً متمر ثمر واقع شود، مطالعه و بررسی خواهد کرد. در نهایت نیز خاطر نشان کرد که همین کار نیز به دلیل نبود اداره‌ای مخصوص و اعضای کافی و کاردان کاری چندان سهل و ممکن نیست. برای نمونه دولت ایران وضعیت اتاق جامعه ملل در وزارت امور خارجه ایران را آن قدر اسفبار می‌داند که امکان تهیه اوراق لازم برای پاسخگویی به درخواست‌های اداره بین‌المللی کار را عملاً ناممکن می‌داند (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۱۱/۳ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۴ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۵ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۶ ش).

چنانکه اشاره شد ایران در سال‌های بعدی هم همچنان در انجام برخی از تعهدات خود در قبال اداره بین‌المللی کار قصور می‌ورزید و از اعزام نماینده و در اختیار قراردادن همه اطلاعات به این اداره خودداری می‌کرد و بررسی آن‌ها را خارج از حوزه اختیارات اداره بین‌المللی کار می‌دانست (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۹/۳ ش). برای نمونه دولت ایران یک بار به درخواست اداره بین‌المللی کار مبنی بر تقلیل ساعات کار معادن واقعی نهاد و ابراز داشت «که نماینده داشتن در آن چندان به صلاح ما نیست» (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۹/۳ ش). هم‌چنین در باب موضوع آزادی اقتصادی زنان کارگر اعلام داشت که «این موضوع فعلاً در ایران چندان موضوع مبتلا بهی نیست» و به همین بهانه از حضور در اجلاس خودداری ورزید (ساکما، ۲۹۷/۱۹۱۳۲). با وجود این، عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار و دریافت



مصوبات این سازمان، در راستای بهبود وضعیت کارگران بسیار ذی‌نقش بود. عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار به‌رحال سبب آگاهی هرچه‌بیشتر ایرانیان از قوانین بین‌المللی مصوب در زمینه کار و کارگران می‌شد و مسئولان می‌توانستند از تجربیات این اداره در راستای وضع قوانین جدید کارگری در ایران بهره‌مند شوند. افزون بر این، عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار و فشار مجامع جهانی ایران را ملزم به رعایت برخی تعهدات می‌کرد که می‌توانست در بلندمدت مفید واقع شود. مقامات ایرانی که نمی‌خواستند در سطح بین‌المللی از ایران بانام کشوری یاد شود که در قبال تعهدات خود در عرصه جهانی کوتاهی می‌کند و این را مایه وهن نظام می‌دانستند، دست‌کم سعی می‌کردند تا سرحد امکان پیشنهادها و توصیه‌های اداره بین‌المللی کار را در دستور کار خویش قرار دهند و آن‌ها را محقق سازند. مثلاً در پی درخواست اداره بین‌المللی کار از ایران برای دادن فهرستی از نیروی کار با هدف تدوین برنامه‌ای دقیق و واقع‌بینانه با توجه به وضعیت دول عضو، برای اولین بار دولت به‌طور جدی به آماری و تعیین وضعیت مشاغل اقدام کرد (استادوخ، ۱۳۱۷/۸/۹/۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۵؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۷؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۸؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۲؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۵؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۳۷؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۷). این آمار و ارقام مبنایی برای تدوین اولین سال‌نامه دقیق آماری از تعداد صنایع و کارخانه‌جات و تعداد کارگران شاغل در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی و پایه و اساس تهیه و تدوین اولین قانون کار (در سال ۱۳۲۸ش) در ایران شد.

با سقوط رضاشاه و اشغال ایران به‌دست متفقین، از یک‌سو فضای سیاسی کشور باز شد و احزاب، گروه‌ها و فعالان سیاسی مجدداً به تکاپو افتادند و از سوی دیگر، به‌دلیل بی‌ثباتی اقتصادی حاکم بر کشور در سال‌های پس از جنگ و افزایش بی‌رویه قیمت کالاها، کارگران به‌عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌لحاظ معیشتی تحت فشار زیادی قرار گرفتند. این موضوع به‌نوبه خود سبب شد تا احزاب چپ و کارگران سرکوب‌شده در دوران سلطنت استبدادی رضاشاه، یک بار دیگر باهم متحد شوند. احزاب و فعالان سیاسی چپ از شهریور ۲۰ به این‌سو، درصدد برآمدند تا طبقه کارگر را که در اثر سیاست‌های اقتصادی دولت پهلوی اول بر تعداد آن‌ها افزوده شده بود و در مجموع به‌همراه شاغلان بخش صنایع سنتی به ۵۱۳۰۰۰۰ تن می‌رسیدند (نمودار ۵)، جذب کنند.



## نمودار ۵

توزیع کارگران در بخش‌های مختلف صنعتی (به استثنای ۲۵۰ هزار فرد شاغل در صنایع سنتی) (ترسیم شده براساس آمار و ارقام عرضه شده در: فلور، ۱۳۷۱، ص ۴۴).

کارگران نیز به‌طور متقابل به‌لحاظ نظری به حامیانی نیاز داشتند که بتوانند آن‌ها را در راستای بهبود وضعیت و پیگیری مطالباتشان در جامعه یاری کنند. این نیاز متقابل در حدفاصل ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش باعث پیوند عمیق میان احزاب چپ و کارگران به‌عنوان نیروهای فعال در صحنه شد. در نتیجه، کارگران توانستند از طریق اعمال فشار احزاب چپ‌گرا بر دولت، به‌ویژه حزب توده، به کسب امتیازاتی مهم در این دوره نائل آیند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وضع قانون جامع کار در سال ۱۳۲۸ش در ایران اشاره کرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

با تأسیس دولت پهلوی نوسازی رسمی در ایران آغاز شد. پس از تأمین و تثبیت امنیت در ایران، بر نوسازی اداری و آموزشی به‌عنوان اموری داخلی اهتمام شد. رضاشاه در این امور کاملاً مبسوط‌الید عمل می‌کرد و حتی از سوی قدرت‌های خارجی نیز تأیید می‌شد؛ ولی با آغاز و ادامه نوسازی صنعتی دایره موضوع از داخل به خارج کشیده شد و دولت رضاشاه از سوی اداره بین‌المللی کار تحت فشار قرار گرفت. با توصیه و سپس تکلیف اداره بین‌المللی کار، دولت ایران به وضع قوانین کارگری موظف شد. با وجود ورود به عرصه مدرنیسم صنعتی، دولتمردان ایرانی در آغاز به تدوین و وضع قوانین کارگری توجه و گرایش چندانی نداشتند. عقب‌ماندگی اقتصادی ایران و فقدان طبقه کارگر صنعتی از یک‌سو و ناسازگاری رضاشاه با احزاب چپ‌گرا، به‌عنوان حامیان اصلی حقوق طبقه کارگر



از سوی دیگر، در تعلق هرچه بیشتر او برای وضع قانون کار در ایران نقش داشت. دولت و سیاست‌گذاران عصر پهلوی اول در صدد بودند تا همچنان مناسبات کارگر و کارفرما را در مجرای دوران سنت به پیش ببرند؛ ولی سرانجام دولت در برابر فشارهای اداره بین‌المللی کار تسلیم شد و مجبور شد تا نخستین قانون کارگری ایران را به تصویب مجلس برساند.

## منابع

### اسناد

#### اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

##### ۱۳۳۷ ق

کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۶؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۷؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۴۹؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۰؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۱؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۲.

##### ۱۳۳۹ ق

کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۱۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۱۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۶؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۷؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۷، ۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۲؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۰؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۴، ۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۵، ۱؛ کارتن ۶۳، پرونده ۶، شماره ۱۷؛ کارتن ۶۶، پرونده ۲۲، شماره ۲۸؛ کارتن ۶۶، پرونده ۲۲، شماره ۲۹.

##### ۱۳۱۰ ش

کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳-۱۱؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴-۱۱؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۶-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۷-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۸-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۹-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲۸-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲۹-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۰-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۱-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۲-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۳-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۴-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۱ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۶ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۷ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۸ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۹ و ۲-۴۶.



### ۱۳۱۱ ش

کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۲-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۳-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۴-۱۶۲؛  
کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۵-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۶-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱،  
۲۱-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۲-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۳-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱،  
شماره ۲۴-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۵-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۶-۱۶۲؛ کارتن ۱،  
پرونده ۱، شماره ۲۷-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۸-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۹-۱۶۲.

### ۱۳۱۲ ش

کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۱-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۲-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۳-۱۱؛ کارتن  
۷، پرونده ۸، شماره ۴-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۵-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۶-۱۱.

### ۱۳۱۳ ش

کارتن ۸، پرونده ۳، شماره ۱۶.

### ۱۳۱۵ ش

کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۶۵؛ کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۸۰.

### ۱۳۱۶ ش

کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۲-۳۳؛ کارتن ۸، پرونده ۵، شماره ۶؛ کارتن ۸، پرونده ۵، شماره ۹؛ کارتن ۸، پرونده  
۹، شماره ۳؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۳؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۴؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره  
۵؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۶.

### ۱۳۱۷ ش

کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۱، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳، ۲۷؛ کارتن ۸،  
پرونده ۸، شماره ۴، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱؛ کارتن ۸، پرونده  
۹، شماره ۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره  
۱۵؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۸؛  
کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۱؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۲؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۳؛ کارتن ۸،  
پرونده ۹، شماره ۲۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۵؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۶؛ کارتن ۸، پرونده  
۹، شماره ۳۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۱؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۳؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره  
۴۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۷.

### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۹۷/۱۹۱۳۲؛ ۲۹۳/۶۴۴۶؛ ۲۹۳/۵۵۰۷؛ ۲۴۰/۹۴۰۳۱؛ ۲۴۰/۳۲۵۱۱؛ ۲۴۰/۲۰۳۰۰؛ ۲۴۰/۱۱۵۹۶؛ ۲۴۰/۶۱۷۸

۲۹۰۰۰۴۶۳۶؛ ۲۹۷/۲۷۸۸۱





## کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. (چ ۱). (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نی.
- آفاری، ژانت. (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. (رضارضایی، مترجم). تهران: بیستون.
- آوری، پیترو. (۱۳۸۸). *تاریخ ایران کمبریج: جلد هفتم، قسمت دوم: قاجاریه*. (تیمور قادری، مترجم). تهران: مهتاب-آبفام.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: پیام.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. (چ ۲). (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.
- باربر، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران*. تهران: بی‌نا.
- بهار، ملک‌الشعرا. (۱۳۸۶). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه*. (چ ۱). (چ ۷). تهران: امیرکبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۴). *گنج شایگان*. تهران: سخن.
- ساتن، ال. (بی‌تا). *رضاشاه کبیر یا ایران نو*. (عبدالعظیم صبوری، مترجم). بی‌نا.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد*. تهران: اختران.
- صادقی، زهرا. (۱۳۸۷). *سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه*. تهران: خجسته.
- فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران جلد ۸: صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- فوران، ژان. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: مرکز.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. (چ ۲). (چ ۶). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاجوردی، حبیب. (۱۳۶۹). *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*. (ضیاء صدقی، مترجم). تهران: نشر نو.

## مقاله

- بیات، کاوه. (۱۳۹۰). «در کنار، یا برکنار از کارگران ایران: آبدان، اردیبهشت ۱۳۰۸». چاپ شده در کتاب *دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران*. (تورج اتابکی، کوشش‌گر). (آرش عزیزی، مترجم). تهران: ققنوس.



- ططری، علی. (پاییز ۱۳۸۳). «نقد و نظری بر اولین نظامنامه‌های کارگری قالی‌بافان ایران (کرمان)». *گنجینه اسناد*، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۹۴-۱۰۳.
- منصوربخت، قباد. (تابستان ۱۳۸۸). «کشاورزی تجاری در دوره قاجاریه». *تاریخ ایران*، سال دوم، شماره ۳، (پیاپی ۶۱)، صص ۱۲۳-۱۵۰.
- عبداله‌یف. (۱۳۶۰). «روستائیان ایران در اواخر قاجاریه». چاپ شده در کتاب *مسائل ارضی و دهقانی*. (مارینا کاظم‌زاده، مترجم). تهران: آگاه.

### روزنامه

- کار، شماره ۵۱، (۱۳۰۲ ش.).
- مردان روز، شماره ۱، (۱۳۰۳ ش.).

### English Translation of References

#### Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e 'Omur-e Xāreje (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

1337 AH / 1919 AD

- Box 3, Folder 15, Document number 5;
- Box 3, Folder 15, Document number 6;
- Box 3, Folder 15, Document number 7;
- Box 3, Folder 15, Document number 49;
- Box 3, Folder 15, Document number 50;
- Box 3, Folder 15, Document number 51;
- Box 3, Folder 15, Document number 52.

1339 AH / 1921 AD

- Box 59, Folder 5, Document number 14;
- Box 59, Folder 5, Document number 15;
- Box 59, Folder 5, Document number 23;
- Box 59, Folder 5, Document number 24;
- Box 59, Folder 5, Document number 25;
- Box 59, Folder 5, Document number 26;



Box 59, Folder 5, Document number 27;  
Box 59, Folder 5, Document number 27,1;  
Box 59, Folder 5, Document number 62;  
Box 59, Folder 5, Document number 63;  
Box 59, Folder 5, Document number 64;  
Box 59, Folder 5, Document number 70;  
Box 59, Folder 5, Document number 71;  
Box 59, Folder 5, Document number 73;  
Box 59, Folder 5, Document number 74;  
Box 59, Folder 5, Document number 74,1;  
Box 59, Folder 5, Document number 75;  
Box 59, Folder 5, Document number 75,1;  
Box 63, Folder 6, Document number 17;  
Box 66, Folder 22, Document number 28;  
Box 66, Folder 22, Document number 29.

1310 SH / 1931 AD

Box 8, Folder 8, Document number 3-11;  
Box 8, Folder 8, Document number 4-11;  
Box 8, Folder 8, Document number 2-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 3-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 4-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 5-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 6-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 7-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 8-13;  
Box 8, Folder 8, Document number 13-30;  
Box 8, Folder 8, Document number 13-31;  
Box 8, Folder 8, Document number 13-32;  
Box 8, Folder 8, Document number 13-33;  
Box 8, Folder 8, Document number 13-34;



Box 8, Folder 8, Document number 1, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 2, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 3, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 4, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 5, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 6, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 7, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 8, 2-46;  
Box 8, Folder 8, Document number 9, 2-46;

1311 SH / 1932 AD

Box 1, Folder 1, Document number 12-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 13-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 14-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 15-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 16-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 21-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 22-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 23-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 24-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 25-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 26-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 27-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 28-162;  
Box 1, Folder 1, Document number 29-162.

1312 SH / 1933 AD

Box 7, Folder 8, Document number 1-11;  
Box 7, Folder 8, Document number 2-11;  
Box 7, Folder 8, Document number 3-11;  
Box 7, Folder 8, Document number 4-11;  
Box 7, Folder 8, Document number 5-11;



Box 7, Folder 8, Document number 6-11.

1313 SH /1934 AD

Box 8, Folder 3, Document number 16.

1315 SH / 1936 AD

Box 8, Folder 1, Document number 65;

Box 8, Folder 1, Document number 80.

1316 SH / 1937 AD

Box 8, Folder 1, Document number 2-33;

Box 8, Folder 5, Document number 6;

Box 8, Folder 5, Document number 9;

Box 8, Folder 9, Document number 3;

Box 8, Folder 11, Document number 3;

Box 8, Folder 11, Document number 4;

Box 8, Folder 11, Document number 5;

Box 8, Folder 11, Document number 6.

1317 SH / 1938 AD

Box 8, Folder 8, Document number 27,1;

Box 8, Folder 8, Document number 27,2;

Box 8, Folder 8, Document number 27,3;

Box 8, Folder 8, Document number 27,4;

Box 8, Folder 8, Document number 27,5;

Box 8, Folder 9, Document number 1;

Box 8, Folder 9, Document number 6;

Box 8, Folder 9, Document number 13;

Box 8, Folder 9, Document number 14;

Box 8, Folder 9, Document number 15;

Box 8, Folder 9, Document number 16;

Box 8, Folder 9, Document number 17;

Box 8, Folder 9, Document number 18;

Box 8, Folder 9, Document number 21;



Box 8, Folder 9, Document number 22;

Box 8, Folder 9, Document number 23;

Box 8, Folder 9, Document number 24;

Box 8, Folder 9, Document number 25;

Box 8, Folder 9, Document number 26;

Box 8, Folder 9, Document number 37

Box 8, Folder 9, Document number 41;

Box 8, Folder 9, Document number 43;

Box 8, Folder 9, Document number 44;

Box 8, Folder 9, Document number 46;

Box 8, Folder 9, Document number 47. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives

Organization of Iran):

240/6178; 240/11596; 240/20300; 240/32511; 240/94031; 293/5507; 293/6446;

297/19132; 297/27881; 290004636. [Persian]

#### Books

Abrahamian, Ervand. (1382/2003). *“Irān bein-e do enqelāb”* (Iran between two revolutions)

(11th ed.). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi.

Tehran: Ney. [Persian]

Afary, Janet. (1385/2006). *“Enqelāb-e mašrute-ye Irān”* (The Iranian constitutional

revolution, 1906 - 1911: Grass roots democracy, social democracy). Translated by

Reza Rezaei. Tehran: Bisetun. [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1359/1980). *“Mavāne’ e tārixī-ye sarmāye-dāri dar Irān: Dowre-ye*

*Qājārieh”* (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays).

Tehran: Payām. [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1393/2014). *“Tabaqāt-e ejtemā’ee, dowlat va enqelāb dar Irān”*

(Historical obstacles to the development of capitalism in Iran: Qajar period).

Translated by Soheila Torabi Farsani. Tehran: Nilufar. [Persian]

Avery, Peter. (1388/2009). *“Tārix-e Irān Kambrij: Jeld-e haftom: Qesmat-e dovom:*



- Qājārieh*” (The Cambridge history of Iran: Volume seven: Part two: Qajar period).  
Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Mahtāb-Āyfām. [Persian]
- Bahar, Malek Al-Sho’ara. (1386/2007). *“Tāriḫ-e moxtasar-e ahzāb-e siāsi-ye Irān: Enqerāz-e Qājārieh”*. (vol. 1) (7th ed.). Tehran: Amir Kabir.
- Bharier, Julian. (1363/1984). *“Eqtesād-e Irān”* (Economic development in Iran, 1900 – 1970). Tehran: (n. p.) [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1387/2008). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 2) (6th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Foran, John. (1388/2009). *“Moqāvemāt-e šekanandeh”* (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Mo’assese-ye Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Floor, Willem. (1371/1992). *“Jostār-hā-yi az tāriḫ-e ejtemā’ee-ye Irān Jeld-e 8: San’ati šodan-e Irān va šureš-e Šeix Ahmad Madani”* (Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani) (vol. 8). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1384/2005). *“Ganj-e Šāyḡān”* (The worthy treasure). Tehran: Soxan. [Persian]
- Katouzian, Homyun. (1392/2013). *“Eqtesād-e siāsi-ye Irān: Az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi”* (Political economics in Iran from constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi & Kambiz Azizi. Tehran: Markaz. [Persian]
- Lajevardi, Habib. (1369/1990). *“Ettehādie-hā-ye kārgari va xod-kāmegi dar Irān”* (Labor unions and autocracy in Iran). Translated by Zia’ Sedghi. Tehran: Našr-e No. [Persian]
- Sadeghi, Zahra. (1387/2008). *“Siāsat-hā-ye san’ati dar dōwrān-e Rezā Šāh”* (Industrial policies during the reign of Reza Shah). Tehran: Xojasteh. [Persian]
- Shakeri, Khosro. (1384/2005). *“Pišine-hā-ye eqtesādi-ejtemā’ee-ye jonbeš-e mašrutiat va enkešāf-e sosyāl demokrāsi dar ān ahd”* (The Russo-Caucasian origins of the Iranian left: Social democracy in modern Iran). Tehran; Axtarān.



Sutton, Elwell. (n. d.). *“Rezā Šāh-e kabir yā Irān-e no”* (Reza Shah or new Iran).  
Translated by Abd Al-Azim Sabouri. (n. p.). [Persian]

### Articles

Abdullayev. (1360/1981). “Rustāeeyān-e Irān dar avāxer-e Qājārieh” (Iranian villagers in the late Qajar period). In Marina Kazemzadeh (Ed.), *“Masā’el-e arzi va dehqāni”* (Territorial and peasant issues). Tehran: Āgāh. [Persian]

Bayat, Kaveh. (1390/2011). “Dar kenār, yā bar kenār az kārgarān-e Irān: Ābādān, Ordibehešt 1308” (With or without workers in Reza Shah’s Iran: Abadan, May 1929). In Touraj Atabaki (Ed.), *“Dowlat va forudastān: Farāz o forud-e tajaddod-e āmerāneh dar Torkieh va Irān”* (The state and the subaltern: Modernization, society and the state in Turkey and Iran). Translated by Arash Azizi. Tehran: Qoqnus. [Persian]

Mansourbakht, Ghobad. (Summer 1388/2009). “Kešāvarzi-ye tejāri dar dowre-ye Qājārieh” (Commercial agriculture in the Qajar period). *Tārix-e Irān* (Journal of Iran History), 2 (3) (consecutive issue 61), pp. 123-150. [Persian]

Tatari, Ali. (Fall 1383/2004). “Naqd o nazari bar avvalin nezām-nāme-hā-ye kārgari-ye qālibāfān-e Irān, Kermān” (A Research on the first charter for Iran’s carpet-weavers labor union, Kerman City). *Ganjine-ye Asnād*, 14 (3), pp. 94-103. [Persian]

### Press

*“Kār”* (Kar Newspaper), Issue 51, 1302 SH / 1923. [Persian]

*“Mardān-e ruz”* (Mardan-I Ruz Newspaper), Issue 1, 1303 SH / 1924. [Persian]









## Bandar Gaz and Iranian merchants: Amin al-Zarb and Thumanian

BagherAli Adelfar<sup>1</sup> | Masoud Adinevand<sup>2</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

### Abstract:

**Purpose:** Bandar Gaz a small town at the southeast end of the Caspian Sea turned to trade center with Russia when Russian merchants established their business there in mid-nineteenth century. However, after the construction of the Trans-Caspian Railway the focus of Russians moved to Khorasan. Then prominent Iranian merchants, Amin al-Zarb brothers and Thumanian brothers, established their offices in the city. This paper reports the development of the city from Mid 19th-to Mid 20th century.

**Method and Research Design:** Data is gathered from archival records and library materials

**Findings and Conclusion:** Commercial importance and geographical advantages led to the construction of port facilities. As the result, Russian as well as Iranian merchants were attracted to the area. Later development of the port, however, was due to the Iranian merchants who remained active after Russians left the area.

### Keywords:

Bandar Gaz; Merchants; Thumanian (Thumanitus); Amin al-Zarb.

### Citation:

Adelfar, B., Adinehvand, M. (2019). Bandar Gaz and Iranian merchants: Amin al-Zarb and Thumanian. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 42-72. (In persian)

1. Associate professor, Department of History, Imam khomeini international university, Qazvin, I. R. Iran, (Corresponding Author).  
badelfar@yahoo.com

2. PhD of History, Department of History, Imam khomeini international university, Qazvin, I. R. Iran.  
masoud.adineh66@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2396

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 42 - 72 (31) | Received: 18, Nov. 2018 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

## بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها

باقرعلی عادل فر<sup>۱</sup> | مسعود آدینه‌وند<sup>۲</sup>

### چکیده:

**هدف:** بندر گز در جنوب شرقی دریای خزر بعد از ورود روس‌ها رونق گرفت. هدف روس‌ها در بندر گز سیطره تجاری، و مهم‌تر از آن سلطه بر ایالت خراسان بود. پس از توسعه راه آهن روسیه به شرق خزر، برتری آن‌ها در بندر گز کاهش یافت. محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب و تومانیان‌ها برخی از جمله تاجران ایرانی بودند که به فعالیت در این بندر کوچک ولی مهم پرداختند. هدف مقاله حاضر تحلیل فعالیت‌های آنهاست.

**روش / رویکرد پژوهش:** داده‌ها از اسناد آرشئولوژی و منابع کتابخانه‌ای استخراج شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** اهمیت تجاری و موقعیت جغرافیایی بندر گز سبب رونق تأسیسات بندری و فعالیت تجار خارجی و داخلی دوره قاجار در آن‌جا شد. تجار ایرانی بعد از مدت‌ها تجارت با واسطه با روسیه و با به‌دست آوردن سرمایه و استفاده از ضعف تجاری روسیه در بعد از جنگ جهانی اول، خود به بازرگانی در این بندر پرداختند و باعث رونق آن شدند.

### کلیدواژه‌ها:

بندر گز؛ قاجار؛ تجار ایرانی؛ امین‌الضرب‌ها؛ تومانیان‌ها (تومانیانتس).

### استناد:

عادل فر، باقر؛ آدینه‌وند، مسعود. (۱۳۹۸). بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها. گنجینه اسناد، ۲۹ (۴)، ۴۲-۷۲.

۱. دانشیار تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)  
badelfar@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، ایران. masoud.adineh66@yahoo.com



### گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۹۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۴۲-۷۲ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

## مقدمه

دوره قاجار در زمینه مداخله و مشارکت بازرگانان و تجار داخلی در وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی ایران، مرحله‌ای مهم بود و در نیمه دوم حکومت این سلسله یعنی از زمان ناصرالدین شاه به بعد، بر شدت نفوذ و مداخله این طبقه افزوده شد. استعمارگران به ویژه روسیه و انگلیس، از اوایل دوره قاجار با ایران ارتباط برقرار کردند و از طرق مختلف امتیازاتی گوناگون از کشور گرفتند. دولت روسیه بعد از پیروزی در دو بار جنگ با ایران، با عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای سلطه سیاسی و اقتصادی خود را تضمین و تثبیت کرد و بدین وسیله گامی دیگر در راستای تحقق وصیت‌نامه ساختگی و یا واقعی پتر کبیر - مبنی بر دستیابی به آب‌های آزاد - به سوی جنوب برداشت و به بهانه‌های مختلف از جمله برقراری آرامش و گسترش تمدن در میان صحرائشینان شرق دریای خزر به نوار ساحلی این حوزه آبی وارد شد. عمال این دولت تجهیزات و تأسیسات خود را در استرآباد و به ویژه در بندر گز مستقر کردند و با اطلاع از موقعیت سوق الجیشی آن، برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی خود تلاشی یک‌صدساله را آغاز کردند. تمرکز روس‌ها در دهانه جنوب شرق خزر موجب توسعه این نواحی و ایجاد تأسیسات زیادی شد و در ادامه این اقدامات بود که در محل روستای قدیمی جز تأسیسات بندری بنا شد. ایجاد لنگرگاه‌ها و انبارهای مختلف در گز نشان‌دهنده اهمیت تجاری این بندر برای روسیه بود و تجار روسی تا اواخر دوره قاجار بر بندر مذکور سلطه داشتند. هم‌زمان با فعالیت‌های تجار بیگانه، تجار بومی ایران نیز به تدریج با بازرگانی، بانکداری و صرافی، صنایع و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف آشنا شدند و با وجود تمام موانع و مشکلات به سرمایه‌گذاری پرداختند؛ از جمله در زمینه توتون و تنباکو در زمان ناصرالدین شاه، و تأسیس کارخانه برق در دوران بعد (ناطق، ۱۳۷۳، صص ۱۶۳-۱۷۲ و ۲۱۰-۲۲۸). پس از این، تجار ایرانی که راه‌های کسب سود را شناخته بودند و پول زیادی هم به دست آورده بودند، از اینکه بخشی از ثروت خود را به سرمایه‌گذاری در شهرها و بندرها اختصاص دهند، باکی نداشتند.

از مهم‌ترین اراضی محل فعالیت تجار خارجی - به ویژه روسیه - بندر گز و استرآباد بود که تجار ایرانی نیز متوجه اهمیت آن شده بودند؛ بنابراین با کاهش حضور تجار خارجی در نیمه دوم حکومت قاجار در این مناطق، تجار ایرانی به این مناطق توجه کردند و قسمتی از دارایی خود را به تجارت، کشاورزی، و صنعت در این مناطق اختصاص دادند. گرچه موانعی نیز وجود داشت که مالکیت خصوصی ضعیف را به شدت تهدید می‌کرد - هم‌چون استبداد عمال دولت و گماشتگان محلی چون کلاتران و داروغه‌ها و باج‌ستانی آن‌ها از این تجار، و مصادره اموال و ناامنی - با این حال عده‌ای از تجار به موضوع سرمایه‌گذاری در این مناطق



توجه کردند؛ از جمله امین‌الضرب‌ها (پدر و پسر) و برادران تومانیان که در آن زمان جزء متمدولین و ثروتمندان کشور به‌شمار می‌رفتند.

در آثار زیادی به نقش تجار ایرانی در دوره قاجار توجه شده‌است؛ ولی بیشتر این آثار، تجارت و بازرگانی و عملکرد سیاسی و رابطه این تجار با ساختار حکومت را بررسی کرده‌اند. در بین این آثار کتاب هما ناطق (۱۳۷۳) درباره نقش و کارکرد تجار ایرانی در زمینه توتون و تنباکو مطالبی ارزنده دارد. کتاب سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۸۴) هم رابطه تجار با مشروطه‌خواهی و تأسیس دولت نوین در ایران را بررسی کرده‌است. احمد سیف (۱۳۷۵)، احمد اشرف (۱۳۵۹)، و محمدرضا فشاهی (۱۳۶۰) و توحیدلو (۱۳۹۴) نیز درباره علل رشد نکردن سرمایه‌گذاری تجار ایرانی در داخل کشور، از زاویه ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ ولی به حضور و فعالیت امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها - که از تاجران عمده و اصلی دوره قاجار بوده‌اند - در محدوده بندر گز اشاره‌ای نکرده‌اند. در بین مقالات مقاله حجت فلاح توتکار (۱۳۸۶) با اشاره به نقش امین‌الضرب‌ها در اخذ دستاوردهای تمدنی، و مقاله امیل هاگوپیان (۱۳۸۰) با بررسی تجارت‌خانه تومانیانتس ارمنی اهمیت دارند. مرتضی نورایی و النا آندریوا (۱۳۸۸) و مرتضی نورایی و مینا سعادت (۱۳۸۹) نیز به مسئله حضور روس‌ها و مالکیت آن‌ها در سواحل ایرانی دریای خزر و نقش آن‌ها در اقتصاد تجاری ایران دوره قاجار اشاره کرده‌اند. شیرین مهدوی (۱۳۷۹) گرچه به زندگی امین‌الضرب‌ها و اقدامات او در عرصه‌های مختلف تجارت داخلی و خارجی توجه کرده‌است، ولی درباره علل و روند حضور او در بندر گز اطلاعاتی به‌دست نمی‌دهد. کتاب اسدالله معطوفی (۱۳۷۴) نیز گرچه درباره موقعیت بندر گز اطلاعاتی دارد، ولی به حضور این تجار در آن‌جا و فعالیت‌های تجاری‌شان اشاره‌ای نکرده‌است. چنین به‌نظر می‌رسد که موضوع شکل‌نگرفتن سرمایه‌داری تجاری در ایران دوره قاجار به‌وسیله تجار بومی، مانع از توجه به این موضوع شده که پایه‌پای تجار خارجی، برخی از تجار ایرانی هم در مناطق گمرکی و بندری از جمله بندر تازه تأسیس «گز» به فعالیت در عرصه‌های مختلف تجاری پرداخته‌اند.

نویسندگان مقاله حاضر با توجه به نقش مهم تجار ایرانی دوره قاجار در زمینه تجارت و فعالیت‌های بازرگانی در کشور، در صدد پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

۱. علل و روند تأسیس بندر گز و توسعه آن در دوره قاجار چگونه بوده‌است؟
  ۲. مهم‌ترین تجار ایرانی که در بندر گز فعالیت می‌کرده‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟
  ۳. این تجار بیشتر در چه عرصه‌هایی، به فعالیت و سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند؟
- در دوره قاجار، با وجود آنکه برتری تجاری همچنان با خار جیان (از جمله روسیه و انگلیس) بود و بخش عمده مبادلات بازرگانی را تجار و نمایندگان دول استعمارگر انجام می‌دادند، ولی

مداخله بازرگانان ایرانی در امور تجاری و غیر تجاری، در محدوده بندر گز و بسیاری از دیگر نقاط مهم کشور در این دوره، به خوبی نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی «سرمایه‌گذاری بومی» در ایران است و این موضوع حاکی از تلاش این تجار در درگیر شدن با مسائل پولی و اقتصادی کشور است.

### حضور روسیه در جنوب شرق دریای خزر و روند تأسیس بندر گز

از جمله مهم‌ترین اراضی واقع در جنوب شرق دریای خزر در عهد قاجار، روستایی موسوم به جز (گز، کناره) بود که بعداً به بندر گز معروف شد. گز در ۴۸ کیلومتری غرب گرگان و ۲۰ کیلومتری غرب بندر شاه (بندر ترکمن کنونی) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۴۵، ذیل حرف ب: ص ۳۱۲). «گز» از طرف شمال به خلیج گرگان (خلیج استرآباد)، از مشرق به بخش حومه شهرستان کردکوی، از جنوب به شهرستان دامغان، و از مغرب به شهرستان بهشهر محدود است (خسروی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۷۵). تا قبل از دوره ناصرالدین‌شاه شرق مازندران و ایالاتی چون استرآباد - که بندر گز بعداً در این قلمرو ساخته شد - وضع ارتباطی مناسبی نداشت و شهرهای آن‌جا مناطقی بسته بودند (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۳۵۸). این بندرگاه (بندر گز) در مجاورت روستای قدیمی جز قرار داشت و وجه تسمیه آن نیز به همین دلیل بود. آب‌وهوای آن‌جا معتدل و مرطوب بود؛ ولی شرایط زیستن در آن دشوار بود، چون شرایط دوران پیشامدرن بود که امکانات بهداشتی و تکنیک‌های پزشکی پیشرفته و همگانی وجود نداشت. در زمان قاجار خانه‌ها در بندر گز از فرط رطوبت، روی چوب ساخته می‌شدند (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، ص ۳۵). باین حال نزدیکی به دریا و داشتن اراضی حاصلخیز موجب می‌شد که بومیان این سختی را به جان بخرند و در آن‌جا سکونت کنند. رابینو<sup>۱</sup> می‌نویسد: «گز که در دومیلی ساحل خلیج استرآباد واقع و به انزان متعلق است، نه محله دارد؛ کوی خیل، تیسسکنه خیل، بای خیل، کردخیل، بادخیل، کرز محله، محله شاه، کوه صحرا و شاه‌پسند که میان جنگل واقع است و فعلاً مسکون نیست. گز ۴۵۰ خانوار جمعیت دارد و تا اوایل قرن ۲۰ قسمت عمده سکنه آن اسب داشته و بین بندر گز و استرآباد چارواری می‌کردند؛ ولی اخیراً متوجه شده‌اند که سود پنبه‌کاری بیشتر است و لذا اسب خود را فروختند» (رابینو، ۱۳۶۵، ص ۱۱۳). انزان یکی از نواحی و بلوکات مهم ایالت استرآباد به‌شمار می‌رفت که از روستای کرده محله در شرق تا روستای نوکنده در غرب، به طول پنج و عرض دو کیلومتر، تا کوهستان ادامه داشت و از سه محله تشکیل شده بود؛ کرده محله، میان محله، مسکر محله (ملگونوف، ۱۳۷۶، صص ۱۴۰، ۱۵۰). آمدن روس‌ها به استرآباد و آشوراده، عاملی مهم در رونق گز و تبدیل آن به بندر گز بود. روس‌ها از ابتدای دوره قاجار به این حوالی نظر داشتند و خواستار تأسیس کنسولگری و

1. Rabino.



نمایندگی در آن بودند. آن‌ها بعد از پیشروی اولیه به قلمرو ایران در ابتدای دوره قاجار و پیروزی در دو مرحله جنگ و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای، بر شمال ایران سلطه یافته و بخشی از قلمرو ایران را به تصرف درآوردند و بدین ترتیب، بستر مداخلات بعدی خود را فراهم کردند (شمیم، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۹۷). با این عهدنامه‌ها، مازندران به دریای اختصاصی روسیه تبدیل، و برتری تجاری روسیه در آن تثبیت شد و امتیاز کشتیرانی سراسر این حوزه آبی تا خطه خراسان، به انحصار و کنترل روسیه درآمد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۶۶۱-۶۶۲) و سربازان روس در نیمه دوم سلطنت قاجار در شمال ایران مستقر شدند. سپس نیروهای روسی بدون اجازه دربار ایران، از حاکم استرآباد خواستند که «علت ورود سالدات روسی به جزایر ایرانی» را جويا شود (استادوخ، سال ۱۲۴۷ق، کارتن ۳۷، پرونده ۱، برگ ۵). روس‌ها بعد از انقیاد<sup>۱</sup> ترکمن‌ها، به نقاط آرام‌تر و مهم‌تر اطراف استرآباد و بندر گز توجه کردند. کرزن<sup>۲</sup> درباره موقعیت بندر گز می‌نویسد: «بندر گز گاهی کناره<sup>۳</sup> هم خوانده می‌شود، یک گمرک‌خانه و چند ناوگان دارد و اقامتگاه کنسول روسیه و نمایندگی شرکت روسی قفقاز-مکوری<sup>۴</sup> است. سراسر شمال خاک ایران را می‌توان به زنبوری تشبیه کرد که سرش تهران و دمش مشهد است. رشته باریک بین جزایر تا شاهرود، کمر زنبور است و اگر قطع کنند، سر بی‌جان خواهد بود و حداکثر کاری که از دم ساخته است، نیش جانکاهی فرومی‌کند» (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۲۵۹). روس‌ها بعد از تصرف جزیره آشوراده، به دنبال یافتن نقطه‌ای (در اطراف روستای گز) در جنوب این جزیره بودند تا بتوانند از آن به‌عنوان پایگاهی تجاری و سیاسی استفاده کنند و از آن به‌بعد بود که بناهایی گوناگون در آن‌جا ساختند (Abbott, 1983, P35)؛ از جمله خانه، سربازخانه، حکیم‌خانه، قراول‌خانه، کلیسا، انبار، دکان، توپ‌خانه و قورخانه در آن‌جا ساختند (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، صص ۳۷). وقتی روس‌ها در نیمه دوم حکومت قاجار در سواحل جنوب دریای خزر از رشت تا استرآباد حضور پیدا کردند، این مناطق از جمله بندر گز اهمیت زیادی پیدا کرد. آن‌ها بسیاری از املاک و اراضی این مناطق را با مقاصد مختلف اجاره و خریداری یا مصادره کردند (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، صص ۱۳). گز قبل از تبدیل به بندر روستا بود؛ ولی به دلیل موقعیت مناسب (استقرار در مجاورت دریا) رشد و رونق یافت. تبدیل این روستا به شهر - بندر یکی از تبعات مهم تحولات اقتصادی و رشد مناسبات خارجی بوده است. به‌نوشته میرزا ابراهیم - که کتاب خود را در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۷ش/۱۸۹۷-۱۸۹۸م تألیف کرده است - بندر گز نوزده سال پیش از تألیف کتاب او احداث شده است (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، صص ۱۳)؛ یعنی حدود سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۷ش/۱۸۷۷-۱۸۷۸م که مصادف بوده است با اواسط دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار.

ابوت<sup>۵</sup> بندر گز را محل فرود و مسکون خلیج استرآباد دانسته است (Abbott, 1983, P34).

۱. مطیع‌شده؛ رام‌شدن.

2. Kurzon.

۳. بخش ساحلی بندر گز که برای بارگیری و تخلیه کشتی‌ها ساخته شده بود، به «کناره» موسوم بود.

۴. سلطه دریایی روس‌ها بر خزر، این توانایی را به آن‌ها می‌داد که حمل‌ونقل و تجارت آبی را در دست بگیرند؛ بنابراین کمپانی‌های زیادی تأسیس شد؛ از جمله شرکت کشتیرانی «مکوری» که با حمایت مالی روس هفته‌ای دو بار از حاجی‌طرخان به استرآباد و کراسنودسک می‌آمد (بروگش، ۱۳۶۷، صص ۴۴).

5. Abbott.



به‌علت نزدیکی گز به ساحل، ترکمنان زیاد به آن‌جا حمله می‌کردند و این موضوع بهانه‌ای خوب به روس‌ها می‌داد که حضورشان در آن‌جا را توجیه کنند. کنسولگری روس به کارگزار خارجه ایران نامه داد که تبعه دولت روسیه برای جلوگیری از هدررفتن محموله‌هایشان به انبار نیاز دارند (استادوخ، سال ۱۳۱۵ق، کارتن ۳۱، پرونده ۷-۱۰، برگ ۳). درخواست گماشتن قراول و وکیل برای حفاظت از کنسولگری روسیه در استرآباد و اطراف آن (استادوخ، سال ۱۳۱۶ق، کارتن ۳۵، پرونده ۱۴، برگ ۱۲۰)، نشان‌دهنده میل فزاینده روسیه برای ماندن در این مناطق بوده است. به‌دلیل اغتشاش ترکمنان، چند نفر قراول شب‌ها به نوبت کشیک می‌دادند؛ بنابراین بر موضوع استعداد نظامی بندر گز و حفاظت از آن‌جا تأکید می‌شد (استادوخ، ۱۳۲۶ق، کارتن ۵۷، پرونده ۹، برگ ۴-۵). این بندر از مهم‌ترین شهرها و مراکز تجارت خارجی ایالت استرآباد و مسیر رفت‌وآمد تجار اروپایی بود که روس‌ها در عصر ناصری به آن‌جا سرازیر شدند و به‌علت نزدیکی به ساحل خزر تجهیزات خود را در آن مستقر کردند و سربعاً به آب‌وهوای آن‌جا خو گرفتند. به‌گزارش یکی از مأموران روسی: «به‌استثنای بندر گز، کردم‌حله و چند روستای دیگر، کلیه روستاهای استرآباد وضعیت فقیرانه‌ای دارند. گز گذرگاه استرآباد است و اداره گمرک در آن قرار دارد و تمامی فعالیت‌های استان [استرآباد] در آن قرار دارد؛ زیرا تمامی کالاهای وارده از شاهرود و روسیه از این‌جا می‌گذرد» (ملگونوف، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴).

به‌دلیل موقعیت گز روس‌ها همواره برای تصرف آن در تلاش بودند؛ زیرا دسترسی به آن‌جا سلطه بر آشوراده را نیز تسهیل می‌کرد. راه عبور و مرور ایالت استرآباد راه جز بود (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴). مدتی بعد از توسعه شهر جدید، لفظ کناره برای آن‌ها به‌کار گرفته شد؛ ولی به‌علت مبهم‌بودن این واژه همان اصطلاح بندر استعمال می‌شد و تا سال ۱۳۱۶ش به‌صورت بندر جز نوشته می‌شد؛ سپس عنوان گز به‌کار رفت (ساکما، ۲۴۰/۲۳۶۹). گفتنی است که بهانه روس‌ها برای حضور در بندر گز سرکوب ترکمن‌ها و برقراری آرامش بود؛ ولی آنان کمکی نکردند و اردشیر میرزا والی مازندران بدون کمک روسیه، بیابانگردان ترکمن را سرکوب کرد و روس‌ها با ترکمن‌ها بنای دادوستد گذاشتند (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). به‌هرحال جنوب شرق خزر از ابتدا مورد توجه بود و به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی و اماکن حمل‌ونقل کالا تبدیل شد و نقشی مهم در تحولات داخلی به‌ویژه در امور تجاری و اقتصادی ایفا کرد.

بعد از آمدن روسیه و رونق گرفتن منطقه گز و ایجاد تأسیسات بندری و بناهای متعدد روسی در این محدوده (بوهرلر، ۱۳۵۷، صص ۶۵-۷۶)، روزبه‌روز بر اهمیت گز و نواحی مجاور آن افزوده می‌شد؛ نه از این جهت که روس‌ها چنین هدفی داشتند، بلکه از این نظر که این منطقه مورد توجه بازرگانان قرار گرفت و بر وسعت آن افزوده شد و برخلاف دوران قبل





وضعیتی مناسب پیدا کرد. بندر گز برای روس‌ها نقش راهبردی و اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی داشت؛ چون هم منافع زیادی نصیب آنان می‌کرد و هم پیشروی به سوی شرق ایران و نظارت بر آن منطقه از این مجرا محقق می‌شد. روس‌ها بعد از استقرار در آشوراده اصرار داشتند که تأسیسات خود را در سواحل روستای گز بسازند و بعد از توافق با شاه، با هزینه ایران انبارخانه‌هایی برای آنان ساخته شد و به آن‌ها اجازه داده شد (Abbott, 1983, P38).

روس‌ها در دوران ناصری نیز همچنان سیاست توسعه‌طلبی در جنوب را پیگیری کردند. آنان با درپیش گرفتن سیاست روسی‌سازی نوار جنوب شرق دریای خزر، تأسیسات زیادی در این مناطق ایجاد کردند. کشتی‌های بخاری و بادی روسیه با چند افسر دائماً در اطراف بندر گز در حال گشت و نگاهبانی بودند (بروگش، ۱۳۶۷، ص ۷۰۴). حضور روس‌ها خواه‌ناخواه نقشی پررنگ در برقراری آرامش و کاهش حملات غارتگرانه ترکمنان داشت. پیش از آمدن آنان سواحل جنوب شرقی خزر به علت تاخت‌وتاز بیابان‌گردان و ضعف حکومت مرکزی، ثبات چندانی نداشت. ولی بعد از استقرار روس‌ها و لزوم برقراری امنیت برای اتباع روسی و فراهم کردن زمینه برای حمل و نقل کالاها، اوضاع اجتماعی بندر گز در مقایسه با قبل بهبود پیدا کرد. بعد از مکاتباتی که بین صدراعظم حاج میرزا آقاسی و نسلرود<sup>۱</sup> انجام شد، به دنبال درخواست آقاسی از نسلرود تجارت‌خانه روس در استرآباد تأسیس شد. سپس چرنایوف<sup>۲</sup> کنسول روس در استرآباد به نامه‌نگاری با نسلرود پرداخت که انباری دیگر ساخته شود و در این مورد نیز ایران رضایت داد؛ ولی در عین حال آقاسی به بیگلربیگ استرآباد اطلاع داد که بر امر ساختن بنا نظارت کند تا مبدا روس‌ها قلعه نظامی بسازند (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۶۴-۲۶۷). روس‌ها بعد از پیشروی در اطراف گز و آشوراده خانه‌های روسی، سربازخانه، و مریض‌خانه‌هایی بنا کردند. کشتی‌های ایرانی و ترکمنی هم آذوقه خود را در آشوراده ذخیره می‌کردند (مارکام، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷). این اقدامات نشان می‌دهد که روس‌ها برای ماندن آمده بودند و اهدافی فراتر از سرکوب ترکمن‌ها در سر داشتند.

از دیگر اقدامات روس‌ها ساختمان‌سازی بود که از مهم‌ترین این بناها «بیمارخانه» بود که به گفته آدمیت: «نمونه‌ای از روش سیاست توسعه‌طلبی کشوری نیرومند در مجاورت همسایه‌ای ناتوان به شمار می‌رفت» (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۴۷۲). روس‌ها به دلیل وضعیت نامناسب بهداشتی و آب‌وهوای خاص آن محدوده به ساختن بیمارخانه برای اتباع خود همت گماشتند. آقاسی به حاکم آن‌جا (موسی‌خان) نامه‌ای داد که محلی کوچک را به ساختن مریض‌خانه برای روس‌ها اختصاص دهد و کشیکچیان آن‌جا ایرانی باشند (استادوخ، سال ۱۲۶۳ق، کارتن ۱، پرونده ۶، برگ ۱۵). باین حال این موضوع تا زمان صدارت امیرکبیر - که در تأسیس بندر گز نقشی مهم داشت - به تأخیر افتاد. حاج میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۵ق/۱۸۴۸م به عباس‌خان بیگلربیگ آن‌جا

1. Nesselrode.

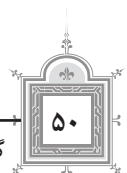
2. Chrnayf.



نامه‌ای داد که با روس‌ها مساعدت کند؛ ولی فقط مریض‌خانه باشد و کمی بعد که از عواقب آن نگران شد، تقاضای خود را پس گرفت و ممانعت کرد و در نهایت بعد از مکاتباتی بین طرفین در ۱۲۶۶ق/۱۸۴۹م پذیرفته شد که این بنا ساخته شود (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۶۹-۲۷۳). هدف روس‌ها از گرفتن این امتیاز علاوه بر معالجه کارگران و ملوانان خود تلاش برای افزایش نفوذ اتباع خود هم بود. آن‌ها در زمان صدارت آقاخان نوری از او درخواست کردند که اولیای استرآباد و بندر گز «مانع از عملیات مأموران روسی در تعیین عمق آب و گودی نقاط ساحلی آن‌جا» نشوند (استادوخ، سال ۱۲۷۳ق، کارتن ۱۴، پرونده ۸، برگ ۱۱).

روس‌ها همین‌طور در آشوراده مغازه، کلیسا، و زندان ساختند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۱۵۷). آن‌ها با ورود به این مناطق و تأسیس کنسولگری، قدرت واقعی را به دست گرفتند و مالک اراضی آن‌جا شدند و به زراعت و ایجاد تأسیسات خود پرداختند. کنسولگری روس‌ها در سواحل خزر، بعداً به مرکز توطئه علیه منافع ملی و مردم ایران تبدیل شد (معطوفی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵). گرچه نیروی کار را ایرانیان تأمین می‌کردند، ولی مغازه‌ها به دست روس‌ها بود و به جز سرحدار دولت قاجار هیچ ایرانی‌ای که کاره‌ای باشد وجود نداشت (بیت، ۱۳۶۵، ص ۲۶۲). دولت ایران نیز گرچه توان مقابله با روسیه را نداشت، ولی مخالف سلطه این کشور بود و با تأسیس بندر گز و حضور روس‌ها مخالفت کرد؛ به گونه‌ای که: «ایرانیان بندر سواحل گز را ویران کردند و به تهران گزارش نمودند که باعث اضطراب شده بود؛ چون نوشته بودند که روس‌ها دارند قلعه‌ای سنگین می‌سازند» (وثوقی زمانی، ۱۳۶۳، ص ۷۵). ولی روس‌ها بی‌اعتنا به مخالفت ایران بر آشوراده و بندر گز مسلط شدند. البته دولت ایران به دلیل ترس از برقراری رابطه با روس و انگلیس، به گسترش مناسبات تجاری در آن‌جا علاقه نداشت؛ گرچه در نهایت بندر گز به پایگاهی تجاری و محل بارگیری تبدیل شد.

میزان واردات به بندر گز سالانه به ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان می‌رسید و علاوه بر کشتی‌های تجاری، کشتی‌هایی برای صید ماهی نیز به آن‌جا می‌آمدند (Abbotte, 1983, PP 55, 62). از مهم‌ترین شریان‌های تجاری و پایگاه‌های ورود و خروج کالا در ایران، بندر گز و استرآباد بود. به تصریح کرزن: «روی هم‌رفته می‌توان گفت که منطقه شمال غربی [ایران] همان ایالت پهناور خراسان است و از جمله خطوط سوق‌الجیشی منتهی به آن‌جا، راه‌های تجاری آن‌جاست؛ از جمله راهی که از دریا [ای خزر] از طریق بندر گز واقع در جنوب خزر و استرآباد و شاهرود وارد می‌شود که در انحصار روس‌هاست... از طرفی تا قبل از تأسیس راه آهن ماورای خزر، که جاده عشق‌آباد-مشهد را برقرار کرد، گز-استرآباد راه اصلی دستیابی و ارتباط روسیه با شمال شرق و هرات بود» (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۷۷)؛ ولی با تأسیس این خط آهن، بخش مهم کالاهای روسی از آن طریق وارد خراسان می‌شد.



کنسولگری روسیه در سال‌های ۱۲۶۱-۱۲۶۲ق/۱۸۴۵-۱۸۴۶م در بندر گز ایجاد شد و سرکنسول‌ها برای نفوذ در این منطقه به خرید املاک مزروعی از بزرگان و مالکان آنجا پرداختند (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶). بنابراین روس‌ها بعد از سلطه نظامی بر این منطقه، برای به دست گرفتن اقتصاد و املاک آن‌جا به تکاپو افتادند.<sup>۱</sup> آن‌ها در مکاتبات خود با امیرکبیر به موضوع رفاه اهالی و برقراری امنیت نیز اشاره داشتند؛ ولی امیرکبیر از نیات آنان آگاه بود. آن‌ها در این اراضی از حقوق کنسولی خود استفاده می‌کردند که خود تلاشی برای دخالت در قوانین شرعی اسلام به شمار می‌رفت. بسیاری از تجار سنی مذهب آن‌جا تابعیت روسی می‌گرفتند تا تابع قوانین روس باشند (انتز، ۱۳۶۹، صص ۳۶-۳۷). این موضوع که از پیامدهای عهدنامه‌های قبلی با روسیه بود، اثراتی زیانبار در روابط بین دو دولت داشت. تأسیس راه‌آهن ماورای دریای خزر ضربه‌ای سنگین بر رونق تجاری بندر گز وارد کرد و گرچه هیچ‌وقت رونق این بندر کاملاً از بین نرفت، ولی سیر نزولی و احتضار این شهر کوچک بندری از این دوره شروع شد. همین مسئله یعنی تمرکز روسیه بر نواحی شمالی گز و آشوراده یعنی دشت‌های آسیای مرکزی و عشق‌آباد، زمینه‌ای فراهم کرد که بعد از دوره ناصری، تجار ایرانی به سرمایه‌گذاری در بندر گز بپردازند.

بندر گز و نواحی مجاور آن تا اواخر دوره قاجار، در نتیجه اقدامات روسیه و رونق گرفتن وضعیت تجاری آن‌جا اهمیتی فراوان پیدا کرده بود و به محض اینکه قدرت روسیه در آن‌جا تضعیف شد، تجار ایرانی که تا آن موقع ثروت و قدرتی هم به هم زده بودند، به بندر گز آمدند و به سرمایه‌گذاری در آن‌جا پرداختند. علاوه بر روس و انگلیس که بیشتر تجارت ایران با آن دو کشور بود (جمالزاده، ۱۳۳۵، ص ۹)، کشورهای دیگری هم به تجارت در این منطقه مشغول بودند؛ از جمله فرانسه که بیشتر شکر وارد می‌کرد و آلمان که قند و اجناس پشمینه می‌آورد (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷۹). تمرکز تجارت در این منطقه، موجب اهمیت یافتن آن شد و زمینه گسترش تأسیسات بندری را در آن‌جا فراهم کرد و در توجه بازرگانان ایرانی سهمی عمده ایفا کرد.

## جنگ جهانی اول و تضعیف قدرت اقتصادی روسیه در سواحل ایرانی دریای خزر

گرچه انقلاب مشروطه و جنگ بین موافقان و مخالفان آن، به بندر گز هم رسیده بود، ولی بعد از فتح تهران، محمدعلی شاه به امید کسب یاری، به آن‌جا پناه برد؛ که البته تجار ارمنی با توجه به منافع اقتصادی و اجتماعی، به شدت با کودتای او مخالفت کردند. در نبرد بین تجار و طرفداران محمدعلی شاه، کودتاگران ضد مشروطه، پیروز شدند و شهر بندر گز و لوازم آن غارت و اموال تجار به عنوان غنیمت به شاه مخلوع سپرده شد (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۸۵).

۱. برای اطلاع بیشتر، ک به نورایی مرتضی؛ سعادت، مینا. (زمستان ۱۳۸۹). «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۲۴۰ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱م». گنجینه اسناد، ش ۷۸، صص ۱۲-۳۰.



۲۸۶). این رویدادها بر حیات اقتصادی بندر گز تأثیراتی سوء داشت و کمی بعد وقوع جنگ جهانی حضور روس‌ها را در آنجا کاهش داد.

جنگ جهانی اول که محصول رقابت دول استعمارگر بود، در اوایل سال ۱۹۱۴م/۱۲۹۳ش به دنبال کشته شدن ولیعهد اتریش (فرانتس فردیناند) به دست صرب‌ها- آغاز شد. در فاصله ۱۹۰۰-۱۹۱۴م اروپا چهار بار شاهد بروز تهدید جنگی بود تا اینکه به جنگ بزرگ رسید (رنون، ۱۳۶۱، ص ۱۲)؛ بنابراین زمینه جنگ از قبل فراهم شده بود و دامنه آن به بسیاری از نقاط اروپا و آسیا کشیده شد؛ از جمله به نواحی شمالی ایران که البته با حمله مهاجمین، دولت وقت ایران (مستوفی الممالک) قبل از هر چیز بدون حمایت از هیچ کشوری بی طرفی خود را اعلام کرد (ساکما، ۲۹۳/۶۱۳۸). البته این اولین نشانه ضعف دولت در برابر مهاجمین بود.

تا اواخر دوره قاجار و وقوع جنگ جهانی اول -که اوضاع داخلی کشور روسیه را متحول کرد- بیشترین تجارت ایران با آن کشور بود. با گسترش ورود کالاهای روسی، ایران به بازاری برای فروش آن کالاها بدل شد و بیش از نیمی از واردات و صادرات کشور، در اختیار روس‌ها قرار گرفت (فوران، ۱۳۸۸، صص ۱۷۴-۱۷۸). روسیه این برتری تجاری را تا وقوع جنگ جهانی اول همچنان حفظ کرد و اکثر کالاهای مصرفی این حدود از آنجا وارد می شد. ولی با وقوع جنگ جهانی اول نفوذ روسیه کاهش پیدا کرد. برتری تجاری روسیه از دست رفت و گروه گروه از روس‌ها برای سکونت و کار روی زمین به استرآباد آمدند و موقعیت تجاری در شمال پیچیده شد (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، ص ۲۷). با وقوع جنگ اول جهانی مناسبات دو کشور دچار تحولاتی شد و بسیاری از کمپانی‌ها و امتیازداران نزاری، حمایت دولت روسیه را از دست دادند و امتیاز آنان لغو شد و به علت ضعف مالی و بی کفایتی و ناتوانی منحل شدند (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۱۶). با کاهش ارزش روبل، قیمت کالاها در شمال ایران بسیار کاهش یافت و این روند زمینه و فرصت را برای تجار ایرانی فراهم کرد تا جای شرکت‌های روس را پر کنند. از مهم‌ترین مشخصه‌های تجاری ایران طی جنگ جهانی اول، کاهش تراز بازرگانی داخلی و خارجی بود که از این وضعیت، تجار ایرانی و غیرایرانی متضرر شدند. به علاوه ناآرامی و غارت ترکمنان بار دیگر شدت گرفت و انجمن‌هایی در بندر گز علیه روس‌ها برپا شد (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۰). وقوع انقلاب بلشویکی نقش زیادی در سقوط تجارت با روسیه داشت و تجاری را که با روسیه مبادله داشتند به ورشکستگی کشاند. روی کار آمدن حزب بلشویک لنین، نقطه پایانی بر برنامه‌های توسعه طلبانه روس‌ها گذاشت و به استعمار ارضی روس‌ها در ایران پایان داد (نورایی و آندریوا، ۱۳۸۸، ص ۳۳). با تضعیف موقعیت تجار خارجی، تجار ایرانی -که بعضاً با روسیه هم ارتباط داشتند- بخشی از ثروت و پول خود را در بندر گز که بندرگاه روس‌ها به شمار می رفت، صرف فعالیت‌های تجاری و غیر تجاری کردند.

۱. برای اطلاع از نوع و نحوه تجارت ایران با روسیه طی سال‌های جنگ اول جهانی می‌توانید رک به ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). تجار، مشروطیت و دولت مدرن. تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۴۴۲-۴۴۳.



## فعالیت تجار ایرانی در بندر گز

ایران بعد از امضای معاهدات و واگذاری امتیازات مختلف به دول خارجی، مستقیم با آنان رابطه برقرار کرد و به دایره نظام اقتصاد جهانی نزدیک شد. این روند به تجار داخلی فرصت داد تا بدون توجه به تأیید از جانب دولت قاجار با استعمارگران - که با انحصار طلبی برای حذف رقبای داخلی تلاش می‌کردند - به رقابت بپردازند. البته دولت با اعطای امتیاز به بیگانگان برای تأمین هزینه‌های خود، باعث ضربه به تجار ایرانی می‌شد. تجار ایرانی حتی بعد از ورود روس‌ها به بندر گز و نواحی مجاور هم از آن‌جا صرف‌نظر نکردند. برای نمونه زمانی به مشیرالدوله وزیر امور خارجه گزارش رسید که کمپانی قفقاز - مرکوری قصد دارد در بندر گز دستگاه لُتکا<sup>۱</sup> بارکش فراهم کند و یک کشتی کوچک هم برای کشیدن حاضر نماید، ولی «چون حالیه امر حمل و نقل به دست رعایای ایران خوب انجام می‌شود، یقین است هرگاه کمپانی روسی اقدام به این کار نماید، اسباب قیل و قال و زحمت آن‌ها را فراهم خواهد کرد» (استادوخ، سال ۱۳۲۳ ق، کارتن ۱۷، پرونده ۱۸، برگ ۱۲) و در آخر مشیرالدوله مانع این کار شد.

حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی با بهره‌بردن از انواع تسهیلات دولتی، به ضعف و ناکامی تجار بومی منجر می‌شد (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). با این حال تجار داخلی با تأسیس کمپانی‌هایی بزرگ و کوچک در وضعیتی که روسیه در نیمه شمالی کشور در عرصه تجارت و مناسبات اقتصادی یکه‌تازی می‌کرد، به امور بازرگانی روی آوردند. سبک و سیاق زمین‌داری شرقی، دست تجار ایرانی را باز کرده بود تا رابط مبادلات بین شهر و روستا شوند. آنان به صدور و ورود کالاهایی چون تریاک، پنبه، ابریشم، میوه و خشکبار می‌پرداختند و از این طریق پولی هنگفت نصیبشان شده بود (فشاهی، ۱۳۶۰، صص ۲۲۶-۲۲۹؛ عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۱۰۷-۱۰۹). به این طریق بود که برخی از سرمایه‌گذاران عمده‌ای که خارج از بندر گز به فعالیت‌های تجاری و کشاورزی اشتغال داشتند، بخشی از دارایی خود را به بندر گز آوردند و شروع کردند به سرمایه‌گذاری در این منطقه.

در دوره قاجار موانع و مشکلاتی بر سر راه سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن ایران وجود داشت؛ از جمله نبود امکانات ارتباطی که دادوستد و تجارت را ضعیف می‌کرد. یکی از مهم‌ترین علل این موضوع ضعف تکنولوژیکی و موانع طبیعی و ناامنی و از همه مهم‌تر ضعف حکومت مرکزی بود. برای نمونه در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه، بخشی از اموال امین‌الضرب‌ها به ارزش ۸۰۰ هزار تومان مصادره شد (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰). اعتماد السلطنه دزدی و غارت را یکی از موانع مهم سرمایه‌گذاری می‌داند و می‌گوید: «در شهر دزدی‌های غریب می‌شود. دیشب در حجره تومانیاتس تاجر ارمنی که در کاروان‌سرای امیر است، سقف را شکافته به معاونت زیربان و نردبان بالا رفته و پائین رفته، دزدان مبلغی نقد

۱. لُتکا: قایق، کرجی.

و جواهرات برده بودند. به‌علاوه چند نفر را در این ماه، شب‌ها در کوچه به قتل رسانده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵۳).

در نتیجه تجار با وجود فعالیت‌های گسترده در زمینه‌های گوناگون نتوانستند به سرمایه‌گذاری کارآمد در داخل کشور و صنعتی کردن آن بپردازند. این موانع در دو حوزه داخلی (از جمله شیوه تولید و فقدان تمایز میان شهر و روستا و نظام سیاسی-اجتماعی آن، نداشتن استقلال تجار و سرمایه‌گذاران از دولت و نظام سیاسی حاکم، ناامنی و غارت، پراکندگی اجتماعات) و حوزه خارجی (وضعیت نیمه‌استعماری و مداخله گسترده استعمارگران در ایران، وابستگی اقتصاد سنتی ایران به بازار نوپای جهانی) قابل بررسی‌اند (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۱۲۶-۱۳۵). در عهد قاجار به‌علت ساختار سیاسی و اجتماعی و شکل سنتی تولید، مالکیت خصوصی ضعیف بود. ولی برخی از تجار داخلی که با زیربوم تجارت و راه‌های سرمایه‌گذاری آشنا شده بودند، با هدف کسب سود بیشتر در مناطقی چون بندر گز به سرمایه‌گذاری پرداختند. این اقدام جزء اولین نمونه‌های سرمایه‌گذاری بومی در دوره قاجار بود و از این نظر که آغازگر تغییر مناسبات به‌شمار می‌رفت، اهمیت زیادی داشت.

قبل از آمدن روس‌ها به بندر گز هم تجار ایرانی کم‌وبیش در حوالی این بندر حضور داشتند. با رونق تأسیسات بندری و تمرکز روس‌ها، «گرچه تجارت این منطقه عمدتاً به‌دست تجار روسی بود، ولی کسانی که کالاهای روسی را از آن‌ها می‌خریدند، دو یا سه تاجر خرده‌پای ایرانی بودند و چندان دست‌فروش و قاطرچی که از شاهرود می‌آمدند و محصولات آن‌جا را تهیه می‌کردند. راه ورود کالاهای روسی به خراسان از طریق بندر گز به شاهرود می‌گذشت» (Abbott, 1983, P64).

تجار ایرانی در جریان مبادلات کالا نقش واسطه داشتند و بعد از تأسیس خط آهن ماورای خزر و تمرکز روسیه بر نقاط شمال گز، و آشوراده، خود تجار ایرانی به رتق و فتق امور تجاری آن‌جا پرداختند. بندر گز مهم‌ترین مرکز تجارت خارجی ایالت استرآباد بود که روس‌ها موجب رونق آن را فراهم کردند (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، ص ۲۱). هم‌چنین اهمیت سوق‌الجیشی بندر گز که حدفاصل تهران و مشهد بود، در توجه بازرگانان ایرانی به آن‌جا نقشی مهم داشت. لذا تجار ایرانی پی بردند که این بندر توانایی و ظرفیت سرمایه‌گذاری دارد. ضعف موقعیت روسیه بعد از مشروطه و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی روسیه - که سبب ضعف و انحلال شرکت‌های تجاری روسیه شد - نیز در این تصمیم نقشی عمده داشت. گرچه تجار زیادی در ایران دوره قاجار رشد کردند، ولی درارتباط با بندر گز و فعالیت در آن‌جا، به دو تن از مهم‌ترین و ثروتمندترین و معتبرترین تجار بزرگ، یعنی محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب و تومانیان‌ها اشاره می‌شود:

## امین‌الضرب‌ها

از جمله تجار سرشناس ایرانی دوره قاجار پدر و پسری اصفهانی بودند به نام محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب. حرفه اولیه این خانواده صرافی بود؛ یعنی به خرید و فروش مسکوکات خارجی و داخلی می‌پرداختند (اسناد/امین‌الضرب، ۱۳۹۶، صص ۲۹۲-۲۹۳). ابتدا حاج محمدحسن به تجارت مستقل روی آورد و بعد از رفتن به تهران به عنوان دوره‌گرد، کم‌کم به اسم امین‌الضرب شهرت یافت و تاجری پرآوازه شد (علوی، ۱۳۶۳، ص ۳۱). این ایام به معنای شروع مرحله‌ای نوین در حیات سیاسی-اقتصادی حاج محمدحسن بود. او در نتیجه ارتباط با تجارت‌خانه اروپایی رالی<sup>۱</sup> به مدیریت واسیلی یادی پانایورتی- با رموز تجارت آشنا شد و با کمک حاج عبدالحمید تاجر اصفهانی مقیم تبریز تجارت‌خانه‌ای برای تجارت با استانبول و اروپا تأسیس کرد (امین‌الضرب، ۱۳۴۱، صص ۱۰-۱۱). امین‌الضرب مدتی نماینده پانایورتی بود و او نیز به امین‌الضرب اعتماد فراوان داشت. محمدحسن به تدریج حواله‌های پانایورتی را نقد می‌کرد و به او تحویل می‌داد (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۶). کار با این کمپانی خارجی و اعتماد کامل به امین‌الضرب، زمینه‌ساز شهرت او در تهران، نزد شاه و وزراء شد (ممتحن‌الدوله شقاقی، ۱۳۵۳، صص ۱۰۴-۱۰۵). بدین ترتیب علاقه محمدحسن به تجارت و معامله افزایش یافت و هر روز سود بیشتری نصیبش شد.

رونق کسب و کار حاج محمدحسن سبب شد که او برادرش ابوالقاسم را به عنوان نماینده شرکت خود در سال ۱۲۸۷/ق ۱۸۷۰م برای تجارت به استانبول بفرستد؛ تا هم کالاهای اروپایی بخرد و به ایران بفرستد و هم کالاهای ایرانی را به اروپا صادر کند. به این ترتیب آن دو به وارد کردن البسه اروپایی پرداختند (اسناد تجارت ایران...، ۱۳۸۰، صص ۱۰، ۱۶) و نقش بازاریاب را پیدا کردند. دامنه فعالیت آنان در زمینه کریستال، فیروزه، الماس، پنبه، چای، قند، شکر، صابون، تریاک و... به روسیه، انگلیس و... گسترش پیدا کرد (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). به هر حال حاج محمدحسن در نتیجه ارتباط تجاری با دنیای خارج، با دستاوردهای تمدن جدید آشنا شدند و به تدریج در دیگر زمینه‌های تجارت هم به معامله پرداختند؛ این موضوع سبب ورود اولین دستاوردهای صنعتی غرب به ایران، به وسیله آنها شد. در سال‌های بعدی حاج محمدحسن خود به خارج سفر می‌کرد و در بازگشت لزوم ورود تمدن، کالاها و اختراعاتی چون بانک، راه‌آهن و... به داخل کشور را با هدف پیشرفت در عرصه‌های مختلف، به خاندان حاکمه و مسئولان گوشزد می‌کرد. به هر حال این اقدامات و ارتباط مستقیم با خارج، امین‌الضرب را کاملاً آماده و توانمند کرده بود که به عنوان اولین ایرانی، صاحب صنایع نوین شود و کارخانه‌های متعددی در داخل کشور ایجاد کند.

حاج محمدحسین پسر حاج محمدحسن نیز در توسعه برق تهران مؤثر بود و کارخانه برق

1. Ralli Co.

۲. برای اطلاع از گوشه‌ای از اقدامات امین‌الضرب‌ها و روند آشنایی آنان با غرب و ورود تولیدات فرنگی به ایران دوره قاجار ر. ک به فلاح توتکار، حجت. (بهار ۱۳۸۶). «فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید در اندیشه و عمل محمدحسن امین‌الضرب». تاریخ، سال یکم، شماره ۴، صص ۱۰۶-۱۱۶.



تهران را خرید و در خیابان چراغ‌برق نصب کرد و تا اواخر دوره قاجار دو کارخانه برق دیگر نیز ایجاد کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۸۶). پس از آن، توجه او به دنیای تجاری جدیدی جلب شد که در آن، معاملات بزرگ، بازار خارجی، صادرات کالا، مبادلات صرافی و مشارکت با شرکت‌های خارجی در وارد کردن کالاهای متنوع و... وجود داشت. همین توان اقتصادی به او امکان می‌داد که در سیاست نیز مداخله کند؛ که نمونه‌ای از آن در جریان حادثه تنباکو و کمپانی رژی رخ داد.<sup>۱</sup> این مسائل نشان‌دهنده نقش فعال و توان بالای حاج محمدحسین در عرصه امور داخلی بود. او برای خرید و فروش کالا و سپرده و حواله پولی، در همه شهرهای مهم ایران نمایندگی داشت (عبدالله‌اف، ۱۳۶۲، ص ۶۳). به هر حال با چنان پیشینه تجاری‌ای بود که محمدحسین امین‌الضرب نیز در بندر گز به سرمایه‌گذاری پرداخت.

### تومانیان‌ها

شکل‌گیری و فعالیت تجارت‌خانه‌ها از نتایج آنی رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی بوده‌است و تجارت‌خانه برادران تومانیان نیز یکی از آن‌ها به‌شمار می‌رود. کمپانی تومانیان‌ها (ارامنه ساکن تبریز) از جمله مهم‌ترین مؤسسات تجاری-اقتصادی بود که از عهد ناصری تا جنگ جهانی اول به حیات خود ادامه داد. این کمپانی در واردات، صادرات و بانکداری فعالیت داشت. این تجارت‌خانه در ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م شکل گرفت (بیات، ۱۳۷۵، ص ۹۴)، یعنی تقریباً ده سال بعد از امضای عهدنامه ترکمانچای. تومانیان‌ها بعد از آنکه از تجارت با روسیه پولی به‌دست آوردند، به تدریج در شهرهای آذربایجان و شهرهای شمالی تا ایالت خراسان شعب شرکت خود را گسترش دادند (جهانشاهی، ۱۳۳۸، ص ۴۷). وجود این شعب نشانه رونق کار و توانایی مالی این کمپانی بود. تبریز کانون اقتصاد آذربایجان و بهترین مرکز تجاری ایران (جکسن، ۱۳۵۲، ص ۶۲)، انبار کالاهای روسیه و از بزرگ‌ترین شهرهای ایران به‌شمار می‌رفت. هسته این مؤسسه را باید در دکه کوچکی جستجو کرد که مردی به نام هاراتون تومانیانس ارمنی در تاریخ ۱۲۵۷ق/۱۸۴۰م در شهر پررونق آن زمان، تبریز<sup>۲</sup> افتتاح کرد. او از اهالی قراچه‌داغ آذربایجان بود که با صدور و ورود کالاهایی چون آهن‌آلات و نعل اسب، خشکه، پنبه، ابریشم و... در تبریز، کم‌کم شهرت یافت و کمی بعد چهار پسر او با همکاری یکدیگر در این شهر تجارت‌خانه معروف به کمپانی تومانیانتس را تأسیس کردند (فاتح، ۱۳۰۹، ص ۳۱۹). بنابراین در عصر امتیازات زمانی که تجار داخلی متوجه خطر بیگانه شدند به گشایش تجارت‌خانه‌هایی هر چند کوچک برای صدور و ورود مستقیم کالا پرداختند.

کمپانی تومانیانتس بعد از شکل‌گیری، به خرید و فروش کالا در بازارهای داخلی و کمی بعد در خارج از ایران و به‌ویژه در قلمرو روسیه مشغول شد. عمده کار تومانیان‌ها خرید مواد

۱. برای اطلاع از اقدامات و نقش او در حادثه رژی رک به ناطق، همدا، (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین‌الضرب)*. تهران: توس.  
۲. اوین که در آستانه مشروطیت از آن جا دیدن کرده‌است، می‌گوید: «تبریز ۲۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد و انتهای خط کاروان‌هایی است که برای وارد کردن کالا مشغول‌اند و ۱۲۰۰ کارگاه قالی‌بافی در آن موجود است و ۱۰،۰۰۰ کارگر آن در ۲۸ بخش شهر ساکن‌اند» (اوین، ۱۳۶۲، ص ۵۴ و ۷۰-۷۱).





خام ایران و حمل آن به روسیه بود و طولی نکشید که شعب تجارت‌خانه خود را در هشترخان، مسکو، و باکو هم گشودند و کارخانه‌های متعددی برای پاک‌کردن برنج و پنبه و غیره در روسیه دایر کردند تا اجناس صادره از ایران را در این کارخانه‌ها به عمل آورند. داشتن شعب مختلف در نقاط شمالی ایران و در بعضی از شهرهای روسیه تجارت‌خانه مزبور را واداشت که قسمتی از پول خود را به صرافی و خرید و فروش برات‌های داخلی و خارجی اختصاص دهد و این کار را گسترش دهد. بعد از سال ۱۳۰۸ ق/ ۱۸۹۱ م برادران تومانیان در ایران به صدور مواد خام و بانکداری و ملاکی پرداختند و با خرید چند کشتی در دریای خزر به حمل کالا پرداختند (هاکوپیان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). یعنی آن‌ها علاوه بر امور مالی و صرافی در رشته‌های مختلف صادرات و واردات و زمین‌داری و امور رفاهی نیز فعالیت می‌کردند. تومانیان‌ها با برقراری ارتباط با روسیه، نقشی پررنگ در صدور مواد و کالاهای ایرانی از جمله برنج (ساکما، ۲۹۰/۲۴۳۸) به روسیه و ورود اجناس روسی به بازارهای داخلی داشتند. آنان خشکبار، پنبه، و ابریشم به روسیه صادر می‌کردند و نقره و آهن و قماش به ایران وارد می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۷۷). شهرت تومانیان‌ها گذشته از امور بانکداری و صرافی، بیشتر به اشتغال آنان در امور بازرگانی برمی‌گشت؛ چون آنان پایه‌پای تجار خارجی به‌ویژه روسی، در تجارت داخلی و خارجی درگیر بودند. گرچه محل اصلی فعالیت تومانیان‌ها در شمال قرار داشت، ولی آن‌ها به‌صورت پراکنده در نواحی پررونق جنوب (حوزه نفوذ انگلیس) نیز فعالیت می‌کردند. سایکس در زمان عبور از رفسنجان می‌نویسد: «سابق بر این قسمت مهم پنبه آن‌جا به هند صادر می‌شد؛ ولی از ۱۸۹۸ م [۱۳۰۶ ق] به بعد متقال به‌مثقال آن را با شتر از طریق شاهرود به روسیه می‌برند و تجارت این کالا به دست تجارت‌خانه تومانیانتس روسی افتاده است» (سایکس، ۱۳۶۳، ص ۲۱۴).

این شواهد نشان می‌دهد که تجارت ایران تماماً در دست اروپاییان نبوده است و با رسیدن کالاهای به ایران، تجار به‌ویژه ارامنه آن را توزیع می‌کرده‌اند (لمبتون، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). در نیمه قرن ۱۹ م مبادلات روسیه و ایران حجمی درخور توجه داشت و بازرگانی در ولایات شمالی کشور، با وجود موانع و محدودیت‌های فراوان رونق پیدا کرد. در چنین بستری تجار داخلی در کنار هم‌تایان خارجی، به بازرگانی روی آوردند. ساختار زمین‌داری شرقی، دست این تجار را باز کرده بود تا رابط مناسب بازرگانی بین شهر و روستا شوند و به صدور و ورود کالاهای گوناگون بپردازند. کمپانی برادران تومانیان با استفاده از این فرصت، با روسیه رابطه برقرار کرد و در مبادلات تجاری فعالانه شرکت کرد و با توجه به این زمینه فعالیت‌ها بود که مقارن با توسعه تجاری بندر گز، به سرمایه‌گذاری در آن‌جا هم پرداخت.

## زمینه فعالیت‌های تجار در بندر گز خرید و صدور مواد خام

زمین‌داری تنها فعالیت تجار نبود؛ بلکه آن‌ها در زمینه‌های دیگر از جمله خرید مواد خام و ارسال آن به خارج نیز شرکت می‌کردند. یکی از ویژگی‌های مازندران و استرآباد داشتن معادن طبیعی بود. استرآباد و بندر گز از بابت معادنی چون نقره، مس، زغال‌سنگ، سدیوم و... سرزمینی غنی به‌شمار می‌رفت (تامسن، ۱۳۸۹، ص ۱۶). این معادن بیشتر در مناطق کوهستانی و بر فراز تپه‌ها قرار داشت و لذا کوهستان‌های استرآباد و اطراف ثروتی غنی داشتند (ملگونوف، ۱۳۷۶، صص ۱۸۳-۱۸۶)؛ بنابراین وقتی تجار روسی به جنوب شرق خزر آمدند، به استخراج معادن پرداختند. تجار ایرانی با الگو گرفتن از تجار روسی کارها و مشاغل آنان را ادامه دادند.

تجار ایرانی وقتی به بندر گز رفتند، ابتدا به‌علت رونق بازار به فعالیت در زمینه مبادله مواد خام پرداختند؛ ولی بعداً به کار تولید هم روی آوردند. وجود موادی چون پنبه، خشکبار و میوه‌جات و برنج در بندر گز موجب شد تا صاحبان سرمایه ایرانی ابتدا به جمع‌آوری و صادرات و سپس تولید این محصولات تشویق شوند. برادران تومانیان خشکبار و ابریشم خام و پنبه صادر می‌کردند و برای کسب ثروت بیشتر، به ایجاد مزارع تولید این گونه محصولات هم پرداختند (عبدالله‌اف، ۱۳۶۲، صص ۶۷-۶۸). ایران با داشتن اراضی وسیعی در شمال کشور، معدنی بزرگ برای تهیه مواد خام بود. درآمدهای حاصل از صدور مواد خام برای وارد کردن یک سری کالاهای خاص به کار می‌رفت. در بندر گز هم ورود و صدور کالاها جریان داشت. طبق جدول زیر در سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق این میزان بدین گونه بود.

اسم بندر	واردات	صادرات	مجموع
بندر گز	۲۰۹۵۱،۳۷۸ من	۳۰۹۷۱،۶۲۹	۶،۹۲۳،۰۰۷

### جدول ۱

میزان ورود و صدور کالاها در بندر گز

(جمالزاده، ۱۳۳۵، ص ۳۹).

تجار روسی و ارمنی از راه رشت و خزر ۴،۲۸۴،۰۰۰ پوند پنبه قزوین، زنجان و طارم را به مسکو صادر کردند؛ برنج و تریاک نیز از دیگر کالاهای صادراتی آنان بود (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۳۵۴-۳۶۵). البته تجار ایرانی با نقش دلالی و واسطه‌گری خود، مواد خام را با قیمت ارزان به کشورهای خارجی می‌فروختند.



## خرید و فروش زمین

تجار در نقاط بندری در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کردند. در واقع از مهم‌ترین ویژگی‌های تجار این بود که به تجارت یک کالای خاص نمی‌پرداختند و به هر کاری که احتمال سودآوری داشت وارد می‌شدند (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵). در این راستا مهم‌ترین اقدام تجاری بازرگانان ایرانی در بندر گز، سرمایه‌گذاری در عرصه زمین‌داری بود. وقتی روس‌ها به این منطقه آمدند، با خرید زمین‌های اطراف بندر جز از مالکین ساکن آن‌جا، شروع کردند به انحصاری کردن فعالیت‌های تجاری و اقتصادی. ساخت کارخانه در آن‌جا باعث نگرانی تجار بومی شد (استادوخ، سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۲۵، پرونده ۴، برگ ۶۶). در زمان قاجار، زمین‌داری از جمله مشاغل پردرآمدی بود که چون محدودیت خاصی در آن وجود نداشت، هر فردی به راحتی می‌توانست به آن روی بیاورد. به قول اوین<sup>۱</sup> «ایرانیان عادتشان این است که به‌مجرد دستیابی به پول و ثروت، آن را تبدیل به ملک می‌کنند» (اوین، ۱۳۶۲، ص ۳۲). پرداخت وام به بخش خصوصی و دولتی و به ضمانت گرفتن زمین، عاملی مهم در گرایش تجار به زمین‌داری بود و این روند در ادامه سیاست فروش اراضی خالصه دولتی برای تأمین هزینه‌های دولت، بیشتر شدت یافت (ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷). با خرید این اراضی به وسیله بازرگانان، قشر تاجر-زمین‌دار شکل گرفت.

زمین‌داری در بندر گز از جمله عرصه‌هایی بود که تومانیان‌ها به سرمایه‌گذاری در آن پرداختند. به قول مقصدولو: «مردم بندر گز املاک موروثی خود را برای آسودگی خاطرشان واگذار خواهند کرد. چون که یک نفر ایرانی از روس‌ها دل‌خوش نمی‌باشد و راضی هستند مالا و جانا فدایی دولت فخریم باشند و روس‌ها دخالت نکنند» (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۱۷). برادران تومانیان که با تجار روسیه و این کشور مستقیم رابطه داشتند و در بندر گز هم مشغول مبادله بودند، بعد از مشروطه بیشتر بر این منطقه تمرکز کردند و بخشی از پول خود را به خرید زمین در این منطقه اختصاص دادند. براساس سندی تومانیان‌ها در بندر گز، یک عمارت آباد، بیست باب دکان، یک انبار بزرگ، و یک باب کارخانه پنبه‌پاک‌کنی برای استخراج پنبه از پنبه‌دانه داشته‌اند (ساکما، ۲۴۰/۲۳۴۲۱). در سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م خالصه شکل عمده دیگری از مالکیت بود که در اختیار شاه قرار داشت و دولت قاجار از اواخر دوره ناصرالدین‌شاه، قسمت عمده این زمین‌ها را برای آنکه آباد شوند فروخت و این موضوع به تجار بزرگ فرصتی داد که سرمایه خود را در زمین‌داری به کار گیرند (خسروی، ۱۳۵۱، صص ۲۱، ۲۴). بخشی از اراضی خالصه در استرآباد به برادران تومانیان واگذار شد (ساکما، ۲۴۰/۹۲۰۲۷). البته هدف اصلی تومانیان‌ها از این خرید کسب سود بود و اگر با پیشنهادی خوب هم مواجه می‌شدند، املاک خود را به فروش می‌گذاشتند. مثلاً در ۱۳۱۲ق/۱۸۹۳م

1. Oben.



بسیاری از اراضی ساحلی بندر گز را به تجارت‌خانه پنبه روسی (پرس خلویرک) فروختند که البته امین مالیه استرآباد به این معامله اعتراض کرد (ساکما، ۲۴۰/۳۱۵۱۹). تومانیان‌ها در برخی موارد در قبال طلب خود، به توقیف و مصادره زمین بدهکاران خود می‌پرداختند (ساکما، ۲۴۰/۲۱۵۳۹). برای نمونه طبق گزارش مقصودلو: [یک بار] سیف‌الملک پسر مرحوم سپه‌سالار قریه لیوان هشتیکه را در عوض طلب به اداره تومانیانتس واگذار کرد. این گزارش نشان‌دهنده مکت و ثروت تومانیانتس است که به محض کاهش نفوذ روسیه در بندر گز و استرآباد، به سرمایه‌گذاری در آنجا پرداختند.

تجار در زمینه اراضی کشاورزی و مستغلات شهری نیز سرمایه‌گذاری می‌کردند. علنی شدن ثروت تجار در بسیاری از موارد مساوی بود با مصادره آن (سیف، ۱۳۷۵، ص ۲۹۱). این موضوع عاملی بسیار مهم در روی آوردن تجار به خریدن املاک بود. آن‌ها اراضی زیادی را در مازندران، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد و... خریداری کردند. هزینه‌های بالای دولت قاجار و خالی شدن خزانه، حکومت را بر آن داشت که برای تأمین هزینه‌ها، سیاست فروش اراضی خالصه را در پیش گیرد. در چنین وضعیتی تجار ایرانی بزرگ‌ترین خریدار اراضی دولتی بودند. محمدحسین امین‌الضرب یکی از تجار این دوره بود که پنج دانگ زمین‌های بندر گز را خرید (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۲). او یک بار زمینی را به نماینده تومانیانتس اجاره داد که آن نماینده هم آن زمین را به یک کمپانی روسی برای تأسیس انبار نفت در مجاورت گمرک‌خانه، اجاره داد (ساکما، ۲۴۰/۱۴۵۴۵).

گرچه در دوره قاجار، نظریه فقدان امنیت، افزایش مالیات و سدهای گمرکی، بسیاری از تجار این دوره به تظاهر اموال و ثروت خود علاقه‌ای نداشتند و آثار مکت را در ظاهر و بیرون از منازل خود بروز نمی‌دادند؛ مبدا که دولت و مردم تقاضایی بی‌مورد از آنان بکنند و از چنگ‌شان دریاوردند و لذا یک بورژوازی ملاک شکل گرفت (فشاهی، ۱۳۶۰، صص ۲۳۱-۲۴۰). البته این موضوع به معنای استقلال کامل این تجار از دولت نبود و آنان همواره باید مالیات و عوارض خود را می‌پرداختند. مثلاً حاج محمدحسین امین‌الضرب که بخش زیادی از بندر گز را هم خریده بود و اغلب زمین‌های آنجا از آن وی بود (استادوخ، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۵۱، پرونده ۵، برگ ۵) در اواخر دوره قاجار اداره مالیه آنجا زمین‌هایش را مصادره کرد (ساکما، ۲۴۰/۱۴۵۴۵). او نیز از جمله بزرگ‌ترین تاجران زمین‌داری بود که املاک فراوانی را از خالصه‌جات دولتی خریده بود (ساکما، ۲۳۰/۲۵۶۸). جنوب شرق دریای خزر و بندر گز از جمله مناطقی بود که او در آنجا زمین خریده بود. محمدحسین بسیاری از اراضی خود را به خار جیان اجاره می‌داد (ساکما، ۲۳۰/۱۲۰۷). لذا خرید زمین و ملک‌داری یکی از حرفه‌های تجار و عرصه‌های سرمایه‌گذاری آنان بود.



## کاشت و معامله محصولات کشاورزی

در دوره قاجار اقتصاد صنعتی در کشور وجود نداشت؛ در نتیجه از جمله زمینه‌های سرمایه‌گذاری با هدف کسب سود، کشاورزی و خرید و فروش محصولات زراعی بود. هم‌زمینه داخلی تولید محصولات کشاورزی فراهم بود و هم این محصولات در بازارهای جهانی خریداران زیادی داشت. در نتیجه تجار ایرانی در کنار کارخانه‌داری و گسترش صنعت، به سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی هم پرداختند. مقصود لو اشاره می‌کند: «وقتی خبر رسید [که] به ملاحظه کمبود آذوقه در خاک روسیه، تاجر تومانیان به قُرب [نزدیک] چهار هزار خروار شلتوک از انزان [منطقه بندر گز]، کرد محله [کردکوی] و دیگر قُرای مازندران خریداری کرده و در بندر جز در انبار گذاشته است» (مخبرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۴۰).

مقصد عمده این کالاها و مواد روسیه بود؛ منتها به فرانسه و بلژیک هم ارسال می‌شد. غلات در داخل کشور نیز خریدار زیاد داشت. برادران تومانیان از کشاورزان بندر گز و اطراف آن گندم می‌خریدند و آن را در سطح وسیع به خبازخانه‌های پایتخت و دیگر شهرهای مهم شمالی کشور می‌فروختند (ساکما، ۲۵/۴۰؛ ۲۴۰/۷۷۸۶). آنان هم چنین در نتیجه قراردادی که وزارت مالیه با آنان امضاء کرده بود (ساکما، ۷۴۷/۲۴۰)، تهیه برنج مورد نیاز تهران را بر عهده داشتند (ساکما، ۱۴۵۴۵/۲۴۰). تجار هم چنین در زمینه احداث و تعمیر راه‌ها و پل‌ها و معابر هم سرمایه‌گذاری می‌کردند.

## نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی ایران در دوره قاجار متأثر از نظام اقتصاد جهانی، باعث گسترش فعالیت‌های بازرگانی در داخل کشور شد. ایالت استرآباد، در ادامه امضای عهدنامه ترکمانچای، مورد توجه روس‌ها قرار گرفت و آن‌ها از این فرصت برای حفظ منافع نظامی و سیاسی در برابر تهدید رقیب استعماری خود بریتانیا در مستعمرات شرقی چون افغانستان و هند، و یافتن بازاری برای فروش کالاهای خود و تهیه مواد خام ارزان، استفاده کردند. قریه «گز» واقع در جنوب شرقی دریای خزر در دوره ناصرالدین شاه قاجار در ادامه پیشروی‌های روسیه به سوی شمال و شمال شرقی ایران، و سلطه بر بازارهای داخلی در رقابت با انگلیس، به شکل شهری بندری درآمد. این شهر کوچک ابتدا به پایگاه تجاری روس‌ها و دروازه ورود و خروج مواد و کالا بدل شد و مأموران روسی بر آنجا تمرکز کردند؛ ولی با احداث و تثبیت راه آهن ماورای خزر و اهمیت یافتن خط ترکمنستان به خراسان، حضور روسیه در بندر گز و استرآباد کاهش یافت و به تدریج راه برای فعالیت تجار ایرانی در امور بازرگانی، اقتصادی و عمومی این شهر-بندر فراهم شد. افرادی همچون «امین‌الضرب‌ها» و «تومانیان‌ها» به عنوان ثروتمندترین تجار ایرانی

دوره قاجار، قسمتی از پول و دارایی خود را به امور مختلف در بندر گز اختصاص دادند. رونق و اهمیت بندر گز بستری فراهم کرده بود که برخی از تجار ایرانی، در کنار و یا جدا از تجار خارجی و به‌ویژه روسی، به امور تجاری و توسعه آنجا بپردازند. در نتیجه نوعی «سرمایه‌گذاری بومی» پا گرفت که تا اواخر دوره قاجار در کارهای عام‌المنفعه، زمین‌داری و صنعت پارچه‌بافی، خرید و فروش مواد خام، کشت گیاهان و سبزی‌جات، و تأسیسات بندری فعالیت می‌کرد. البته همواره بر سر راه توسعه مناسبات سرمایه‌داری به معنای غربی کلمه - در ایران دوره قاجار، موانعی مهم وجود داشت؛ ولی این موضوع به این معنا نبود که تجار داخلی، مطلقاً به سرمایه‌گذاری توجهی نکنند. با تکیه بر اسناد تاریخی و شواهد موجود روشن می‌شود که برخی از تجار داخلی با هدف کسب سود و شهرت، قسمتی از دارایی خود را به امور تجاری و رفاهی در نقاط دارای ظرفیت ایران اختصاص می‌داده‌اند.

## منابع

### اسناد

#### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۰/۱۴۵۴۵؛ ۲۴۰/۲۱۵۳۹؛ ۲۴۰/۲۳۴۲۱؛ ۲۴۰/۲۳۶۹؛ ۲۴۰/۹۲۰۲۷؛ ۲۹۰/۲۴۳۸؛ ۲۹۳/۶۱۳۸؛ ۲۴۰/۷۴۷؛  
۲۴۰/۴۰۲۵؛ ۲۴۰/۱۷۷۸۶؛ ۲۳۰/۱۲۰۷؛ ۲۳۰/۲۵۶۸؛ ۲۴۰/۳۱۵۱۹.

#### مرکز اسناد وزارت امور خارجه (استادوخ):

سال ۱۲۴۷ق، کارتن ۳۷، پرونده ۱، برگ ۵.  
سال ۱۲۶۳ق، کارتن ۱، پرونده ۶، برگ ۱۵.  
سال ۱۲۷۳ق، کارتن ۴۱، پرونده ۸، برگ ۱۱.  
سال ۱۳۱۵ق، کارتن ۳۱، پرونده ۷-۱۰، برگ ۳.  
سال ۱۳۱۶ق، کارتن ۳۵، پرونده ۱۴، برگ ۱۲۰.  
سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۲۵، پرونده ۴، برگ ۶۶.  
سال ۱۳۲۳ق، کارتن ۱۷، پرونده ۱۸، برگ ۱۲.  
سال ۱۳۲۶ق، کارتن ۵۷، پرونده ۹، برگ ۴-۵.  
سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۵۱، پرونده ۵، برگ ۵.

### کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. (ج ۷). تهران: خوارزمی.  
*اسناد امین‌الضرب*. (۱۳۹۶). (ایرج افشار، مقدمه‌نویس؛ نادر مطلبی کاشانی، کوشش‌گر). تهران: طهوری.



- اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری. (۱۳۸۰). (چ ۱). (اصغر مهدوی و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. (چ ۱). تهران: زمینه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات*. (چ ۲). تهران: امیرکبیر.
- انتز، مروین. ل. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۸۲۸*. (چ ۱). (احمد توکلی، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- انصاری رنایی، قاسم؛ کرمانی، قنبرعلی. (۱۳۸۰). *تجارت در دوره قاجار*. (چ ۱). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- اوین، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*. (چ ۱). (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوار.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. (چ ۱). (حسین کردبچه، مترجم). تهران: اطلاعات.
- بوهلر، الکساندر. (۱۳۵۷). *سفرنامه بهار: جغرافیای رشت و مازندران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار*. (چ ۱). (م. پ. بکتاجی، کوشش گر). رشت: گیلکان.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. (چ ۱). تهران: نشر تاریخ ایران.
- توحیدلو، سمیه. (۱۳۹۴). *حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه*. (چ ۱). تهران: هرمس.
- تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). *عصر بی خبری*. (چ ۱). تهران: اقبال.
- جکسن، ویلیامز. (۱۳۵۲). *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*. (چ ۱). (فریدون بدره‌ای و منوچهر امیری، مترجمان). تهران: خوارزمی.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۳۵). *گنج شایگان*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- جهانشاهی، عبدالعلی. (۱۳۳۸). *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷*. (چ ۱). تهران: بانک ملی ایران.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۱). *جامعه‌شناسی روستای ایران*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). *لغتنامه*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۶۵). *سفرنامه مازندران و استرآباد*. (چ ۱). (وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- رنون، پیر. (۱۳۷۱). *جنگ جهانی اول*. (چ ۱). (عباس آگاهی، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- ژوبر، پی‌یر آمده. (۱۳۴۷). *مسافرت در ارمنستان و ایران*. (چ ۱). (علی قلی اعتمادمقدم، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس: ده‌هزار مایل در ایران*. (چ ۱). حسین علی سعادت نوری، مترجم). تهران: لوحه.
- سیف، احمد. (۱۳۷۵). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. (چ ۱). تهران: چشمه.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. (چ ۱۰). تهران: ابن‌سینا.
- عزالدوله و ملکونوف. (۱۳۶۳). *سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران»*. (چ ۱). (محمد گلبن و فرامرز

- طالبی، کوشش گران. تهران: دنیای کتاب.
- علوی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *رجال عصر مشروطیت*. (چ ۱). (حبیب یغمایی و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. (چ ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فاتح، مصطفی. (۱۳۰۹). *پول و بانکداری*. (چ ۱). تهران: مطبعه روشنایی.
- فشاهی، محمدرضا. (۱۳۶۰). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. (چ ۱). تهران: گوتنبرگ.
- فوران، جان. (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده*. (چ ۷). (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.
- کرزن، جورج. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱ و ۲). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن کترین سواين فورد. (۱۳۷۵). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*. (چ ۳). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- مارکام، کلمنت. (۱۳۶۷). *تاریخ ایران در دوره قاجار*. (چ ۱). (میرزاحیم افسانه، مترجم). تهران: نشر فرهنگ ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۶۸). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. (ج ۳). (چ ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینی مقصودلو، وکیل الدوله. (۱۳۶۳). (ج ۱، ج ۲). (چ ۱). (ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، کوشش گران). تهران: نشر تاریخ ایران.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴). *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران: نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه*. (چ ۱). مشهد: درخشش.
- مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. (چ ۱). (منصوره اتحادیه، مترجم). تهران: گستره.
- ملگونوف، گریگوری. (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر*. (چ ۱). (امیرهوشنگ امیری، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.
- ممتحن الدوله شقاقی، مهدی‌بن رضاقلی. (۱۳۵۳). *خاطرات*. (چ ۱). (حسینی‌قلی خان شقاقی، کوشش گر)، تهران: امیرکبیر.
- مهدوی، شیرین. (۱۳۷۹). *زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب*. (چ ۱). (منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، مترجمان). تهران: نشر تاریخ ایران.
- میرزا ابراهیم نامی. (۲۵۳۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و ...*. (چ ۱). (مسعود گلزاری، کوشش گر) تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ناطق، هما. (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (برپایه آرشیو امین‌الضرب)*. (چ ۱). تهران: توس.
- وثوقی زمانی، ابوالفتح. (۱۳۶۳). *آشوراده و هرات دو کمینگاه استعمار*. (چ ۱). تهران: گویا.



یبت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل یبت به ایران و افغانستان*. (ج ۱). (قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، مترجمان). تهران: یزدان.

## مقاله

- امین‌الضرب، محمدحسین. (مرداد ۱۳۴۱). «یادگار زندگانی حاج محمدحسین امین‌الضرب به قلم خودش». *یغما*، سال ۱۵، ضمیمه شماره ۱۶۹، صص ۵-۲۰.
- بیات، کاوه. (۱۳۷۵). «بانک در ایران». *دانشنامه جهان اسلام*، (ج ۲). (غلام‌علی حداد عادل، ناظر). تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، صص ۹۳-۹۴.
- تامسن، تایلور. (بهار ۱۳۸۹). «روسیه، دریای مازندران و استرآباد: گزارش تایلور تامسن وابسته نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران». (محمدعلی کاظم‌بیگی، مترجم). *مطالعات تاریخی*، شماره ۲۸، صص ۱۰-۴۹.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (مرداد-شهریور-مهر-آبان ۱۳۸۵). «ریخت‌شناسی طبقه تجار در آستانه مشروطه». *سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۲۷ تا ۲۳۰، صص ۳۰۰-۳۱۵.
- خسروی، خسرو. (۱۳۷۵). «بندر گز». *دانشنامه جهان اسلام*، (ج ۴). (غلام‌علی حداد عادل، ناظر). تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، صص ۲۹۷-۲۹۸.
- عبدالله‌اف، ز. ز. (۱۳۶۲). «طبقه بورژوا و طبقه کارگر در ایران». چاپ‌شده در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران*. چارلز عیسوی. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره، صص ۶۲-۷۸.
- فلاح توتکار، حجت. (بهار ۱۳۸۶). «فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید در اندیشه و عمل امین‌الضرب». *تاریخ*، سال یکم، شماره ۴، صص ۱۰۶-۱۱۶.
- نورایی، مرتضی؛ آندریوا، النا. (زمستان ۱۳۸۸). «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار». *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۴، صص ۲۱-۳۶.
- نورایی، مرتضی؛ سعادت، مینا. (زمستان ۱۳۸۹). «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۳۴۰ ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱ م». *گنجینه اسناد*، ش ۷۸، صص ۱۲-۳۰.
- هاکوبیان، امیل. (بهار-تابستان-پاییز ۱۳۸۰). «تاریخچه خاندان و تجارت‌خانه تومانیانس». فصل‌نامه *پیمان*، شماره ۱۵-۱۷، صص ۱۲۲-۱۳۹.

## منابع انگلیسی

Abbott, Keith Edward (1983). *Cities and Trade: Consul Abbott On The Economy and Society of Iran: 1847-1866*. (Edit and with introduction by Abbas Amanat). Press London for The board of The Faculty oriental studies, Oxford University.



## English Translation of References

### Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

240/14545; 240/21539; 240/2369; 240/92027; 290/2438; 293/6138; 293/6138; 240/747; 240/4525; 240/7786; 230/1207; 230/2568; 240/31519. [Persian]

Markaz-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

Year 1247 AH / 1832, Box 37, Folder 1, p. 5.

Year 1263 AH / 1847, Box 1, Folder 6, p. 15.

Year 1273 AH / 1857, Box 14, Folder 8, p. 11.

Year 1315 AH / 1898, Box 31, Folder 7-10, p. 3.

Year 1316 AH / 1899, Box 35, Folder 14, p. 120.

Year 1322 AH / 1904, Box 25, Folder 4, p. 66.

Year 1323 AH / 1905, Box 17, Folder 18, p. 12.

Year 1326 AH / 1908, Box 57, Folder 9, p. 4-5.

Year 1328 AH / 1910, Box 51, Folder 5, p. 5. [Persian]

### Books

Abbott, Keith Edward. (1983). *Cities and trade: Consul Abbott on the economy and society of Iran: 1847-1866*. Preface & edited by Abbas Amanat. London: Press London for The board of The Faculty oriental studies, Oxford University.

Adamiat, Fereydoun. (1394/2015). *“Amir Kabir va Irān”* (Amir Kabir and Iran), (7<sup>th</sup> ed.). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Alavi, Abu Al-Hassan. (1363/1984). *“Rejāl-e asr-e mašrutiat”* (Notable men of the constitutional era) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Habib Yaghmayi & Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]

Ansari Renani, Qasem & Kermani, Qanbar Ali. (1380/2001). *“Tejārat dar dowre-ye Qājāriye”* (Commerce in Qajar era). Tehran: Dānešgāh-e Allāmeḥ Tabātabāyi (Allameh Tabatabayi University). [Persian]



- Ashraf, Ahmad. (1359/1980). *“Mavāne’-e tārixi-te rošd-e sarmāye-dāri dar Irān”* (Historical barriers to the growth of capitalism in Iran) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Zamineh. [Persian]
- “Asnād-e Amin oz-zarb”* (Amin Al-Zarb’s documents). (1396/2017). Preface by Iraj Afshar; edited by Nader Motallebi Kashani. Tehran: Tahouri. [Persian]
- “Asnād-e tejārat-e Irān dar sāl-e 1287 qamari”* (Iran trade documents in 1287 AH / 1870) (1<sup>st</sup> ed.). (1380/2001). Edited by Asghar Mahdavi & Iraj Afshar. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907)”* (La Perse d’aujourd’hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia] (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Bohler, Alexander. (1357/1978). *“Safarnāme-ye Bohler: Joqrāfiā-ye Rašt va Māzandarān dar zaman-e saltanat-e Nāser ed-Din Šāh-e Qājār”* (Bohler’s travelogue: Geography of Rasht and Mazandaran during the reign of Nasser al-Din Shah Qajar). (1<sup>st</sup> ed.). Edited by M. P. Baktaji. Rasht: Gilakān. [Persian]
- Brugsch, Heinrich Karl. (1367/1988). *“Safari be darbār-e soltān-e sāheb-querān”* (My life and my trips) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelā’āt. [Persian]
- Curzon, George. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1 & 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Dekhoda, Ali Akbar. (1345/1966). *“Loqat-nāmeḥ”* (Dekhoda lexicon) (vol. 25). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Entner, Marvin L. (1369/1990). *“Ravābet-e bāzargāni-ye Rus va Irān 1828-1914”* (Russo-Persian commercial relations, 1828-1914) (1<sup>st</sup> ed.). translated by Ahmad Tavakkoli. Tehran: Bonyād-e Moqūfāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmud Afshar Yazdi’s Endowments). [Persian]
- E’temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1377/1998). *“Ruznāme-ye xāterāt”* (Journal of memories) (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Ezz Al-Dowleh & Mel’gunov. (1363/1984). *“Safarnāme-ye Irān va Rusieh: Navāhi-*

- ye Šomāl-e Irān*” (Travelogue of Iran and Russia: Northern areas of Iran) (1<sup>st</sup> ed.). edited by Mohammad Golbon & Faramarz Talebi. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Fashahi, Mohammad Reza. (1360/1981). “*Takvīn-e sarmāyeh-dāri dar Irān*” (La genèse du capitalisme et de la modernité en Iran) [The genesis of capitalism and modernity in Iran] (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Gotenberg (Gothenburg). [Persian]
- Fateh, Mostafa. (1309/1930). “*Pul va bānk-dāri*” (Money and banking) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Matba’eh-ye Rošanāyi. [Persian]
- Foran, John. (1388/2009). “*Moqāvemāt-e šekanandeh*” (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution) (7<sup>th</sup> ed.). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Rasā. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1363/1984). “*Tāriḫ-e eqtesādi-ye Irān*” (The economic history of Iran) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Yagħoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jackson, Williams. (1352/1973). “*Safarnāme-ye Jakson: Irān dar gozšteħ va hāl*” (Persia past and present) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Fereydoun Badrehei & Manouchehr Amiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Jahanshahi, Abd Al-Ali. (1338/1959). “*Tāriḫče-ye si-sāle-ye bānk-e melli-ye Irān 1307-1337*” (The 30-year history of Bank Melli Iran: 1928-1958) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Bānk-e Melli-ye Irān (Bank Melli Iran). [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1335/1956). “*Ganj-e Šāyḡān*” (The worthy treasure) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Jaubert, Pierre Amedee. (1347/1968). “*Mosāferāt dar Armanestān va Irān*” (Voyage en Arménie et en perse, fait dans les années 1805 et 1806) [Travel to Armenia and Persia in the years 1805 and 1806] (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Aligholi Etemad Mogħaddam. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Khosravi, Khosro. (1351/1972). “*Jāme’e-šenāi-ye rustā-ye Irān*” (Sociology of the village in Iran) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1375/1996). “*Seiri dar tāriḫ-e Irān ba’d az eslām*” (State and government in medieval Islam) (3<sup>rd</sup> ed.). Translated by Yagħoub



- Azhand. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mackenzie, Charles Francis. (1359/1980). "*Safarnāme-ye šomāl*" (The travelogue of the north) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Mansoureh Ettehadieh. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1368/1989). "*Tārix-e mo'assesāt-e tamaddoni-ye jadid dar Irān*" (History of the new civilization organizations in Iran) (vol. 3) (2<sup>nd</sup> ed.). Edited by Iraj Afshar & Mohammad Rasoul Daryagasht. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Mahdavi, Shireen. (1379/2000). "*Zendegi-nāme-ye Haj Mohammad Hassan-e Kompāni, amin-e Dar oz-Zarb*" (For God, mammon, and country: A nineteenth-century Persian merchant, Haj Muhammad Hassan Amin al-Zarb, 1834-1898) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Mansoureh Ettehadieh & Farahnaz Amirkhani. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Markham, Clements Robert. (1367/1988). "*Tārix-e Irān dar dowre-ye Qājār*". (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Mirza Rahim Afsaneh. Tehran: Našr-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Mā'tuofi, Asadollah. (1374/1995). "*Aštar Ābād va Gorgān dar baštar-e tārix-e Irān: Negāhi be 5000 sāl tārix-e mantaqeh*" (Astarabad and Gorgan in the context of Iranian history: A look at the 5,000-year history of the region) (1<sup>st</sup> ed.). Mashhad: Deraxšeš. [Persian]
- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1376/1997). "*Karāne-hā-ye jonubi-ye daryā-ye Xazar*" (Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens) [The southern shore of the Caspian Sea, or the northern provinces of Persia] (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Amir Houshang Amiri. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Mirza Ebrahim Nami. (2535/1956). "*Safarnāme-ye Aštar Ābād va Māzandarān va Gilān va ...*" (Travelogue of Astarabad, Mazandaran, Gilan, etc.) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Masoud Golzari. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Momtāhen Al-Dowleh Shaghaghi, Mahdi Ibn Reza Gholi. (1353/1974). "*Xāterāi*" (Memories) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Hossein Gholi Khan Shaghaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- "Moxāberāt-e Aštar Ābād: Gozāreš-hā-ye Hossein Gholi-ye Maghsoudlou, Vakil od-*



- Dowleh*” (Astarabad Telecommunications: Reports of Hossein Gholi Maghsoudloo Wakil Al-Dowleh) (vol. 1 & 2) (1<sup>st</sup> ed.). (1363/1984). Edited by Iraj Afshar & Mohammad Rasoul Daryagasht. Tehran: Našre Tārix-e Irān. [Persian]
- Nategh, Homa. (1373/1994). “*Bāzargānān dar dād o setad bā bank-e šāhi va režim-e tanbāku: Bar pāye-ye āršiv-e Amin oz-Zarb*” (Les commercants, la banque imperiale et la regie des tabacs: D’apres l’archive d’Amin-oz-Zarb) [The merchants, the imperial bank and the tobacco management: According to the archive of Amin-oz-Zarb] (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Tus. [Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1365/1986). “*Safarnāme-ye Māzandarān va Aštar Ābād*” (Mazandaran and Astrarabad) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Renouvin, Pierre. (1371/1992). “*Jang-e jahāni-ye avval*” (La premiere Guerre mondiale) [World War I] (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Abbas Agahi. Mashhad: Āstān-e Qods-e Razavi (Astan Quds Razavi). [Persian]
- Seif, Ahmad. (1375/1996). “*Eqtesād-e Irān dar qarn-e nuzdahom*” (Iran’s economy in the nineteenth century) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Češmeh. [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1346/1967). “*Irān dar dowre-ye saltanat-e Qājār*” (Iran during the reign of Qajar) (10<sup>th</sup> ed.). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Sykes, Sir Percy Molesworth. (1363/1984). “*Safarnāme-ye ženerāl ser Persi Sāyks: Dah hezār māyl dar Irān*” (Ten thousand miles in Persia) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Hossein Ali Sa’adat Nouri. Tehran: Lowheh. [Persian]
- Teymouri, Ebrahim. (1332/1953). “*Asr-e bi xabari*” (The age of ignorance) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Tohidlou, Somayyeh. (1394/2015). “*Hayāt-e eqtesādi-ye Irāniān dar dowre-ye mašruteh*” (Iranian economic life in constitutional era) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Hermes. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). “*Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern*” (Merchants, constitutionalism and the modern state) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Našre Tārix-e Irān. [Persian]
- Vosoughi Zamani, Abu Al-Fath. (1363/1984). “*Āšurādeh va Harāt do kamingāh-e*



*este'mār*" (Ashouradeh and Herat two ambushes of colonialism) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Guyā. [Persian]

Yate, Charles Edward. (1365/1986). "*Xorāsān va Sīstān: Safarnāme-ye colonel Yate be Irān va Afqānestān*" (Khurasan and Sistan) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Ghodatollah Roshani & Mehrdad Rahbari. Tehran: Yazdān. [Persian]

#### Articles

Abdollahov, Z. Z. (1362/1983). "Tabaqe-ye buržuā va tabaqe-ye kārgar dar Irān" (The bourgeois class and the working class in Iran). In Charles Phillip Issavi (Ed.), "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān*" (The economic history of Iran) (1<sup>st</sup> ed., pp. 62-78). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]

Amin Al-Zarb, Mohammad Hossein. (Mordād 1341/August 1962). "Yādgār-e zendegāni-ye Hāj Mohammad Hossein-e Amin-oz-Zarb be qalam-e xodaš" (Memento of a life by Haj Muhammad Husayn Amin Al-Zarb II). *Yāqmā*, 15 (169), pp. 5-20. [Persian]

Bayat, Kaveh. (1375/1996). "Bānk dar Irān" (Bank in Iran). In Gholam Ali Haddad Adel (Ed.), "*Dānešnāme-ye Jahān-e Eslām*" (The Encyclopedia of Islam) (vol. 2, pp. 93-94). Tehran: Bonyād-e Dāyerat-ol-ma'āref-e Eslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]

Fallah Tootkar, Hojjat. (Spring 1386/2007). "Frang va farangi va dastāvard-hā-ye tamaddoni-ye jadid dar andīše va amal-e Amin-oz-Zarb" (Europe and the Europeans and the achievements of a new civilization in the thought and action of Amin al-Zarb). *Tārix*, 1(4), pp. 106-116. [Persian]

Hacoupian, Emil. (Spring, Summer & Fall 1380/2001). "Tārixče-ye xāndān va tejāratxāne-ye Tomāniāns" (History of the Tumanians family and trade house). *Fasl-nāme-ye Peymān*, 16 & 17, pp. 122-139. [Persian]

Khosravi, Khosro. (1375/1996). "Bandar Gaz" (Bandar Gaz). In Gholam Ali Haddad Adel (Ed.), "*Dānešnāme-ye Jahān-e Eslām*" (The Encyclopedia of Islam) (vol. 2, pp. 297-298). Tehran: Bonyād-e Dāyerat-ol-ma'āref-e Eslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]



- Nouraei, Morteza & Andreeva, Elena. (Winter, 1388/ 2010). “Mohājerānē Rus va eskān-e ān-hā dar Irān-e avāyel-e qarn-e bistom: Marhale-ye digari az este'mār” (Russian migrants and their settlements in Iran in the early 20th century: A new stage of colonization). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Journal of Historical Researches), 4, pp. 21-36. [Persian]
- Nouraei, Morteza & Saadat, Mina. (Winter, 1389/ 2011). “Tabyin-e mālekiat-e Rus-hā dar se šahr-e Rašt, Tabriz va Astar Ābād 1318-1340 AH/1900-1921 AD” (Illumination of the ownership of Russians in three cities: Rasht, Tabriz and Astarabad (1900 - 1921)). *Ganjine-ye Asnād*, 78, pp. 12-30. [Persian]
- Thomson, Taylor. (Spring 1389/2010). “Rusieh, daryā-ye Māzandarān va Astar Ābād: Gozāreš-e Tāylor Tāmson vābaste-ye namāyandegi-ye siāsi-ye Britāniā dar Tehrān” (Russia, the Caspian Sea and Astarabad: Taylor Thomsen's report, associated with British political representation in Tehran). Translated by Mohammad Kazem Beigi. *Motāle'āt-e Tārixī*, 28, pp. 10-49. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (Mordād, Šahrivar, Mehr & Ābān 1385/August, September, October & November 2006). “Rixt-šenāsi-ye tabaqe-ye tojjār dar āstāne-ye mašruteh” (The morphology of the merchant class on the threshold of constitutional movement). *Siāsi va Eqtesādi*, 227, 228, 229 & 230, pp. 300-315. [Persian]







# The Story of a Road: Construction and maintenance of Mashhad-Ashgabat Road (1886-1925)

Jalil Ghasabi-Gazkoh<sup>1</sup> | Hadi Vakili<sup>2</sup> | Yousof Motavali-Haghighi<sup>3</sup>

## Abstract:

**Purpose:** Discusses the importance of the construction and maintenance of the Mashhad-Ashgabat road in the latest years of Qajars (bet. 1887 – 1924).

**Method and Research Design:** Archival records held at the Ministry of Foreign Affairs and Malek National Museum of Iran congather data.

**Findings and Conclusions.** The efforts of Abolqasem Malak-a-Tojjar, the consentionnaire, empowered by the support of a group of Iranian and Russian merchants, some statesmen, and the Russian embassy in Tehran facilitated the construction of the road. However, greviance by a group of landowners on sides of the road, as well as the opposition of some Mashhad merchants led to the slowdown of project. In addition, the lack of road construction equipment, financial shortcomings, and the redirection of the road, contributed to the further slowdon. In the short term, the delay caused dinanaccial losses for some. In the long term however, when operational, merchants of Khorasan benefited largely from the road.

## Keywords:

Trade road Mashhad-Ashgabat, development and restoration, Russia, Mashhadian tradesmen.

## Citation:

Gasabian Gazkoh, J., Vakili, H., Motavali Haghihi, Y. (2019). The Story of a Road: Construction and maintenance of Mashhad-Ashgabat Road (1886-1925). *Ganjine-ye Asnad*, 29(4),74-105. (In persian)

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

1. PhD student, Department of history, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I. R. Iran.  
ghasabian60@gmail.com

2. Associate professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I. R. Iran (Corresponding Author).  
vakili@um.ac.ir

3. Assistant professor, Department of History, Islamic Azadi University-Bojnord Branch, Bojnord, I. R. Iran.  
motavali.haghighi.yosef@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2397

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 74 - 105 (32) | Received: 28, Jan. 2018 | Accepted: 2, Sep. 2018

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

## داستان یک جاده: ساخته شدن و نگهداری راه مشهد-عشق آباد (۱۳۰۵-۱۳۴۴ ق)

جلیل قصابی گزکوه<sup>۱</sup> | هادی وکیلی<sup>۲</sup> | یوسف متولی حقیقی<sup>۳</sup>

### چکیده:

**هدف:** تبیین اهمیت احداث، مرمت و توسعه راه مشهد-عشق آباد و نگهداری آن در دوره قاجار از ۱۳۰۵ تا ۱۳۴۰ ق.

**روش/رویکرد پژوهش:** داده‌ها از اسناد موجود در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گردآمده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** با کوشش‌های ابوالقاسم ملک‌التجار صاحب امتیاز راه و حمایت و پیگیری تاجران و دولت‌مردان ایرانی، و تجار روسی و سفارت روسیه ساختن این راه تجاری ممکن شد. واکنش و اعتراض برخی مالکان زمین‌های دو سوی راه و مخالفت برخی تجار مشهدی سبب تغییر مسیر، و دخالت سفارت و تاجران روسیه هم سبب‌کننده احداث و توسعه آن شد. کمبود امکانات و پول؛ تغییر مسیر راه؛ مطالبه عواض راهداری دیگر علل‌کننده پیشرفت کار شد. حاج‌غلام‌رضا رئیس‌التجار، پسر ابوالقاسم ملک‌التجار، برای سهولت رفت‌وآمد مسافران و حمل‌ونقل کالای بازرگانان مسیر راه را به‌اندازه نیاز تغییر داد. هرچند این ابتکار در کوتاه‌مدت برای برخی، زیان اقتصادی در پی داشت، در بلندمدت بر سود تاجران خراسان افزود و به توسعه شهر مشهد کمک کرد.

### کلیدواژه‌ها:

راه تجاری مشهد-عشق آباد؛ تعمیر و توسعه؛ تجار و سفارت روسیه؛ تجار مشهد.

### استناد:

قصابی گزکوه، جلیل؛ وکیلی، هادی؛ متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۹۸). داستان یک جاده: ساخته شدن و نگهداری راه مشهد-عشق آباد (۱۳۰۵-۱۳۴۴ ق). *گنجینه اسناد*، ۲۹ (۴): ۷۴-۱۰۵.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ  
دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

ghasabian60@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی  
مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

vakili@um.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی-  
بجنورد، ایران.

motavali.haghighi.yosef@gmail.com



### گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۳۳۹۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۷۴-۱۰۵ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۱

### تحقیقات تاریخی

## مقدمه

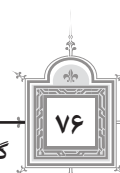
احداث راه‌های ارتباطی از گذشته تا امروز از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه تجارت بوده‌است. وجود راه‌های هموار نخستین زمینه مهم در ترقی تجارت هر کشور محسوب می‌شود؛ ولی متأسفانه در چهار دهه پایانی حکومت قاجار این عامل بر ایران حاکم نبود. بنابر گزارش یکی از شاهزادگان قاجار «در نبود و یا کمبود راه‌ها، مازاد محصولات فاسد و خراب می‌شد و تولیدکنندگان به دلیل نفروختن محصولاتشان برای تهیه سایر امتعه با مشکل مواجه می‌شدند» (عین السلطنه، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۴۹۲۱). ایران در سده نوزده میلادی با وجود موقعیت مناسب در مسیر استراتژیک آسیا-اروپا و دسترسی به آب‌های آزاد، سهمی اندک در مبادلات تجاری داشت که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل آن، بی‌توجهی حکومت قاجار به موضوع راه و راه‌سازی بوده‌است.

در گزارش‌های داخلی و گزارش سیاحان و نویسندگان غربی به جاده‌های نامناسب و نایمن دوره قاجار اشاره شده‌است؛ برای نمونه روزنامه حبل‌المتین می‌نویسد: «بدبختانه ایران مملکت بی‌راه است و مملکت بی‌راه بی‌سعاد است» (حبل‌المتین طهران، ۱۳۲۵ق، س ۱، ش ۳۶، ص ۴). عین السلطنه نیز، خرابی، گرانی و فلاکت ایران را ناشی از فقدان راه‌های مناسب تحلیل کرده‌است (عین السلطنه، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۶۰۷۶). به‌نوشته کلنل بیت: «در مشهد و سایر شهرهای ایران، هیچ حاکمی به فکر ساختن جاده و راه نیست» (بیت، ۱۳۶۵، ص ۷). هانری رنه دالمانی نیز در اوایل سده نوزده گزارشی از وضعیت نامطلوب راه‌سازی اطراف مشهد به‌دست داده‌است (دالمانی، ۱۳۳۵، ج ۳، ص ۵۸۹). براساس آمار، در سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۱م در مجموع ۶۳۹ فرسنگ راه شوسه قابل استفاده در ایران وجود داشته که ۲۵ فرسنگ آن راه مشهد-قوچان بوده‌است (عین السلطنه، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۶۴۳۲).

مقاله پیش‌رو با هدف بررسی اهمیت راه مشهد-عشق‌آباد و تحلیل عواملی هم‌چون ساخت راه توسط مهندسان، اخذ راه‌داری برای توسعه و مرمت راه، چالش‌ها و مشکلات توسعه، و تعمیر و تغییر مسیر آن راه با تکیه بر اسناد نویافته به سه پرسش اصلی پاسخ خواهد داد:

۱. راه مشهد-عشق‌آباد چه اهمیتی برای دولت‌های ایران و روسیه داشت؟
۲. علت مخالفت‌های داخلی و خارجی با توسعه، تعمیر و تغییر مسیر راه مشهد-عشق‌آباد چه بود؟

۳. صاحبان امتیاز راه مشهد-عشق‌آباد با چه موانع و چالش‌هایی روبه‌رو بودند؟  
با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه راه و راه‌سازی در دوره قاجار، پژوهشگران تاریخ قاجار تاکنون تصویری روشن از توسعه و مرمت راه تجاری مشهد-عشق‌آباد در



دوره قاجار عرضه نکرده‌اند و تنها به‌طور کلی به واگذاری امتیاز این راه به حاج ابوالقاسم ملک‌التجار<sup>۱</sup> (وفات ۱۳۱۸ق) و پسرش حاج غلام‌رضا رئیس‌التجار اشاره کرده‌اند. از این میان، مهدی وزین‌افضل در رساله دکتری خود با موضوع «تحلیلی تاریخی از سیاست‌گذاری‌ها، چالش‌ها و کارکردهای توسعه راه‌سازی شوسه در نیمه دوم قاجار با تکیه بر اسناد (۱۲۶۴-۱۳۴۴ق)» بیشتر به راه‌های شوسه در شمال کشور مانند راه شوسه تهران-مازندران، راه شوسه قزوین-تبریز-جلفا، راه شوسه گیلان و راه شوسه تهران-قم پرداخته‌است.<sup>۲</sup> هم‌چنین پیمان ابوالبشری و علی یحیایی در مقاله «نقش روسیه در توسعه راه تجاری مشهد-عشق‌آباد با تکیه بر اسناد کنسول‌گری بریتانیا» که در شماره ۶۰ فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی منتشر شده‌است، صرفاً و به‌اختصار به نقش روسیه در توسعه راه تجاری مشهد-عشق‌آباد پرداخته‌اند که علاوه بر برخی اختلاف‌ها در برداشت از جنبه‌های مقایسه‌ای و تکمیلی، از اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه و اسناد کتاب‌خانه ملی ایران و سایر منابع و تحقیقات هم کمتر بهره برده‌اند. از این رو، مقاله حاضر علاوه بر استفاده از منابع و یافته‌های پژوهشی موجود، با اتکا به اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه ایران و اسناد کتاب‌خانه ملی ایران به بررسی و تحلیل جامعی از عوامل مؤثر بر احداث، تعمیر، تغییر مسیر و چالش‌های موجود در مسیر راه شوسه مشهد-عشق‌آباد پرداخته‌است.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از اسناد موجود در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۶۵ شماره‌سند)، سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران (۶ شماره‌سند) و اسناد موسسه کتاب‌خانه و موزه ملی ملک (۴ شماره‌سند) که ارتباطی مستقیم با موضوع پژوهش حاضر (توسعه و مرمت راه مشهد-عشق‌آباد در دوره قاجار) دارند، به‌نگارش درآمده‌است. اسناد استفاده‌شده مربوط به سال‌های ۱۳۰۲ق تا پایان دوره قاجارند. برخی از این اسناد را اشخاص و نهادهای ایرانی نوشته‌اند و برخی را سفارت‌خانه روسیه نوشته‌است. این اسناد شامل نامه‌های شخصی و نامه‌های رسمی و بعضاً مهرداد مبادله‌شده بین وزارت امور خارجه با وزارت فواید عامه، سفارت‌خانه روسیه در ایران، سفارت ایران در سن‌پترزبورگ و کارگزاری‌های امور خارجه در ایالت خراسان، سیستان و عشق‌آباد است. هم‌چنین تلگراف‌های صاحبان امتیاز این راه، مخالفان آن‌ها و مردم به وزارت امور خارجه و کارپردازی‌ها با موضوع راه مشهد-عشق‌آباد بررسی شده‌است. از بررسی اسناد نویافته بهره‌برداری شده و تحلیل داده‌ها در این مقاله، اطلاعات تاریخی مهمی به‌دست می‌آید که

۱. حاج ابوالقاسم اصفهانی (ملک‌التجار خراسان) پسر دوم آقامحمدحسین صراف اصفهانی و برادر کوچک حاجی محمدحسن امین‌الضرب بود. او پسرز آمدن از اصفهان، مدتی در تهران با امین‌الضرب و برادر کوچکشان، حاجی عبدالرحیم اصفهانی در شرکتی که برپا کرده بودند، در دادوستد بود. سپس به نمایندگی از سوی همین شرکت به استانبول رفت و در آن‌جا به تجارت پرداخت. او در سال ۱۲۸۹ق/۱۸۷۲م از استانبول به مشهد رفت و تا پایان عمر در مشهد به تجارت پرداخت (ناطق، ۱۳۷۳، ص ۱۲۱).

۲. (سپندا): <http://thesisd.lu.ac.ir/Forms/Public/Default.asp>



پژوهشگران تاریخ اجتماعی و اقتصادی دوره قاجار را یاری می‌رساند. روشن است که عرضه گزارش توصیفی معتبر و روشمندی به‌عنوان مقدمه هرگونه تحلیل مسائل این دوره بس ضروری است و به‌جهت شأن و جایگاه اثر اهمیت دارد. در این جستار علاوه بر استناد به منابع اولیه و تحلیل‌هایی جدید و متفاوت از موضوع، توصیفی مستند به اسناد معتبر و نویافته نیز چشمگیر است.

## ۱. اهمیت تجاری راه مشهد-عشق‌آباد

دولت روسیه بعد از تسلط بر نواحی ماوراء دریای خزر، برای دسترسی آسان به شمال خراسان از مسیر عشق‌آباد، ساخت راه شوسه را تا عشق‌آباد و از عشق‌آباد به سمت قوچان و مشهد آغاز کرد (استادوخ، ۱۳۱۹/۲۳/۷/۱۴ق) تا از آن طریق، وسیله‌ای ارتباطی با «عشق‌آباد، پایتخت نظامی و اداری روس در شمال ایران» داشته باشد (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۳) و بتواند شهر مشهد را از طریق راه قوچان-عشق‌آباد به ماوراء دریای خزر متصل کند (استادوخ، ۱۳۲۱/۲۲/۵/۱۰ق). راه عشق‌آباد-مشهد برای دولت روسیه تا آنجا اهمیت داشت که به گزارش کنسول انگلیس در ۲۰ اکتبر ۱۹۱۲م، روس‌ها تمام جاده‌های خراسان را به‌استثناء جاده مشهد-عشق‌آباد که نیروهای روسی از آن محافظت می‌کردند به‌مدت یک ماه مسدود کرده بودند (Burrell, 1997, V5, P453). دولت روسیه از لحاظ استراتژی منطقه‌ای با ساخت و توسعه راه تجاری عشق‌آباد به سمت مشهد به دنبال دسترسی به خراسان و برقراری روابط تجاری با ایران بود. در مقابل، دولت ایران هم ملزم شد تا برای «تحصیل رضایت خاطر اولیای دولت روس» (ساکما، ۱۳۴۹/۷۷۴۹/۰۷۱) و همچنین برقراری ارتباط تجاری با روسیه با هدف توسعه تجارت و تأمین کالاهای مورد نیاز خود و تأمین ارتباط با عشق‌آباد، جاده داخل ایران را احداث کند. از این رو، ناصرالدین شاه (حک، ۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) به‌موجب قراردادی در جهت ترویج مراودات تجاری مابین ولایت‌های ماوراء خزر و خراسان (ساکما، ۱۳۴۹/۷۷۴۹/۱۲۱) متعهد شد از مشهد تا سرحد راه شوسه احداث کند و دولت روسیه هم متعهد شد از سرحد تا عشق‌آباد راه شوسه احداث کند (اختر، ۱۳۰۶ق، س ۱۵، ش ۲۶، ص ۲۰۴؛ علاءالملک، ۱۳۶۲، ص ۱۷۰). جاده مدنظر از سرحد هودان<sup>۱</sup> تا عشق‌آباد ۶ فرسنگ و از عشق‌آباد تا مشهد ۳۴ فرسنگ بود (طوس، ۱۳۲۸ق، س ۱، ش ۳۸، ص ۲). ناصرالدین شاه از سال ۱۳۰۳ق/۱۸۸۵م امتیاز جاده داخل ایران را به آلبرت کاستیگر<sup>۲</sup>، مهندس اتریشی و از معلمان دارالفنون، واگذار کرد. البته کاستیگر خان قبل از دریافت این امتیاز، در سال ۱۳۰۲ق/۱۸۸۴م با همراهی محمدحسین میرزا مهندس و مسیو تُل پیکو<sup>۳</sup>، نماینده دولت روسیه، برای تعیین خطوط، ساخت پُل‌ها و مخارج راه

۱. هودان / گنودان (Howdan) از مراکز عمده گمرکی در روسیه بود که تجار خراسان بیشتر از این مسیر با روسیه مبادله می‌کردند.

2. Albert Gasteiger

3. Tool Piko



عازم مشهد شده بود (ساکما، ۱۳۰۷/۷۷۴۹-۲۹۵). او در بازدیدش، راه مشهد تا قوچان را هموار و از قوچان تا باجگیران را خراب و ناهموار توصیف کرده است (ایران، ۱۳۰۳ق، ش ۶۰۸، صص ۲-۳).

پیش از سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م مراحل ساخت جاده واقع در روسیه به پایان رسید؛ ولی ساخت جاده در داخل ایران هنوز شروع نشده بود. دولت روسیه که از تأخیر در پیشرفت جاده سمت ایران و اعطاء امتیاز به دولت انگلستان در حوزه کارون نگران بود، با قراردادی محرمانه به دولت ایران برای تکمیل فوری جاده عشق آباد-مشهد فشار آورد. با اینکه ناصرالدین شاه به انجام این کار متمایل نبود، ولی قدرت مقاومت در برابر روس ها را هم نداشت؛ به همین دلیل کاستیگرخان را از کار برکنار کرد (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۹) و امتیاز راه را برابر فرمانی در اواخر سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م به مدت نودونه سال به حاج ابوالقاسم ملکالتجار، رئیس صنف بازرگانان مشهد، واگذار کرد تا راهی اراپه رو و کالسکه رو به همراه مهمان خانه و کاروان سرا از مشهد تا باجگیران احداث کند و برای مخارج تعمیر و توسعه، از عابران حق عبور دریافت کند (استادوخ، ۱۱-۱۳۲۱/۲۳/۸/۵ق). حق عبور یکی از منابع مهم مالی برای توسعه و تعمیر راه مشهد-عشق آباد بود. چون راه مزبور در برخی از قسمت ها کوهستانی بود و به مستحفظ و مخارج راهداری از قبیل برف رویی برای جلوگیری از مسدود شدن نیاز داشت، از عابران و تجار حق عبور دریافت می شد (خراسان در اسناد امین الضرب، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳). ابوالقاسم ملکالتجار متعهد شده بود تا جاده داخل ایران را در مدت یک سال به اتمام برساند (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۳۹-۱۴۰). هیئت وزیران بعد از مرگ ملکالتجار راه شوسه را به پسرش حاج غلام رضا رئیسالتجار (تولد ۱۲۵۵ش/۱۲۹۳ق)، رئیس صنف تجار مشهد، تفویض کردند (خراسان در اسناد امین الضرب، ۱۳۹۰، ص ۳۰۸). رئیسالتجار از تجار بزرگ خراسان در اواخر حکومت قاجار و اوایل پهلوی بود که چندین دوره از طرف مردم مشهد و سبزوار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

خراسان، به ویژه مشهد به عنوان مرکز عمده مصرف کالاهای تولیدی کارخانه جات روسیه، برای دولت روسیه حائز اهمیت بود. این موضوع، نفوذ تجاری روسیه را از مسیر عشق آباد-قوچان-مشهد در خراسان به دنبال داشت؛ به گونه ای که در شهرهای خراسان از حدود استرآباد تا مشهد مانند شاهرود، سبزوار، نیشابور، بجنورد، شیروان و قوچان آثار نفوذ روس ها در همه جا مشاهده می شد. در بازار این شهرها بیشتر اجناس روسی مانند: پارچه، قند، شکر، چینی آلات، فلزات، قوری، استکان، سماور، لیوان، سینی، قاشق، چنگال، و چهل چراغ یافت می شد. در یک کلام می توان گفت که تأمین تمام حوایج زندگی مردم

این مناطق در انحصار روس‌ها بود (اختر، ۱۳۰۷ق، س ۱۶، ش ۱۹، ص ۱۵۸؛ کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۲۸۲-۲۸۳). تجارت روسیه از راه عشق‌آباد (از مراکز عمده تجاری روسیه با ایران) پررونق بود و راه تجاری عشق‌آباد-قوچان مدخل خصوصی کالاها را تولید روسیه به ایالت خراسان به‌شمار می‌رفت (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۹؛ دالمانی، ۱۳۳۵، ج ۳، ص ۵۵۰؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۶۷۷). موضوع مهم‌تر، نیاز دولت روسیه به تأمین آذوقه روزانه شهر عشق‌آباد از مشهد بود (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۳۰). به‌علت وجود خط آهن ماوراء دریای خزر و ارتباط آسان دو شهر مشهد و عشق‌آباد، اجناس انگلیسی -چون می‌بایست اول از دریا عبور می‌کرد و بعد راه‌های طولانی را در خشکی طی می‌کرد- امکان رقابت با اجناس روسی را در ایالت خراسان نداشت (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۲۹). نکته دیگر در احداث راه شوسه عشق‌آباد-مشهد برای دولت روسیه، آباد کردن عشق‌آباد در مقابل خراسان بود (طوس، ۱۳۲۸ق، س ۱، ش ۵۲، ص ۲). تنها شش فرسخ از این راه در داخل خاک روسیه قرار داشت و عشق‌آباد با هزینه‌ای کمتر می‌توانست با خراسان راه تجارتی داشته باشد؛ در صورتی که مسیر مشهد تا عشق‌آباد برای دولت ایران مخارجی هنگفت به‌همراه داشت.

برای مشهد تجارت با روسیه مهم‌تر از تجارت با تهران بود؛ چون جاده مشهد-عشق‌آباد تنها جاده مدرنی بود که تا سال ۱۸۹۲م/۱۳۰۹ق راه‌اندازی شده بود (ابوالبشری و یحیایی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹). شاه‌راه مشهد-عشق‌آباد یکی از راه‌های بزرگ بازرگانی بین خراسان و ماوراء خزر به‌حساب می‌آمد؛ چون همیشه تعداد زیادی شتر، الاغ، واگن و درشکه‌های چهاراسبه (بیت، ۱۳۶۵، ص ۱۵۷) برای حمل مال‌التجاره در آن در حال حرکت بودند و مشهد، شهر عمده خراسان، نقش و سهمی عمده در تجارت و توزیع این کالاها در این ایالت داشت (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰، ص ۹۶۶). به‌دلیل همین اهمیت تجاری بین خراسان و آخال بود که سفارت روسیه با دولت ایران مکاتبه کرد تا برای افزایش روابط تجاری میان مشهد و عشق‌آباد -از مراکز عمده خراسان و آخال- راه شوسه احداث شود (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۴۲ق). کارپرداز ایران در عشق‌آباد هم در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م به راه تجاری عشق‌آباد-مشهد اشاره کرده و اهمیت تعمیر آن را برای روسیه نیاز ایالت آخال به آذوقه خراسان بیان کرده‌است. او هم‌چنین بیان می‌کند که دولت ایران هم باید به این موضوع توجه نشان دهد و راه شوسه باجگیران تا مشهد را تعمیر کند؛ با این کار صادرات گمرکی دولت ایران در سرحدات خراسان بیش از واردات می‌شود (استادوخ، ۱۳۲۹/۵۰/۱۵/۳ق). البته نباید از نظر دور داشت که یکی از اصول اساسی سیاست دولت روس در مشرق‌زمین، گسترش نفوذ سیاسی از طریق نفوذ





تجاری بود (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۰). این موضوع از مبانی تغییرناپذیر و راهبردی سیاست روس‌ها در آسیا و به‌ویژه در ایران بود.

اهمیت تجاری راه مشهد-عشق‌آباد تا آنجا بود که تمام رؤسای تجارت‌خانه‌های مستقر در خراسان به وزارت خارجه و وزارت مالیه فشار می‌آوردند تا اقدام لازم برای تعمیر راه مشهد-عشق‌آباد انجام شود؛ چون موقع زمستان راه آمدو شد و حمل‌ونقل مال‌التجاره مابین خراسان و آخال به‌کلی متروک می‌شد و این موضوع روابط تجاری ایران و روسیه را با مشکل مواجه می‌کرد (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۸/۵/۲۱ ق). راه مشهد-عشق‌آباد بعدها برای دولت روسیه از جنبه نظامی هم اهمیت پیدا کرد؛ زیرا در هنگامه جنگ اول جهانی، وسایل نقلیه چرخ‌دار روسیه در بخشی از جاده مشهد-قوچان تردد می‌کردند (لینن، ۱۳۶۷، ص ۲۴۳؛ انتنر، ۱۳۶۹، ص ۹۷؛ مابری، ۱۳۶۹، ص ۳۰). راه‌سازی در ایران منافع اقتصادی و نظامی زیادی برای دولت روسیه داشت؛ هم راه ورود کالاهای روسی را به ایران باز می‌کرد و هم زمینه تسلط نظامی روس‌ها بر شمال ایران را فراهم می‌کرد. به نظر می‌رسد که این موضوع سبب ورود روسیه به عرصه راه‌سازی در مسیر مشهد-عشق‌آباد بوده‌است.

## ۲. مشارکت نیروهای داخلی و خارجی در احداث راه

منافع سرشار راه شوسه مشهد-عشق‌آباد از جمله دریافت حق عبور از عابران و تجار، کاروان‌سرداری، مهمان‌خانه‌داری، واردات کالاهای روسی به خراسان و موضوعاتی از این دست، مورد توجه شخصیت‌های داخلی از جمله حاج ابوالقاسم ملک‌التجار (وفات ۱۳۱۸ ق)، حاج غلام‌رضارئیس‌التجار، محمد کاظم ملک‌التجار<sup>۱</sup> (وفات ۱۳۴۴ ق)، رکن‌الدوله (وفات ۱۳۱۸ ق)، و دولت روسیه بود؛ از این رو، افراد یادشده و دولت روسیه به دنبال به‌دست آوردن امتیاز راه مشهد-عشق‌آباد بودند.

### ۱. ۲. مشارکت در ساخت راه و مهندسان آن؛ چالش‌های موجود

برای طراحی، نقشه‌کشی و نظارت بر ساخت راه مشهد-عشق‌آباد از مهندسان داخلی و خارجی استفاده شد. در ابتدا، از سال ۱۳۰۲-۱۳۰۵ ق/۱۸۸۵-۱۸۸۸ م برای احداث راه مشهد-عشق‌آباد کاستیگرخان به خدمت دولت ایران درآمد؛ ولی بعداً امتیاز راه از او گرفته شد و به حاج ابوالقاسم ملک‌التجار واگذار شد. حاج ابوالقاسم ملک‌التجار در سال ۱۳۰۶ ق/۱۸۸۹ م موسیو بارتل<sup>۲</sup>، مهندس فرانسوی را با حقوق ۸۳۴ تومان برای یک سال، برای ساخت راه مشهد-عشق‌آباد استخدام کرد (خراسان در اسناد امین‌الضرب،

۱. حاج محمدکاظم ملک‌التجار فرزندان آقامحمد مهدی ملک‌التجار تبریزی بود که در سال ۱۲۸۷ ه ق با حکم ناصرالدین شاه به ملک‌التجار کل ممالک محروسه ایران ملقب شد (مکمم: شماره‌بازی ۵۲).

2. Bartel



۱۳۹۰، ص ۱۹۳). شاهزاده محمدحسین میرزا، مهندس راه شوسه دولتی نیز به عنوان مباشر حاج غلامرضا رئیسالتجار، نقشه تمام مسیر راه مشهد-عشق آباد را با تعیین محل عوارض زمین، پلها و منزلگاههای آن ترسیم کرد (خراسان در اسناد امینالضرب، ۱۳۹۰، صص ۱۹۱، ۳۱۳، ۵۵۰). این راه از دهکده امامقلی<sup>۱</sup> در شش فرسنگی قوچان تا سرحد روسیه (ساکما، ۷۷۴۹/۰۷۹-۲۹۵) از کوههای امامقلی و شمخال (طوس، ۱۳۲۸ق، س ۱، ش ۳۸، ص ۲) عبور می کرد که «عمده سختی راه هم از همین امامقلی در شش فرسخی قوچان تا سرحد» بود (ساکما، ۷۷۴۹/۰۷۹-۲۹۵). گزارش موسوی اصفهانی در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م نشان می دهد که مسیر راه از عشق آباد تا باجگیران کوهستانی بوده است و با زحمت زیاد، جاده ای در وسط آن کوهها احداث کرده بوده اند (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). به نظر می رسد که یکی از عوامل پیشرفت اندک در ساخت این راه، کوهستانی بودن و در نتیجه سخت گذر بودن این مسیر بوده است (اختر، ۱۳۰۶ق، س ۱۵، ش ۲۶، ص ۲۰۴)؛ تاجایی که در برخی مناطق کوهستانی برای هموار کردن مسیر و شکستن سنگها از باروت استفاده می کرده اند (سیاح محلاتی، ۱۳۵۹، ص ۳۱۴). کمبود امکانات فنی برای ساخت و تعمیر این راه در آن زمان، سبب پرداخت هزینه های زیادی از طرف دولت و صاحبان امتیاز این راه می شده است.

مهندسان، علاوه بر نقشه کشی و طراحی، بر ساخت، تعمیر و توسعه راه نیز نظارت داشتند؛ چنانکه مسیو نوز، رئیس گمرکات ایران، در جمادی الاول ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م به دلیل تأخیر رئیسالتجار در تعمیر راه در نظر داشت تا برای جلوگیری از خسارت به تجارت اتباع روسیه مهندس دوبرک<sup>۲</sup> بلژیکی را برای تعمیر و اصلاح راه استخدام کند (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۸/۵/۹ق). سفارت روسیه هم در نظر داشت بعد از آنکه راه شوسه از هودان الی قوچان ساخته شد، پس از تصدیق مسیو دوبرک، اجازه دریافت نصف حق عبور راه را به رئیسالتجار بدهد (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۴۶ق). چنان که تلگراف ۷شوال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م مشیرالدوله (وفات ۱۳۱۴ش) به آصف الدوله، والی خراسان، مؤید آن است که بعد از تأیید میرزا عبدالرحیم خان کاشف الملک، مهندس راه، نصف حق عبور به رئیسالتجار پرداخت شود. کاشف الملک با تأیید تسطیح راه، اجازه دریافت نصف حق عبور را صادر کرد (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۵۳ق). چند ماه بعد، کاشف الملک در صفر ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م به دنبال شکایت گاریچی ها، برای تعمیر راه به قوچان اعزام شد (استادوخ، ۱۳۲۵/۲۰/۲/۱-۵ق). او برای مرمت راه شوسه از مشهد به قوچان، سی هزار تومان پول نقد، یک نفر معمار، شش نفر بنا، یک نفر مباشر، یک نفر محاسب، چهارصد نفر عمله، ده گاری دو چرخ، پنجاه رأس الاغ ریگ کش، و بیل و کلنگ درخواست کرد (استادوخ، ۱۳۲۵/۲۵/۲/۲۰ق). علاء السلطنه،

1. Imam Quli  
2. Dobrouk



وزیر امور خارجه، برای تسهیل در روند ساخت این جاده، در تلگرافی از اسپینلا<sup>۱</sup>، رئیس گمرک قوچان خواست تا حق عبور دریافتی را که در نزد بانک استقراضی است برای تعمیر راه به کاشف‌الملک تحویل دهد (استادوخ، ۱۳۲۵/۲۰/۲/۱۳ق) تا با نظارت مهندس دولتی، تعمیر راه انجام شود.

مهندسان راه، بر روی گودال‌های عمیق و آب‌گیر در مسیر مشهد تا باجگیران پُل می‌ساختند و پُل‌های نامناسب را که در عرض راه از چوب ساخته شده بود تخریب می‌کردند و برای استحکام بیشتر با آجر و آهک می‌ساختند (خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳). با وجود این، وزیرمختار روسیه برای تسهیل تجارت و حمل‌ونقل در راه مشهد-عشق‌آباد همانند راه رشت-تهران، درخواست داد که یک کمپانی تشکیل شود. او مدعی شد که اگر دولت ایران این کمپانی را تشکیل ندهد، اتباع روسیه اقدام خواهند کرد (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۱۷ق). رئیس‌التجار، هم به دلیل آنکه تجار ایرانی به سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی با سودآوری نامشخص تمایل نداشتند و هم به دلیل کمبود سرمایه و سرمایه‌گذار داخلی خواهان مشارکت اتباع روسی در تشکیل کمپانی راه مشهد-عشق‌آباد بود (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۲۰ق). علاوه بر این، سفارت روسیه به دنبال منافع اقتصادی فراوان این راه، برای دایرکردن مهمان‌خانه در مسیر این راه درخواست داد. مشیرالدوله، وزیر خارجه، در این باره به منتخب‌الملک، کارگزار خراسان، می‌نویسد: «اگر رعایای ایران تمایلی به دایرکردن مهمان‌خانه در عرض راه ندارند، اتباع روس حاضرند مباشرت به این کار کنند. با رئیس‌التجار مشورت کنید تا با مشارکت چند نفر از رعایای ایران، مهمان‌خانه در راه دایر کنند که این کار از میان تبعه ایران خارج نشود؛ و الا چنانچه تبعه ایران اقدام نکنند، اتباع روس حاضرند مهمان‌خانه در عرض راه دایر کنند؛ البته زمانی که از مظفرالدین‌شاه درباره واگذاری راه مشهد-عشق‌آباد به اتباع بیگانه کسب تکلیف شد، او مخالفت کرد (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۲۳-۰۰۲۴ق).

با وجود انحصاری بودن امتیاز راه شوسه مشهد-عشق‌آباد، افراد زیادی از جمله رکن‌الدوله به مشارکت در احداث آن تمایل داشتند. حاج‌ابوالقاسم ملک‌التجار با استناد به فرمان واگذاری راه از سوی ناصرالدین‌شاه به خودش، با پیشنهاد مشارکت رکن‌الدوله مخالفت کرد (خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹). بعد از فوت حاج‌ابوالقاسم ملک‌التجار، روس‌ها مجدداً برای مشارکت در احداث و تعمیر راه مشهد-عشق‌آباد درخواست دادند (استادوخ، ۱۳۲۰/۲۱/۵/۲۱ق)؛ ولی چون امتیاز آن به حاج‌غلام‌رضا رئیس‌التجار، پسر ابوالقاسم ملک‌التجار تعلق داشت، ناکام ماندند.

محمدکازم ملک‌التجار از تجار بزرگ آن دوره هم خواهان دریافت امتیاز راه مشهد- 1. Spinlla



عشق آباد بود. او در چهارشنبه ۳ رجب ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۷ م به پسرش حسین ملک در مشهد می نویسد: چون رئیس التجار قادر به اداره کردن راه شوسه نیست، امتیاز آن پیش از زمان متعارف منقضی خواهد شد. امتیاز آن راه را بخرید؛ چراکه «رئیس التجار ناگزیر از فروش راه است. چنانچه راه دست شما بیافتد، هم راه، راه می شود و هم یک برهزار املاکی که در آن خط دارید ترقی می کند و هم بر اعتبارات شما افزوده می شود» (مکمم، ۱۳/۴۷۴-۰۰۳۱-۱۳۹۲) و «چنانچه خریدن امتیاز راه به نفعتان بود، یکی دیگر را برای خرید راه پیش بیندازید» (مکمم، ۱۴/۴۷۴-۰۰۳۱-۱۳۹۲). البته محمد کاظم ملک التجار با وجود تمام تلاش هایی که انجام داد، موفق نشد امتیاز راه شوسه مشهد-عشق آباد را به دست آورد.

## ۲.۲. سیاست روسیه و انگلیس در قبال راه مشهد-عشق آباد

راه سازی و احداث خطوط مواصلاتی در بخش های شمالی ایران از اولویت های مهم روسیه برای نفوذ همه جانبه و دستیابی به منافع سیاسی، اقتصادی، و نظامی در ایران بود. از این رو دولت روسیه امتیاز راه سازی بیشتر راه های مواصلاتی شوسه در شمال ایران از جمله جاده رشت-قزوین-تهران، جاده قزوین-تبریز-جلفا، جاده قزوین-همدان، و جاده آستارا-اردبیل را به دست آورده بود (Burrell, 1997, V2, PP 284-286). در چهارچوب همین برنامه، بانک استقراضی، بازوی مالی-اعتباری روسیه در ایران که در واقع مجری سیاست های آن دولت بود، برای مشارکت در طرح های راه سازی در بخش های مختلف ایران به طور جدی تلاش می کرد (شاهدی، ۱۳۸۱، ص ۴۹۲). به همین منظور، روس ها برای دریافت امتیاز راه شوسه مشهد-عشق آباد هیئتی را در ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۹ ق/ نوامبر ۱۹۱۱ م به عشق آباد اعزام کردند. آن ها می خواستند به بهانه خرابی و مرمت نشدن راه از باجگیران تا مشهد، راه را تصاحب کنند (استادوخ، ۱/۱۵/۵۰/۱۳۲۹). گزارشی دیگر نشان می دهد که رئیس التجار، راه مشهد-عشق آباد را به مبلغ یک صد هزار تومان به روس ها فروخته بود (استادوخ، ۲/۱۸/۵/۱۳۲۳ ق). طبق اسناد کنسول گری بریتانیا، گزارش گرانت داف<sup>۱</sup>، سفیر انگلیس در تهران، در ۱ فوریه ۱۹۰۶ م/ ۶ ذی حجة ۱۳۲۳ ق به سر ادوارد گری<sup>۲</sup> مؤید آن است که رئیس التجار راه مشهد-عشق آباد را درازای دریافت صد هزار تومان به بانک روس واگذار کرده بود و شصت هزار تومان از این مبلغ را برای تعمیر راه هزینه کرده بود (Burrell, 1997, V3, P3). باینکه براساس گزارش های کنسول انگلیس، رئیس التجار قسمت های داخل ایران راه مشهد-عشق آباد را به بانک استقراضی روسیه واگذار کرده بود (Burrell, 1997, V2, P442)، ولی گزارش های انتقال امتیاز راه به بانک روسیه را انکار می کرد. البته در مشهد آزادانه درباره این موضوع بحث و گفت و گو می شد؛ بدین سبب رئیس التجار به

1. Evelyn Grant Duff

2. Sir Edward Grey



تهران فراخوانده شد (Burrell, 1997, V2, P438). او در جلسه پنج‌شنبه ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ ق/ دسامبر ۱۹۱۱م در تهران با حضور معاون و مدیرکل وزارت فواید عامه، ادیب‌السلطنه مدیر ایالات وزارت داخله، ارفع‌السلطان نماینده وزارت امور خارجه، محمدجعفر میرزا مدیر معادن، طرق و شوارع، گرو گذاشتن امتیازنامه به بانک استقراضی را به کلی تکذیب کرد و گفت: اگر چنین مطلبی ثابت شود، دولت حق دارد امتیاز راه را از او سلب کند (استادوخ، ۱۳۳۰/۵۰/۷/۴ ق). او هم چنین متعهد شد تا راه را در مدت دو سال به طور اساسی تعمیر کند و دولت به هر نحو که صلاح دانست، حق عبور را مقرر کند.

گزارش کارپرداز عشق‌آباد نشان می‌دهد: با وجود آنکه رئیس‌التجار امتیازنامه راه را در گرو بانک روس گذاشته بود، روس‌ها خرابی راه و بی‌کفایتی صاحب امتیاز را بهانه قرار دادند و با هدف مداخله، در پی تصاحب امتیاز راه مشهد-عشق‌آباد برآمدند (استادوخ، ۱۳۳۰/۵۰/۷/۵ ق). هم‌چنین، گزارش تاونلی<sup>۱</sup>، سفیر انگلیس در تهران در ۳ سپتامبر ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ ق نشان می‌دهد که مذاکرات بین رئیس‌التجار و بانک روس در مشهد به واگذاری امتیاز راه به بانک روس در مقابل ۱۵ درصد سود سالانه حاصل از جاده جدید منجر شده بود (Burrell, 1997, V5, P540)؛ ولی مشیرالدوله، وزیر خارجه، موضوع واگذاری راه به بانک استقراضی را نپذیرفت (Burrell, 1997, V2, P434)؛ زیرا انتقال امتیاز از طرف رئیس‌التجار به اتباع خارجه کاملاً غیرقانونی بود (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۷/۵/۴۷ ق). با وجود ادعای سفارت روسیه مبنی بر واگذاری امتیازنامه راه مشهد-هودان، برای ضمانت قرض رئیس‌التجار به بانک استقراضی (استادوخ، ۱۳۳۱/۵۰/۱۵/۱۳ ق)، گزارش تاونلی در ۱۴ آوریل ۱۹۱۴م نشان می‌دهد که بانک استقراضی در صدد بوده است تا از طریق اعمال فشار سیاسی و با کمک کنسول روس در مشهد به امتیاز راه مزبور دست یابد. او در این باره می‌نویسد: بانک روس تحت حمایت کنسول این کشور در مشهد تلاش می‌کند تا امتیاز راه مشهد-عشق‌آباد را از رئیس‌التجار -که مبلغ زیادی به بانک روس بدهکار است- به بانک روس انتقال دهد (Burrell, 1997, V5, P620). حتی گفته می‌شد که رئیس‌التجار و بانک استقراضی طبق توافقی، مشترکاً این پروژه را انجام می‌دهند (Burrell, 1997, V2, PP 437-438).

با وجود این، دولت روسیه با بهانه قراردادن قرض رئیس‌التجار، در صدد دست‌اندازی به منافع راه مشهد-عشق‌آباد از طریق بانک استقراضی شعبه مشهد بود؛ ولی مخالفت مقامات رسمی ایران با واگذاری امتیاز راه به دولت‌های خارجی (در این مورد خاص) مانع از رسیدن روس‌ها به اهداف مدنظرشان شد؛ بنابراین هرگونه شرایط و قراردادی از طرف رئیس‌التجار با بانک و اتباع خارجه درباره امتیاز واگذاری و احداث راه توسط آن‌ها، کأن لم یکن بود (استادوخ، ۴۱ و ۱۳۳۲/۵۰/۶/۲۰ ق) و غفلت رئیس‌التجار در تعمیر راه و

1. Sir Walter Townley

اقدام خودسرانه‌اش برای انتقال امتیاز راه به روس‌ها امتیاز او را باطل می‌کرد. هرچند که سفارت روسیه مکرر به دولت ایران سفارش می‌کرد تا منافع راه را به رئیس‌التجار واگذار کنند، ولی وزارت خارجه ایران این تقاضا را رد می‌کرد (استادوخ، ۱۴/۶/۵۰/۱۳۳۲ق) و پاسخ می‌داد: دولت ایران، کتترات بین رئیس‌التجار و بانک استقراضی درباره راه مشهد-عشق‌آباد را باطل می‌داند؛ زیرا رئیس‌التجار امتیاز خود را نقض کرده و از این حقوق محروم بوده‌است. پس از سلب اختیار رئیس‌التجار از امتیاز این راه، دولت ایران این راه را به خزانه‌داری کل واگذار کرد (استادوخ، ۳۲-۳۰/۶/۵۰/۱۳۳۲ق). سفارت روسیه مجدداً درخواست واگذاری راه را به وزیر خارجه داد (استادوخ، ۱۰۷/۳/۲۱/۱۳۲۳ق)؛ ولی پاسخی مناسب از سوی مشیرالدوله و دولت ایران دریافت نکرد. با وجود این که اسناد کنسول‌گری بریتانیا می‌خواهند نشان دهند که امتیاز راه‌سازی بین مشهد-عشق‌آباد به دولت روسیه واگذار شده‌است (Burrell, 1997, V2, P286)، ولی با بررسی و مطالعه دقیق اسناد داخلی و حتی توجه جدی به اسناد کنسول‌گری بریتانیا، این اخبار نمی‌تواند درست باشد. به نظر می‌رسد که حکومت قاجار برای جلوگیری از تسلط اقتصادی و نظامی روس‌ها در شمال ایران از مسیر جاده عشق‌آباد به مشهد، در مقابل پیشنهاد روس‌ها مبنی بر راه‌سازی در این منطقه مقاومت کرده‌است.

یکی از اهداف روسیه از نفوذ در مناطق شمالی ایران با در اختیار گرفتن راه‌های شوسه، به‌ویژه جاده عشق‌آباد به خراسان، نفوذ در مناطق جنوبی ایران و نزدیک شدن به هندوستان برای تحت فشار قراردادن دولت انگلیس بود (ترنزیو، ۱۳۵۹، ص ۱۰۴؛ کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۵)؛ چراکه در آن برهه از زمان برخی از سیاست‌مداران انگلیسی بر این عقیده بودند که «انگلستان بدون هندوستان امکان زیست ندارد» (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱). هدف دیگر دولت روسیه از احداث جاده عشق‌آباد به مشهد، دسترسی آسان‌تر به بازار خراسان و مشهد در رقابت تجارتهای با انگلستان بود (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۲۰). نفوذ روسیه و انگلیس در خراسان برای تسلط بر راه‌های آن منطقه از نظر رقابت‌های سیاسی-تجاری قابل درک بود؛ چراکه در اختیار داشتن راه‌های اصلی تجاری ایران یکی از مهم‌ترین وسایل نفوذ صلح‌طلبانه محسوب می‌شد (لیتن، ۱۳۶۷، ص ۲۵۸). گاهی اوقات منافع روسیه در خراسان جنبه دست‌یازی نظامی پیدا می‌کرد و هرچند «انگلیس برخلاف روسیه به هیچ‌وجه خیالی در سر نداشت که یک وجب از خاک خراسان را تصرف کند» (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹۴) ولی اقدامات روسیه در پیشروی به جنوب ایران را عامل پیدا و پنهان تهدید برای هندوستان می‌دید (دیکسون، ۱۳۹۲، ص ۳۶).

در مناقشات بین روسیه و انگلیس، جایگاه ایران برای انگلیس به‌مانند یک سد



محکم دفاعی بود که راه ورود روسیه به هندوستان را می‌بست (رایت، ۱۳۶۸، ص ۳۵۸). رقابت روسیه و انگلیس با ظهور قدرت جدید سیاسی-نظامی-اقتصادی آلمان در منطقه، به سمت کم‌شدن تنش‌ها و اتحاد در مقابل تهدید آلمان رفت (دیکسون، ۱۳۹۲، ص ۳۷): بدین صورت که براساس ماده اول مصالحه‌نامه ۳۰ اوت ۱۹۰۷م/۲۱ رجب ۱۳۲۵ق که ایران به دو منطقه تحت نفوذ روسیه و انگلیس تقسیم شده بود، دولت انگلیس متعهد شد که در منطقه نفوذ روسیه (خطی که از قصر شیرین، اصفهان، یزد و کاخک می‌گذشت و به نقطه مرزی ایران در محل تقاطع مرز روسیه و افغانستان منتهی می‌شد) هیچ نوع امتیاز سیاسی-تجاری از قبیل امتیاز راه‌آهن، بانک، تلگراف، راه‌های شوسه، حمل و نقل، بیمه و غیره تحصیل نکند. هم‌چنین از اتباع انگلیسی یا دولت ثالث در تحصیل این امتیازها پشتیبانی نکند و در صورتی که دولت روسیه درصدد کسب این قبیل امتیازات در ناحیه تحت نفوذ خود باشد، دولت انگلیس خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم مخالفتی ابراز نکند (ترنزیو، ۱۳۵۹، ص ۱۸۶). به‌علت همین موضوع است که گزارشی مبنی بر کارشکنی اتباع انگلیس در روند احداث راه مشهد-عشق‌آباد در منابع و اسناد مشاهده نمی‌شود.

### ۳. تعمیر و نگهداری راه؛ مخالفت‌های داخلی و خارجی

راه مشهد-عشق‌آباد به‌علت طراحی نادرست اولیه، کمبود منابع مالی، سخت‌گذربودن برخی قسمت‌های راه و در مجموع نامناسب بودن برای عبور و مرور عابران، زائران و تجار، شکایت مردم، تجار داخلی، تجار روسیه و سفارت روسیه را به دنبال داشت و به چالشی برای متصدیان این راه و دولت مردان ایران تبدیل شده بود.

#### ۳.۱. شکایت از وضع نامناسب راه

مسیر مشهد-قوچان-باجگیران مشهور به راه «هودان»، به‌سبب کثرت عبور و مرور و رسیدگی نکردن متصدیان امر، به‌کلی خراب و عبور از آن مشکل شده بود (رعاد، ۱۳۳۸ق، ص ۱۰، ش ۱۶۳، ص ۲). این موضوع شکایت گاریچی‌ها و شترداران را به‌همراه داشت. چون راه به‌درستی ترسیم نشده بود، به‌محض بارش باران و برف، تمام راه گل‌ولای می‌شد و چرخ‌ارابه‌ها در گل فرومی‌رفت. هم‌چنین این راه در مسیر روستای فرخان<sup>۱</sup> تا قوچان بسیار کم‌عرض بود و گرد و خاک فراوان هم داشت (Routes in Persia, 1928, VI, P187). این راه از داخل شهر قوچان عبور می‌کرد و به‌دلیل خرابی راه، عبور و مرور مردم قوچان هم در داخل شهر با مشکل مواجه می‌شد (استادوخ، ۱۳۲۱/۲۳/۸/۶ق). خرابی راه مشهد-عشق‌آباد شکایت اهالی مشهد و عابران از رئیس‌التجار را به دنبال داشت؛ به‌نحوی که کم‌کم

۱. فرخان (farkhan) از روستاهای توابع شهرستان قوچان است.



این شکایت‌ها به «نفرین عمومی» مردم (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۴۴ق) به کاربه‌دستانِ آن راه تبدیل شد.

تجار و رعایای روس ساکن مشهد و قوچان نیز همه‌روزه از خرابی راه شوسه مشهد-عشق‌آباد به دلیل مشکلات زیادی که برای حمل‌ونقل مال‌التجاره به‌وجود آورده بود به سفارت روسیه شکایت می‌کردند. آن‌ها اصرار داشتند تا خرابی‌های موجود تعمیر و مرمت شود؛ چراکه تأخیر در اصلاح راه، باعث به‌وجود آمدن مشکلات در خراسان می‌شد (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۸/۵/۱-۶). حتی قونسول روس<sup>۱</sup> که با کالسکه از قوچان به مشهد می‌رفت، از خرابی راه شکایت داشت و به اهمال‌کاری صاحبان امتیاز در ترمیم و اصلاح راه اعتراض کرد (استادوخ، ۱۳۱۸/۱۰/۲/۸۷ق). با وجود این اعتراض‌ها بازهم راه شوسه باجگیران-مشهد در اواخر دوره قاجار برای عبور کاروان‌های تجاری وضعیتی مناسب نداشت.

در تعمیر و نگهداری راه مشهد-عشق‌آباد دو مشکل عمده وجود داشت. مشکل نخست از لحاظ مهندسی ناسازگاری راه مزبور با موقعیت طبیعی و جغرافیایی منطقه بود و مشکل دوم تأمین منابع مالی برای این پروژه بود. در توضیح مشکل نخست باید گفت که بارندگی‌های موسمی و وقوع سیلاب‌های متعدد مکرراً راه و پل‌های آن را خراب می‌کرد و سبب اختلال در احداث، تعمیر و توسعه راه می‌شد. برف و باران، هم در آغاز کار مانع از احداث راه می‌شد و هم در زمان تعمیر و مرمت، اختلال ایجاد می‌کرد (ساکما، ۱۳۰۷-۷۷۴۹-۲۹۵). رئیس‌التجار در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۹ق/۱۹۰۱م از وقوع ده سیلاب بزرگ در فاصله پنج روز و خرابی راه و پل‌های مسیر مشهد-عشق‌آباد و در نتیجه کندی در تعمیر راه یاد کرده‌است (استادوخ، ۱۳۱۹/۲۳/۷/۶ق). مطبوعات هم از بروز سیل و خرابی در راه مشهد-عشق‌آباد گزارش‌هایی متعدد داده‌اند (طوس، ۱۳۲۸ق، س ۱، ش ۳۸، ص ۲). وضعیت آب‌وهوای ایران در ساخت و حفظ راه‌های شوسه تأثیر داشته و یکی از عوامل اصلی در زیادبودن هزینه‌های راه‌سازی بوده‌است (کاشف‌السلطنه، ۱۳۰۱، ص ۱۱)؛ چنانکه در گزارشی آمده‌است: راه شوسه مشهد-باجگیران به دلیل سیلی که آمده، به کلی خراب شده و باعث ضرر کلی به تجار شده‌است (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۲۶ق). به‌دنبال جاری شدن سیلاب در منطقه دُرِبادام<sup>۲</sup> و شمکاله (شمخال)<sup>۳</sup> تمامی پل‌ها خراب و راه قوچان به عشق‌آباد مسدود شده بود و مقدار زیادی از مال‌التجاره تبعه روس ازین رفته بود. به‌دنبال این اتفاقات، قونسول روس، درخواست تعمیر و اصلاح پل‌ها و حفاظت از مال‌التجاره تجار را داشت (استادوخ، ۱۳۱۸/۱/۱۷/۱۱۸ق).

علاوه‌براین، سفارت روسیه به دلیل خرابی پل‌های مسیر مشهد-عشق‌آباد که سبب

۱. م. پونافیدین (M.Ponafidine) از سال ۱۳۱۴ق تا سال ۱۳۲۲ق کنسول روسیه در مشهد بود.  
۲. دُرِبادام (Dorbadam) از روستاهای توابع شهرستان قوچان است.  
۳. شمخال (Shamkhal) از روستاهای توابع شهرستان قوچان است.





از بین رفتن مال التجاره مشهدی مصطفی فورقونچی، تبعه روس شده بود، از رئیس التجار شش صد تومان غرامت طلب کرد. مشیرالدوله، وزیر خارجه، در پاسخ به روس ها، خرابی پل را به سیلاب نسبت داد و مسئولیت آن را متوجه رئیس التجار ندانست (استادوخ، ۲۹-۲۴/۱۸/۵/۱۳۲۳ق). سفارت روسیه در غره رمضان ۱۳۲۳ق/اکتبر ۱۹۰۵م هشدار داده بود که امتیاز راه با رئیس التجار است؛ ولی تأخیر در تعمیر راه و پل ها باعث تأخیر در حمل مال التجاره و اسباب ضرر تجار خواهد شد؛ بنابراین درخواست کرد که هرچه زودتر مهندسانی برای تعمیر و ساختن پل ها اعزام شوند (استادوخ، ۴۶-۴۵/۲۷/۱۸/۱۳۲۳ق)؛ چراکه در صورت تعمیر نشدن راه مزبور، رعایای دولت روسیه حق عبور از این مسیر را پرداخت نخواهند کرد (استادوخ، ۳۱/۶/۵۰/۱۳۲۰ق) و خرابی راه باعث نقصان مال التجاره خواهد شد.

مشکل دوم که چگونگی تأمین منابع مالی برای نگهداری، مرمت و توسعه راه بود، از خلال همین گفت و گوها و مذاکرات خودنمایی می کند؛ چنان که موضوع تأمین منابع مالی از جمله دریافت حق عبور از عابران توسط صاحبان امتیاز راه برای پرداخت هزینه های ساخت و تعمیر راه مشهد-عشق آباد از همان آغاز در امتیازنامه درج شده بود و گزارش های متعدد نشان می دهد که حاج ابوالقاسم ملک التجار از صاحبان امتیاز راه، مطابق امتیازنامه حق عبور دریافت می کرده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳؛ سیاح محلاتی، ۱۳۵۹، ص ۳۱۴). هم چنین، براساس اسناد کنسولگری بریتانیا در ۱۹ جولای ۱۹۰۶م/۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۴ق عوارض راه مشهد-عشق آباد را رئیس التجار دریافت می کرده است (Burrell, 1997, V3, P29). رئیس التجار بعدها هم براساس ضمیمه امتیازنامه راه، بعد از تأیید مهندسان ناظر حق عبور را به شرح زیر از اتباع داخل و خارج دریافت می کرده است:

«از کالسکه هایی که مسافر حمل می کنند، هر اسب شش هزار شاهی؛ از کالسکه های بی مسافر [...] هر اسب چهار هزار و پنج شاهی؛ از فورقون هایی<sup>۱</sup> که حمل مال التجاره می نمایند، هر اسب یک تومان و ده شاهی؛ فورقون هایی که خالی حرکت می کنند [...] هر اسب پنج هزار و پنج شاهی؛ از دوچرخه هایی که حمل بار می نمایند، هر اسب هشت هزار شاهی؛ از دوچرخه های بدون بار چهار هزار دینار؛ از دلیجان پستی که چهار نفر مسافر بیش ندارد، هر اسب چهار هزار و پنج شاهی؛ از دلیجان پستی که بیش از چهار نفر در آن مسافرت می نمایند، هر اسب شش هزار و ده شاهی؛ از فورقون پستی که چهار نفر مسافر بیش ندارد، هر اسب پنج هزار و پنج شاهی؛ از فورقون پستی که بیش از چهار نفر در آن ها مسافرت می نمایند، هر

۱. فورقون (فرغون): نوعی دلیجان.

اسب یک تومان و دو شاهی؛ از هر رأس اسب و شتر و قاطر باردار سه هزار و ده شاهی؛ از هر رأس شتر و اسب و قاطر بی بار که آمدوشد می کنند یک قران؛ از الاغ، گاو و ماده گاو که بار حمل می کنند، هر رأس یک هزار و شش صد دینار؛ الاغ و ماده گاو بدون حمل بار ده شاهی؛ هر رأس اسب چاپاری یک هزار و هشت صد و پنجاه دینار» (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۴۷) (ق).

باوجوداین، رئیسالتجار حق عبور دریافتی را برای تعمیر و اصلاح راه کافی نمی دانست. او برای جلب رضایت دولت برای افزایش حق عبور عازم تهران شد و توانست نظر مساعد دولت را به دست آورد (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۸/۵/۶)؛ ولی از آنجاکه هنوز تعمیر راه به اتمام نرسیده بود، سفارت روسیه ادعا می کرد: تا زمانی که راه تعمیر نشود، رئیسالتجار اجازه گرفتن حق عبور را ندارد (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۲۵) (ق). از سوی دیگر، باتوجه به تلگراف فخیم الملک، کارگزار قوچان، به تهران: حق عبور راه ترتیب صحیح نداشت و توسط مباشران به دلخواه دریافت می شد (استادوخ، ۱۳۲۵/۲۰/۲/۲۲-۲۴) (ق). روزنامه طوس نیز به شکایات مردم از «راه پولی» که دلبخواهی دریافت می شد، اشاره کرده است (طوس، ۱۳۲۸، س ۱، ش ۵۳، ص ۴).

براساس برخی گزارش ها، همچنان تا سال ۱۳۳۰ ق/۱۹۱۱ م بعضی از گاریچی ها و کالسکه چی ها حق راهداری را پرداخت نمی کردند و عایدات راه تنها از طریق حق عبور که تقریباً سالی ده هزار تومان بود، تأمین می شد. بدین سبب، کارگزار خراسان در تلگرافی به علاءالسلطنه، وزیر خارجه، نوشت: تا زمانی که اقدام اساسی در ساخت و تعمیر راه نشود، پای دولت خارجی به میان می آید و در آینده مشکلاتی برای دولت و مردم پیش خواهد آمد (استادوخ، ۱۳۳۰/۵۰/۸/۶) (ق). علاءالسلطنه پاسخ داد: رئیسالتجار متعهد است که حق عبور دریافتی نزد یکی از بانک ها متمرکز باشد و وجه توقیف شده را برای تعمیر راه به کاشف الملک پرداخت کند. هم چنین به سفارت روس اطلاع داده شد تا برای پرداخت حق عبور توسط اتباع روس، اقدام کند (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۶۱) (ق).

سفارت روسیه هم چنین در ۴ صفر ۱۳۲۴ ق/۳۰ مارس ۱۹۱۹ م به وزارت خارجه ایران نوشت: از آنجاکه خرابی راه سبب اختلال در تجارت تبعه روس خواهد شد، مقرر فرمایید تا رئیسالتجار راه را تعمیر کند. وزیر امور خارجه هم، برای تعمیر راه و جلوگیری از اختلال در امر تجارت اتباع روسیه دستور لازم را به رئیسالتجار ابلاغ کرد (استادوخ، ۱۳۲۰/۲۱/۵/۲۳-۲۴) (ق). رئیسالتجار در پاسخ تأکید داشت که باوجود سنگ فرس شدن راه از قوچان تا سرحد روسیه، راه قوچان به مشهد هنوز خاکی (مال رو) است و معایب زیادی دارد (استادوخ، ۱۳۲۰/۲۱/۵/۲۲) (ق). رئیسالتجار بخشی از قصور را پذیرفت و در

۶ ذی حجه ۱۳۲۴ ق/ ۲۱ ژانویه ۱۹۰۷ م متعهد شد تا آنچه حق عبور گرفته می شود در یکی از بانک‌های مشهد نگهداری شود و عین وجه برای تعمیر راه به کاشف‌الملک پرداخت شود (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۵۹ ق). برای این منظور از تهران به قوچان تلگراف شد تا براساس دستور مشیرالدوله، از گاریچی‌ها و شتردارها که اغلب اتباع روسیه هستند، نصف حق عبور گرفته شود؛ ولی اتباع روسیه به دلیل خرابی راه از پرداخت حق عبور امتناع می کردند و اکت ۱ (نماینده کنسولی) روسیه در قوچان، مانع از پرداخت حق عبور اتباع روس می شد (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۶۹-۷۲ ق).

سرانجام با وساطت کنسول روسیه در مشهد، قرار شد اتباع روسیه حق عبور راه قوچان را به این شرط پرداخت کنند که حق عبور پرداختی برای تعمیر راه هزینه شود (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۷۱ ق). خرابی جاده و کوتاهی در نگهداری جاده، اعتراض مردم به ویژه روس‌ها را که برای بردن کالا از این مسیر استفاده می کردند، به دنبال داشت (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۲۴). وضعیت نامناسب راه مشهد-عشق آباد، در مطبوعات داخلی آن دوره هم بازتاب داشته است. گزارش روزنامه رعد ذیل عنوان «تعمیر راه خراسان» به نامناسب بودن وضعیت این راه و شکایت‌های متعدد از خرابی آن و آسیب‌های رسیده به افراد و مال‌التجاره اشاره کرده است (رعد، ۱۳۳۷ ق، س ۱۰، ش ۱۴۰، ص ۲). گزارش سال‌های بعد نشان می‌دهد که با وجود برخی اقدامات برای بهبود وضعیت راه مشهد-عشق آباد، همچنان نارضایتی از وضعیت این راه و میزان حق عبور دریافتی ادامه داشته است (رعد، ۱۳۳۸ ق، س ۱۰، ش ۲۲۵، ص ۲)؛ چراکه راه به کلی خراب و امکان عبور و مرور محدود شده بود (فکر آزاد، ۱۳۴۱ ق، س ۱، ش ۸۰، ص ۴). مسائلی از این دست می‌تواند نشان‌دهنده چالش‌های متعدد پیش‌روی ساخت، تعمیر و نگهداری یک جاده در ایران عصر قاجار آن‌هم با تکیه بر امکانات محدود و نیروی کار داخلی باشد.

### ۲.۳. چالش تأمین بودجه و استفاده از نیروی کار ایرانی

ساخت و تعمیر راه‌های کشور با استفاده از نیروی داخلی موجب ارزش افزوده و ازدیاد ثروت در کشور می‌شد؛ زیرا پولی که برای ساخت و تعمیر راه هزینه می‌شد، در بین اقشار داخلی از کارگران ساده گرفته تا مهندسان و سایر اجزاء تقسیم می‌شد و به قول صنایع‌الدوله در رساله «راه نجات»، «مایه ازدیاد ثروت مملکت می‌گردید» (صنایع‌الدوله، ۱۳۶۳، ص ۱۸). به نظر می‌رسد با این دیدگاه بوده است که نظرعلی خان، سرهنگ فوج قرائی، در سال ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۸۹ م مدت ۷ تا ۸ ماه با فوج قرائی مأمور ساختن راه شوسه قوچان به مباشرت و ریاست ابوالقاسم ملک‌التجار شده بود (ایران، ۱۳۰۷ ق، ش ۶۹۹، ص ۴).

۱. Agent

۲. ایوانویج رشیداف



به دلیل این که تهیه تدارکات از روستاهای هم‌جوار با راه مشهد-عشق‌آباد به سهولت انجام می‌شد (Routes in Persia, 1928, V1, P184)، وزارت خارجه در رمضان ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م به آصف‌الدوله والی خراسان نوشت: برای آن که در زمستان حمل و نقل در راه قوچان متروک نشود، لازم است تا با دریافت پانصد تومان کمک مالی از ایالت خراسان، روزی ۵۰ نفر رعیت از روستاهای توابع قوچان-شارک<sup>۱</sup>، زوباران<sup>۲</sup>، امام‌قلی<sup>۳</sup>، دوربادام، شمنخال، ملامحمد و شاه‌محمد<sup>۳</sup>- برای راه حاضر کنید و با صلاح‌الدید مهندس<sup>۳</sup>، اقدام به تعمیر راه کنید (استادوخ، ۱۳۲۳/۱۸/۵/۵۰ق). هم‌چنین مشیرالدوله برای تعمیر راه تذکر می‌داد که همه‌روزه یک‌صدوپنجاه نفر عمله به کار تعمیر مشغول باشند (استادوخ، ۱۳۱۹/۲۳/۷/۱ق). براساس این درخواست شجاع‌الدوله، حاکم قوچان، پنجاه نفر عمله خود را برای ترمیم راه شوسه قوچان-عشق‌آباد (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۲۷ق) در اختیار رئیس‌التجار قرار داد. دولت ایران برای کاهش هزینه‌های ساخت و بازسازی راه‌ها در زمانی که امنیت داشت و درگیر جنگ نبود می‌توانست از نیروهای نظامی (سرباز) برای ساخت، نگهداری و تعمیر طرق و شوارع استفاده کند؛ بدین معنی که سربازان را هنگام بیکاری با مزد مختصر به کار وادارد. هم‌چنین می‌توانست گداها و زندانیان را به شرط داشتن ناظر و مراقب زیر نظر مهندسین روس و انگلیسی به کار گیرد (حبل‌المتین طهران، ۱۳۲۵ق، س ۱، ش ۱۲۶، صص ۱-۲). خرابی‌های متعدد راه در برخی فصول، نیاز به کارگر را افزایش می‌داد؛ بنابراین صاحبان امتیاز راه مستلزم پرداخت هزینه‌های بیشتری می‌شدند. به‌همین دلیل بعداز وقوع سیل و خرابی راه و پل‌های مسیر مشهد-عشق‌آباد، مشیرالدوله، وزیر خارجه، به رئیس‌التجار تأکید می‌کرد: «برای تعمیر پل‌ها و راه بر عمله‌جات خود بیفزایید تا قبل از پاییز راه ساخته شود و اسباب تسهیل عبور و مرور شده و از سفارت روس در این خصوص شکایت نشود» (استادوخ، ۱۳۱۸/۲۳/۲۹/۰۰۱۲ق). کمبود بودجه برای تعمیر راه یکی دیگر از مشکلاتی بود که پیامد آن، کاهش نیروی کار و درنهایت توقف یا کندی عملیات بازسازی بود. این موضوع از میان تلگراف‌های متعددی که از قوچان، با موضوع درخواست کمک مالی، به رئیس‌التجار ارسال می‌شده، پدیدار است (استادوخ، ۱۳۲۴/۲۴/۲/۶۶ق). یکی از نتایج کمبود منابع مالی برای تعمیر راه شوسه مشهد-باجگیران، تغییر در قسمت‌هایی از راه قدیم و ساخت راه جدید توسط رئیس‌التجار بود.

#### ۴. ایده ساخت راه جدید؛ واکنش‌های داخلی و خارجی

ترسیم نقشه و ساخت اولیه جاده مشهد-قوچان بدون توجه به مکان‌یابی جغرافیایی و ابعاد زمین‌شناسی انجام شده بود. قسمت‌هایی از این راه داخل جلگه‌های پست و آبگیر

۱. روستای شارک (ShahRag) از توابع شهرستان قوچان است.
۲. روستای زوباران (Zobaran) از توابع شهرستان قوچان است.
۳. کلاسه ملامحمد و شاه‌محمد از روستاهای توابع شهرستان قوچان هستند.



و قسمت‌هایی از آن داخل بیابان قرار داشت. چون عبور و مرور و تعمیر و مرمت در این قسمت‌ها مشکل بود، رئیس‌التجار تصمیم گرفت تا بخشی از راه را تغییر دهد و راهی جدید احداث کند. ساخت راه جدید که با تغییر در بخشی از راه سابق همراه بود، با مخالفت مردم، سفارت روسیه و برخی از تجار به‌ویژه محمدکاظم ملک‌التجار از تجار زمین‌دار در خراسان، مواجه شد. یکی از مشکلات راه قدیمی این بود که مسافت محدودی از آن را از روی ناآگاهی در اراضی بیابانی ساخته بودند که در بسیاری از سال‌ها، اسباب زحمت عابران و تعطیلی عبور و مرور می‌شد. مأموران و اتباع دولت‌های خارجی هم که از این راه آمدوشد داشتند، در تابستان از گردوغبار و در سایر فصول از گل‌ولای آن شکایت می‌کردند (ادب، ۱۳۲۰ق، س ۳، ش ۱۰، صص ۷۶-۷۷). رئیس‌التجار هم تأیید می‌کرد که راه فقط از سرحد هودان تا قوچان قابل استفاده است. هرچند که راه قدیمی از قوچان تا مشهد از وسط جلگه عبور می‌کرد (Routes in persia, 1928, VI, P184)، ولی چون نزدیک به دوازده فرسنگ آن از داخل بیابان عبور می‌کرد، قابل اصلاح نبود. بنابراین، رئیس‌التجار مسیری جدید را پیشنهاد داد که از پنج‌فرسنگی مشهد از راه قدیم جدا می‌شد و در دوفرسنگی قوچان داخل راه قدیمی می‌شد. این راه یک فرسنگ نزدیک‌تر از راه قدیمی بود. پیشنهاد رئیس‌التجار با شکایت سفارت روسیه و محمدکاظم ملک‌التجار که در کنار راه قدیمی املاک فراوانی داشت همراه شد؛ ولی رئیس‌التجار تأکید می‌کرد که اگر دولت در ساختن راه جدید اطمینان دهد، او از تحریکات سفارت روس و ملک‌التجار نگران نیست و اگر راه جدید ساخته شود، اسباب راحتی عابران و تجار خواهد بود (استادوخ، ۱۳۱۹/۲۳/۷/۲۰ق). در نهایت و با وجود شکایت از رئیس‌التجار، او در بخشی از راه مشهد-عشق‌آباد، به جای تعمیر راه قدیم، مسیر راه را تغییر داد و راهی جدید احداث کرد.

رئیس‌التجار در مسیر تعمیر راه قوچان-مشهد، یعنی منطقه چناران، تغییر در مسیر راه را به‌صرفه‌تر از تعمیر و مرمت آن می‌دید. این موضوع مخالفت اهالی روستای سیدآباد را به دنبال داشت و باعث شکایت از رئیس‌التجار به وزیر خارجه شد که «ما سیصد خانوار سادات ذریه رسول در صیدآباد [سیدآباد] سر راه قدیم هزارساله قوچان خانه و لانه داریم. صد هزار تومان آبادی و کاروان‌سرا و دکا کین ساخته‌ایم، رئیس‌التجار برای منافع خودش و مخالفت با دیگران می‌خواهد این راه را موقوف کند» (استادوخ، ۱۳۲۰/۲۱/۵/۵ق). هم‌چنین طوایف گرد ساکن چناران در شکایت از احداث راه جدید، به وزیر خارجه نوشتند: «[ما] طایفه موسکانلو، ترسانلو، شیخ‌کانلو<sup>۱</sup> [...] در خاک چناران سکنی داریم و به‌مرور املاک آباد کرده‌ایم و خانه‌ها را انداخته‌ایم. باید تماماً ضایع [شویم] و ناچار هزار خانوار متفرق خواهد شد و مالیات دیوانی هم به زمین خواهد خورد» (استادوخ، ۱۳۲۰/۲۱/۵/۷ق).

۱. موسکانلو، شیخکانلو و ترسانلو از طوایف کرد ایل زعفرانلو بودند که در منطقه چناران، رادکان و قوچان سکونت داشتند (میرزینیا، ۱۳۶۹، صص ۱۱۵ و ۱۱۳).

محمد کاظم ملک التجار نیز با ایجاد راه جدید به دست رئیس التجار مخالفت می کرد. او به پسرش، حسین ملک (وفات ۱۳۵۰ش)، توصیه کرده بود: «راه باجگیران-عشق آباد را از دست رئیس التجار در بیاورید» (مکمم، ۱۶/۱۰۵۱۱-۳۱-۱۳۹۲). او استدلال می کرد که این راه [راه قدیمی] به امر دولت ساخته شده است و مردم در اطراف آن به آبادانی پرداخته اند و از جمله خودش قلعه، حمام، کاروان سرا و قهوه خانه ساخته است؛ لذا اگر تغییری در راه حاصل شود، تمام این املاک از بین خواهند رفت. او رئیس التجار را تهدید می کرد که نباید راه را از اول تا آخر در هیچ نقطه ای به ویژه در منطقه چناران تغییر دهد و حتماً باید راه قدیمی تعمیر شود. «اگر می گویند امکان ندارند، امتیاز راه را زمین بگذارند و دیگران با کمال منت سالی ده هزار تومان هم به دولت می دهند و راه را نیز بهتر از آنچه تصور می سازند» (استادوخ، ۱۴/۲۳/۸/۱۳۲۱ق). مشیرالدوله در واکنش به شکایت مردم، به رئیس التجار می نویسد: «دولت هرگز تجویز نمی کند راه معمولی را برهم زده، راه جدید بسازید. همه این مستغلات و علاقجات مردم که با اطمینان این راه ساخته اند، خراب می شود. شما التزام سپرده اید راه را تعمیر نمایید و هرگز قرار نشده راه را تغییر بدهید. باید راه قدیم چندساله تعمیر شود [...] هم رفع شکایت سفارت و قونسول گری روس شود و هم اسباب شکایت و تظلمات اهالی نباشد» (استادوخ، ۲۰-۱۸/۵/۲۱/۱۳۲۰ق).

رئیس التجار درباره تغییر راه قدیم و احداث راه جدید به وزیر خارجه می نویسد: «این که می خواهم زمین چناران را تغییر بدهم، موهوماتی است که گماشتگان محمد کاظم ملک التجار برای تحصیل مقاصد خودشان گفته اند. این راه جدید که مهندس مخصوص با اجازه نیرالدوله [وفات ۱۳۳۶ق]، والی خراسان، نقشه آن را کشیده، هفده فرسنگ است که باید ساخته شود و پنجاه هزار تومان مخارج دارد. راه کنونی تمام باتلاق و سیل گیر است که هر روز ناچار باید جواب سرودست شکسته تبعه روس و زوار حضرت را داد و سالی صد هزار تومان ریگ ریخته شود؛ باز شکل اول است. برای ملک التجار چندان تفاوت نداشت، زیرا راه از کنار آب چناران عبور می کند و ایشان مستغنی هستند. این راهی که جدید احداث می شود، راه قدیم و شاهراهی است که سابقاً بوده است» (استادوخ، ۱۵-۱۱/۵/۲۱/۱۳۲۰ق). رئیس التجار هدفش از تغییر در بخشی از راه و ساخت راه جدید را آسودگی گاریچی ها، تجار و زوار آورده است.

میرزا احمدخان مهندس (معتدالسلطان)، در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م راه مشهد تا قوچان براساس نقشه طراحی شده بازدید کرد و گزارش داد: راه جدید از قریه کاظم آباد در دوفرسنگی غرب مشهد آغاز خواهد شد و تا قریه فرخان<sup>۲</sup> در نیم فرسنگی قوچان ادامه پیدا می کند و در ادامه به راه قدیم متصل می شود. امتداد راه جدید در تمام مسیر،

۱. کاظم آباد (Kazemabad) در دوره ناصرالدین شاه قدیم النسق بود و دوازده خانوار رعیت داشت که چهار خانوار از طایفه سیفکانلو و هشت خانوار تاجیک بودند. از قنات مشروب می شد و در فاصله ۱۹/۳ کیلومتری مشهد در کنار جاده قوچان قرار داشت (جغرافیا و نفوس خراسان در عصر ناصری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹؛ کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹).

۲. روستای فرخان (Farkhan) از توابع شهرستان قوچان است.



نیم فرسنگ با راه قدیم فاصله پیدا کرده‌است. معتمدالسلطان می‌نویسد: راه جدید برای تعمیر مناسب‌تر است؛ چون راه قدیم معایب فراوان دارد و مخارج زیادی برای تعمیر نیاز است (استادوخ، ۱۷-۱۶/۵/۲۱/۱۳۲۰ق). با وجود گزارش معتمدالسلطان، نیرالدوله با اذعان به خرابی راه قدیم و ضرورت ایجاد راه جدید برای عبور اربابه‌ها، زمانی که شکایت اهالی چناران مبنی بر عبور راه از داخل اراضی زراعتی آن‌ها را شنید، با این طرح مخالفت کرد و گفت: «هیچ‌کس حق ندارد یک وجب زمین را بدون رضایت صاحب ملک برای احداث راه جدید از ملک کسی بگیرد» (استادوخ، ۸/۵/۲۱/۱۳۲۰ق). باینکه رئیس‌التجار تعمیر راه را از احداث آن سودمندتر می‌دانست، شکایت تجار و اربابه‌چی‌های داخلی و خارجی، او را به تجدید راه ناگزیر کرد. براساس اسناد موجود، با وجود امکانات محدود، تعمیر راه قدیم مقدور نبود و به‌دنبال احداث ده فرسنگ راه جدید بین مشهد-چناران، مهندسان روس و ایرانی و عابران راه جدید را تصدیق کردند (استادوخ، ۲-۱/۵/۲۱/۱۳۲۰ق). باین حال، رئیس‌التجار شکایت مردم چناران را ناشی از دخالت‌های محمدکاظم ملک‌التجار، رقیب تجاری خود، می‌دانست. براساس نقشه موجود که کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان در سال ۱۹۲۸م آن را منتشر کرده‌اند (Routes In Persia, 1928, V1, P521)، راه مشهد-عشق‌آباد از مشهد شروع می‌شد و با عبور از کاظم‌آباد، چناران، سیدآباد، فزلکن، مهرآباد، فرخان، قوچان، زوباران، امام‌قلی، دُربادام، باجگیران، هودان (گئودان) به عشق‌آباد می‌رسید (Routes In Persia, 1928, V1, PP 184-190).

## نتیجه‌گیری

در اوایل قرن نوزدهم میلادی شمال شرق ایران راه‌های مواصلاتی مناسبی برای مبادلات تجاری نداشت. تنها راه موجود مناسب، مسیر مشهد-عشق‌آباد مشهور به «راه هودان» بود. مشهد به‌عنوان کرسی‌نشین ایالت خراسان از چند جنبه اهمیتی ویژه برای تجارت با روسیه داشت. نخست آن‌که مشهد بازاری بزرگ برای کالاهای تولید روسیه و صادرات آن کشور بود و دوم آن‌که، تجار روس عمده مواد اولیه و خام کارخانه‌های خود را از خراسان تهیه می‌کردند. علاوه‌براین، دولت روسیه از طریق راه عشق‌آباد-مشهد به‌دنبال آباد کردن عشق‌آباد در مقابل خراسان بود؛ ازاین‌رو، دولت روسیه، بخش روسی راه یعنی عشق‌آباد تا باجگیران را اول ساخت. دولت ایران هم در دوره ناصرالدین‌شاه متعهد شد تا ادامه جاده را در داخل ایران تا مشهد بسازد. امتیاز این راه در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م به ابوالقاسم ملک‌التجار و سپس پسرش، رئیس‌التجار واگذار شد. کم‌توجهی در تعیین مسیر، ضعف طراحی و ساخت اولیه راه، فقدان منابع مالی و سرمایه مناسب برای بازسازی و نگهداری



راه - باوجود دریافت حق عبور توسط رئیس‌التجار-، سوءمدیریت دارندگان امتیاز، نقش نمایندگان سیاسی دولت روسیه و شرایط آب‌وهوایی منطقه، از جمله چالش‌های پیش‌روی صاحبان امتیاز راه، تجار، عابران و زائران بود. به‌علت مشکلات متعدد، رئیس‌التجار برآن شد تا مسیر راه را در بخشی از طول مسیر (منطقه چناران) تغییر دهد، ولی با واکنش گروه‌های مختلف داخلی و خارجی مواجه شد. مردم برخی از روستاهای چناران از جمله روستای صیدآباد [سیدآباد]، محمدکاظم ملک‌التجار، و سفارت روسیه با تغییر مسیر جاده مخالفت می‌کردند. باوجود مخالفت‌ها، رئیس‌التجار مسیر راه را برای سهولت در رفت‌وآمد مسافران و حمل‌ونقل مال‌التجاره به‌میزان لازم تغییر داد. این موضوع هرچند در کوتاه‌مدت به‌ضرر برخی افراد بود، ولی در بلندمدت در تعاملات تجاری و به‌تبع آن در افزایش سود تجار مشهد و خراسان نقشی مهم ایفا کرد. راه‌سازی در ایران برای دولت روسیه هم منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی گسترده‌ای داشت؛ هم مسیر ورود کالاهای روسی به ایران باز می‌شد و هم زمینه برای تسلط روس‌ها در منطقه تحت نفوذشان در شمال ایران مهیا می‌شد. به‌همین دلیل هم بود که حکومت قاجار برای جلوگیری از تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی روس‌ها در شمال ایران با استفاده از مسیر جاده عشق‌آباد-مشهد در مقابل پیشنهاد روس‌ها مبنی بر راه‌سازی در این منطقه مقاومت می‌کرد.

## منابع

### اسناد

#### اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

(۱۳۱۸ق). کارتن ۱، پرونده ۱۷، شماره‌سند (۱۱۸)؛

(۱۳۱۸ق). کارتن ۱۰، پرونده ۲، شماره‌سند (۸۷)؛

(۱۳۱۸ق). کارتن ۲۳، پرونده ۲۹، شماره‌سند (۰۰۱۲)، (۰۰۱۷)، (۰۰۲۰)، (۰۰۲۳)، (۰۰۲۴)، (۰۰۲۵)، (۰۰۲۶)، (۰۰۲۷)؛

(۱۳۱۹ق). کارتن ۲۳، پرونده ۷، شماره‌سند (۱)، (۶)، (۱۴)، (۲۰)؛

(۱۳۲۰ق). کارتن ۲۱، پرونده ۵، شماره‌سند (۲-۱)، (۵)، (۷)، (۸)، (۱۱-۱۵)، (۱۶-۱۷)، (۱۸-۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)؛

(۱۳۲۰ق). کارتن ۵۰، پرونده ۶، شماره‌سند (۳۱)؛

(۱۳۲۱ق). کارتن ۲۲، پرونده ۵، شماره‌سند (۱۰)؛

(۱۳۲۱ق). کارتن ۲۳، پرونده ۸، شماره‌سند (۵-۱۱)، (۶)، (۱۴)؛

(۱۳۲۳ق). کارتن ۱۸، پرونده ۵، شماره‌سند (۱-۶)، (۹)، (۲۱)، (۲۴-۲۵)، (۲۹)، (۴۷)، (۵۰)؛





(۱۳۲۳ق). کارتن ۱۸، پرونده ۲۷، شماره‌سند (۴۵-۴۶)؛

(۱۳۲۳ق). کارتن ۲۱، پرونده ۳، شماره‌سند (۱۰۷)؛

(۱۳۲۴ق). کارتن ۲۴، پرونده ۲، شماره‌سند (۴۲)، (۴۴)، (۴۶)، (۴۷)، (۵۳)، (۵۹)، (۶۱)، (۶۶)، (۷۲-۹۶)، (۷۱)؛

(۱۳۲۵ق). کارتن ۲۰، پرونده ۲، شماره‌سند (۵-۱)، (۱۳)، (۲۲-۲۴)؛

(۱۳۲۵ق). کارتن ۲۵، پرونده ۲، شماره‌سند (۱۳)، (۲۰)؛

(۱۳۲۹ق). کارتن ۵۰، پرونده ۱۵، شماره‌سند (۱)، (۳)؛

(۱۳۳۰ق). کارتن ۵۰، پرونده ۸، شماره‌سند (۴)، (۵)، (۶)؛

(۱۳۳۱ق). کارتن ۵۰، پرونده ۱۵، شماره‌سند (۱۳)؛

(۱۳۳۲ق). کارتن ۵۰، پرونده ۶، شماره‌سند (۱۴)، (۲۰)، (۳۰-۳۲)، (۴۱)؛

### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

شماره‌بازیابی: (۲۹۵-۷۷۴۹/۰۷۱)؛ (۲۹۵-۷۷۴۹/۰۷۹)؛ (۲۹۵-۷۷۴۹/۱۲۱)؛ (۲۹۵-۷۷۴۹/۱۲۱)؛

### موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک (مکمم)

شماره‌بازیابی: (۵۳)؛ (۱۳-۴۷۴/۳۱-۳۱۹۲)؛ (۱۴-۴۷۴/۳۱-۳۱۹۲)؛ (۱۶-۵۱۱/۳۱-۳۱۹۲)؛

### کتاب فارسی

انتز، مروین. ل. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران*. (احمد توکلی، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات افشار. ترزیو، پیوکارلو. (۱۳۵۹). *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*. (عباس آذرین، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

*جغرافیا و نفوس خراسان در عصر ناصری*. (۱۳۹۰). (رضا نقدی، کوشش گر). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. *خراسان در اسناد امین‌الضرب*. (۱۳۹۰). (ایرج افشار، ناظر). (نرگس پدram و مزده مهدوی، کوشش گران). تهران: انتشارات ثریا.

دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (ج ۳). (محمدعلی فره‌وشی، مترجم). تهران: کتاب‌فروشی ابن‌سینا و موسسه مطبوعاتی امیرکبیر. دیکسون، دبیلو. ای. آر. (۱۳۹۲). *شرق ایران «گوشه‌ای از جنگ جهانی اول»*. (محمود رفیعی، مترجم). تهران: نشر هیرمند.

رایت، دنیس. (۱۳۶۸). *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*. (کریم امامی، مترجم). تهران: نشر نو. سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس «ده هزار میل در ایران»*. (حسین سعادت نوری، مترجم). تهران: ابن‌سینا.

سیاح محلاتی، محمدعلی. (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح «دوره خوف و وحشت»*. (حمید سیاح و سیف‌الله

- گلکار، کوشش گران. تهران: امیرکبیر.
- شاهدی، مظفر. (۱۳۸۱). *تاریخ بانک استقرایی روس در ایران*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- صنیع‌الدوله، مرتضی قلی‌خان. (۱۳۶۳). *راه نجات*. (هما رضوانی، کوشش گر). تهران: نشر تاریخ ایران.
- علاء‌الملک، محمود. (۱۳۶۲). *گزارش‌های تاریخی-سیاسی علاء‌الملک*. (ابراهیم صفایی، کوشش گر). تهران: گروه انتشاراتی آباد.
- عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. (ج ۲). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: انتشارات اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. (ج ۷). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: انتشارات اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. (ج ۸). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: انتشارات اساطیر.
- کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان. (۱۳۸۰). *فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)*. (کاظم خادمیان، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- کاشف‌السلطنه، محمد. (۱۳۰۱). *مما و حیات*. طهران: مطبوعه مجلس، چاپ سربی، شماره ثبت ۱۱۵۶۴.
- کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران*. (۱۳۶۷). (ج ۱). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نشر نو.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱-۲). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لیتن، ویلهلم. (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحماگی*. (مریم میراحمدی، مترجم). تهران: انتشارات معین.
- مابریلی، جیمز فردریک. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*. (کاوه بیات، مترجم). تهران: نشر آرمان.
- موسوی اصفهانی، میرزا حسن. (۱۳۹۲). *روزنامه سفر مشهد، مکه و عتبات ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ق*. (رسول جعفریان و حمیدرضا نفیسی، کوشش گران). تهران: انتشارات مشعر.
- میرنیا، سیدعلی. (۱۳۶۹). *ایل‌ها و طایفه‌های عشایری خراسان*. تهران: نسل دانش.
- ناطق، هما. (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو*. تهران: انتشارات توس.
- ییت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان، سفرنامه کلنل ییت به ایران و افغانستان*. (قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، مترجمان). تهران: یزدان.



## مقاله

ابوالبشری، پیمان؛ یحیایی، علی. (۱۳۹۳). «نقش روسیه در توسعه راه تجاری مشهد-عشق آباد با تکیه بر اسناد کنسولگری بریتانیا (۱۹۱۰-۱۸۹۰م)». فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال پانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۰۷-۱۲۵.

## مطبوعات

- ۱- روزنامه/ختر، سال ۱۵، شماره ۲۶، (۱۳۰۶ق).
- ۲- روزنامه/ختر، سال ۱۶، شماره ۱۹، (۱۳۰۷ق).
- ۳- روزنامه/ادب، سال ۳، شماره ۱۰، (۱۳۲۰ق).
- ۴- روزنامه/ایران، شماره ۶۰۸، (۱۳۰۳ق).
- ۵- روزنامه/ایران، شماره ۶۹۹، (۱۳۰۷ق).
- ۶- روزنامه حبل المتین طهران، سال ۱، شماره ۳۶، (۱۳۲۵ق).
- ۷- روزنامه حبل المتین طهران، سال ۱، شماره ۱۲۶، (۱۳۲۵ق).
- ۸- روزنامه رعد، سال ۱۰، شماره ۱۴۰، (۱۳۳۷ق).
- ۹- روزنامه رعد، سال ۱۰، شماره ۱۶۳، (۱۳۳۸ق).
- ۱۰- روزنامه رعد، سال ۱۰، شماره ۲۲۵، (۱۳۳۸ق).
- ۱۱- روزنامه طوس، سال ۱، شماره ۳۸، (۱۳۲۸ق).
- ۱۲- روزنامه طوس، سال ۱، شماره ۵۲، (۱۳۲۸ق).
- ۱۳- روزنامه طوس، سال ۱، شماره ۵۳، (۱۳۲۸ق).
- ۱۴- روزنامه فکر آزاد، سال ۱، شماره ۸۰، (۱۳۴۱ق).

## پایان نامه

وزین افضل، مهدی. (۱۳۹۴). «تحلیلی تاریخی از سیاست گذاری‌ها، چالش‌ها و کارکردهای توسعه راه‌سازی شوسه در نیمه دوم قاجار با تکیه بر اسناد (۱۲۶۴-۱۳۴۴ق)». (مقطع دکتری- تاریخ ایران اسلامی)، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

## کتب لاتین

Burrell, R. M; Robert L. Jarman. (1997). *Iran Political Diaries 1881-1965*, volume 2, Archive Editions Limited. London.

Burrell, R. M; Robert L. Jarman. (1997). *Iran Political Diaries 1881-1965*, volume 3,



Archive Editions Limited. London.

Burrell, R. M; Robert L. Jarman. (1997). *Iran Political Diaries 1881-1965*, volume 5,  
Archive Editions Limited. London.

Routes in Persia "*Khorasan and Sistan*". (1928). General Staff India, volume1, Calcutta:  
Government Of Indian Press.

### سایتها

(سپندا) :<http://thesisdl.ui.ac.ir/Forms/Public/Default.asp>

### English Translation of References

#### Documents

Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xāreje (Ostādox) (Depart-  
ment of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

(1318 AH / 1900 AD). Box 1, folder 17, document number (118);

(1318 AH / 1900 AD). Box 10, folder 2, document number (87);

(1318 AH / 1900 AD). Box 23, folder 29, document number (0012), (0017), (0020),  
(0023), (0024), (0025), (0026), (0027);

(1319 AH / 1901 AD). Box 23, folder 7, document number (1), (6), (14), (20);

(1320 AH / 1902 AD). Box 21, folder 5, document number (1-2), (5), (7), (8), (11-15),  
(16-17), (18-20), (21), (22), (23), (24);

(1320 AH / 1902 AD). Box 50, folder 6, document number (31);

(1321 AH / 1903 AD). Box 22, folder 5, document number (10);

(1321 AH / 1903 AD). Box 23, folder 8, document number (5-11) (6) (14);

(1323AH / 1905 AD). Box 18, folder 5, document number (1-6) (9) (21) (24-25) (29)  
(47) (50);

(1323AH / 1905 AD). Box 18, folder 27, document number (45-46);

(1323AH / 1905 AD). Box 21, folder 3, document number (107);

(1324AH / 1906 AD). Box 24, folder 2, document number (42), (44), (46), (47), (53),  
(59), (61), (66), (69-72), (71);

(1325AH / 1907 AD). Box 20, folder 2, document number (1-5), (13), (22-24);



(1325AH / 1907 AD). Box 25, folder 2, document number (13), (20);  
(1329AH / 1911 AD). Box 50, folder 15, document number (1), (3);  
(1330AH / 1912 AD). Box 50, folder 8, document number (4), (5), (6);  
(1331AH / 1913 AD). Box 50, folder 15, document number (13);  
(1332AH / 1914 AD). Box 50, folder 6, document number (14), (20), (30-32), (41).

[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

Retrieval number: (295-7749/071); (295-7749/079); (295-7749/121). [Persian]

Mo'assese-ye Ketābxāne va Muze-ye Melli-ye Malek (MOKMAM) (Malik National Museum of Iran):

Retrieval number: (53), (1392-31-00474/13); (1392-31-00474/14); (1392-31-00511/16). [Persian]

### Books

Ala' Al-Molk, Mahmoud. (1362/1983). *"Gozāreš-hā-ye tārixi-siāsi-ye Alā'ol-Molk"* (Ala al-Molk's historical-political reports). Edited by Ebrahim Safayi. Tehran: Goruh-e Enteshārāti-ye Ābād. [Persian]

Burrell, R. M., & Robert L. Jarman. (1997). *Iran political diaries 1881-1965* (volume 2). Archive Editions Limited. London.

Burrell, R. M., & Robert L. Jarman. (1997). *Iran political diaries 1881-1965* (volume 3). Archive Editions Limited. London.

Burrell, R. M., & Robert L. Jarman. (1997). *Iran political diaries 1881-1965* (volume 5). Archive Editions Limited. London.

Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *"Irān va qazie-ye Irān"* (Persia and the Persian question) (vol. 1 & 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmi Farhangi. [Persian]

D'Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). *"Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri"* (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: Three months of travel in Persia] (vol. 3).



- Translated by Mohammad Ali Farahvashi. Tehran: Ketābforuši-ye Ebn-e Sinā va Mo'assese-ye Matbu'āti-ye Amir Kabir. [Persian]
- Dickson, William Edmund Ritchie. (1392/2013). *“Šarq-e Irān, guše-ee az jang-e jahāni-ye avval”* (East Persia, a backwater of the great war). Translated by Mahmoud Rafei. Tehran: Našr-e Hirmand. [Persian]
- Entner, Marvin L. (1369/1990). *“Ravābet-e bāzargāni-ye Rus va Irān 1828-1914”* (Russo-Persian commercial relations, 1828-1914) (1<sup>st</sup> ed.). Translated by Ahmad Tavakkoli. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]
- Eyn Al-Saltaneh, Ghahreman Mirza. (1376/1997). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eyn os-Saltane”* (Journal of Eyn Al-Saltaneh's memoires) (vol. 2). Edited by Mas'oud Salour and Iraj Afshar. Tehran: Enteshārāt-e Asātir. [Persian]
- Eyn Al-Saltaneh, Ghahreman Mirza. (1378/1999). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eyn os-Saltane”* (Journal of Eyn Al-Saltaneh's memoires) (vol. 7). Edited by Mas'oud Salour and Iraj Afshar. Tehran: Enteshārāt-e Asātir. [Persian]
- Eyn Al-Saltaneh, Ghahreman Mirza. (1379/2000). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eyn os-Saltane”* (Journal of Eyn Al-Saltaneh's memoires) (vol. 8). Edited by Mas'oud Salour and Iraj Afshar. Tehran: Enteshārāt-e Asātir. [Persian]
- “Joqrāfiā va nofus-e Xorāsān dar asr-e Nāseri”* (Geography and population of Khorasan in Naseri era). (1390/2011). Edited by Reza Naqdi. Mashhad: Bonyād-e Pažuheš-hā-ye Eslāmi (Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi). [Persian]
- Kashef Al-Saltaneh, Mohammad. (1301/1922). *“Mamāt o hayāt”* (Death and life). Tehran: Matba'e-ye Majles [Movable type]. Registry number: 11564. [Persian]
- “Kārkonān-e Vezārat-e Jang-e Engelestān mostaqar dar Hendustān” (India. Army. General Staff Branch). (1380/2001). *“Farhang-e joqrāfiāyi-ye Irān (Xorāsān)”* (Gazetteer of Persia). Translated by Kazem Khademian. Mashhad: Bonyād-e Pažuheš-hā-ye Eslāmi (Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi). [Persian]
- “Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye vezārat-e ‘omur-e xārejah-ye Rusie-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān”* (Orange book: Political reports



- of the Ministry of Foreign Affairs of Tsardom of Russia on the Iranian constitutional revolution) (vol. 1). (1367/1988). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Našr-e No. [Persian]
- Litten, Wilhelm. (1367/1988). *“Irān az nofuz-e mosālemat-āmiz tā taht-ol-hemāyegi”* (Persien von der “pénétration pacifique” zum “Protectorat”: Urkunden und Tatsachen zur Geschichte der europäischen “pénétration pacifique” in Persien 1860-1919) [Persia from “peaceful penetration” to the “protectorate”: Documents and facts on the history of the European “peaceful penetration” in Persia, 1860-1919]. Translated by Maryam Mir Ahmadi. Tehran: Enteshārāt-e Moēen. [Persian]
- Mirnia, Seyyed Ali. (1369/1990). *“Il-hā va tāyefe-hā-ye ašāyeri-ye Xorāsān”* (Khorasan nomadic tribes and clans). Tehran: Našr-e Dāneš. [Persian]
- Moberly, Frederick James. (1369/1990). *“Amaliāt dar Irān”* (Operation in Persia). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Našr-e Ārmān. [Persian]
- Mousavi Esfahani, Mirza Hassan. (1392/2013). *“Ruznāme-ye safar-e Mašhad, Makkeh va Atabāt 1315-1316 qamari”* (Travel diaries of Mashhad, Mecca and Atabat, 1898-1899). Edited by Rasoul Jafarian & Hamid Reza Nafisi. Tehran: Enteshārāt-e Šēr. [Persian]
- Nategh, Homa. (1373/1994). *“Bāzargānān dar dād o setad bā bank-e šāhi va reži-e tanbāku: Bar pāye-ye āršiv-e Amin oz-Zarb”* (Les commercants, la banque imperiale et la regie des tabacs: D’après l’archive d’Amin-oz-Zarb) [The merchants, the imperial bank and the tobacco management: According to the archive of Amin-oz-Zarb]. Tehran: Tus. [Persian]
- Routes in Persia *“Khorasan and Siestan”*. (1928). General Staff India (volume 1). Calcutta: Government of Indian Press.
- Sani’ Al-Dowleh, Morteza Gholi Khan. (1363/1984). *“Rāh-e nejāt”* (The way of salvation). Edited by Homa Rezvani. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Sayyah Mahallati, Mohammad Ali. (1359/1980). *“Xāterāt-e Hāj Sayyāh: Dowre-ye xowf o vahšat”* (The travel diaries of haj sayyah 1859-1877). Edited by Hamid Sayyah & Seifollah Golkar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shahedi, Mozaffar. (1381/2002). *“Tārix-e bānk-e esteqrāzi-ye Rus dar Irān”* (History



of Russian mortgage bank in Iran: A short glance at Iranian -Russian banks cooperation). Tehran: Markaz-e Čāp va Enteshārāt-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Publishing House of the Foreign Ministry of Iran). [Persian]

Sykes, Sir Percy Molesworth. (1363/1984). *“Safarnāmeḥ-ye ženerāl ser Persi Sāyks: Dah hezār māyl dar Irān”* (Ten thousand miles in Persia. Translated by Hossein Sādat Nouri. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]

Terenzio, Pio-Carlo. (1359/1980). *“Reqābat-e Rus va Engelis dar Irān va Afqānestān”* (La rivalite Anglo-Russe en Perse et en Afghanistan) [The Russian and British competition in Iran and Afghanistan]. Translated by Abbas Azarin. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb (The [Royal] Institute for Translation and Publication). [Persian]

Wright, Denis. (1368/1989). *“Irāniān dar miān-e Engelisi-hā”* (The Persians amongst the English: Episodes in Anglo -Persian history). Translated by KarimEmami. Tehran: Našr-e No. [Persian]

*“Xorāsān dar asnād-e Amin-oz-Zarb”* (Khorasan in Amin al-Zarb's documents). (1390/2011). Supervised by Iraj Afshar. Edited by Narges Pedram & Mojdeh Mahdavi. Tehran: Enteshārāt-e Sorayyā. [Persian]

Yate, Charles Edward. (1365/1986). *“Xorāsān va Sistān: Safarnāme-ye colonel Yate be Irān va Afqānestān”* (Khurasan and Sistan). Translated by Ghodrattollah Roshani & Mehrdad Rahbari. Tehran: Yazdān. [Persian]

#### Articles

Abu Al-Bashari, Peyman & Yahyaei, Ali. (1393/2014). “Naqš-e Rusieh dar towse'e-ye rāh-e tejāri-ye Mašhad-Ešqābād bā tekyeh bar asnād-e konsul-gari-ye Britāniā 1890-1910” (Russia's role in developing Mashhad-Ashgabat trade route based on British consular documents 1890-1910). *Fasl-nāme-ye Tāriḫ-e Ravābet-e Xāreji* (History of Foreign Relations Journal), 15 (60), pp. 107-125. [Persian]

#### Press

“Ruznāme-ye Axtar” (Akhtar Newspaper), year 15, issue 26. (1306 AH/1889). [Persian]





- “Ruznāme-ye Axtar” (Akhtar Newspaper), year 16, issue 19. (1307 AH/1890). [Persian]
- “Ruznāme-ye Adab” (Adab Newspaper), year 3, issue 10. (1320 AH/1902). [Persian]
- “Ruznāme-ye Irān” (Iran Newspaper), issue 608. (1303 AH/1886). [Persian]
- “Ruznāme-ye Irān” (Iran Newspaper), issue 699. (1307 AH/1890). [Persian]
- “Ruznāme-ye Habl-ol-Matin” (Habl Al-Matin Newspaper), year 1, issue 36. (1325 AH/1907). Tehran. [Persian]
- “Ruznāme-ye Habl-ol-Matin” (Habl Al-Matin Newspaper), year 1, issue 126. (1325 AH/1907). Tehran. [Persian]
- “Ruznāme-ye Raḍ” (Raad Newspaper), year 10, issue 140. (1337 AH/1919). [Persian]
- “Ruznāme-ye Raḍ” (Raad Newspaper), year 10, issue 163. (1338 AH/1920). [Persian]
- “Ruznāme-ye Raḍ” (Raad Newspaper), year 10, issue 225. (1338 AH/1920). [Persian]
- “Ruznāme-ye Tus” (Tous Newspaper), year 1, issue 38. (1328 AH/1910). [Persian]
- “Ruznāme-ye Tus” (Tous Newspaper), year 1, issue 52. (1328 AH/1910). [Persian]
- “Ruznāme-ye Tus” (Tous Newspaper), year 1, issue 53. (1328 AH/1910). [Persian]
- “Ruznāme-ye Fekr-e Āzād” (Fekre Azad Newspaper), year 1, issue 80. (1341 AH/1923). [Persian]


#### Dissertations

- Vazin Afzal, Mahdi. (1394/2015). “*Tahlili tārixi az siyosat-gozāri-hā, čāleš-hā va kār kard-hā-ye towse'e-ye rāh-svzi-ye šuseh dar nime-ye dovom-e Qājār bā tekyeh bar asnād 1264-1344 qamari*” (A historical analysis of the policies, challenges and the function of developing the construction of high roads in second half of Qajar period with emphasis on the documents 1264-1344 AH / 1848-1924 AD) [Doctoral dissertation]. University of Isfahan, Faculty of Literature and Humanities, History of Islamic Iran. [Persian]

#### Websites

- Sāmāne-ye Pāyān-nāme-hā-ye Dānešgāh-e Esfahān (Sepandā) (Thesis System of Isfahan University). Accessed at <http://thesisdl.ui.ac.ir/Forms/Public/Default.asp>. [Persian]





# The Role of Teacher Training Centers in Promoting Women Social Status during the Timd of Reza Shah Pahlavi (1925-1941)

AliReza Sangtrashan<sup>1</sup> | Manijeh Sadri<sup>2</sup> | Hassan Zandieh<sup>3</sup> | Masoumeh Gharadaghi<sup>4</sup>

## Abstract:

**Purpose:** Reza Shah's reign was a new stage in the advancement of women's status in Iran. The new government implemented a number of programs in line with the modernization and secularization, one being the establishment of teacher training colleges (Daaneshsara) to provide training female teachers. Such initiatives played a significant role in promoting the status of women.

**Method and Research Design:** Analysis is based on data gathered from archival and library materials.

**Findings and Conclusion:** The establishment of girls' teacher training centers played a significant role in increasing women's literacy when graduates were recruited in newly established public schools. The initiative also provided an opportunity for women to enter the public sphere, especially to the government departments and research centers. However, at the early stages this was mainly limited to the upper class members.

## Keywords:

Teacher training centers; Iran; Women; Reza Shah Pahlavi (1925-1941).

## Citation:

Sangtrashan, A., Sadri, M., Zandiye, H., Gharedaghi, M. (2019). The Role of Teacher Training Centers in Promoting Women Social Status during the Timd of Reza Shah Pahlavi (1925-1941). *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 106-139. (In persian)

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

1. PhD Student, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran. [jfm.sangtrashan@gmail.com](mailto:jfm.sangtrashan@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran (Corresponding Author). [manijehsadri@gmail.com](mailto:manijehsadri@gmail.com)

3. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran. [Zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:Zandiyehh@ut.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran. [garadagi\\_m@yahoo.com](mailto:garadagi_m@yahoo.com)

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2398

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 106 - 139 (34) | Received: 19, Jun. 2018 | Accepted: 23, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئوی

## کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمت و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول

علی‌رضا سنگ‌تراشان<sup>۱</sup> | منیژه صدری<sup>۲</sup> | حسن زندیه<sup>۳</sup> | معصومه قره‌داغی<sup>۴</sup>

### چکیده:

**هدف:** دوره سلطنت رضاشاه مرحله‌ای در ارتقای موقعیت اجتماعی زنان ایران بود. دولت در اجرای برنامه تجدد و سکولاریسم، برنامه‌های متعدد از جمله تأسیس دانشسراهای دخترانه تأسیس کرد که شکل سازمان‌یافته‌تر دارالمعلمت به شمار می‌رفت. هدف، تأمین و تربیت معلمان زن بود. این ابتکار در آن زمان در ارتقای جایگاه آموزشی و فرهنگی زنان نقش مؤثر داشت. نشان دادن این نقش هدف این مقاله است.

**روش/ رویکرد پژوهش:** داده‌ها از اسناد و مدارک آرشئوی و کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده‌است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** تأسیس دانشسراهای دخترانه سبب افزایش سواد زنان و تأمین آموزگاران زن شد و زمینه ورود زنان را به عرصه عمومی، به‌ویژه دستگاه اداری و مراکز علمی فراهم کرد. از این رو در ارتقای موقعیت مؤثر بود؛ هرچند در ابتدا عمدتاً به زنان طبقه بالا محدود بود.

### کلیدواژه‌ها:

رضاشاه؛ دارالمعلمت؛ دانش‌سراهای مقدماتی دخترانه؛ آموزش و فرهنگ.

### استناد:

سنگ‌تراشان، علی‌رضا؛ صدری، منیژه؛ زندیه، حسن؛ قره‌داغی، معصومه. (۱۳۹۸). کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمت و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول. *گنجینه اسناد*، ۲۹ (۴)، ۱۰۶-۱۳۹.

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر، شبستر، ایران.

jfm.sangtrashan@gmail.com

۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد شبستر، شبستر، ایران.

(نویسنده مسئول).

manijehsadri@gmail.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران،

ایران.

Zandiyehh@ut.ac.ir

۴. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد شبستر، شبستر، ایران.

garadagi\_m@yahoo.com



### گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۳۳۹۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۰۶-۱۳۹ (۳۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۳

تحقیقات تاریخی

## مقاله

در ایران نیز همانند دیگر جوامع بشری، زنان تا قبل از دوران مدرن، عملاً نقش چندانی در نظام فرهنگی و آموزشی نداشتند و ساختار حکومت و عرف جامعه، به زنان در بیرون از خانه اجازه حضور نمی‌داد و کار آنان بیشتر در چارچوب خانه‌داری محدود شده بود. گرچه در قبل و بعد از اسلام در ایران همواره زنانی بوده‌اند که به مقامات بالا رسیده‌اند، ولی در جامعه مردسالار ایرانی، برتری عمدتاً با مردان بوده است. این روند تا اواخر حکومت قاجار ادامه پیدا کرد؛ ولی از این دوره به بعد به علل مختلف از جمله برخورد ایران با ملل غربی و ورود مظاهر تمدن جدید به ایران، دچار تغییراتی شد. موضوع زنان از این دوره مورد توجه روشن‌فکران قرار گرفت و بعد از مشروطه، بیشتر اهمیت یافت. زنان -به‌ویژه از میان اقشار مرفه- به تدریج به عرصه‌های مختلف از جمله آموزش راه یافتند؛ گرچه موانع و محدودیت‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و ساختار سنتی جامعه، مانع از حضور گسترده زن در بیرون از خانه می‌شد. از اواخر دوره قاجار که مراکز تربیت معلم زن (دارالمعلمات و مدارس دخترانه) تأسیس شد، میزان سواد زنان -البته در مقیاسی پایین‌تر از مردان- سال‌به‌سال افزایش یافت و این مهم در دوره رضاشاه پررنگ‌تر شد.

دوره رضاشاه نویددهنده مرحله‌ای تازه در حیات زنان بود؛ مرحله‌ای که با هدف نوسازی و گسترش سکولاریسم، به عنصر زن توجهی ویژه شد و به انگیزه شکستن ساختار سنتی جامعه و کم‌رنگ کردن موانع سنتی، مذهبی و فرهنگی، تدابیری اتخاذ شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بود. در نیمه دوم حکومت رضاشاه، در نتیجه جنبش مدرسه‌سازی و گسترش نظام آموزشی در مقاطع مختلف (حکمت، ۱۳۵۵، صص ۳۳۲-۲۹۰) و فراهم شدن زمینه تحصیل به‌ویژه برای دختران، وجود آموزگار زن و مرکزی برای آموزش تخصصی زنان برای شغل آموزگاری به یک ضرورت تبدیل شد. در نتیجه به صلاح‌دید حکومت و مسئولان فرهنگی کشور نهادی مستقل برای این کار تأسیس شد. این بود که مراکزی مشابه دانش‌سراهای پسرانه برای دختران هم به‌وجود آمد. دانش‌سراهای دخترانه تا اواخر دوره رضاشاه در نقاط گوناگون کشور تأسیس شدند و با تربیت و تأمین زنان تحصیل‌کرده، زمینه گسترش سواد را برای زنان و دختران ایرانی فراهم کردند و زنان هم توانستند در عرصه‌های گوناگون هم‌چون ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس حضور پیدا کنند. البته این موضوع، عمومیت نداشت و بیشتر مختص به زنان طبقات مرفه در تهران و برخی شهرهای بزرگ آن دوره بود. بررسی نقش دانش‌سراهای دخترانه و مراکز تربیت معلم زن در تغییر و بهبود وضعیت زنان و دختران، به دلیل اهمیت این موضوع، ضروری است.



## پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در ارتباط با موضوع زنان در دوره پهلوی، انجام شده است؛ از جمله: کتاب «جنبش حقوق زنان در ایران» نوشته الیز ساناساریان و کتاب «هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» از محمدحسین خسروپناه، که بیشتر از لحاظ جامعه‌شناختی، تلاش زنان برای احقاق حقوقشان را مطالعه کرده‌اند و تنها اشاراتی گذرا به موضوع آموزش دانش‌سرای زنان داشته‌اند. بدرالملوک بامداد هم در کتاب «زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید» تحولات حیات و سرنوشت زن در آن دوره را مطالعه کرده و بیشتر به موضوع کشف حجاب و پوشش زنان اشاره کرده است. یاسمین رستم‌کلایی در مقاله «آموزش زنان» و رودی ماتی در مقاله «آموزش و پرورش در دوره رضاشاه» هم تنها اشاراتی پراکنده به این موضوع کرده‌اند. در مجموع پژوهش‌های موجود، به‌طور مستقل نقش دانش‌سراهای دختران بر وضعیت آموزشی-فرهنگی زنان در دوره رضاشاه را بررسی نکرده‌اند.

براین اساس مقاله حاضر بر آن است تا با تکیه بر منابع گوناگون از جمله اسناد و مدارک آرشیوی به نحوه تأسیس دانش‌سراهای دخترانه و نقش آن بر وضعیت زنان و دختران بپردازد و با چنین رویکردی درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. وضعیت آموزشی و روند تأمین و تربیت معلمان زن قبل از تأسیس دانش‌سرا چگونه بود؟
۲. علل تأسیس دانش‌سراهای دخترانه چه بود و نحوه تأسیس آن‌ها چگونه بود؟
۳. عملکرد دانش‌سراهای دخترانه چه تأثیراتی بر وضعیت آموزشی و فرهنگی زنان داشت؟

## روند تربیت دختران دانش‌آموز و آموزگاران زن تا زمان تأسیس دانش‌سرای دخترانه

قبل از دوره پهلوی، زنان در جامعه ایرانی به‌صورت محدود، نقش ایفا می‌کردند و در جامعه مردسالار عملاً جایی برای حضور فعال آنان وجود نداشت. اساساً در جوامع پیشامدرن، نظام پدرسالار شکل مسلط بوده و تاکنون هیچ موردی یافت نشده است که در آن زنان قدرتمندتر از مردان بوده باشند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷). در عرصه آموزش و تعلیم و تربیت هم این وضعیت با شدت بیشتری جریان داشت. گرچه زنان همواره در جامعه حضور نسبی داشته‌اند، ولی بیشتر به خانه و حرم‌سرا محدود می‌شده‌اند و عمدتاً امور خانواده را انجام می‌داده‌اند (اتحدیه و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۳). از اواسط دوره قاجار و با آغاز فرآیند تجدد، به‌علت افزایش ارتباط فرهنگی و سیاسی ایران با اروپا به موضوع زنان هم توجه شد و برخی

از فعالان عرصه آموزش و اصلاح‌گران به‌طرفداری از آموزش زنان پرداختند. در شیوه آموزش مکتب‌خانه‌ای در دوره قاجار اکثر متعلمان پسر بودند؛ مدارس هم که اندیشه‌گران ایرانی در ساختار سیاسی استبدادی قرن نوزدهم تأسیس کردند منحصر به پسران بود. (لمبتون، ۱۳۶۸، ص ۱۲۰)؛ زیرا بنابه تعلقات دینی مردم، درس خواندن برای زنان و دختران جایز نبود و مردم به تحصیل زنان در مدارس نظر مثبتی نداشتند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۱۲)؛ ولی به‌تدریج تحت تأثیر عوامل خارجی و تغییر وضعیت داخلی، تحصیل زنان هم توسعه پیدا کرد. مرحله بعد ایجاد مدارس دخترانه بود. نخستین مدرسه دخترانه ایران را خار جیان ساختند. میسیونرهای آمریکایی کلیسای پرسبیتی مدرسه‌ای برپا کردند که دختران مسلمان بعد از چند سال در سال ۱۲۷۵ ش اجازه ورود به آن را از سوی دولت به‌دست آوردند (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۶۸). مدرسه فرانکو پیرسان را هم در ۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م یوسف‌خان ریشار (مؤدب‌الملک) تأسیس کرد (شیخ‌رضایی، ۱۳۷۱، ص ۹۶). تأسیس مدارس بانوان نقشی مهم در ارتقای آموزشی-فرهنگی زنان و دختران داشت. در ادامه تعدادی از زنان ایرانی گرد هم آمدند تا موضوع تعلیم و تربیت و موانع پیش‌روی تحصیل زنان را بررسی کنند (رایس، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱-۱۱۲). گرچه بسیاری از مخالفان، تأسیس مدرسه برای زنان را خلاف دین می‌دانستند (حبیب‌المتین، س ۱، ش ۱۰۵، یکشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۵، ص ۴)، ولی بعد از تأسیس اولین مدارس دخترانه، مدارس متعددی در کشور به‌وجود آمد (رشدیه، ۱۳۷۰، صص ۳۵ و ۳۹؛ صلاح، ۱۳۸۸، صص ۱۰۹-۱۱۰) و در نقاط مختلف کشور به آموزش دختران پرداخته شد.

بعد از مشروطه تلاش برای تحصیل زنان بیشتر گسترش یافت و چندین مدرسه، نشریه و سازمان رفاهی زنانه تأسیس شدند که بر تحصیل زنان و مزایای آن تأکید می‌کردند. یکی از علل مهم این موضوع این بود که مظفرالدین‌شاه برخلاف پدرش با نشر معارف مخالفت نداشت (بزرگ‌امید، ۱۳۶۳، ص ۹۵). از طرفی با تحول اندیشه، احزابی چون دموکرات، در زمینه آموزش زنان مقالاتی می‌نگاشتند و بر لزوم این امر تأکید می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰-۱۶۱). البته هنوز مراکزی برای تربیت آموزگاران زن وجود نداشت؛ زیرا تعداد زنان و دختران داوطلب برای تحصیل زیاد نبود. باین حال بر لزوم تربیت و آموزش زنان تأکید می‌شد؛ مثلاً در روزنامه شکوفه گفته شد:

«در مملکتی که مادرهای آن‌جا با تربیت باشد، دزدی نمی‌شود، وطن‌فروشی و خیانت به مال وجود ندارد، بدبختی نخواهد ماند، فقر عمومی از میان مرتفع خواهد شد و...» (شکوفه، ش ۶، سال اول، ۱۳۳۱ ق، صص ۲۲-۲۳).

نامه بانوان با مقایسه وضعیت زنان در ایران و دیگر ملل متمدن، از وضعیت ناگوار سواد زنان در ایران و لزوم ارتقای آن برای ترقی صحبت کرد و حتی آن را بر تحصیل



مردان مقدم و واجب‌تر دانست و تعلیم نسوان را درمان درد زنان معرفی کرد (نامه بانوان، شماره ۱، اسد ۱۲۹۹، صص ۱-۲). زیان زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی نیز با تکیه بر حدیثی از پیامبر اسلام (ص) که «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» می‌نوشت بر همه ایرانیان لازم است که در تربیت اطفال خود، خواه دختر و خواه پسر، بکوشند و به این شکل سایه شوم بدبختی را از سر کشور دور کنند (زیان زنان، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، صص ۲۱). رفته‌رفته تحول اندیشه درباره موقعیت زنان در قالب مدارس، انجمن‌ها و نشریات انعکاس یافت؛ اگرچه در این راه، چندان موفقیتی به دست نیامد. زنان تقریباً در همه عرصه‌ها به پذیرش موقعیت فرودست خود وادار شده بودند و تا انقراض حکومت قاجار تنها سه درصد از آنان باسواد بودند (Munibar, 1972, p27). بعداز مشروطه، مدافعان حقوق زن (مردان و زنان)، برای تغییر فرهنگ مردسالار دست به اقداماتی زدند و سعی کردند برابری زنان با مردان را به اثبات برسانند (خسروپناه، ۱۳۸۴، صص ۴۲-۴۸)، ولی در این راه، چندان موفقیتی کسب نکردند؛ چون مخالفت‌های داخلی، ناکامی‌های بعداز مشروطه و بحران‌های کشور، مانعی بزرگ بر سر این راه ایجاد کردند.

علاقه زنان به تحصیل سبب شد که آنان در اواخر دوره قاجار صاحب مدرسه اختصاصی شوند و برای نخستین بار در وزارت معارف، اداره تعلیمات نسوان تأسیس شود. مسئله تعلیم و تربیت معلم به سبک نوین از اواخر دوره قاجار مورد توجه نوگرایان و تجددخواهان واقع شده بود و اقداماتی نیز در این راستا انجام شده بود. در این زمان کمبود آموزگار، به‌طور جدی مانع از گسترش و بهبود سریع تسهیلات آموزشی می‌شد (ماتی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۱). به‌رحال افزایش تعداد دانش‌آموزان و مدارس و در نتیجه کمبود معلم، وزارت معارف را بر آن داشت که در کنار اعزام جوانان به خارج برای آموختن شغل معلمی، در داخل نیز مرکزی برای این کار ایجاد کند.

دارالمعلمات از جمله مراکز آموزش عالی اواخر دوره قاجار بود که در نتیجه گسترش مدارس جدید و برای تأمین آموزگار برای این مدارس تأسیس شد. این مرکز، همان مدرسه فرانسوی فرانکو پرسیان بود که از چندی قبل به پرورش معلمان می‌پرداخت (سالنامه وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷، صص ۷۹ و ۷۷). در سال ۱۲۹۷ ش ۱۹۱۷م مجلس سوم به حکم ضرورت، لایحه تأسیس دارالمعلمات را تصویب کرد (مجموعه مصوبات و قوانین موضوعه مجلس سوم قانونگذاری، ۱۳۱۹، صص ۶۴) و مراکز تربیت معلم صورت قانونی به خود گرفت. این سال از آن جهت مهم بود که دولت رسماً برای اولین بار به تربیت معلم در داخل مملکت پرداخت (صدیق، ۱۳۵۴، صص ۳۶۹). سپس برای اشتغال این معلمان، مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایجاد شد. نکته مهم این بود که

۱. برای اطلاع از این روند می‌توانید ر. ک به فتوحی، مریم. (۱۳۸۳). کانون بانوان با رویکردی ... . تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۹۴-۵۱.



فرهنگ مردم ایران نمی‌پذیرفت که زنان و دختران در کلاس‌هایی حضور یابند که معلمانش مرد باشند؛ بنابراین وجود آموزگار زن امری ضروری شد و در ادامه این روند بود که مرکزی نیز برای تربیت معلم از میان زنان مستعد ایجاد شد. این مهم در سال ۱۲۹۷ش/۱۹۱۷م در زمان ریاست‌الوزرائی وثوق‌الدوله و دوره تصدی نصیرالدوله بر وزارت معارف انجام شد و به این شکل دارالمعلمات شکل گرفت (صدیق، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۲۵؛ عالم‌نسون، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۰-۲۲). وزارت معارف، ده نفر دختر شاگرد ابتدایی به این مدرسه سپرد تا آنان را برای حرفه معلمی تربیت کنند (سالنامه وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷، ص ۳۶). این اقدامات نقشی مهم در افزایش تعداد زنان داوطلب تحصیل و افزایش سطح سواد آنان و در نتیجه بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی زنان داشت.

در فصل دهم نظام‌نامه مدارس گفته شد که مدارس نسوان نمی‌تواند در خانه شخصی برپا شود و باید مکانی مجزا به این امر اختصاص یابد (نظام‌نامه مدارس ابتدایی و متوسطه، ۱۲۹۹، ص ۲۷). مرکز دارالمعلمات از دو شعبه ابتدایی و متوسطه تشکیل شده بود و مدت تحصیل در آن، چهار سال بود و شاگردان آن در سال آخر به یادگیری فن تدریس می‌پرداختند (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، صص ۱۶-۱۷). اولین مقطع تحصیلی در دارالمعلمات تعلیمات ابتدایی بود تا هر مرد و زن ایرانی خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرا گیرد و اطلاعاتی مختصر از تاریخ مملکت خود و چگونگی شکل و اوضاع کره زمین و ممالک مختلف جهان پیدا کند. علاوه بر این دانش‌ها، دختران که مادران آینده بودند، علم خانه‌داری را هم فرا می‌گرفتند (هس، ۱۳۰۴، ص ۱۴). تأسیس این مرکز از اقدامات درخشان وزارت معارف بود و هدف از تأسیس آن تأمین کادر آموزشی برای مدارس دخترانه تهران بود (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۲). این موضوع از مهم‌ترین اقدامات رسمی و عملی برای دولتی کردن مراکز تربیت معلم زن به‌شمار می‌رفت.

### علل و روند تأسیس دانش‌سراهای دخترانه

بسترها و ریشه‌های تأسیس دانش‌سراهای دخترانه در دوره رضاشاه به تصمیم دولت برای گسترش و تغییر نظام آموزشی و لزوم وجود معلم برای مدارس دخترانه و جدایی آنان از مردان برمی‌گشت و همین‌طور نتیجه تلاش مدافعان حضور زن در بیرون از خانه بود. بعد از تأسیس دارالمعلمات، بر ضرورت وجود آموزگار زن، زیاد تأکید می‌شد. طبق اظهارات حبیب‌الله آموزگار:

«تعلیم و تربیت دختران مقدم‌تر و مهم‌تر از تعلیم و تربیت پسران [است] و این قولی است که جمله علمای معرفت‌النفوس برآیند... دختران را از کلاس چهارم به بعد (نه سالگی)،





باید به مدرسه‌ اناث ببرند و در این صورت بهتر تحصیل می‌کنند؛ در حالی که معلمه برای این قسمت نداریم... با تربیت معلم زن، دختران ما که مادران فردای ملت هستند، اگر نه کاملاً با مردان مساوی نگردند، در عرض آنان قرار می‌گیرند و نه در طول و... طریقه تهيئه مادران خوب منحصر و منوط به توجه مخصوص در تربیت و تعليم دختران امروزه به طريق عملي مفيد است و بس» (آموزگار، ۱۳۰۷، صص ۷۷-۸۰).

دارالمعلمات در این زمان، با وجود موانع سنتی و فرهنگی، مخالفت خانواده‌ها، نگاه قدیمی به زن و لزوم کار او در خانه و امور خانه‌داری باز همچنان دایر بود و تعداد زیادی از بانوان از این مرکز فارغ‌التحصیل شدند. طبق گزارش اداره تفتیش (بازرسی) در سال ۱۳۰۸ش تعداد دخترانی که برای آموختن شغل آموزگاری تحصیل می‌کردند ۱۶۹ نفر و تعداد معلمه‌های داخلی و خارجی ۱۵ نفر بوده است (ساکما، ۲۹۷/۶۴۹۱). دارالمعلمات تا اواسط سلطنت رضاشاه، به لحاظ کمی و کیفی چندان تغییری پیدا نکرد و برای تدریس در آن علاوه بر معلمان زنان از معلمان مرد نیز استفاده می‌شد. دارالمعلمات تا ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م جزئی از مدرسه طب بود و پس از آن به اداره صحیه (وزارت بهداشتی بعدی) ضمیمه شد (سرمد، ۱۳۷۲، ص ۱۰۹).

با آغاز برنامه دولت‌سازی و وحدت ملی به معنای ایجاد حکومت یکدست و متمرکز، زنان نیز جایگاهی ویژه یافتند. گفته می‌شد که پیشرفت و رفاه هر کشور، به جرئت، به وطن پرستی، و به قربانی شدن افراد هر ملت بستگی دارد و این موضوع به مادران وابسته است (Kashani Sabet, 1999, p189). بنابراین بر نقش نسل‌سازی زنان و ایجاد و تقویت روحیه میهن‌پرستی به وسیله زنان، زیاد تأکید می‌شد و مادران معلمان برای فرزندان خود و پرورش دهندگان شهروندان آینده تلقی می‌شدند (Paidar, 1995, p112).

دولت رضاشاه با تصویب برنامه‌هایی چون استخدام معلمان زن برای تدریس در دارالمعلمات در ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، ایجاد مدارس متوسطه نسوان در ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م، استخدام معلمان برای تدریس در مدارس دخترانه (ساکما، ۲۹۷/۲۲۵۴۱)، تأسیس پیشاهنگی دختران در ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م و مدارس مختلط دخترانه و پسرانه در این سال (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۳۵۵)، گامی دیگر در اجرای پروژه نوسازی برداشت.

از طرفی روشن‌فکران هم به قشر زن توجه زیادی داشتند و تغییر وضعیت آنان را برای پیشرفت کشور، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌دانستند. آنان با روی کار آمدن رضاشاه، از دولت خواستند که سریعاً پیش‌نویس طرح سوادآموزی زنان را تصویب کند. کسانی چون کسروی، گرچه معتقد بودند خدا زن را برای کار در خانه آفریده است، ولی از حقوق آنان



هم‌چون «رأی و تحصیل» دفاع می‌کرد (کسروی، ۱۳۲۴، صص ۵۴-۵۵). واقعیت این است که تا آن زمان، تسهیلات تعلیم و تربیت برای زنان در نظام آموزشی محدود و توسعه‌نیافته کشور بسیار ناچیز بود. تقی‌زاده شرط اصلی ترقی و تمدن ایران را تربیت و اصلاح حال زن، و تربیت نسوان را راهی برای نجات کشور می‌دانست و تأکید می‌کرد که زنان و دختران باید معلمی را یکی از وظایف مقدس و محترم خود بشمرند. او درمان درد زنان را بسط دایرهٔ تعلیم و تربیت و کثرت شمار معلمان و باسوادان این قشر می‌دانست (تقی‌زاده، ۱۳۵۱، ج ۳، صص ۱۴۶-۱۵۰). علی‌اکبر سیاسی در سخنرانی خود در دانش‌سرای عالی بر موضوع برابری قوهٔ عقلانی زن و مرد تأکید کرد و استعداد زنان را ستود (سالنامهٔ دانش‌سرای عالی ۱۳۱۴-۱۳۱۵، ۱۳۱۵، صص ۹۱-۹۳). روی کارآمدن سلسلهٔ پهلوی، گرچه آغاز دور تازه‌ای از تاریخ و سرنوشت زن بود، ولی چنان‌که ایوانف اشاره کرده‌است:

«به زنان اجازهٔ تحصیل در مدارس نوین و شرکت در کار ادارات دولتی داده شد و مدارس مختلط و دخترانه تشکیل گردید، اما عدم تساوی حق و حقوق زن و مرد مانند گذشته در اجتماع و خانواده باقی ماند» (ایوانف، ۱۳۵۶، صص ۸۷-۸۸).

در دههٔ ۱۳۱۰ش آموزش زنان بیشتر شتاب گرفت و حکومت رضاشاه بی‌اعتنا به مقاومت مخالفان و تعصب مردم در مخالفت با تحصیل زنان، بهبود شایان توجهی در امکانات تحصیلی زنان ایجاد کرد (ماتی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳). با گنجاندن زنان در برنامهٔ آموزشی و هم‌چنین تأسیس مدارس نوین، تعداد دختران و زنان باسواد افزایش پیدا کرد. این اقدامات هم بر آگاهی زنان می‌افزود و هم آنان را در طرح مطالباتشان تشویق می‌کرد.

یک تفاوت عمدهٔ وضعیت زنان در عصر پهلوی با دورهٔ قاجار، افزایش تعداد نشریات زنان بود. این موضوع نقشی عمده در بازتاب مطالبات فرهنگی و اجتماعی زنان داشت. عالم‌نسوان که از مجلات مهم زنان بود، از ۱۳۰۶ش به بعد، از زنان باسواد می‌خواست تا برای رفع بی‌سوادی هم‌جنسان خود کمر همت ببندند (عالم‌نسوان، سال دهم، اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۳، صص ۱۰۳ و ۱۰۴). روزنامه‌ها و مجلاتی چون عالم‌نسوان، دختران ایران، نامهٔ بانوان و... مروج آموزش و رهایی و تغییر وضعیت زنان بودند و در مقالات متعدد، بر آزادی و آموزش زنان تأکید داشتند. نویسندگان این مقالات از دولت می‌خواستند تا «ابواب علم و دانش را بر روی دختران آن دوره و مادران فردا بگشایند» (شفق سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ش، شمارهٔ ۱۲۱۲، ص ۳). بنابراین از لحاظ تئوریک هم عرصه برای تغییر وضعیت زنان فراهم شد و بسیاری از نوگرایان علت عقب‌ماندگی ایران را وضعیت و امانده و سنتی زنان و بی‌سوادی آنان دانستند. با تأسیس حکومت پهلوی و مشخص شدن خط‌مشی و برنامه‌هایش برای سلطه بر ارکان قدرت، دست نویسندگان و تجددخواهان عرصه‌های مختلف برای انتقاد از وضعیت

I. Ivanov.



اجتماعی و شغلی زنان و انتشار آثارشان در این زمینه، باز گذارده شد و این موضوع نقشی پررنگ در بسترسازی برای سیاست‌های مربوط به زنان در دهه دوم حکومت پهلوی ایفا کرد. بسیاری از روشن‌فکران و نوگرایان و طرفداران حقوق زن، بر لزوم تغییر موقعیت زنان تأکید داشتند. روشن‌فکرانی چون سیدحسن تقی‌زاده، محمود افشار، احمد کسروی و... بهبود وضعیت زنان و ورود آنان به جامعه را جزئی از برنامه وحدت ملی و تمرکز و یکپارچگی سیاسی می‌دانستند (وحدت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۳-۱۴۸).

جنبه مهم دیگری در تجدد دوره رضاشاه، مقابله با ساختار طبقاتی جامعه و تلاش برای برهم‌زدن نظام اجتماعی و اصلاح آن بود. در این زمینه، از همان ابتدا با اقداماتی گوناگون هم‌چون تأسیس مدارس دخترانه، مدارس مختلط، برگزاری مجالس زنانه، روزنامه و نشریه و... سعی بر آن بود تا جایگاه زنان دگرگون شود. در این دوره بر موقعیت والای زن و نقش کلیدی‌اش در توسعه کشور تأکید می‌شد و گفته می‌شد که خوشبختی و بدبختی جامعه از آن زنان است و لذا کامیابی یا ناکامی هر ملت با زنان آغاز می‌شود (Kashani Sabet, 1999, pp189-190). ورود زنان به حوزه‌های آموزشی و اجتماعی را باید یکی از کوشش‌های برنامه‌ریزان دولت مطلقه (سلطنت رضاشاه) در راه سکولاریسم تلقی کرد. در این دوره برای حضور زنان در عرصه‌های تحصیلی اقداماتی متعدد انجام شد (اکبری، ۱۳۸۴، صص ۲۳۷) که تأسیس دانش‌سراهای دخترانه، یکی از مهم‌ترین این اقدامات به‌شمار می‌رفت. زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، در نتیجه تبعیضی که در فرهنگ و آداب و رسوم و عرف و شرع جامعه ریشه داشت، از حضور در بسیاری از بخش‌های جامعه محروم بودند.

دولت جدید خواستار نظارت دقیق‌تر و بیشتری بر زنان بود و نظام آموزشی راهی برای تحقق این مهم به‌شمار می‌رفت و گشودن دانش‌سرا برای زنان تلاشی برای ادغام آنان در ساختار جدید و اشاعه ایدئولوژی پهلوی در جامعه زنان بود. تمرکز و نظارت دولت بر این جمعیت (زنان) هم، مدنظر شاه و مشاورانش بود (ساتن، ۱۳۳۵، صص ۴۰۱؛ رکنی، ۱۳۳۳، صص ۲۸-۲۹). دولت با اقدامات فرهنگی برای نیل به این هدف مهم و کلیدی تلاش می‌کرد. نوگرایان و طرفداران تجدد آمرانه، زنان را با مردان برابر و لایق سواد، تحصیل و کار می‌دانستند و این موضوع در مجلات و مجامع روشن‌فکری نیز بازتاب پیدا می‌کرد (انتخابی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۴-۱۸۶). در نتیجه بسترسازی دانش‌سراهای دخترانه که مراکزی تخصصی برای تربیت معلمان زن بودند، فراهم شد.

علاوه بر مطالبات خود زنان و تلاش‌های فکری و عملی طرفداران حقوق زن، موضوع مهم دیگری هم که نقشی پررنگ در تأسیس دانش‌سراهای دخترانه داشت، تعلیم و تربیت دختران و زنان، و کمبود آموزگار زن برای مدارس دخترانه بود. در این زمان به زنان به‌عنوان

شهروند نگریسته می شد و برای گسترش فرهنگ، به آموزش و سواد آنان توجه ویژه می شد (Arasteh, 1962, pp 50-54). دومین کنگره نسوان شرق به دعوت جمعیت نسوان وطن خواه ایران به ریاست مستوره افشار و با حضور نمایندگان کشورهای ایران، ژاپن، ترکیه، هندوستان، سوریه و مصر از ۶ تا ۱۱ آذرماه ۱۳۱۱ش / ۲۷ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۳۲م در تالار وزارت معارف برگزار شد (صدیق، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۰۵). در این نشست درباره نحوه حضور زنان در جامعه و تعلیم و تربیت مستقل زنان و تأسیس مدرسه برای آنان مطالبی ایراد شد (نهضت نسوان شرق، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹). یکی از مهم ترین راه ها برای تعلیم و تربیت بانوان، تأسیس دانش سراهای دخترانه بود که به صورت مستقل و جدای از مردان به تربیت زنان آموزگار پردازد؛ چون با افزایش مدارس دخترانه و در نتیجه افزایش دختران داوطلب تحصیل، به اندازه کافی زنان آموزگار برای آموزش زنان وجود نداشت (رستم کلایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵). تا اواسط دوره رضاشاه تعداد زیادی از بانوان فارغ التحصیل شده بودند؛ طبق جدول زیر:

سال تحصیلی	دوره ابتدایی	دوره متوسطه
۱۳۰۶-۱۳۰۷ش	۷۶۲ نفر	۴۰ نفر
۱۳۰۷-۱۳۰۸ش	۱۰۲۹ نفر	۶۶ نفر
۱۳۰۸-۱۳۰۹ش	۱۱۲۹ نفر	۴۸ نفر

### جدول ۱

تعداد فارغ التحصیلان زن دوره ابتدایی و متوسطه ۱۳۰۶-۱۳۰۸ش (حصائیه معارف، ۱۳۰۸، صص ۱۴۳-۱۴۴).

در سال ۱۳۰۸ تعداد کل آموزگاران زن در ایران، در دوره شش ساله ابتدایی مدارس دولتی و غیردولتی تهران ۴۷۵ نفر و در مقطع متوسطه ۱۶۴ نفر بود (حصائیه معارف، ۱۳۰۸، ص ۱۳۲). تا سال ۱۳۱۲ش / ۱۹۳۴م تعداد زنان آموزگار به ۲۳۵ نفر رسید (سالنامه وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۲، ص ۸۸). تعداد دانش آموزان دختر در سال ۱۳۱۳ش / ۱۹۳۵م در مدارس تهران ۴۵۷۸ نفر بود (آموزش و پرورش، سال چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۶۴) و در کل کشور به ۴۲۵۴۵ نفر رسید (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، ص ۱۲۶). افزایش تعداد زنان و دختران داوطلب تحصیل عامل مهمی بود که دولت را بر آن داشت تا در کنار دانش سراهای مقدماتی پسرانه، برای دختران نیز دانش سراهای مقدماتی تأسیس کند. زمینه برای تأسیس دانش سراهای مقدماتی دختران در نیمه دوم سلطنت رضاشاه فراهم شد. ابتدا قانون تأسیس دانش سراهای مقدماتی در ۱۹ اسفندماه ۱۳۱۲ش / ۱۰ مارس ۱۹۳۴م به تصویب مجلس شورای ملی رسید. طبق ماده اول این قانون:

«دولت مکلف است از اول فروردین سال ۱۳۱۳ تا مدت پنج سال، ۲۵ باب



دانش سرای مقدماتی پسرانه و یک باب دانش سرای مقدماتی دخترانه، در تهران و در ولایات تأسیس نماید» (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه، ۱۳۲۹، ص ۲۶۷).

با تصویب این قانون ۱۷ ماده‌ای، هم بر حق و حقوق معلم و هم بر تعلیم و تربیت جدید و کنار گذاشتن سبک و سیاق سنتی در زمینه آموزش تأکید شد. این مصوبه تلاشی بود برای بهبود کیفیت تدریس از طریق ایجاد کلاس برای آموزگاران و همین طور اقدامی در راه تشویق جوانان به انتخاب شغل معلمی.

از طرفی به منظور ترغیب و تشویق دانش آموزان دانشسراهای مقدماتی برای رقابت و کوشش بیشتر، وزارت معارف قانون مربوط به پذیرش فارغ التحصیلان مقدماتی را در دانشسراهای عالی به تصویب رساند (یوسفی و دیگران، ۱۳۵۶، ص ۱۲۸). سپس برای رسیدگی به امور آموزش دانشسراهای مقدماتی دختران اداره‌ای به نام اداره دانشسرا در وزارت فرهنگ تأسیس شد (آموزش و پرورش، سال نهم، شماره یازدهم و دوازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۱۸، ص ۱۲۱). تأسیس دانشسراهای مقدماتی دخترانه نیز در نتیجه قانون تربیت معلم و آئین نامه تأسیس دانشسراهای دختران مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۱۵ در مجلس شورای ملی و اساس نامه اختصاصی دانشسراهای دخترانه مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۱۵ ش/۳ نوامبر ۱۹۳۶ م شورای عالی معارف، در ده ماده به تصویب رسید. طبق این مصوبه گفته شد: دانشسراهای دخترانه در نقاطی که دانشسرای پسران دایر شده است، تأسیس خواهد شد. بنابراین دانشسرای اختصاصی دختران، فرزند بلا فصل قانون تربیت معلم بود و طبق این قانون، دولت موظف شد که دانشسراهای دخترانه را نیز تأسیس کند. داوطلبان دانشسراهای دخترانه باید تعهد خدمتی می سپردند (سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶ و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش، ۱۳۱۷، ص ۵۷۰). همگامی سیاست‌های دولت با تغییر موقعیت زنان و تکاپوی فعالان حقوق زن، در این زمینه نیز مؤثر بود. به هر حال نکته مهم این است که تا این زمان، با وجود فعالیت دارالمعلمات، تعداد زنان معلم در کشور معدود بود و در ادامه بیشتر به این موضوع توجه شد و برای زنان و دختران نیز مدارس بیشتری به وجود آمد و دانشسرای مخصوص آنان ایجاد شد. نام دارالمعلمات در اواسط دوره سلطنت رضاشاه به دانشسرای مقدماتی دختران تغییر پیدا کرد (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۶). از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدامات دوره رضاشاه در حوزه نظام آموزشی کشور، ایجاد دانشسراهای دخترانه بود. هدف از این قانون تحصیل مرد و زن و ورود آنان به دانشسرای عالی و دانشگاه بود. طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده در ماده اول قانون تأسیس دانشسرا، در سال ۱۳۱۴ ش یک دانشسرای عالی دخترانه در تهران و پنج دانشسرای مقدماتی دخترانه در ولایات باید ساخته می شد (سالنامه وزارت معارف،

اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۲، ص ۲۲۴). این موضوع به معنای سازمان‌دهی آموزش و تحصیل زنان بود.

### آثار و تبعات تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بر وضعیت فرهنگی و آموزشی زنان

طبق اهداف دولت از تأسیس دانش‌سراها این نهاد آموزشی نقشی پررنگ در وضعیت زنان داشت و به طرق مختلف زمینه را برای ارتقای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زنان فراهم می‌کرد. دانش‌سراهای مقدماتی دختران آموزشگاه‌هایی بودند که دو هدف اصلی را تعقیب می‌کردند: تکمیل معلومات عمومی دانش‌آموزان؛ تربیت و آماده‌کردن آنان برای فن‌آموزگاری طبق روش آموزش و پرورش (صحیحی، ۱۳۱۸، ص ۲۳). این مراکز طی چند سال فعالیتشان تا سقوط رضاشاه، تغییراتی در وضعیت زنان به وجود آوردند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

### ارتقای سطح تحصیلات دختران

اولین و شاید مهم‌ترین پیامد تأسیس و کار دانش‌سرا برای دختران، افزایش سطح سواد آنان بود. ایجاد دارالمعلمت و سپس دانش‌سرای دخترانه منجر به سازمان‌دهی عملکرد مدارس دخترانه و گسترش آموزش ابتدایی و متوسطه در بین دختران شد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷). همگام با برنامه‌های دولتی در ایجاد ایران مدرن، با اصلاح در امر آموزش، مدارس متعدد ابتدایی و متوسطه در کشور به وجود آمد که دختران هم در آن‌ها تحصیل می‌کردند. گشایش مدارس مختلط و تحصیل دختران در مدارس گامی دیگر در آموزش زنان بود که بر تعداد تحصیل‌کردگان زن افزود. در جدول زیر، آمار تعداد دختران فارغ‌التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه، نشان داده می‌شود:

سال تحصیلی	فارغ‌التحصیلان دختر مدارس ابتدایی
۱۳۰۴ ش	۲۸۰ نفر
۱۳۰۵	۴۵۱
۱۳۰۶	۶۴۹
۱۳۰۷	۷۶۲

### جدول ۲

تعداد دختران فارغ‌التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه (سال‌نامه آماری وزارت فرهنگ...، ۱۳۱۷، صص ۲۷۹-۲۸۰).



سال تحصیلی	فارغ التحصیلان دختر مدارس ابتدایی
۱۳۰۸	۱۰۲۹
۱۳۰۹	۱۱۲۹
۱۳۱۰	۱۳۸۴
۱۳۱۱	۱۴۰۳
۱۳۱۲	۱۷۳۰
۱۳۱۳	۱۸۶۶
۱۳۱۴	۲۲۵۳
۱۳۱۵	۲۴۶۵
۱۳۱۶	۳۳۶۷
۱۳۱۷	۳۹۳۰

### ادامه جدول ۲

تعداد دختران فارغ التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه (سالنامه آماری وزارت فرهنگ...، ۱۳۱۷، صص ۲۸۰-۲۷۹).

در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ش/۱۹۳۶-۱۹۳۷م در دبیرستان‌های دخترانه کشور ۴۲۱۷ نفر مشغول تحصیل بودند که ۴۹۹ نفر از آن‌ها فارغ التحصیل شدند. در سال بعد تعداد دختران مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های دخترانه کشور ۵۴۴۵ نفر بود که ۵۵۲ نفر از آن‌ها مدرک تحصیلی دریافت کردند (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۵۰-۵۱). از این به بعد همواره بر تعداد داوطلبان تحصیل در میان زنان و دختران و در نتیجه بر میزان تحصیل و سواد آنان افزوده می‌شد. در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م تعداد دختران مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی، ۸۱۹۷۷ نفر بود (آمار آموزش و پرورش: ۱۳۵۵، صص ۵۳-۵۴).

این موضوع راه را برای تحصیلات عالی هموار کرد. پس از تأسیس دانشگاه تهران، برخی از زنان و دخترانی که تحصیلات دانش‌سرا را به اتمام رسانده بودند، به دانشگاه راه یافتند. وزارت فرهنگ به دخترانی که در دانش‌سراها درس خوانده بودند، اجازه می‌داد تا در دانشگاه تهران ثبت نام کنند (ساکما، ۲۹۷/۱۱۰۳۴). راه‌یابی به دانشگاه و ادامه تحصیل در سطح عالی، از دیگر پیامدهای ایجاد دانش‌سراهای دخترانه برای زنان بود که در دوره پهلوی



دوم هم، با شدت بیشتر ادامه یافت. طبق جدول زیر، آمار دانشجویان دختر در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰-۱۹۴۱ م در دانشگاه تهران بدین صورت بود:

رشته تحصیلی	تعداد دانشجویان	رشته تحصیلی	تعداد دانشجویان
ادبیات فارسی	۱۲ نفر	علوم طبیعی	۵ نفر
بستان‌شناسی	۳	فیزیک و شیمی	۲
تاریخ و جغرافیا	۴	خانه‌داری	۱۵
زبان خارجه	۲۶	مخصوص ادبی	۳۰
فلسفه و علوم تربیتی	۱۰	مخصوص علمی	۵
علوم ریاضی	۳	دکتری ادبیات فارسی	۳
جمع کل: ۱۱۸ نفر			

### جدول ۳

آمار دانشجویان دختر در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰-۱۹۴۱ م در دانشگاه تهران (سالنامه دانش‌سرای عالی ۱۳۱۹-۱۳۲۰، ۱۳۲۰، ص ۱۸۹).

دانش‌سراها با رونق کار مدارس دخترانه زمینه ارتقای آگاهی زنان را فراهم کردند و زنان راحت‌تر از قبل توانستند به بدنه نظام آموزشی راه پیدا کنند.

دانش‌سراهای دخترانه نقشی عمده در دانش‌دوستی زنان و دختران داشت. این نهاد، بزرگ‌ترین دستاورد فرهنگی حکومت رضاشاه در ارتقای فکری زنان بود (بیزدانی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). بعد از ایجاد دانش‌سرا، زنان از وزارت معارف خواستند تا مدارسی با معلمان تربیت‌شده برای زنان ایجاد شود. آنان برای پیشرفت کار خود، درخواست تجهیزات بهتر و ارسال معلمان بیشتر و باکفایت‌تر را هم داشتند و از این وزارت‌خانه خواستند که مساعده و کمک مالی نیز به آنان داشته باشد (ساکما، ۲۹۷/۲۶۰۸۱). وزارت معارف نیز موافقت کرد و هیئتی را برای بازرسی و اطلاع از وضعیت مدارس دخترانه اعزام کرد (ساکما، ۲۹۷/۲۸۹۱۷).

افزایش سطح آگاهی فردی و اجتماعی زنان و آموختن حرفه‌ها و هنرهای مختلف از دیگر اثرات دانش‌سراها بر زنان تحصیل‌کرده بود. با بررسی مواد درسی دانش‌سراهای دخترانه روشن می‌شود که آنان چگونه درس زندگی را فرامی‌گرفتند. دروس پرورشی و ادبی از جمله روان‌شناسی و اخلاق، دروس علمی به‌ویژه در زمینه بهداشت و هم‌چنین دروس عملی به افزایش آگاهی زنان در امور مختلف فردی و اجتماعی کمک می‌کرد. طبق جدول زیر دروس عملی در دانش‌سراهای دخترانه عبارت بودند از:





#### جدول ۴

دروس عملی هفتگی در دانشسراهای  
دخترانه (دهقان، ۱۳۳۹، ص ۹۸).

سال اول	سال دوم	مواد درسی عملی دانشسرای دخترانه
۱ ساعت	۱ ساعت	نقاشی و رسم
۲	۲	موسیقی و سرود
۲	۲	تربیت بدنی و پیشاهنگی
۱	۱	کشاورزی
-	۵	آموزگاری

دختران مدارس متوسطه نیز، حرفه‌های متعددی را فرا می‌گرفتند و به‌شکل عملی درس زندگی و نحوه انجام امور خانه‌داری را می‌آموختند. در دوره دوم متوسطه، دروس مرتبط با حرفه‌های زنانه بیشتر بود و به‌صورت عملی در این زمینه‌ها آموزش داده می‌شد. این دروس هفتگی عبارت بودند از:

دروس	سال چهارم		سال پنجم	
	درس	عملیات	درس	عملیات
بچه‌داری	۲	-	۲	-
پرستاری	-	-	۲	-
خانه‌داری	۱	۳	۱	۱
خیاطی	۱	۳	۱	۲
صنایع دستی	-	۱	-	۱
نقش‌ی	-	۱	-	۱
طباخی	۱	۳	۱	۳
موسیقی	۱	-	۱	-
جمع ساعت	۶	۱۱	۸	۸

#### جدول ۵

میزان ساعت دروس عملی هفتگی در  
دوره دوم متوسطه زنان در سال ۱۳۱۸  
(آموزش و پرورش، سال نهم، شماره هفتم  
و هشتم، مهر و آبان ۱۳۱۸، ص ۱۵۳).



تا قبل از تأسیس دانش‌سراها و آموزش دختران زیر نظر معلمان زن آموزش دیده در دانش‌سرا، این مواد درسی و روش آموزش برای زنان ناشناخته بود؛ بنابراین از این نظر دانش‌سرا درس زندگی و شیوه مدیریت خانه‌داری را هم به زنان می‌آموخت و با ارسال صورت این مواد درسی به ولایات مختلف سعی داشت تا مهارت‌های مذکور را به دختران ولایات هم آموزش دهد (ساکما، ۲۹۷/۱۵۷۲۹).

### تأمین و تربیت آموزگاران زن

دیگر نتیجه مهم تأسیس دانش‌سرا، افزایش تعداد زنان آموزگار آموزش دیده بود. با تأسیس دانش‌سرای دخترانه آموزگاران زن در مراکز مخصوص به خود آموزش می‌دیدند. تصویب قانون دانش‌سرا انقلابی در فرهنگ ایران ایجاد کرد و معلم شدن شریطی خاص پیدا کرد (سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). در این قانون گفته شد که تا چند سال آینده چندین دانش‌سرای دخترانه باید در کشور ساخته شود و دستور آن به وزارت معارف داده شد (تجدد/ایران، ۱۸۰۲، ۱۸ دی ۱۳۱۴، ص ۱). تا سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷م تعداد کل دانش‌سراهای کشور به ۱۱ باب رسید (ساکما، ۲۹۷/۸۱۵). این دانش‌سراها در شهرهای ارومیه، تبریز، رشت، مشهد، کرمان، شیراز، بیرجند، اهواز، همدان، اصفهان و کرج ساخته شده بودند (آموزش و پرورش، سال هفتم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۵۶۳-۵۶۴). این آمار در اواخر دوره رضاشاه بدین شکل بود: در سال تحصیلی ۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹م در تهران ۱ باب و در شهرستان‌ها ۱۴ باب دانش‌سرای دخترانه وجود داشت و در سال بعد (۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰م) این رقم در تهران هم‌چنان ثابت ماند، ولی در شهرستان‌ها به ۱۵ باب رسید؛ بنابراین در مجموع تعداد ۱۶ باب دانش‌سرای دخترانه در کشور وجود داشت (ساکما، ۲۹۷/۱۳۹۵۰). با افزایش تعداد دانش‌سراهای دخترانه تعداد معلمان زن نیز افزایش یافت. در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه، دختران با گذراندن دوره دوساله دانش‌سرا فارغ‌التحصیل می‌شدند و مجوز آموزگاری دریافت می‌کردند. طبق جدول زیر:

سال	تهران	شهرستان‌ها	تعداد کل - نفر
۱۳۱۷ ش	۲۰	۹۹	۱۱۹
۱۳۱۸ ش	۲۸	۱۳۵	۱۶۳
۱۳۱۹ ش	۲۸	۱۲۵	۱۵۳

#### جدول ۶

تعداد دختران فارغ‌التحصیل از دانش‌سرا در اواخر سلطنت رضاشاه (دهقان، ۱۳۳۹، ص ۱۰۵).



با افزایش تعداد دانش‌سراهای دخترانه، هر ساله بر تعداد زنان آموزگار در کشور افزوده می‌شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ش و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش / ۱۹۳۶-۱۹۳۷ م و ۱۹۳۷-۱۹۳۸ م، تعداد آموزگاران زن در مدارس ابتدایی دولتی به ترتیب ۱۴۴۱ و ۱۸۴۳ نفر بود (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۲۶۴-۲۶۵). تعداد دبیران زن در دبیرستان‌های دخترانه نیز در این سال‌ها به ترتیب ۳۳۱ و ۳۸۲ نفر بود (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۵۰-۵۱). تعداد ۵۰ نفر زن هم در دانش‌سراهای دخترانه در حال تدریس بودند (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۲۶۵). در آمار دیگری طبق گزارش وزارت فرهنگ، در سال ۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۹ م تعداد دختران مشغول به تحصیل در دانش‌سراهای تهران ۳۶۵ نفر و در دانش‌سراهای شهرستان‌ها ۳۳۱ نفر و در سال ۱۳۱۹ ش / ۱۳۴۰ م در تهران ۱۵۴ نفر و در شهرستان‌ها ۴۳۱ نفر بوده است (ساکما، ۲۹۷/۱۲۰۷۶). علت کاهش تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در دانش‌سراهای مقدماتی دختران در تهران در سال ۱۳۱۹ ش، به درستی مشخص نیست؛ ولی این آمار در سال بعد مجدداً در تهران افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۱ م تعداد ۵۴۸ دختر در مراکز دانش‌سرای مقدماتی دخترانه کشور مشغول تحصیل بودند (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، صص ۲۵)؛ از این تعداد ۲۵۴ نفر در تهران مشغول تحصیل بودند که ۱۹۰ نفر از آنان در امتحانات نهایی قبول شدند (آموزش و پرورش، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، آذر و دی، ۱۳۲۰، صص ۲۰). البته در آن دوران به معلمان زن نصف هم‌تایان مرد حقوق داده می‌شد (Paidar, 1995, p109). اکثر زنانی هم که امکان تحصیل و کار پیدا کرده بودند، از طبقات متوسط به بالای جامعه بودند.

### افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان

دیگر نتیجه مهم عملکرد دانش‌سرا بر وضعیت زنان و دختران امکان ورود آنان به سامانه اداری کشور بود. با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان مدارس و مراکز عالی در دوره رضاشاه، دولت این افراد را در وزارت‌خانه‌های مختلف جذب می‌کرد (ادیبی، ۱۳۵۸، صص ۸۶-۸۷). زنان پس از اتمام تحصیل و دریافت مدرک به ادارات مراجعه و برای استخدام تقاضا می‌کردند. بعد از آموزش زنان در دانش‌سراها و آمادگی آنان برای شغل معلمی، عده‌ای از معلمین زن برای معلمی در مدارس ابتدایی و متوسطه تهران در وزارت فرهنگ استخدام شدند (ساکما، ۲۹۷/۲۵۸۴۳). بنابراین تلاش برای مشارکت در عرصه اجتماع، از دیگر دستاوردهای عملکرد دانش‌سراها برای زنان بوده است. پرونده‌های فراوانی درباره دختران فارغ‌التحصیل از دانش‌سراها وجود دارد که برای اشتغال در اداره معارف درخواست داده‌اند تا هم کاری مفید انجام داده باشند و هم وقتشان را تلف نکرده باشند (ساکما، ۲۹۷/۴۲۹۹۴). در



دوره رضاشاه دیوان‌سالاری نوینی به‌لحاظ کارکنان، اهداف، ادارات و فعالیت‌ها به‌وجود آمد؛ به‌گونه‌ای که نظام اداری کشور هفده برابر رشد کرد و دولتی که عبارت بود از مجموعه‌ای بی‌نظم از مستوفیان خودمختار، منشیان و میرزاها، طی سلطنت رضاشاه به چندین وزارت‌خانه با کارمندان ثابت حقوق‌بگیر تبدیل شد و در واقع از بوروکراسی به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت استفاده شد. گفتنی است که بخش عمده این کارکنان، از زنان تحصیل‌کرده مدارس نوین‌پاد بودند که زیر نظر معلمان آموزش دیده در دانش‌سراها تحصیل کرده بودند.

به‌دلیل تغییر روش‌های استخدام ضرورت داشت که زنان هم در مدارس تازه‌تأسیس به تحصیل بپردازند. با تصویب قانون ایجاد تربیت‌معلم و دانش‌سراها به زنان هم توجه شد و با ایجاد دانش‌سراها و هنرستان‌ها، زنان هم برای کارهای اداری آماده و تربیت شدند (یغمایی، ۱۳۵۵، صص ۴۶۱-۴۶۴). تأسیس دارالمعلمات و دانش‌سراها زمینه‌ای را فراهم کرد تا زنان هم بتوانند به کار در خارج از خانه بپردازند. اشتغال زنان یکی از شاخصه‌های حقوق اقتصادی-اجتماعی زنان و از جنبه‌های مدرنیسم به‌شمار می‌رفت. در دوره پهلوی اول، از حضور زن در برخی از مشاغل و ادارات برای تظاهر به نوگرایی استفاده می‌شد (طغرانگار، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). تا قبل از این زمان، گزینه‌های شغلی اندکی برای زنان وجود داشت و مشاغلی را که در آمریکا و اروپا برعهده زنان بود -از جمله پرستاری، منشی‌گری، آموزگاری و...- در ایران مردان انجام می‌دادند (رستم‌کلایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵).

از جمله مطالبات زنان این بود که با مردان از حق و حقوق برابر برخوردار شوند و در تعیین مقدرات کشور سهیم باشند (شفق‌سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ش، شماره ۱۱۷۶، ص ۳). با وجود این گرچه زنان در این دوره ورود به قلمروهای آموزشی و نیروی کار را آغاز کردند (فوران، ۱۳۸۸، ص ۳۵۹) و در دهه ۱۳۱۰ش در مدارس متوسطه تهران معلمین زن هم استخدام شدند (ساکما، ۲۹۷/۲۵۸۴۳)، ولی همچنان موانع داخلی زیادی بر سر راه استخدام زنان وجود داشت؛ از جمله این که بخش عمده مردم بر عدم ضرورت سواد زنان در سطح عالیه تأکید می‌کردند.

استخدام زنان در دولت علاوه بر موانع با تناقضاتی هم روبه‌رو بود؛ از جمله آن که زنان فقط برای مشاغلی خاص در نظر گرفته می‌شدند. طبق سندی در این زمینه، برای عدم استخدام زنان در ادارات دولتی به‌جز شغل معلمی و اداره آموزش و پرورش، بخشنامه صادر شده است (ساکما، ۲۹۷/۱۳۲۷). مسئولان به این نتیجه رسیده بودند که زنان در اداره معارف بهتر از هر اداره دیگری می‌توانند کار کنند. ولی کمی بعد در نتیجه ناامنی در کشور با اعزام معلمان زن از تهران به استان‌های دیگر مخالفت شد. علی‌دهقان در این زمینه تصریح می‌دارد:

«در بخش‌ها و دهستان‌ها که به آموزگار احتیاج زیاد هست، نمی‌توان از وجود



فارغ‌التحصیلی‌های دختران استفاده نمود؛ زیرا وضع اجتماعی نقاط مزبور طوری  
نیست که یک نفر دختر بی‌سرپرست بتواند در آن‌جاها آموزگاری نماید» (دهقان،  
۱۳۲۹، ص ۹۷).

به‌علت اوضاع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه ایران، زنان تحصیل‌کرده بیشتر در  
مدارس به معلمی و در بیمارستان‌ها به پرستاری می‌پرداختند و در دیگر ادارات نوساز دولتی  
پذیرفته نمی‌شدند. در بسیاری از شهرها و ولایات دور از پایتخت هم، عمده زنان و دختران  
به مدارس راه نمی‌یافتند و تحصیل را کاری مختص به پسران می‌دانستند؛ بنابراین پسران  
بیشتر به تحصیل می‌پرداختند. این واکنش‌ها که در ساختار فکری و فرهنگی مردم ایران ریشه  
داشت، تا حد زیادی همگام با گرایش‌ها و پارادایم‌های مردسالاری حکومت، در جلوگیری از  
توسعه تحصیل زنان تأثیری شگرف داشت.

اشتغال زنان در نظام اداری و آموزشی از مهم‌ترین ویژگی‌های تجدد به‌شمار می‌رفت  
و به‌معنای تغییر در جایگاه و موقعیت زنان بود و به‌این ترتیب زنان هم می‌توانستند در برخی  
ادارات و مناصب در کنار مردان به‌کار بپردازند (بهنام، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷). استخدام در دولت به  
پیدایش طبقه متوسط جدید غیر سرمایه‌دار منجر شد که زنان کارمند هم جزئی از آن بودند.  
البته به‌دلیل قدرت مذهب، تا پیش از شهریور ۱۳۲۰ ش حضور زنان در ادارات و اجتماع فقط  
به طبقات اعیان محدود بود (اتحادیه و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ فوران، ۱۳۸۸،  
ص ۳۵۹)؛ آموزش نیز بنابه عللی چون تمرکز در پایتخت و هم‌چنین فقر مردم و مخالفت  
گروه‌های سنتی، بیشتر حالت نخبگانی داشت تا توده‌ای (مناشری، ۱۳۹۷، صص ۱۸۱-۱۸۳).  
آرتور میلسپو<sup>۱</sup> که برای اصلاح سامانه اداری-مالی به ایران آمده بود، در این زمینه تصریح  
می‌کند:

«هیچ‌گاه فرصتی به‌دست نیامده تا با خانمی ایرانی ملاقات و صحبت بنمایم؛ چون  
آنان در محیط اجتماعی و اداری‌ای که در آن به‌سر می‌برم، نقشی ندارند و جز  
معدودی از زنان که به‌صورت معلم مدارس دخترانه و یا پرستار خدمت می‌کنند،  
هیچ‌زنی در استخدام ادارات نیست» (میلسپو، ۱۳۵۶، صص ۱۲۸-۱۲۹).

البته این گزارش چندان هم دقیق نیست؛ چون وزارت مالیه در ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م طی  
بخشنامه‌ای بر استخدام زنان در آن وزارت‌خانه تأکید کرده (ساکما، ۲۴۰/۳۴۱۰۶) و در  
سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ش/۱۹۳۷-۱۹۳۹ م بر لزوم جذب و به‌کارگیری زنان فارغ‌التحصیل از  
دانش‌سراهای دخترانه صحه گذارده‌است (ساکما، ۲۴۰/۴۹۴۰۳). در جدول زیر آمار استخدام  
زنان در ادارات دولتی قید شده‌است:

1. Arthur Millspaugh.

اداره	سال	راه‌آهن دولتی ایران	پست، تلگراف و تلفن	وزارت بهداری	وزارت کشاورزی	وزارت فرهنگ
۱۳۰۱ش	-	-	-	-	-	۶
۱۳۰۲ش	-	-	-	۲	-	۱۱
۱۳۰۳ش	-	-	-	-	۱	۸
۱۳۰۴ش	-	-	-	۱	-	۱۱
۱۳۰۵ش	-	-	-	۱	-	۲۴
۱۳۰۶ش	-	-	۱	-	-	۲۱
۱۳۰۷ش	-	-	-	۱	-	۳۵
۱۳۰۸ش	-	-	-	۱	۱	۳۰
۱۳۰۹ش	-	-	-	۵	-	۳۵
۱۳۱۰ش	-	-	-	۳	-	۳۶
۱۳۱۱ش	۱	۱	۱	۳	-	۴۷
۱۳۱۲ش	۲	-	-	۱۴	۱	۵۲
۱۳۱۳ش	-	۳	۳	۱۳	۱	۶۹
۱۳۱۴ش	۲	۱۰	۱۰	۲۸	۳	۱۶۶
۱۳۱۵ش	۵	۱۴	۱۴	۲۴	۷	۲۹۳
۱۳۱۶ش	۵	۱۴	۱۴	۳۱	۱۲	۲۹۷
۱۳۱۷ش	۷	۱۴	۱۴	۴۷	۵	۲۹۱
۱۳۱۸ش	۱۶	۱۴	۱۴	۴۸	۴	۳۴۵
۱۳۱۹ش	۲۱	۳۱	۳۱	۷۸	۱۵	۵۳۴
۱۳۲۰ش	۲۴	۲۵	۲۵	۶۷	۷	۳۷۰

### جدول ۷

آمار استخدام زنان در چند اداره و وزارتخانه طی سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۲۰ش (تشریح آماری کارمندان دولت، ۱۳۲۵، جدول شماره ۳).

البته زنانی که در وزارت معارف استخدام شدند، همه به آموزگاری نپرداختند و در امور اداری و اجرایی نیز مشغول شدند. زنان بیشتر در دو وزارتخانه معارف و بهداری و شغل



آموزگاری و پرستاری، و عمدتاً در تهران استخدام شدند. گرچه برتری در این حوزه هم‌چنان با مردان بود، ولی این موضوع از این نظر اهمیت داشت که برای اولین بار قشر کارمند زن در کشور شکل گرفته بود. به‌هر حال اشتغال نقش پررنگی در تغییر موقعیت زنان و بهبود کیفیت زندگی آنان داشت. اشتغال زنان در این دوره برنامه‌ای دولتی بود که از طرق مختلف زمینه حضور زنان را در اجتماع فراهم کرد و تأسیس دانش‌سراها و مدارس دخترانه که زمینه تحصیل آنان را فراهم کرد، یکی از علل اصلی نیل به این هدف بود.

### نتیجه

زنان و مسائل مرتبط با آنان، از جمله امور آموزشی و فرهنگی آن‌ها، در سال‌های قبل و به‌ویژه بعد از مشروطیت حساسیت خاصی را به‌وجود آورده بود. در دوره رضاشاه، تحت تأثیر تحولات سیاسی-اجتماعی، گرایش‌های غربی و سکولاریسم و تحقق ایدئولوژی پهلویسم به این موضوع توجهی ویژه شد. در نیمه دوم سلطنت رضاشاه، در نتیجه سیاست‌های دولت و تلاش‌ها و تکاپوهای زنان و مدافعان حقوق زنان اقداماتی گسترده برای این قشر از جامعه انجام شد؛ از جمله تأسیس دانش‌سراهای دخترانه که قبل از هر چیز اقدامی برای تأمین و تربیت معلمان زن به‌شمار می‌رفت. بعد از مشروطه تأسیس دارالمعلمات و شکل سازمان‌یافته آن، دانش‌سراهای دخترانه، بخشی از پروژه تجدید دولتی و تلاشی در راه مبارزه با ساختار سنتی و شرعی تعلیم و تربیت بود و هدف این بود که مدارس دخترانه نیز به‌مانند مدارس پسرانه آموزگاران خود را داشته باشند. دانش‌سراهای دخترانه که محلی برای ارتقای تحصیلی زنان به‌شمار می‌رفت، ثمره عملی تلاش‌های فکری اندیشه‌گران طرفدار حق زن بود و سبب رشد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زیادی برای زنان شد؛ از جمله سبب افزایش تعداد معلمان، تحصیل کردگان و فارغ‌التحصیلان دختر شد.

ورود به عرصه نظام اداری جدید و شکل‌گیری قشر جدید کارمند زن، از دیگر پیامدهای تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بود. آموزش زنان لازمه اجتماعی شدن آنان و کسب پست‌ها و مقامات مختلف بود. آموزش، هم در شهری شدن زنان و هم در اولین ورودشان به بدنه دیوان‌سالاری کشور نقشی مهم داشت. سیاست دولت در زمینه آموزش و اشتغال زنان، کنترل دولت بر زنان را افزایش داد.

بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی مدرن با ساختار و فکر جامعه ایران هم‌خوانی نداشت و سیاست‌گذاری فرهنگی دوره رضاشاه درباره زنان، بر برنامه مشخص و واحدی مبتنی نبود. هم‌چنین گرچه تأسیس دانش‌سراهای دخترانه به ارتقای آموزشی-فرهنگی زنان کمک‌شایانی کرد و باعث ترفیع و آگاهی بخشی از آنان شد، ولی این اقدام هم‌چون دیگر سیاست‌های

مربوط به زنان، چندان توجهی به رویکردهای عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی نمی‌کرد. موضوع راه‌یابی زنان و دختران به دانش‌سرا عمومیت نداشت و تنها شامل بخش معدودی از زنان در تهران و برخی شهرستان‌ها شد و اکثریت زنان در بی‌سوادی ماندند و در زمینه اشتغال، تحصیل و مشارکت عمومی، برتری هم‌چنان با مردان ماند. هم‌چنین چون تعداد دانش‌سراهای دخترانه در کشور چندان زیاد نبود و نیاز مدارس دخترانه به آموزگار و دبیر زن را برآورده نمی‌کرد، در بسیاری از مراکز آموزشی دخترانه، هم‌چنان معلمان مرد به تدریس مشغول بودند.

## منابع

### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): اسناد شماره ۲۹۷/۱۱۰۳۴؛ ۲۹۷/۱۲۰۷۶؛ ۲۹۷/۱۳۳۷؛ ۲۹۷/۱۳۹۵؛ ۲۹۷/۱۵۷۲۹؛ ۲۹۷/۲۲۵۴۱؛ ۲۹۷/۲۵۸۴۳؛ ۲۹۷/۲۶۰۸۱؛ ۲۹۷/۲۸۹۱۷؛ ۲۴۰/۳۴۱۰۶؛ ۲۹۷/۴۲۹۹۴؛ ۲۴۰/۴۹۴۰۳؛ ۲۹۷/۶۴۹۱؛ ۲۹۷/۸۱۱۵.

### کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۲). *ایران بین دو انقلاب*. (محمدابراهیم فتاحی و احمد گل محمدی، مترجمان). تهران: نی. آموزگار، حبیب‌الله. (۱۳۰۷). *اصلاحات اجتماعی محتوی مفاصل اجتماعی ما و علاج آن‌ها*. تهران: سیروس. اتحادیه، منصوره و دیگران. (۱۳۹۰). *زن در تاریخ ایران معاصر (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)*: مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ ایران معاصر دانشگاه زنجان، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۸۳.

تهران: کویر.

احصائیه معارف. (۱۳۰۸). *قوانین و مقررات*. تهران: مطبعه روشنایی.

ادیبی، حسین. (۱۳۵۸). *طبقه متوسط جدید در ایران*. تهران: جامعه.

اکبری، محمدعلی. (۱۳۸۴). *تبارشناسی هویت جدید ایرانی* (عصر قاجاریه و پهلوی اول). تهران: علمی و فرهنگی.

انتخابی، نادر. (۱۳۹۰). *ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه*. تهران: نگاره آفتاب.

ایوانف، م. س. (۱۳۵۶). *تاریخ نوین ایران*. (هوشنگ تیزابی، مترجم). تهران: طوفان.

بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷). *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*. (ج ۱). تهران: ابن‌سینا.

بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران. (۱۳۵۲). (عباس خاقانی، کوشش‌گر). تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

بزرگ‌امید، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *از ماست که بر ماست*. تهران: دنیای کتاب.





- بهنام، جمشید. (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشهٔ تجدد*. تهران: فرزانه روز.
- تقی زاده، سیدحسین. (۱۳۵۵). *مقالات تقی زاده*. (ج ۳). (ایرج افشار، ناظر). تهران: کتابخانهٔ ملی ایران.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۵۵). *سی خاطره از عصر فرخندهٔ پهلوی*. تهران: وحید.
- خسرویناه، محمدحسین. (۱۳۸۴). *هدف‌ها و مبارزهٔ زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*. تهران: پیام امروز.
- خلیلی خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دورهٔ رضاشاه ۱۲۹۱-۱۳۲۰* ش. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- دهقان، علی. (۱۳۲۹). *تربیت معلم در کشورهای فرانسه-انگلستان-ایران*. تهران: چاپخانهٔ دانشگاه.
- رایس، کلارا کولیور. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان: سفرنامهٔ کلارا کولیور رایس*. (اسدالله آزاد، مترجم). تهران: کتابدار.
- رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰). *زندگی‌نامهٔ پیر معارف رشدیه: بنیان‌گذار فرهنگ نوین ایران*. تهران: هیرمند.
- رکنی، علی. (۱۳۳۳). *سازمان‌های فرهنگی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساتن، الول. (۱۳۳۵). *رضاشاه کبیر یا ایران نو*. (عبدالعظیم صبوری، مترجم). تهران: علمی.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶* ش و *۱۳۱۶-۱۳۱۷* ش. (۱۳۱۷). تهران: شرکت سهامی چاپ.
- سالنامهٔ آماری وزارت فرهنگ، سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷*. (۱۳۱۷). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ دانش‌سرای عالی (۱۳۱۴-۱۳۱۵)*. (۱۳۱۵). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ دانش‌سرای عالی (۱۳۱۹-۱۳۲۰)*. (۱۳۲۰). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه*. (۱۲۹۷). تهران: مطبعهٔ مجلس.
- سالنامهٔ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه*. (۱۳۱۲). تهران: مطبعهٔ مجلس.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*. (نوشین احمدی خراسانی، مترجم). تهران: اختران.
- سرمه، غلام‌علی. (۱۳۷۲). *اعزاز محصل به خارج از کشور (در دورهٔ قاجاریه)*. تهران: بنیاد.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). *یک زندگی سیاسی: خاطرات دکتر علی‌اکبر سیاسی*. تهران: ثالث.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۲). *یادگار عمر*. (ج ۲). تهران: طهوری.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۳). *یادگار عمر*. (ج ۳). تهران: امیرکبیر.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*. تهران: دانشگاه تهران.
- صلاح، مهدی. (۱۳۸۸). *کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها*. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- طغرناگار، حسن. (۱۳۸۳). *حقوق سیاسی-اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فتحی، مریم. (۱۳۸۳). *کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران*. تهران:

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

فوران، جان. (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

کسروی، احمد. (۱۳۲۴). *امروز چاره چیست*. بی‌جا: توگا.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. (منوچهر صبوری کاشانی، مترجم). تهران: نی.

*مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه*. (۱۳۲۹). تهران: مجلس.

*مجموعه مصوبات و قوانین موضوعه مجلس سوم قانونگذاری*. (۱۳۱۹). تهران: چاپخانه مجلس.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه دوران پهلوی. (۱۳۵۵). *آمار آموزش و پرورش*. تهران: برنامه و بودجه.

مناشری، دیوید. (۱۳۹۷). *نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن*. (محمدحسین بادامچی و عرفان مصلح، مترجمان). تهران: سینا.

میلسپو، آرتور. (۱۳۵۶). *مأموریت آمریکائی‌ها در ایران*. (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: پیام.

*نشریه آمار کارمندان دولت*. (۱۳۳۵). وزارت کشور: آمار عمومی. تهران: سازمان برنامه.

*نظام‌نامه مدارس ابتدایی و متوسطه*. (۱۲۹۹). تهران: وزارت معارف و صنایع و اوقاف مستظرفه.

*نهضت نسوان شرق*. (۱۳۸۴). (غلام‌رضا سلامی و افسانه نجم‌آبادی، کوشش‌گران). تهران: شیرازه.

وحدت، فرزین. (۱۳۸۱). *رویارویی فکری ایران با مدرنیته*. (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.

یغمایی، اقبال. (۱۳۳۵). *کارنامه رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین*. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

یوسفی، منصور؛ علی دوستی، محمدعلی؛ دانش‌پژوه، زهرا. (۱۳۵۶). *تربیت معلم در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی*. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

## مقاله

اتحادیه، منصوره؛ فصیحی، سیمین؛ عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۷). «تاریخ‌نگاری زنان». *کتاب ماه تاریخ و*

*جغرافیا*، ش ۲۷۱، صص ۲۲-۳۳.

رستم‌کلایی، یاسمین. (۱۳۸۳). «آموزش زنان»: بخش چهارم از کتاب *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*.

(مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی، صص ۲۳۳-۲۸۸.

شیخ‌رضایی، انسیه. (۱۳۷۱). «مدارس فرانسوی در ایران». *گنجینه اسناد*، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، صص ۹۵-۱۰۹.

صحیحی، حبیب‌الله. (۱۳۱۸). «تربیت فنی دانش‌آموزان در دانش‌سراها». *آموزش و پرورش*، سال نهم، شماره ۴، دی‌ماه ۱۳۱۸، صص ۲۳-۲۶.



لمبتون، آن. اس. (۱۳۶۸). «زمینه‌های دگرگونی اجتماعی در ایران در قرن نوزدهم میلادی». چاپ شده در کتاب *در زمینه‌ی ایران شناسی*. (چنگیز پهلوان، مترجم). تهران: میهن، صص ۱۰۴-۱۶۵.

ماتی، رودی. (۱۳۸۳). «آموزش و پرورش در دوره رضاشاه». چاپ شده در کتاب *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی، صص ۱۸۷-۲۱۹.

هس، آندره. (۱۳۰۴). «راپورت مسیو آندره هس - معلم حقوق اقتصادی (در باب تشکیلات تعلیم در ایران)». *تعلیم و تربیت*، دوره اول، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۰۴، صص ۱۳-۲۱.

یزدانی، مرضیه. (۱۳۷۸). «تأسیس دارالمعلمات (دانش‌سرای دختران) و تحصیلات بانوان». *گنجینه اسناد*، شماره ۳۵-۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۴۷-۸۱.

### روزنامه و نشریه

*آموزش و پرورش*، سال چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۶۴.

*آموزش و پرورش*، سال هفتم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۵۶۳-۵۶۴.

*آموزش و پرورش*، سال نهم، شماره هفتم و هشتم، مهر و آبان ۱۳۱۸، ص ۱۵۳.

*آموزش و پرورش*، سال نهم، شماره یازدهم و دوازدهم. بهمن و اسفند ۱۳۱۸، صص ۱۲۱-۱۲۲.

*آموزش و پرورش*، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، آذر و دی ۱۳۲۰، ص ۲۰.

*تجدد ایران*، شماره ۱۸۰۲، ۱۸ دی ۱۳۱۴، ص ۱.

*حبل‌المتین*، سال ۱، شماره ۱۰۵، یکشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۵، ص ۴.

*زیان زنان*، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، ص ۲۱.

*شفق سرخ*، سال ۸، ۱۳۰۸ ش، شماره ۱۱۷۶، ص ۳.

*شفق سرخ*، سال ۸، ۱۳۰۸ ش، شماره ۱۲۱۲، ص ۳.

*شکوفه*، ش ۶، سال اول، ۱۳۳۱ ق، صص ۲۲-۲۳.

*عالم نسوان*، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۰-۲۲.

*عالم نسوان*، سال دهم، اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۳، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

نامه بانوان، شماره ۱، اسد ۱۲۹۹، صص ۱-۲.

### منابع انگلیسی

Arasteh, Reza. (1962). *Education and Social Awakening in Iran 1850-1960*. Leiden, E. J. Brill, Preis brosch.

Kashani Sabet, Firuveh. (1999). *Frontier Fictions: Shaping the Iranian National*. Princeton University Press.



Munibar, Rahman. (1972). "Movement For The Emancipation Of Women In Persia".

*Bulletin of Institute of Islamic Studies*, No 1, pp 17-45.

Paidar, Parvin. (1995). *Women and the Political Process in Twentieth-Century Iran*.

Cambridge University Press.

## English Translation of References

### Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

Document numbers: 297/11034, 297/12076, 297/1327, 297/13950, 297/15729, 297/22541, 297/25843, 297/26081, 297/28917, 240/34106, 297/42994, 240/49403, 297/6491, 297/15729. [Persian]

### Books

Abrahamian, Ervand. (1382/2003). "*Irān bein-e do enqelāb*" (Iran between two revolutions). Translated by Mohammad Ebrahim Fattahi & Ahmad Golmohammadi. Tehran: Ney. [Persian]

Adibi, Hossein. (1358/1979). "*Tabaqe-ye motevasset-e jadid dar Irān*" (The new middle class in Iran). Tehran: Jāme'e. [Persian]

Akbari, Mohammad Ali. (1384/2005). "*Tabār-šenāsi-ye hoviāt-e jadid-e Irāni: Asr-e Qājārieh va Pahlavi-ye avval*" (Genealogy of the new Iranian identity: Qajar era and the first Pahlavi). Tehran: 'Elmi Farhangi. [Persian]

"*Āmār-e āmuzeš va parvareš: Markaz-e āmār-e sāzmān-e barnāmeḥ va budje-ye dōvrān-e Pahlavi*" (Education statistics: Statistics center of planning and budget organization in Pahlavi era). (1355/1976). Tehran: Barnāmeḥ va Budjeh (Planning and Budget Organization). [Persian]

Amuzgar, Habibollah. (1307/1928). "*Eslāhāt-e ejtemā'ee-ye mohtavi-ye mafāsed-e ejtemā'ee-ye mā va alāj-e ān-hā*" (Social reforms containing social corruptions and their remedy). Tehran: Sirus. [Persian]

Arasteh, Reza. (1962). *Education and social awakening in Iran 1850-1960*. Leiden, E.



- J. Brill, Preis brosch.
- Bamdad, Badr Al-Molouk. (1347/1968). *“Zan-e Irāni az enqelāb-e mašrutiat tā enqelāb-e sefid”* (The study of status of women in Iran from the constitutional movement to the White revolution) (vol. 1). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- “Barresi-ye tahavvolāt-e āmuzeš o parvareš-e Irān”* (Investigating the developments of education in Iran). (1352/1973). Edited by Abbas Khaghani. Tehran: Dāneškade-ye ‘Olum-e Ejtemāee (Faculty of Social Sciences). [Persian]
- Behnam, Jamshid. (1375/1996). *“Irāniān va andiše-ye tajaddod”* (Iranians and the idea of modernity). Tehran: Farzān Ruz. [Persian]
- Bozorg Omid, Abu Al-Hassan. (1363/1984). *“Az māst ke bar māst”* (Memories and observations of Abu Al-Hassan Bozorg Omid). Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Dehghan, Ali. (1329/1950). *“Tarbiat-e mo’allem dar kešvar-hā-ye Farānseh-Engelestān- Irān”* (Teacher training in France – England - Iran.). Tehran: Čāp-xāne-ye Dānešgāh. [Persian]
- Ehsaeeye-ye Ma’aref. “Qavānin va moqarrarāt”*. (1308/1929). (Laws and regulations). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- Entekhabi, Nader. (1390/2011). *“Nāsyonālism va tajaddod dar Irān va Torkieh”* (Nationalism and modernity in Iran and Turkey). Tehran: Negāre-ye Āftāb. [Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh, et al. (1390/2011). *“Zan dar tārix-e Irān-e mo’āser, az enqelāb-e mašruteh tā enqelāb-e eslāmi: Majmou’e maqālāt-e seminar-e beinol-melali-ye zan dar tārix-e Irān-e mo’āser Dānešgāh-e Zanjān, 15 tā 17 Esfand 1383”* (Women in the history of contemporary Iran (From the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution): Proceedings of the International Seminar on Women in the history of contemporary Iran, Zanjan University, March 6-17, 2010). Tehran: Kavir. [Persian]
- Fathi, Maryam. (1383/2004). *“Kānun-e bānovān bā ruykardi be riše-hā-ye tārixī-ye harekat-e zanān dar Irān”* (Women’s Circle with an approach to the historical roots of women’s movements in Iran). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies). [Persian]



- Foran, John. (1388/2009). *“Moqāvemāt-e šekanandeh”* (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Giddens, Anthony. (1373/1994). *“Jāme’e-šenāsi”* (Sociology). Translated by Manouchehr Sabouri Kashani. Tehran: Ney.
- Hekmat, Ali Asghar. (1355/1976). *“Si xātereh az asr-e farxonde-ye Pahlavi”* (Thirty memories from the blissful Pahlavi era). Tehran: Vahid. [Persian]
- Ivanov, Mikhail Sergeevich. (1356/1977). *“Tārix-e novin-e Irān”* (новая история Ирана) [The new history of Iran]. Translated by Houshang Tizabi. Tehran: Tufān. [Persian]
- Kashani Sabet, Firuveh. (1999). *Frontier fictions: Shaping the Iranian national*. Princeton University Press.
- Kasravi, Ahmad. (1324/1945). *“Emruz čāreh čīst”* (What is the solution today). (n. p.): Tugā. [Persian]
- Khalilikhou, Mohammad Reza. (1373/1994). *“Towse’eh va now-sāzi-ye Irān dar dowre-ye Rezā Šāh 1299-1320 šamsi”* (Development and modernization of Iran during the reign of Reza Shah in 1920-1941). Tehran: Jahād Dānešgāhi-ye Dānešgāh-e Šahid Beheshti (Academic Center for Education, Culture and Research, Shahid Beheshti University). [Persian]
- Khosropanah, Mohammad Hossein. (1384/2005). *“Hadaf-hā va mobāreze-ye zan-e Irāni az enqelāb-e maršuteh tā saltanat-e Pahlavi”* (The goals and struggles of Iranian women from the Constitutional Revolution to the reign of Pahlavi). Tehran: Payām-e Emruz. [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1370/1991). *“Tārix-e mo’assesāt-e tamaddoni-ye jadid dar Irān”* (History of the new civilization organizations in Iran) (vol. 1). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- “Majmou’e qavānin-e mowzu’e va masā’el-e mosavvabe-ye dowre-ye nohom-e taqinieh”* (The collection of laws codified and issues approved by the ninth legislative assembly). (1329/1950). Tehran: Majles. [Persian]
- “Majmou’e-ye mosavvabāt va qavānin-e mowzu’e-ye majles-e sevvom-e qānun-*



- gozāri*" (Collection of approvals and laws codified by the third legislative assembly). (1319/1940). Tehran: Čāp-xāne-ye Majles. [Persian]
- Menashri, David. (1397/2018). "*Nezām-e āmuzeši va sāxtan-e Irān-e modern*" (Education and the making of modern Iran). Translated by Mohammad Hossein Badamchi & Erfan Mosleh. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Millspaugh, Arthur chester. (1356/1977). "*Ma'muriat-e Āmrikā-yi-hā dar Irān*" (Americans in persia). Translated by Hossein Abu Torabian. Tehran: Payām. [Persian]
- "*Našrie-ye āmār-e kārmāndān-e dowlat*" (Journal of government employees' statistics). (1335/1956). Vezārat-e Kešvar: Āmār-e 'Omumi (Ministry of Interior: General statistics). Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ (Planning and Budget Organization). [Persian]
- "*Nehzat-e nesvān-e šarq*" (Movement of eastern women). (1384/2005). Edited by Gholam Reza Salami & Afsaneh Najmabadi. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- "*Nezām-nāme-ye madāres-e ebtedāyi va motevasseteh*" (The precept of primary and secondary schools). (1299/1920). Tehran: Vezārat-e Ma'āref, Owqāf va Sanāye'-e Mostazrafeh (Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). [Persian]
- Paidar, Parvin. (1995). *Women and the political process in twentieth-century Iran*. Cambridge University Press.
- Rice, Clara colliver. (1383/2004). "*zanān-e Irāni va rāh o rasm-e zendegi-e ānān: Safarnāme-ye Kelārā Koliver Rāis*" (Persian women & their ways: The experiences and impressions of a long sojourn amongst the women of the land of the shah with an intimate description of their characteristics, customs and manner of living). Translated by Asadollah Azad. Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Rokni, Ali. (1333/1954). "*Sāzmān-hā-ye farhang-i-ye Irān*" (Cultural organizations of Iran). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press). [Persian]
- Roshdieh, Fakhr Al-Din. (1370/1991). "*Zendegi-nāme-ye pir-e ma'āref-e Rošdieh: Bonyān-gozār-e farhang-e novin-e Irān*" (Life of the old sage of Rushdieh: Founder of modern Iranian culture). Tehran: Hirmand. [Persian]

- Salah, Mahdi. (1388/2009). *“Kašf-e hejāb, zamin-hā, peyāmad-hā va vākoneš-hā”* (Kashf-e Hijab (removing of Hijab), backgrounds, sequences, and reactions). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- “Sāl-nāmeḥ va āmār-e 1315-1316 šamsi va 1316-1317 šamsi”* (Yearbook and statistics of 1936-1937 and 1937-1938). (1317/1938). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Čāp. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye āmāri-ye Vezārat-e Farhang, sāl-e tahsili-ye 1316-1317”* (Statistical yearbook of the Ministry of Culture, school year 1937-1938). (1317/1938). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Dāneš-Sarā-ye ‘Āli 1314-1315”* (Yearbook of the Teacher Training University). (1317/1938). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Dāneš-Sarā-ye ‘Āli 1319-1320”* (Yearbook of the Teacher Training University). (1320/1941). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Vezārat-e Ma’āref, Owqāf va Sanāye’-e Mostazrafeḥ”* (Yearbook of the Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). (1297/1918). Tehran: Matba’-ye Majles. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Vezārat-e Ma’āref, Owqāf va Sanāye’-e Mostazrafeḥ”* (Yearbook of the Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). (1312/1933). Tehran: Matba’-ye Majles. [Persian]
- Sanasarian, Eliz. (1384/2005). *“Jonbeš-e hoquq-e zanān dar Irān: Toqyān, oful va sarkub az 1280 tā enqelāb-e 57”* (The women’s rights movement in Iran: Mutiny, appeasement, and repression from 1900 to Khomeini, 1982). Translated by Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Axtarān. [Persian]
- Sarmad, Gholam Ali. (1372/1993). *“E’zām-e mohassel be xārej az kešvar dar dowre-ye Qājārieh”* (Sending students abroad during the Qajar period). Tehran: Bonyād. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1352/1973). *“Yādgār-e omr”* (A memento of life) (vol. 2). Tehran: Tahmouri. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1353/1974). *“Yādgār-e omr”* (A memento of life) (vol. 3). Tehran: Amir



- Kabir. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1354/1975). "*Tārix-e farhang-e Irān az āqāz tā zaman-e hāzer*" (History of Iranian culture). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Siasi, Ali Akbar. (1386/2007). "*Yek zendegi-e siāsi: Xāterāt-e doktor Ali Akbar-e Siāsi*" (A political life: Memoirs of Dr. Ali Akbar Siyasi). Tehran: Sāles. [Persian]
- Sutton, Elwell. (1335/1956). "*Rezā Šāh-e kabir yā Irān-e no*" (Reza Shah or new Iran). Translated by Abd Al-Azim Sabouri. Tehran: 'Elmi. [Persian]
- Taghizadeh, Seyyed Hassan. (1351/1972). "*Maqālāt-e Taqizādeh*" (Taghizadeh's articles) (vol. 3). Supervised by Iraj Afshar. Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library of Iran). [Persian]
- Toghranegar, Hassan. (1383/2004). "*Hoquq-e siāsi-ejtemā'ee-ye zanān qabl va ba'd az enqelāb-e eslāmi-ye Irān*" (Women's socio-political rights before and after the Islamic Revolution of Iran). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]
- Vahdat, Farzin. (1381/2002). "*Ruyāruyi-ye fekri-ye Irān bā moderniat*" (God and jaggernaut: Iran's intellectual encounter with modernity). Translated by Mahdi Haghghatkhah. Tehran: Qoqnus. [Persian]
- Yaghmaei, Eghbal. (1355/1976). "*Kārnāme-ye Rezā Šāh-e kabir bonyān-gozār-e Irān-e novin*" (The report records of Reza Shah Kabir, the founder of modern Iran). Tehran: Edāre-ye Kol-le Negāreš-e Vezārat-e Farhang va Honar (General Department of Printings and Press, Ministry of Culture and Arts). [Persian]
- Yousefi, Mansour; Alidousti, Mohammad Ali & Daneshpajuh, Zahra. (1356/1977). "*Tarbiat-e mo'allem dar panjāh sāl šāhanšāhi-ye Pahlavi*" (Teacher training in the fifty-year reign of the Pahlavi dynasty). Tehran: Dānešgāh-e Tarbiat-e Mo'allem (Teacher Training University). [Persian]

#### Articles

- Ettehadieh, Mansoureh; Fasihi, Simin & Ameli Rezayi, Maryam. (1387/2008). "Tārix-negāri-ye zanān" (Women's historiography). *Ketāb-e Māh-e Tārix va Joqrāfiā*, 127, pp. 22-23. [Persian]



- Hesse, André. (1304/1925). "Rāport-e musio Āndre Hes - mo'alle-m-e hoquq-e eqtesādi: Dar bāb-e taškīlāt-e ta'lim dar Irān" (Rapport de Monsieur André Hess - professeur de droit économique: Sur l'éducation en Iran) [Report by Mr André Hess - professor of economic law: On education in Iran]. *Ta'lim o Tarbiat*, 1 (2) (Ordibehešt 1304/May 1925), pp. 13-21. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1368/1989). "Zamine-hā-ye degarguni-ye ejtemāee dar Irān dar qarn-e nuzdahom-e milādi" (The dynamics of social change in Iran in the nineteenth century). In Changiz Pahlavan (Trans.), "*Dar zamīne-ye Irān-šenāsi*" (An anthology of Iranian studies) (pp. 104-165). Tehran: Mihan. [Persian]
- Matthee, Rudi. (1383/2004). "Āmuzeš va parvareš dar dowre-ye Rezā Šāh" (Transforming dangerous nomads into useful artisans, technicians, agriculturists: Education in the Reza Shah period). In Morteza Saghebfar (Trans.), "*Rezā Šāh va šeklgiri-ye Irān-e novīn*" (The making of modern Iran: state and society under Riza Shah, 1921-1941) (pp. 187-219). Tehran: Jāmi. [Persian]
- Munibar, Rahman. (1972). "Movement for the emancipation of women in Persia". *Bulletin of Institute of Islamic Studies*, No. 1, pp. 17-45.
- Rostam-Kolayi, Jasamin. (1383/2004). "Āmuzeš-e zanān" (Expending agendas for the "new" Iranian woman: Family law, work, and unveiling). In Morteza Saghebfar (Trans.), "*Rezā Šāh va šeklgiri-ye Irān-e novīn*" (The making of modern Iran: state and society under Riza Shah, 1921-1941) (pp. 233-288). Tehran: Jāmi. [Persian]
- Sahihi, Habibollah. (1318/1939). "Tarbiat-e fanni-ye dāneš-āmuzān dar daneš-sarā-hā" (Technical training of students at teacher training universities). *Āmuzeš va Parvareš*, 9 (10) (Dey 1318/January 1940), pp. 23-26. [Persian]
- Sheikh Rezaei, Ensieh. (1371/1992). "Madāres-e Farānsavi dar Irān" (French schools in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 7 & 8 (Fall & Winter 1371/1992), pp. 95-109. [Persian]
- Yazdani, Marzieh. (1378/1999). "Tāsis-e dār-ol-mo'alle-māt (daneš-sarā-ye bānovān) va tahsilāt-e bānovān" (Establishment of the Female Teacher Training College (Girls' College) and women's education). *Ganjine-ye Asnād*, 35-36, (Fall & Win-

ter 1378/1999), pp. 47-81. [Persian]

### Press

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 4, issue 1, Farvardin 1313/  
April 1934, p. 64. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 7, issue 9 & 10, Āzar- Dey  
1316/December 1937-January 1938, p. 563-564. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 9, issue 7 & 8, Mehr - Ābān  
1318/October - November 1939, p. 153. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 9, issue 11 & 12, Bahman -  
Esfand 1318/February - March 1939, p. 121-122. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 11, issue 9 & 10, Āzar- Dey  
1320/ December 1941-January 1942, p. 20. [Persian]

“Tajaddod-e Irān” (Tajaddod Newspaper), issue 1802, 18 Dey 1314/9 January 1936, p.  
1. [Persian]

“Habl-ol-matin” (Habl al-Matin Newspaper), year 1, issue 105, Sunday, 23 Rajab 1325/1  
September 1907, p. 4.

“Zabān-e zanān” (The Voice of Women), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922, p. 21.  
[Persian]

“Šafaq-e sorx” (Shafagh-e Sorkh Newspaper), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922,  
p. 21. [Persian]

“Šafaq-e sorx” (Shafagh-e Sorkh Newspaper), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922,  
p. 21. [Persian]

“Šokufeh” (Shokoufeh Journal), year 1, issue 6, 1331 SH/ 1913, p. 22-23. [Persian]

“Ālam-e nesvān” (Alame Nesvan Journal), year 3, issue 3, p. 20-22. [Persian]

“Ālam-e nesvān” (Alame Nesvan Journal), year 10, issue 3, Ordibehešt 1309/May 1930,  
p. 103-104. [Persian]

“Nāme-ye bānovān” (Name-i-Banovan Magazine), issue 1, Asad 1299/August 1920, p.  
1-2. [Persian]





# Tehran Municipal Archive: A Feasibility Study

Zeynabsadat Sandid<sup>1</sup> | Saeid Rezaei Sharifabadi<sup>2</sup> | Roya Bradar<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

## Abstract:

**Purpose:** Examining the possibility of setting up an archive for preserving Tehran Metropolitan area Municipal records.

**Method and Research Design:** Views of 65 stakeholders, including Tehran Metropolitan Area Councilors, expert members of the Arts and Cultural Organization of Tehran Municipality (ACOTM), as well as professional archivists of the National Archives of Iran (NAI) were sought using a researcher designed questionnaire. The questionnaire was divided into 5 categories and 50 sub-categories. It also included an open question.

**Findings and Conclusion:** Respondents regarded the role of the Municipality crucial in the matter. ACOTM and NAI professionals valued the idea of it as a means to increase the citizen awareness of their cultural heritage and for the preserving the documents. Possibility of the provision of staff, building, resources, equipment and facilities were estimated higher than moderate, whereas, estimation for finance was moderate. We suggest that Tehran Municipality allocates an appropriate building that meets archival standards and seeks financial support of the public for the project and encourage people to deposit their documents.

## Keywords:

Tehran Municipality; Archives; Feasibility Study.

## Citation:

Sandid, Z., Rezaei Sharifabadi, S. Baradar, R. (2020). Tehran Municipal Archive: A Feasibility Study. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 140-167. (In Persian)

1. MA in Archival Studies, Department of Information Science & Knowledge Alzahra University, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author).

zeinabsadatsandid@yahoo.com

2. Professor, Department of Information Science & Knowledge, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran.

srezaei@alzahra.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Information Science & Knowledge, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran.

rbaradar@alzahra.ac.ir

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier (DOI): 10.22034/GANJ.2020.2399

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 140 - 167 (28) | Received: 12, Aug. 2019 | Accepted: 16, Feb. 2020

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

## امکان سنجی ایجاد آرشئولوژی شهری برای شهر تهران

زینب سادات صندید<sup>۱</sup> | سعید رضائی شریف آبادی<sup>۲</sup> | رویا برادر<sup>۳</sup>

### چکیده:

**هدف:** امکان سنجی ایجاد آرشئولوژی شهری برای شهر تهران.

**روش/ رویکرد پژوهش:** ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است. جامعه پژوهش شامل ۶۵ نفر از اعضای شورای شهر تهران، کارشناسان شاغل در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، و متخصصان آرشئولوژی ملی ایران است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** امکان تأمین نیروی انسانی، ساختمان، منابع، تجهیزات فنی و امکانات لازم بیش از متوسط، و تأمین بودجه و امکانات مالی در حد متوسط ارزیابی دانسته شد. شهرداری می‌تواند در پروژه نقش مؤثر داشته باشد. پیشنهاد می‌شود شهرداری تهران با طلب یاری از مردم، ساختمانی متناسب با استانداردهای آرشئولوژی و مجهز به تجهیزات، منابع و نیروی انسانی متخصص به این پروژه اختصاص دهد.

### کلیدواژه‌ها:

آرشئولوژی شهری؛ امکان سنجی؛ تهران؛ شهرداری.

### استناد:

صندید، زینب سادات؛ رضائی شریف آبادی، سعید؛ برادر، رویا. (۱۳۹۸). امکان سنجی ایجاد آرشئولوژی شهری برای شهر تهران. گنجینه استناد، ۲۹ (۴)، ۱۶۷-۱۴۰.

۱. کارشناس ارشد مطالعات آرشئولوژی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
zeinabsadatsandid@yahoo.com
۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
srezaei@alzahra.ac.ir
۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
rbaradar@alzahra.ac.ir



### گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۳۳۹۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۶۷-۱۴۰ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

### مطالعات آرشئولوژی

## مقدمه

هر ملتی در پیچ و خم تاریخ و پهنای جغرافیای خود، حوادث و رویدادهایی را به نظاره نشسته است و مهد رشد و تعالی اندیشمندان و بیانگر احوالات و تجربیات آنان بوده است. انعکاس این رویدادها سینه به سینه و یا در سخنان بزرگان و یا از طریق اسناد و دست نوشته‌ها منتقل شده است.

شناخت احوال گذشتگان، موجب کسب تجربه، روشنی راه آینده و تعیین کننده خط‌مشی دولتمردان و مقامات و طبقات مختلف جوامع است. بدیهی است که بررسی واقعیت‌های تاریخی هر قوم و ملتی، با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی و منابع فرهنگی بدون میسر خواهد بود (شارقی، ۱۳۸۸).

مراکز آرشیوی طبق اهداف و رسالت خود وظایفی را بر عهده دارند و اسناد مشخصی را در خود جای می‌دهند. آرشیوها از نظر جغرافیایی به آرشیوهای ملی، منطقه‌ای، ایالتی یا استانی، شهری، و محله‌ای تقسیم می‌شوند و هر کدام بر اسناد مکانی مشخص تمرکز دارند. آرشیوهای شهری پیوندی اجتماعی میان مردم شهر و محله‌های آن ایجاد می‌کنند. در برخی از کشورها با وجود تاریخ و تمدن نه‌چندان طولانی، به مستندسازی هویت محله‌ها و شهرها دست زده‌اند و آرشیوهای محلی و شهری را بنا نهاده‌اند که به خوبی هم در میان مردم جا باز کرده است.

در ایران با وجود تاریخ چند هزار ساله برخی شهرها و اهمیت اسناد محلی و شهری، هنوز در راستای تشکیل آرشیوهای شهری اقدامی انجام نشده است و لزوم توجه به سابقه محله‌ها و شهرها همچنان مغفول مانده است. با توجه به تغییرات اجتناب‌ناپذیر دنیای امروز و تمایل شهرها به مدرن شدن و ورود فناوری در زیرساخت‌ها و فعالیت‌های شهری، لزوم صیانت از اسناد تاریخی شهرها بیش از گذشته احساس می‌شود.

تغییر بناها و ساختمان‌های مسکونی و تجاری، پیشرفت سیستم حمل و نقل شهری، استفاده از ابزارهای الکترونیکی در فعالیت‌های روزمره، رشد مراکز علمی و پژوهشی در کلان‌شهرها، افزایش اماکن تفریحی و گردشگری، تغییر بافت‌های فرسوده به بافت‌های نو و بازسازی آن‌ها در جهت حفظ معماری هر شهر، نمونه‌هایی است از تغییرات تاریخی در شهرهای مختلف که چنانچه سیر تحول و تطور آن‌ها مستند نشود، بخشی از حافظه تاریخی شهرها به دست فراموشی سپرده می‌شود.

اسنادی که پیشینه یک شهر، معماری ساختمان‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها و محله‌ها، آداب و رسوم ساکنان، تعاملات میان فردی، فرهنگ و روابط اجتماعی مردم، و مناسبات اقتصادی و سیاسی یک شهر را روایت می‌کند، خود تاریخی است بدون، مصور و مستند



که گویای همه‌چیز است و نمودی است تمام‌عیار برای معرفی آنچه بر این شهر در ادوار گوناگون گذشته است. آنچه در این میان شایان توجه است تشویق و ترغیب مردم است برای گردآوری مجموعه‌ای از اسناد شهر خود و همکاری با نهادی مردمی برای ایجاد آرشیوهای شهری و محلی.

هدف نهایی پژوهش حاضر ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران برای حفظ اسناد این شهر در راستای تحکیم روابط شهروندی، تقویت هویت ملی و آشنایی مردم با پیشینه، تاریخ و تمدن شهری است.

## بیان موضوع

اسناد آرشیوی در زمره منابع مهم تاریخی به‌شمار می‌روند و زمانی که براساس منطقه جغرافیایی، دوره زمانی و یا موضوعی خاص دسته‌بندی شده باشند، می‌توانند روشن‌کننده زوایای خاص تاریخی و تبیین‌کننده بسیاری از موضوعات باشند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ از این رو آرشیوها به‌عنوان بستری برای حفظ اسناد پدید آمده‌اند.

با توجه به پیشرفت جوامع شهری و تغییرات اجتماعی، لزوم حفظ پیشینه تاریخی شهرها بیش از پیش احساس می‌شود. تبدیل خانه‌های قدیمی به برج‌های بلند، مهاجرت مردم به کلان‌شهرها، الگوپذیری از سایر کشورها در بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ما تحول ایجاد کرده‌است. این تحولات موجب پدید آمدن چهره‌ای جدید از شهرها می‌شود و تاریخ شهرها را به‌دست فراموشی می‌سپارد. تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران همانند بسیاری از شهرها دستخوش تحولات تاریخی زیادی شده‌است؛ حضور اشخاص مهم را در خود دیده‌است و مهد پرورش بزرگان کثیری بوده‌است و نیز حافظ بناهای گوناگونی در دل خود بوده‌است که هر کدام در بردارنده اطلاعاتی ارزشمند از فرهنگ و تمدن تهران طی ادوار گوناگون‌اند. اسناد ارزشمند این شهر در دست شهروندان معمولی، خاندان‌های برجسته، و سازمان‌ها پراکنده است. تا زمانی که اسناد شهری در دست مردم و مراکز گوناگون پراکنده‌اند، مجالی برای حفاظت مناسب از آن‌ها و تجمیع شایسته آن‌ها برای مطالعه و پژوهش‌های آینده وجود ندارد؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به لزوم حفاظت از اسناد شهری و نگهداری آن‌ها به‌شیوه‌ای صحیح و کارآمد، به بررسی ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران پردازد.

## پیشینه پژوهش

### پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور

درزمینه آرشیو شهری برای شهر تهران و امکان‌سنجی ایجاد آن تاکنون پژوهشی در ایران انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر بررسی نوینی درباره ایجاد آرشیو برای شهر تهران به‌شمار می‌رود. البته درزمینه امکان‌سنجی ایجاد آرشیو با محوریت آرشیو و کتابداری پژوهش‌هایی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به «امکان‌سنجی ایجاد آرشیو در دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی کشوری» به‌کوشش زارعی (۱۳۹۶) و «امکان‌سنجی راه‌اندازی آرشیو تئاتر برای مجموعه تئاتر شهر تهران» به‌کوشش طالب حقیقی (۱۳۹۴) اشاره کرد؛ ولی درزمینه آرشیو شهری برای شهر تهران، پژوهش حاضر اولین پژوهش در این باره است.

### پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور

در خارج از ایران پژوهش‌هایی با ضرورت حفظ پیشینه محله‌های هر شهر که تشکیل‌دهنده آرشیو آن شهر هستند انجام شده است. از آن جمله می‌توان به پژوهش فلین<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) با عنوان «تاریخ‌های جامعه محلی، آرشیوهای جامعه محلی: فرصت‌ها و چالش‌ها» اشاره کرد که ابتدا در نشریه *(Journal of the Society of Archivists)* چاپ و سپس در سایت نشریه «آرشیو و اسناد»<sup>۲</sup> به صورت الکترونیکی منتشر شده است. او در این پژوهش بیان می‌دارد که مشارکت مردم برای جمع‌آوری اسناد جامعه محلی خود، موجب افزایش حس تعلق خاطر جوامع محلی به محل سکونت خود و تلاش برای پیشرفت آن، برقراری ارتباط مؤثر بین آرشیوهای کوچک‌تر و آرشیو ملی، و جلوگیری از فراموشی میراث محلی جوامع می‌شود. البته از جمله چالش‌های این کار هم می‌توان به احتمال جمع‌آوری اسناد غیر واقعی، احتمال ایجاد تنش و اختلاف بین برخی اقوام، و تعارض بین وظایف مراکز مختلف آرشیوی اشاره کرد.

افزون بر این اورموند<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «آرشیوهای محلی و انجمن‌های جمع‌آوری در عصر دیجیتال» که در نشریه‌ای بانام «علم آرشیوی»<sup>۴</sup> منتشر شده است، بیان می‌کند: جوامع محلی استرالیا هر روز ابتکارهایی جدید برای جمع‌آوری اسناد مربوط به آرشیوهای محلی به‌کار می‌گیرند. آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود حتی از این نیز پیش‌تر رفته‌اند و سیاست‌های آرشیوی خود را به‌روز کرده‌اند و اطلاعات آرشیوی خود را به‌شکل دیجیتال عرضه می‌کنند. هم‌چنین نرم‌افزارهای آرشیوی خاصی برای دسترسی به این اسناد تدارک دیده‌اند. او پیشنهاد می‌کند که شبکه‌ای سراسری و جامع

1. Flinn
2. Archives and Records
3. Ormond
4. Archival Science





برای آرشیوهای جوامع بومی ایجاد شود تا این آرشیوها به صورت یکپارچه توسعه یابند و پشتیبانی شوند.

## هدف پژوهش

این پژوهش در نظر دارد تا به امکان‌سنجی ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران بپردازد.

## پرسش اصلی

آیا امکان ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران وجود دارد؟

## پرسش‌های فرعی پژوهش

۱. وضعیت نیروی انسانی لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟
۲. وضعیت فضا و ساختمان لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟
۳. وضعیت منابع و تجهیزات لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟
۴. وضعیت بودجه و امکانات مالی لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟
۵. شهرداری در ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چه نقشی دارد و تعامل مردم با آن چگونه است؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است؛ زیرا نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران استفاده شود. از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است.

جامعه پژوهش حاضر از ۶۵ نفر فعالان شاغل در شهرداری تهران شامل اعضای شورای شهر تهران، کارشناسان شاغل در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، و متخصصان آرشیو در آرشیو ملی ایران تشکیل شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر پرسش‌نامه محقق ساخته است. این پرسش‌نامه ابتدا به پرسش‌های مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی پرداخته است و در ادامه شامل پنج

دسته پرسش کلی است که هر پرسش به گویه‌های جزئی‌تر تقسیم شده است. دسته اول پرسش‌ها به بررسی وضعیت نیروی انسانی در آرشیو شهری می‌پردازد. دسته دوم وضعیت ساختمان آرشیو، دسته سوم منابع و تجهیزات و دسته چهارم بودجه و امکانات مالی را بررسی می‌کند. دسته پنجم پرسش‌ها نیز نقش شهرداری را در ایجاد آرشیو شهری بررسی می‌کند و در پرسش پایانی از پاسخگویان خواسته شده بود تا به‌طور کلی نظر خود را درباره ایجاد آرشیو شهری بنویسند.

### یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها طبق روش بیان‌شده، داده‌های جمع‌آوری شده به‌شکلی مناسب تحلیل و دسته‌بندی شد تا از این طریق بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد. در این قسمت یافته‌های حاصل از توزیع پرسش‌نامه در بین جامعه پژوهش، بیان می‌شود. بدین منظور از جداول توزیع فراوانی و آمار توصیفی استفاده می‌شود. هم‌چنین از آزمون‌های آماری برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده می‌شود.

محاسبات انجام‌شده در یافته‌های پژوهش را به دو بخش کلی می‌توان تقسیم کرد: بخش اول به یافته‌های توصیفی (یک‌متغیره) حاصل از پرسش‌نامه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش تعلق دارد؛ بدین صورت که با جداول فراوانی و توصیفی، ویژگی‌های آزمودنی‌ها، خلاصه‌سازی، تفسیر و گزارش شده است.

در بخش دوم به تحلیل استنباطی (دو‌متغیره) پرداخته شده است که در آن، پرسش‌های پژوهش با آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای / تک‌گروهی (One-Sample T Test) بررسی شدند. در این بخش، با تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به‌وسیله نرم‌افزار SPSS 22 سعی شده است تا تمام عملیات آماری انجام‌شده بر روی پرسش‌نامه در قالب دسته‌بندی معین عرضه شود.

پرسش‌نامه پژوهش بین ۲۰ نفر از اعضای شورای شهر تهران، ۲۵ نفر از کارشناسان سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، و ۲۰ نفر از متخصصان آرشیو ملی توزیع شد. مجموع پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده ۶۵ عدد بود که به ۴۵ عدد از آن‌ها پاسخ داده شد و تجزیه و تحلیل آماری بر روی این ۴۵ عدد انجام شد.

در ادامه بخش دوم ویژگی‌های سنجش‌شده در جامعه پژوهش با استفاده از جداول فراوانی، و شاخص‌های آمار توصیفی مانند شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی بررسی شده‌اند که شاخص‌های پراکندگی شامل میانگین، واریانس و انحراف استاندارد است.



## یافته‌های توصیفی (یک متغیره) مشخصات فردی

در این قسمت برای آگاهی از سیمای کلی پاسخگویان ویژگی‌های فردی مانند آخرین مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، و شغل یا سمت آن‌ها در قالب جدول بررسی می‌شود.

### آخرین مدرک تحصیلی

در جدول شماره ۱ میزان تحصیلات پاسخگویان به ترتیب سطوح تحصیلی ذکر شده است.

جدول ۱

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب آخرین مدرک تحصیلی

آخرین مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی <sup>۱</sup>	درصد معتبر <sup>۲</sup>	درصد تجمعی
فوق‌دیپلم	۱	٪۲/۲	٪۲/۳	٪۲/۳
لیسانس	۱۲	٪۲۶/۷	٪۲۷/۹	٪۳۰/۲
فوق‌لیسانس	۲۴	٪۵۳/۳	٪۵۵/۸	٪۸۶
دکتری	۶	٪۱۳/۳	٪۱۴	٪۱۰۰
جمع	۴۳	٪۹۵/۶	٪۱۰۰	
بی‌پاسخ	۲	٪۴/۴		
جمع کل	۴۵	٪۱۰۰		

### رشته تحصیلی

طبق نتایج جدول ۲ بیشترین فراوانی پاسخگویان با حدود ۳۳ درصد مربوط است به فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری و پاسخگویان سایر رشته‌ها فراوانی کمتری دارند.

۱. درصد فراوانی: این ستون، درصد افراد واقع در هر طبقه (مقوله/گزینه) را با احتساب مقادیر گ. ۲. صد معتبر: این ستون، درصد افراد واقع در هر طبقه (مقوله یا گزینه) را بدون احتساب مقادیر گمشده (Missing Values) نشان می‌دهد.

جدول ۲

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کتابداری	۱۵	٪۳۳/۳	٪۳۶/۶	٪۳۶/۶
علوم اجتماعی	۱	٪۲/۲	٪۲/۴	٪۳۹
تاریخ	۵	٪۱۱/۱	٪۱۲/۲	٪۵۱/۲
حسابداری	۱	٪۲/۲	٪۲/۴	٪۵۳/۷



درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	رشته تحصیلی
۵۶/۱٪	۲/۴٪	۲/۲٪	۱	حقوق
۵۷/۵٪	۲/۴٪	۲/۲٪	۱	روانشناسی
۶۳/۴٪	۴/۹٪	۴/۴٪	۲	زبان های خارجه
۷۰/۷٪	۷/۳٪	۶/۷٪	۳	ادبیات
۷۵/۶٪	۴/۹٪	۴/۴٪	۲	علوم سیاسی
۷۸٪	۲/۴٪	۲/۲٪	۱	پزشکی
۸۲/۹٪	۴/۹٪	۴/۴٪	۲	مدیریت
۸۵/۴٪	۲/۴٪	۲/۲٪	۱	علوم تربیتی
۹۲/۷٪	۷/۳٪	۶/۷٪	۳	مدیریت امور فرهنگی
۹۵/۱٪	۲/۴٪	۲/۲٪	۱	مهندسی
۱۰۰٪	۴/۹٪	۴/۴٪	۲	هنر
	۱۰۰٪	۹۱/۱٪	۴۱	جمع
		۸/۹٪	۴	بی پاسخ
		۱۰۰٪	۴۵	جمع کل

### ادامه جدول ۲

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

### شغل

در جدول ۳ فراوانی شغل پاسخ دهندگان به تفکیک آمده است.

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	شغل
۲/۳٪	۲/۳٪	۲/۲٪	۱	مهندس
۷٪	۴/۷٪	۴/۴٪	۲	عضویت علمی
۸۱/۴٪	۷۴/۴٪	۷۱/۱٪	۳۲	کارشناس
۹۷/۷٪	۱۶/۳٪	۱۵/۶٪	۷	عضو شورای اسلامی شهر تهران
۱۰۰٪	۲/۳٪	۲/۲٪	۱	رئیس گروه
	۱۰۰٪	۹۵/۶٪	۴۳	جمع
		۴/۴٪	۲	بی پاسخ
		۱۰۰٪	۴۵	جمع کل

### جدول ۳

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل



## متغیر پژوهش

متغیر پژوهش حاضر «ایجاد آرشیو شهری» است که از پنج شاخص تشکیل شده است:  
۱. نیروی انسانی؛ ۲. ساختمان آرشیو؛ ۳. منابع و تجهیزات؛ ۴. منابع مالی؛ ۵. نقش  
شهرداری.

در مجموع متغیر حاضر با ۵۰ سؤال در قالب طیف لیکرت ارزیابی می‌شود.

## نیروی انسانی

«نیروی انسانی» اولین شاخص متغیر ایجاد آرشیو شهری است. شاخص فوق از طریق  
۹ سؤال سنجیده می‌شود و توزیع درصد فراوانی تک‌تک سؤال‌ها در جدول شماره ۴  
آمده است.

نیروی انسانی	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	بی‌پاسخ	میان
الف) ویژگی‌های موردنیاز برای نیروی انسانی							
۱- به‌کارگیری نیروی آشنا با منابع تخصصی آرشیو (کتاب، مجله، خبرنامه، اصطلاح‌نامه، وب‌سایت) تا چه حد امکان‌پذیر است؟	۱۷/۸٪	۳۲/۳٪	۴۰٪	۷۹٪	—	—	۴
۲- به‌کارگیری نیروی آشنا با اشکال و مواد آرشیوی تا چه حد امکان‌پذیر است؟	۱۷/۸٪	۳۱/۱٪	۳۵/۶٪	۱۲/۳٪	۲/۲٪	—	۳
۳- به‌کارگیری نیروی آشنا با مراکز و مجامع آرشیوی تا چه حد امکان‌پذیر است؟	۱۲/۳٪	۴۰٪	۲۷/۹٪	۱۲/۳٪	۲/۲٪	۲/۲٪	۴
۴- به‌کارگیری نیروی آشنا با تاریخ محلی و فرهنگ عامه شهر محل خدمت تا چه حد امکان‌پذیر است؟	۷/۹٪	۳۵/۶٪	۳۱/۱٪	۲۲/۲٪	۲/۲٪	—	۳
۵- به‌کارگیری نیروی آشنا با مهارت‌های فنی آرشیو (گردآوری، ارزیابی و انتخاب، تنظیم و توصیف، آماده‌سازی، حفاظت و نگهداری، اشاعه و ترویج) تا چه حد امکان‌پذیر است؟	۱۲/۳٪	۳۵/۶٪	۳۱/۱٪	۱۷/۸٪	۲/۲٪	—	۳

### جدول ۴

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب  
نیروی انسانی



میانه	بی پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	الف) ویژگی‌های مورد نیاز برای نیروی انسانی
۳	٪۲/۲	٪۲/۲	٪۱۷/۸	٪۳۷/۸	٪۳۲/۳	٪۶/۷	۶- به کارگیری نیروی آشنا با قوانین و ضوابط اخلاقی در آرشیو، تا چه حد امکان پذیر است؟
۴	—	—	٪۱۳/۳	٪۲۷/۹	٪۳۷/۸	٪۲۰	۷- به کارگیری نیروی متخصص موضوعی در حوزه‌هایی نظیر تاریخ، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	—	٪۱۱/۱	٪۲۶/۷	٪۲۶/۷	٪۲۴/۴	٪۱۱/۱	۸- به کارگیری نیروی متخصص حفاظت و مرمت اسناد تا چه حد امکان پذیر است؟
۴	—	٪۲/۲	٪۶/۷	٪۲۴/۴	٪۴۰	٪۲۶/۷	۹- برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای نیروی انسانی تا چه حد امکان پذیر است؟

#### ادامه جدول ۴

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب نیروی انسانی

### ساختمان آرشیو

دومین شاخص «ساختمان آرشیو» است که با ۱۰ سؤال طیف لیکرت ارزیابی می‌شود.

میانه	بی پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	ب) ویژگی‌های مورد نیاز برای ساختمان آرشیو
۳	٪۲/۲	٪۲/۲	٪۱۵/۶	٪۴۰	٪۲۸/۹	٪۱۱/۱	۱۰- فراهم کردن ساختمانی که در آن نور، صدا، دما و رطوبت کنترل شود تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	٪۲/۲	٪۲/۲	٪۱۷/۸	٪۴۴/۴	٪۲۶/۷	٪۶/۷	۱۱- فراهم کردن ساختمانی مجهز برای مقابله با آلودگی‌های محیطی تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۱۳/۳	٪۴۰	٪۳۱/۱	٪۱۳/۳	۱۲- فراهم کردن ساختمانی ایمن در برابر آتش تا چه حد امکان پذیر است؟
۳/۵	٪۲/۲	—	٪۱۱/۱	٪۳۷/۸	٪۳۵/۶	٪۱۳/۳	۱۳- فراهم کردن ساختمانی مستحکم و مقاوم در برابر سرما، خشکی، و رطوبت تا چه حد امکان پذیر است؟

#### جدول ۵

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب ساختمان آرشیو



بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	بی‌پاسخ	میان‌ه	ب) ویژگی‌های موردنیاز برای ساختمان آرشیو
٪۱۳/۳	٪۲۴/۴	٪۴۲/۲	٪۱۷/۸	—	٪۲/۲	۳	۱۴- فراهم کردن ساختمان و فضایی گسترش‌پذیر تا چه حد امکان‌پذیر است؟
٪۱۵/۶	٪۳۵/۶	٪۴۲/۲	٪۴/۴	—	٪۲/۲	۴	۱۵- فراهم کردن ساختمانی با دسترس‌پذیری مناسب برای مراجعان تا چه حد امکان‌پذیر است؟
٪۴/۴	٪۲۸/۹	٪۵۱/۱	٪۱۳/۳	—	٪۲/۲	۳	۱۶- فراهم کردن ساختمانی در نزدیکی مؤسسات فرهنگی، موزه‌ها، و فرهنگ‌سراها تا چه حد امکان‌پذیر است؟
٪۴/۴	٪۲۴/۴	٪۴۴/۴	٪۲۰	٪۴/۴	٪۲/۲	۳	۱۷- فراهم کردن خزانه‌ای امن در نزدیکی مکان قرارگیری آرشیو برای انتقال اسناد در مواقع ضروری تا چه حد امکان‌پذیر است؟
٪۱۳/۳	٪۳۳/۳	٪۳۷/۸	٪۱۱/۱	٪۲/۲	٪۲/۲	۳	۱۸- فراهم کردن ساختمانی به‌دوراز مراکز نظامی، انبار مواد منفجره، و تأسیسات هسته‌ای تا چه حد امکان‌پذیر است؟
٪۸/۹	٪۳۵/۶	٪۴۰	٪۱۳/۳	—	٪۲/۲	۳	۱۹- فراهم کردن ساختمانی که در معرض بلایای طبیعی (در مسیر رود، روی گسل) نباشد تا چه حد امکان‌پذیر است؟

### ادامه جدول ۵

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب ساختمان آرشیو

## منابع و تجهیزات

شاخص «منابع و تجهیزات» از ۱۶ سؤال در طیف لیکرت تشکیل شده‌است که درصد فراوانی آن در جدول ۶ نشان داده شده‌است.

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	بی‌پاسخ	میان‌ه	ج) ویژگی‌های موردنیاز برای منابع و تجهیزات
٪۲/۲	٪۱۷/۸	٪۵۱/۱	٪۲۶/۷	—	٪۲/۲	۳	۲۰- گردآوری اسناد و سوابق خانوادگی (نسب‌شناسی، اسناد مربوط به خاندان‌ها و طوایف خاص، دست‌نوشته اشخاص، اسناد تولد، فوت) تا چه حد امکان‌پذیر است؟

### جدول ۶

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب منابع و تجهیزات



میانہ	بی پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	ج) ویژگی‌های موردنیاز برای منابع و تجهیزات
۳	٪۲/۲	٪۲/۲	٪۲۸/۹	٪۳۳/۳	٪۳۱/۱	٪۲/۲	۲۱- گردآوری اسناد تجاری (اجاره‌نامه، وقف‌نامه، اسناد مربوط به خریدوفروش املاک و اجناس، اسناد مربوط به مالکیت) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۲۲/۲	٪۲۸/۹	٪۴۴/۴	٪۲/۲	۲۲- گردآوری اسناد اداری (نامه، گزارش، درخواست، صورت‌جلسه، حکم) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۲۰	٪۴۲/۲	٪۳۱/۱	٪۴/۴	۲۳- گردآوری اسناد اجتماعی و فرهنگی (اسناد مربوط به اماکن و ابنیه، اسناد مربوط به آداب‌ورسوم و فرهنگ عامه، اسناد مربوط به سبک زندگی، رفتار، نژاد و مهاجرت قومیت‌ها، اشیاء و وسایل) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	٪۴/۴	—	٪۸/۹	٪۱۵/۶	٪۴۸/۹	٪۲۲/۲	۲۴- گردآوری منابع اطلاعاتی شهر (روزنامه، مجله، نقشه، بروشور، پوستر) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	٪۶/۷	—	٪۶/۷	٪۲۴/۴	٪۵۳/۳	٪۸/۹	۲۵- گردآوری اشکال گوناگون مواد آرشیوی (اسناد متنی، عکس، فیلم، پوستر، مجله، میکروفرم، لوح فشرده، نوار ویدئویی، نوار کاست، اشیاء) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۱۵/۶	٪۴۰	٪۳۷/۸	٪۴/۴	۲۶- برقراری ارتباط با مراکز دارای هریک از انواع اسناد و مطالبه از ایشان تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	٪۲/۲	—	٪۱۱/۱	٪۲۶/۷	٪۴۴/۴	٪۱۵/۶	۲۷- فراهم‌کردن تجهیزات موردنیاز کاربران (رایانه، شبکه، نرم‌افزار مخصوص، دستگاه پرینتر، کمد نگهداری وسایل، میز و صندلی مخصوص مطالعه) تا چه حد امکان‌پذیر است؟

## ادامهٔ جدول ۶

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب منابع و تجهیزات





میان‌ه	بی‌پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	ج) ویژگی‌های موردنیاز برای منابع و تجهیزات
۴	٪۴/۴	—	٪۱۷/۸	٪۲۲/۲	٪۳۷/۸	٪۱۷/۸	۲۸- فراهم‌کردن تجهیزات موردنیاز کارکنان (رایانه، شبکه، نرم‌افزار مخصوص، دستگاه‌های پرینتر و اسکنر، تجهیزات ذخیره‌سازی، وسایل آزمایشگاهی و مرمت، دستگاه پرس) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	٪۲/۲	۴/۴	٪۱۷/۸	٪۱۳/۳	٪۴۲/۲	٪۲۰	۲۹- فراهم‌کردن تجهیزاتی برای قرارگیری و حمل اسناد (پوشه‌ها و جعبه‌های غیراسیدی، چرخ‌های حمل اسناد، قفسه‌های ثابت و ریلی) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	٪۲/۲	—	٪۱۵/۶	٪۲۲/۲	٪۴۰	٪۲۰	۳۰- فراهم‌کردن تجهیزات حفاظت و نگهداری از اسناد (دوربین مداربسته، دستگاه اطفای حریق، برق اضطراری، دماسنج، رطوبت‌سنج) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۱۷/۸	٪۳۵/۶	٪۳۱/۱	٪۱۳/۳	۳۱- فراهم‌کردن مخازن مجزا برای نگهداری اشکال گوناگون مواد آرشیوی (اسناد متنی، عکس، فیلم، پوستر، نقشه، تمپر، کتاب، مجله، میکروفیلم، میکروفیش، لوح فشرده، نوار ویدئویی، نوار کاست، اشیا) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	٪۲/۲	—	٪۱۵/۶	٪۳۷/۸	٪۳۱/۱	٪۱۳/۳	۳۲- فراهم‌کردن فضایی مجزا برای هر یک از فعالیت‌های تخصصی آرشیو (ارزنجایی، کنترل، ضدعفونی، مرمت، دیجیتال‌سازی) تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	—	—	٪۴/۴	٪۵۳/۳	٪۲۲/۳	٪۷/۹	۳۳- فراهم‌کردن تالارهای مطالعه و پژوهش مجزا باتوجه‌به نوع منبع تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۴	—	—	٪۷/۹	٪۲۶/۷	٪۵۱/۱	٪۱۳/۳	۳۴- فراهم‌کردن فضایی برای برگزاری سمینار، همایش، کارگاه، نمایشگاه، جشنواره تا چه حد امکان‌پذیر است؟
۳	—	—	٪۱۷/۸	٪۴۴/۴	٪۲۴/۴	٪۱۳/۳	۳۵- فراهم‌کردن فضایی برای استراحت مراجعان و کارکنان تا چه حد امکان‌پذیر است؟

### ادامه جدول ۶

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب منابع و تجهیزات



## منابع مالی

شاخص «منابع مالی» از ۴ سؤال در قالب طیف لیکرت تشکیل شده است که شرح آن در جدول ۷ آمده است.

میانه	بی پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	د) ویژگی‌های موردنیاز برای بودجه و منابع مالی
۳	—	%۴/۴	%۲۴/۴	%۴۸/۹	%۸/۹	%۱۳/۳	۳۶- تخصیص بودجه برای جذب نیروی انسانی تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	—	%۴/۴	%۲۶/۷	%۴۲/۲	%۱۵/۶	%۱۱/۱	۳۷- تخصیص بودجه برای احداث و بهره‌برداری از ساختمان آرشيو شهری تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	—	%۴/۴	%۲۶/۷	%۴۰	%۱۵/۶	%۱۳/۳	۳۸- تخصیص بودجه برای تهیه منابع و تجهیزات موردنیاز آرشيو شهری تا چه حد امکان پذیر است؟
۳	—	%۴/۴	%۲۸/۹	%۴۰	%۱۳/۳	%۱۳/۳	۳۹- تخصیص بودجه برای تأمین هزینه‌های احتمالی حال و آینده آرشيو شهری تا چه حد امکان پذیر است؟

### جدول ۷

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب منابع مالی

## نقش شهرداری

آخرین شاخص «نقش شهرداری» با ۱۱ سؤال است که نتایج آن در جدول ۸ ذکر شده است.

میانه	بی پاسخ	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	ه) نقش شهرداری
۳	%۲/۲	%۲/۲	%۱۱/۱	%۴۴/۴	%۲۸/۹	%۱۱/۱	۴۰- کمک شهرداری به حضور آرشيوها در بطن زندگی اجتماعی تا چه حد امکان پذیر است؟

### جدول ۸

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب نقش شهرداری



ه) نقش شهرداری	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	بی‌پاسخ	میان‌ه
۴۱- کمک شهرداری به ایجاد علاقه و نگرش مثبت به آرشیو تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۸/۹	٪۳۷/۸	٪۴۰	٪۱۳/۳	—	—	۳
۴۲- کمک شهرداری به تقویت هویت تاریخی و تعلق اجتماعی بین شهروندان تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۵/۶	٪۴۴/۴	٪۲۴/۴	٪۱۱/۱	٪۴/۴	—	۴
۴۳- کمک شهرداری به آشنایی شهروندان با مراکز آرشیوی تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۵/۶	٪۴۸/۹	٪۲۰	٪۱۵/۶	—	—	۴
۴۴- کمک شهرداری به افزایش آگاهی شهروندان از ارزش اسناد آرشیوی تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۷/۸	٪۳۷/۸	٪۳۳/۳	٪۱۱/۱	—	—	۴
۴۵- کمک شهرداری به افزایش مشارکت جمعی شهروندان برای حفظ میراث شهری تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۳/۳	٪۳۳/۳	٪۴۸/۹	٪۴/۴	—	—	۳
۴۶- کمک شهرداری به افزایش تمایل شهروندان برای جمع‌آوری و عرضه اسناد خود به آرشیو تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۸/۹	٪۴۰	٪۳۵/۶	٪۱۳/۳	٪۲/۲	—	۳
۴۷- کمک شهرداری به افزایش اعتماد شهروندان برای عرضه اسناد، تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۳/۳	٪۳۱/۱	٪۳۵/۶	٪۱۵/۶	٪۴/۴	—	۳
۴۸- کمک شهرداری به تشویق پژوهش‌گران برای برطرف‌کردن مسائل شهری با استفاده از آرشیو، تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۱/۱	٪۴۸/۹	٪۳۳/۳	٪۶/۷	—	—	۴
۴۹- کمک شهرداری به جمع‌آوری اسناد شهری و جلوگیری از نابودی و فراموشی آن‌ها تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۱۳/۳	٪۴۴/۴	٪۳۱/۱	٪۱۱/۱	—	—	۴
۵۰- اعلام فراخوان و اطلاع‌رسانی برای جمع‌آوری اسناد توسط شهرداری، تا چه حد امکان‌پذیر است؟	٪۲۸/۹	٪۴۶/۷	٪۲۰	٪۲/۲	٪۲/۲	—	۴

### ادامه جدول ۸

توزیع درصد فراوانی پاسخگویان  
برحسب نقش شهرداری



در جدول شماره ۹ شاخص‌ها و متغیر ایجاد آرشیو شهری با جمع‌بستن سؤال‌های مربوط به هریک به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین تمامی شاخص‌ها و هم‌چنین متغیر ایجاد آرشیو شهری بیشتر از حد وسط مقیاس است؛ به‌جز میانگین بعد منابع مالی که تقریباً در حد وسط مقیاس است.

مقدار انحراف استاندارد، میزان پراکندگی و اختلاف نظر در پاسخ‌ها را نشان می‌دهد که این پراکندگی و اختلاف نظرها چندان محسوس نیست.

مقدار چولگی در تمامی شاخص‌ها و هم‌چنین در متغیر «ایجاد آرشیو شهری» کمتر از ۳+ و بزرگ‌تر از ۳- است. مقدار چولگی منفی شاخص‌های نیروی انسانی و منابع و تجهیزات گویای آن است که «نمرات افراد، حول و حوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند». البته این مقدار چندان محسوس نیست؛ یعنی از نظر تعداد اندکی از پاسخگویان به‌کارگیری نیروی آشنا با منابع تخصصی آرشیو و نیز گردآوری اسناد و سوابق خانوادگی، اسناد تجاری، اداری، اجتماعی و فرهنگی، و منابع اطلاعاتی شهر برای ساختمان آرشیو شهری بسیار ممکن است.

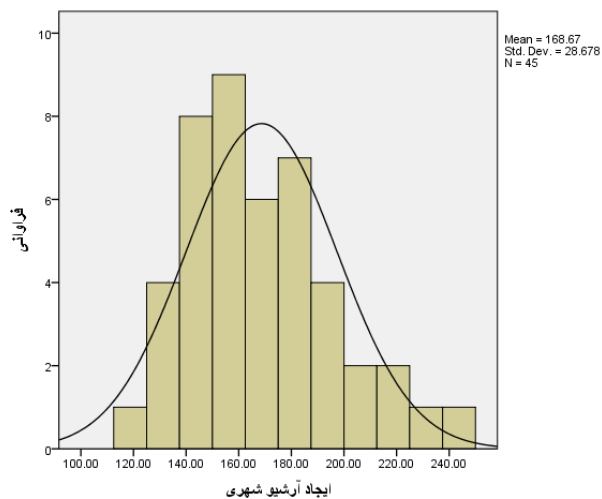
مقدار کشیدگی در تمامی شاخص‌ها (به‌جز شاخص منابع و تجهیزات) و هم‌چنین در متغیر «ایجاد آرشیو شهری» در دامنه قابل قبول خود است؛ یعنی بیشتر از ۳- و کمتر از ۳+ است. مقدار کشیدگی شاخص منابع و تجهیزات برابر با ۲/۰۳ است که اندکی از ۳+ بیشتر است؛ این بدان معناست که از نظر عده کمی از کارکنان گردآوری اسناد و سوابق خانوادگی، اسناد تجاری، اداری، اجتماعی و فرهنگی بسیار امکان‌پذیر است. مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و خطای استاندارد کشیدگی کمتر از ۲+ و بیشتر از ۲- باید باشد. مقدار کشیدگی در شاخص‌های نیروی انسانی، ساختمان آرشیو و نقش شهرداری منفی شده است. «کشیدگی منفی نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال کوتاه‌تر است؛ در چنین حالتی، توزیع داده‌ها در اطراف میانگین پخش شده است و پراکندگی زیادی دارد». البته این مقدار نیز خیلی اندک است؛ یعنی تعداد اندکی از پاسخگویان درباره‌ی به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص، فراهم کردن ساختمانی با ویژگی‌های مخصوص آرشیو، و نیز نقش شهرداری در ایجاد آرشیو شهری اختلاف نظر دارند. عده‌ای وجود این موارد را در ایجاد آرشیو شهری بیش از حد متوسط و عده‌ای کمتر از حد متوسط ضروری می‌دانند. درباره‌ی وضعیت نرمال متغیر «ایجاد آرشیو شهری» می‌توان گفت که مقدار چولگی (۰/۷۱) و کشیدگی (۰/۳۲) بیشتر از ۳- و کمتر از ۳+ هستند. از طرفی مقدار خطای استاندارد چولگی (۰/۳۵) و خطای استاندارد کشیدگی (۰/۶۹) نیز کمتر از ۲+ و بیشتر از ۲- است؛ پس نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیر «ایجاد آرشیو شهری» در جامعه مورد پژوهش

نرمال است. نمودار شماره ۱ توزیع نرمال متغیر ایجاد آرشیو شهری را نشان می‌دهد.

خطای استاندارد کشیدگی	خطای کشیدگی	خطای استاندارد چولگی	چولگی	انحراف استاندارد	حد وسط مقیاس <sup>۱</sup>	میانگین	※	
۰/۶۹	-۰/۰۱۱	۰/۳۵	-۰/۰۴۸	۶/۷	۲۷	۳۰/۸	نیروی انسانی	تجهیزات
۰/۶۹	-۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۰۴۸	۷/۵۳	۳۰	۳۲/۸۶	ساختمان آرشیو	
۰/۶۹	۳/۰۲	۰/۳۵	-۰/۸۷	۱۱/۷	۴۸	۵۳/۸۲	منابع و تجهیزات	
۰/۶۹	۰/۱۰۶	۰/۳۵	۰/۵۵	۳/۹	۱۲	۱۲/۱۳	منابع مالی	
۰/۶۹	-۰/۴۸	۰/۳۵	۰/۳۵	۷/۳۵	۳۳	۳۹/۰۴	نقش شهرداری	
۰/۶۹	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۷۱	۲۸/۶۷	۱۵۰	۱۶۸/۶۶	ایجاد آرشیو شهری	تجهیزات

### جدول ۹

شاخص‌های آماری شاخص‌ها و متغیر ایجاد آرشیو شهری



۱. حد وسط مقیاس: حد بالا از حد پایین کم شده‌است و مجموع آن بر عدد ۲ تقسیم شده‌است؛ سپس عدد حاصل با حد پایین جمع شده‌است.

### نمودار ۱

توزیع نرمال متغیر ایجاد آرشیو شهری

## اظهار نظر دربارهٔ ایجاد آرشیو شهری

در پرسش آخر از پاسخگویان پرسیده شد که «به طور کلی دربارهٔ ایجاد آرشیو شهری چه نظری دارید؟»

از کدگذاری پاسخها، مفاهیم زیر به دست آمد: تضعیف آرشیو ملی؛ نجات بخشی اسناد در حال نابودی؛ هویت بخشی؛ زمان بر بودن؛ حفظ حافظهٔ شهر؛ ضرورت فرهنگ سازی؛ حمایت شهرداری، شوراییاریها و مردم؛ ارتقای سطح فرهنگ جامعه؛ حفظ هویت تاریخی شهر؛ ارزشمند بودن.

## تحلیل استنباطی (دومتغیره)

در بخش دوم یافته‌های پژوهش، به آزمون پرسش‌های پژوهش پرداخته شد؛ بدین منظور از آزمون t تک‌نمونه‌ای / تک‌گروهی (One-Sample T Test) استفاده شد.

**پرسش اصلی پژوهش: «آیا امکان ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران وجود دارد؟»**  
مطابق با نتایج جدول ۱۰ مقدار آزمون t تک‌نمونه‌ای (۵/۱۱) و مقدار سطح معناداری برابر با (۰) شده است. پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت آماری معنی‌داری بین دو میانگین واقعی و مفروض وجود دارد. هم‌چنین براساس نتایج این جدول، مقدار میانگین واقعی (۳/۴۲) از مقدار میانگین مفروض (۳) بیشتر است؛ بنابراین می‌توان گفت که امکان ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران وجود دارد.

میانگین مفروض = ۳									*
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۵۸	۰/۲۵	۰/۴۲	۰/۰۰۰	۴۴	۵/۱۱	۰/۵۵	۳/۴۲	۴۵	ایجاد آرشیو شهری

### جدول ۱۰

نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای متغیر ایجاد آرشیو شهری



### پرسش‌های فرعی

#### پرسش فرعی اول: «وضعیت نیروی انسانی برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟»

مطابق با نتایج جدول ۱۱ مقدار آزمون تی (۳/۹) است و سطح معناداری آن (Sig= ۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد خطاست؛ پس مقدار میانگین واقعی (۳/۴۴) با مقدار میانگین مفروض (۳) تفاوت معنادار آماری دارد. در این تفاوت آماری مقدار میانگین واقعی، ۰/۴۴ بیشتر از مقدار میانگین مفروض است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که وضعیت نیروی انسانی لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران بالاتر از حد متوسط و در حدی مناسب است.

میانگین مفروض = ۳									* نیروی انسانی
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۶۷	۰/۲۱	۰/۴۴	۰/۰۰۰	۴۴	۳/۹	۰/۷۵	۳/۴۴	۴۵	

#### جدول ۱۱

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای شاخص نیروی انسانی

#### پرسش فرعی دوم: «وضعیت فضا و ساختمان برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟»

مطابق با نتایج جدول ۱۲ مقدار سطح معناداری آزمون t (Sig= ۰/۰۰۱) کمتر از ۵ درصد خطاست؛ یعنی میانگین واقعی (۳/۳۶) با میانگین مفروض (۳) تفاوت معنادار آماری دارد. مقدار تفاوت میانگین برابر با ۰/۳۶ شده است که نشان می‌دهد میانگین واقعی از میانگین مفروض اندکی بالاتر است. پس نتیجه می‌گیریم که وضعیت فضا و ساختمان لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران به گونه‌ای است که بیشتر از حد متوسط می‌توان به آن امیدوار بود.

میانگین مفروض = ۳									* تعداد
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۵۶	۰/۱۵	۰/۳۶	۰/۰۰۱	۴۴	۳/۶	۰/۶۷	۳/۳۶	۴۵	ساختمان آرشیو

### جدول ۱۲

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای شاخص  
ساختمان آرشیو

### پرسش فرعی سوم: «وضعیت تجهیزات فنی و امکانات لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟»

براساس نتایج جدول ۱۳ مقدار آزمون t برابر با (۴/۹۹) است و مقدار سطح معناداری برابر با (۰) شده است؛ پس می‌توان گفت که مقدار میانگین واقعی (۳/۴۵) با مقدار میانگین مفروض (۳) تفاوت معنادار آماری دارد. در این تفاوت مقدار میانگین واقعی به میزان ۰/۴۵ از مقدار میانگین مفروض بیشتر است. پس می‌توان گفت که وضعیت تجهیزات فنی و امکانات لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران بیشتر از حد متوسط جای امیدواری دارد.

میانگین مفروض = ۳									* تعداد
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۶۳	۰/۲۷	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۴۴	۶/۹۹	۰/۶۰۹	۳/۴۵	۴۵	منابع و تجهیزات

### جدول ۱۳

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای شاخص  
منابع و تجهیزات

### پرسش فرعی چهارم: «وضعیت بودجه و امکانات مالی لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چگونه است؟»

باتوجه به نتایج جدول ۱۴ مقدار آزمون t برابر با (۰/۲۲) است و سطح معناداری برابر





با (۰/۸۲) شده‌است که بیشتر از ۵ درصد خطاست؛ یعنی بین میانگین واقعی (۳/۰۳) و میانگین مفروض (۳) تفاوت معنادار آماری مشاهده نمی‌شود. پس می‌توان گفت که وضعیت بودجه و امکانات مالی لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران در حد متوسط ارزیابی می‌شود و چندان مطلوب نیست.

میانگین مفروض = ۳									*
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۳۲	-۰/۲۶	۰/۰۳	۰/۸۲	۴۴	۰/۲۲	۰/۹۷	۳/۰۳	۴۵	منابع مالی

جدول ۱۴

نتایج آزمون تک‌نمونه‌ای شاخص منابع مالی

### پرسش فرعی پنجم: «شهرداری در ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران چه نقشی دارد و تعامل مردم با آن چگونه است؟»

مطابق با نتایج جدول ۱۵ مقدار آزمون تی (۵/۵۸) است و سطح معناداری آن (Sig= ۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد خطاست؛ پس مقدار میانگین واقعی (۳/۵۵) با مقدار میانگین مفروض (۳) تفاوت معنادار آماری دارد. در این تفاوت آماری مقدار میانگین واقعی ۰/۵۵ بیشتر از مقدار میانگین مفروض است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که شهرداری در ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران نقشی مؤثر دارد و تعامل مردم با آن بیشتر از حد متوسط ارزیابی شده‌است.

میانگین مفروض = ۳									*
فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف حد بالا و پایین		تفاوت میانگین	مقدار سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین								
۰/۷۵	۰/۳۵	۰/۵۵	۰/۰۰۰	۴۴	۵/۵۸	۰/۶۶	۳/۵۵	۴۵	نقش شهرداری

جدول ۱۵

نتایج آزمون تک‌نمونه‌ای شاخص نقش شهرداری



## نتیجه‌گیری

از نتایج به دست آمده دریافت می‌شود که اکثر پاسخگویان به کارگیری نیروی آشنا با اشکال و مواد آرشیوی، آشنا با مراکز و مجامع آرشیوی، آشنا با تاریخ محلی و فرهنگ عامه شهر محل خدمت، آشنا با منابع تخصصی آرشیو، آشنا با مهارت‌های فنی آرشیو، آشنا با قوانین و ضوابط اخلاقی، و به کارگیری نیروی متخصص موضوعی در حوزه‌هایی نظیر تاریخ و علوم سیاسی را تاحدزیادی امکان‌پذیر دانسته‌اند. هم‌چنین برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت تاحدزیادی ممکن تلقی شده‌است؛ ولی امکان‌پذیری به کارگیری نیروی آشنا با حفاظت و مرمت اسناد در حد کم ارزیابی شده‌است. بنابر مبانی نظری (فدایی عراقی، ۱۳۷۷)، بسیاری از اسناد در بایگانی‌ها، بر اثر بی‌مبالاتی و ذخیره‌سازی نامناسب دچار آسیب شده‌اند و بخشی از آن‌ها از بین رفته‌اند و یا در شرف از بین رفتن‌اند؛ بنابراین مرمت این دسته از اسناد یکی از مهم‌ترین وظایف آرشیوی است. هم‌چنین یکی از وظایف مهم سازمان‌های آرشیوی آموزش است که در بیشتر مواقع از آن غفلت می‌شود. آموزش نیروی انسانی جدید و شاغل در مراکز آرشیوی اولین گام است. گام بعدی تشکیل مرتب کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای مسئولان اسناد سازمان‌های مختلف دولتی و خصوصی است.

نتایج یافته‌ها برای ویژگی‌های یک آرشیویست نظیر حفظ و نگهداری از اسناد و اشاعه مناسب آن‌ها، مؤید مبانی نظری (پاکدامن، ۱۳۸۷) است که دو وظیفه اساسی یک آرشیویست را اول کوشش برای حفظ و حراست از اسناد و سپس آماده‌سازی و عرضه اسناد برای استفاده محققان تاریخ و سایر پژوهش‌گران می‌داند.

از نتایج به دست آمده دریافت می‌شود که از نظر نیمی از پاسخگویان فراهم کردن ساختمانی با ویژگی‌هایی چون کنترل نور، صدا، دما، رطوبت، آلودگی‌های محیطی، استحکام و مقاومت ساختمان، ایمنی در برابر آتش، گسترش‌پذیری فضا و ساختمان، سهولت دسترسی، نزدیکی به مراکز فرهنگی نظیر فرهنگ‌سراها، وجود خزانه‌ای امن برای انتقال اسناد در مواقع ضروری، دوربودن از مراکز نظامی، انبار مواد منفجره و تأسیسات هسته‌ای و نیز قرارنداشتن در معرض بلایای طبیعی نظیر قرارنداشتن روی گسل یا نبودن در معرض طغیان رود، در حد متوسط و زیاد امکان‌پذیر است و از نظر نیمی دیگر در حد متوسط و کمتر امکان‌پذیر است.

(کرسپو و ویناس، ۱۳۶۹) درباره اهمیت ساختمان آرشیو گفته‌اند: ساختمان مناسب آرشیو باید دارای ضوابط ساختمانی و تعدادی خزانه مناسب باشد. تمام مواد به کاررفته در پی‌ریزی، دیوارها، بام‌ها باید ضدحریق باشد. ساختمان آرشیو باید به خزانه‌های وسیع،



کارگاه مرمت، صحافی و آزمایشگاه مجهز باشد؛ بنابراین درمی‌یابیم که وجود ساختمانی با استانداردهای لازم نه تنها ضروری است، بلکه باوجود ساختمانی مطمئن است که راه‌اندازی آرشیو شهری ممکن خواهد شد.

از نتایج به‌دست‌آمده دریافت می‌شود که نیمی از پاسخگویان گردآوری اسناد و سوابق خانوادگی، اسناد تجاری، اسناد اداری، اسناد اجتماعی و فرهنگی، گردآوری منابع اطلاعاتی شهری، گردآوری انواع منابع و اشکال گوناگون آرشیوی و نیز امکان گردآوری و مطالبه آن‌ها و نیز فراهم کردن تجهیزات موردنیاز کارکنان، کاربران و تجهیزات حمل و نگهداری اسناد را در حد زیاد و متوسط و نیمی دیگر در حد متوسط و کمتر امکان‌پذیر می‌دانند.

(شیرخانیا، ۱۳۹۵) ضمن جست‌وجو در منابع برخی از آرشیوهای محلی، به وجود اسنادی مشترک میان آن‌ها دست یافته‌است؛ نظیر: اسناد و سوابق خانوادگی، اسناد تجاری و اقتصادی، اسناد اداری، اسناد اجتماعی و فرهنگی و منابع اطلاعاتی شهر. او هم‌چنین بعضی از انواع مواد آرشیوی را این‌گونه برشمرده‌است: اسلاید، اطلس، اعلامیه دیواری، بروشور، پوستر، تقویم، تمبر، صفحه، صورت‌جلسه، طرح، عکس، گزارش، فیلم، میکروفرم، نقشه، نوار، صفحه فشرده، حکم، فرمان، نامه، مهر، طغری، اجاره‌نامه، قباله، وقف‌نامه و مانند آن (نسخه آنالین دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳۹۶). بنابراین برای تشکیل آرشیو شهری، شکل‌ها و گونه‌های مختلف اسناد باید گردآوری و نگهداری شوند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، نیمی از پاسخگویان تخصیص بودجه برای جذب نیروی انسانی، احداث و بهره‌برداری از ساختمان، تهیه منابع و تجهیزات موردنیاز آرشیو و نیز هزینه‌های احتمالی آرشیو را در حد متوسط و کم و نیمی دیگر در حد متوسط و زیاد می‌سنجند. برآورد کل از تخصیص بودجه در حد متوسط بوده‌است.

باتوجه به اینکه ضرورت اختصاص منابع و امکانات مالی برای راه‌اندازی آرشیو شهری برای شهر تهران از طریق روایی‌سنجی تأیید شده‌است، می‌توان گفت که تأمین هزینه‌های موردنیاز از پایه‌های اساسی در عملیاتی‌ساختن مقاصد پژوهش حاضر است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده نیمی از پاسخ‌دهندگان کمک شهرداری به حضور آرشیوها در بطن زندگی اجتماعی، ایجاد علاقه و نگرش مثبت به آرشیو، تقویت هویت تاریخی و تعلق اجتماعی بین شهروندان و سایر ویژگی‌های این دسته را در حد زیاد و بسیار زیاد و نیمی دیگر در حد متوسط و کمتر امکان‌پذیر می‌دانند.

طبق مبانی نظری (برآبادی، ۱۳۸۴)، شهرداری‌ها مؤسساتی عمومی و غیردولتی‌اند که وظایف بسیاری در اداره شهر برعهده آنان گذاشته شده‌است. این وظایف در گستره‌های

گوناگون اجتماعی، فرهنگی، عمرانی، شهرسازی و خدماتی است. از جمله وظایف اصلی شهرداری‌ها را می‌توان خدمات فرهنگی و اجتماعی مانند سرپرستی کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوهای محلی نام برد.

طبق نظر (مسعودی فر، ۱۳۸۷)، شهرداری سازمانی است حقوقی، محلی و مستقل که در محدوده شهر برای رفع نیازهای عمومی، رفاهی و خدماتی مردم شهر فعالیت می‌کند. شهرداری هم‌چنین برای وضع و اجرای قوانین شهری و تأمین نیازمندی‌های مشترک محلی فعالیت می‌کند. به عبارتی شهرداری در عرف جهانی مظهری از دولت محلی به‌شمار می‌آید؛ از این رو است که شهرداری با تعامل مردم و شورایی‌ها نقشی پررنگ در ایجاد آرشیوهای شهری خواهد داشت.

هم‌چنین لازم است تا کارکنان شاغل در این نوع مراکز از مهارت‌های تخصصی بهره‌مند باشند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در حال حاضر امکان به‌کارگیری نیروی انسانی با ویژگی‌های لازم بیش از حد متوسط وجود دارد.

هم‌چنین در مؤلفه‌های لازم برای راه‌اندازی آرشیو آورده شده است که ساختمان آرشیو یکی از ارکان اصلی است؛ چون بدون وجود ساختمانی امن و متناسب نمی‌توان به خوبی از اسناد حفاظت و نگهداری کرد.

طبق یافته‌های به‌دست آمده امکان تأمین ساختمانی مجهز برای آرشیو شهری بیش از حد متوسط ارزیابی شده است. هم‌چنین فراهم آوردن تجهیزات مورد نیاز کارکنان و کاربران آرشیو - که با جزئیات در پرسش‌نامه ذکر شده است - بیش از حد متوسط قابل تأمین است. آمارها نشان می‌دهد که تأمین بودجه و امکانات مالی لازم برای جذب نیروی انسانی، و تأمین ساختمان و تجهیزات مورد نیاز برای آرشیو شهری در حد متوسط امکان‌پذیر است. گفتنی است که تأمین تمام پیش‌زمینه‌های لازم برای ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران، با وضعیت بودجه و امکانات مالی ارتباط مستقیم دارد که این خود محل تأمل است و ضروری است تا برای جلوگیری از نابودی اسناد و حفظ آن‌ها از آسیب‌های احتمالی و انتقال آن‌ها به آیندگان برای تأمین هزینه‌های لازم چاره‌ای اندیشیده شود.

### پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- انجام مطالعه تطبیقی برای آرشیوهای شهری سایر کشورهای دنیا
- انجام مطالعه‌ای برای تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ایجاد آرشیو شهری و ملزومات

آن



## منبع

### کتاب فارسی

- برآبادی، محمود. (۱۳۸۴). *القبای شهر: مجموعه مقالات ماهنامه شهرداری‌ها*. (ج ۱). انتشارات سازمان شهرداری و دهیاری‌های کشور.
- فدایی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کرسپو، گارمن؛ ویناس، ویسنت. (۱۳۶۹). *نگهداری اسناد و کتب: ترمیم و مرمت اسناد*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

### مقاله

- پاکدامن نائینی، مریم. (۱۳۸۷). «آرشیو، کتاب‌خانه: آرشیویست، کتابدار». ماهنامه *اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی*، اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۷، صص ۳۷-۴۲.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «اهمیت اسناد آرشیوی در پژوهش‌های تاریخ محلی خراسان (اسناد آستان قدس رضوی درباره جنگ جهانی دوم)». فصل‌نامه *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، شماره ۲۹، صص ۴۸-۵۷.
- شارقی، سیما. (۱۳۸۸). «آینده آرشیو و تحقیقات تاریخی». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، دوره ۱۹، شماره ۴، پیاپی ۷۶، صص ۹۵-۱۰۲.
- مسعودی‌فر، یوسف. (۱۳۸۷). «مدیریت، ساماندهی و بهبود خدمات شهری (مدیریت مواد زائد جامد)». *مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، شماره ۲۵، صص ۴۳-۶۰.

### پایان‌نامه

- زارعی، مریم. (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی ایجاد آرشیو در دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی کشوری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).
- شیرخانیان، زهرا. (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی ایجاد آرشیوهای بومی-محلی در کتاب‌خانه‌های عمومی زیر نظر نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی کشور، مستقر در استان سمنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).
- طالب‌حقیقی، فرزانه. (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی راه‌اندازی آرشیو تئاتر برای مجموعه تئاتر شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).

### فهرست منابع لاتین

- Flinn, Andrew. (2007). "Community Histories, Community Archives: some Opportu-



nities and Challenges”. *Journal of the Society of Archivists*, Volume 28, Issue 2.

Published Online: 23 Oct 2007 in Archives and Records.

Ormond-Parker, Lyndon; Sloggett, Robyn. (2012). “Local Archives and Community Collecting in the Digital age”. *Archival Science*, 12 (2), pp 191-212.

### English Translation of References

#### Books

Barabadi, Mahmoud. (1384/2005). “*Alefba-ye šahr: Majmou’eh maqālāt-e māhnāme-ye šahrdāri-hā*” (The ABC of city) (1<sup>st</sup> ed.). Enteshārāt-e Sāzmān-e Šahrdāri va dehyāri-hā-ye kešvar (Iran Municipalities and Rural Organization). [Persian]

Crespo, Garmen & Vinas, Vicente. (1369/1990). “*Negahdāri-ye asnād va kotob: Tarmim va marenmat-e asnād*” (The preservation and restoration of paper records and books: A RAMP study with guidelines). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]

Fadaei Araghi, Gholam Reza. (1377/1998). “*Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e āršivi*” (An introduction to archival documents). Tehran: Sāzmān-e Motāle’eh va Tadvin-e Kotob-e ‘Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities) (SAMT). [Persian]

#### Articles

Flinn, Andrew. (2007). “Community histories, community archives: Some opportunities and challenges”. *Journal of the Society of Archivists*, 28(2) [Published Online]. Retrieved in 23 Oct. 2007 from Archives and Records.

Hasanabadi, Abu Al-Fazl. (1392/2013). “Ahammiat-e asnād-e āršivi dar pažuheš-hā-ye tārix-e mahalli-ye Xorāsān: Asnād-e āstān-e qods-e razavi darbāre-ye jang-e jahāni-ye dovvom” (The importance of archival documents in Khorasan local history research: Astan Quds Razavi documents on World War II). *Fasl-nāme-ye Motāle’āt-e Farhangī-Ejtemā’ee-ye Xorāsān* (Khorasan Cultural-Social Studies Quarterly), 29, pp. 57-84. [Persian]

Masoudifar, Yousof. (1387/2008). “Modiriat, sāzmāndehi va behboud-e xadamāt-e



- šahri: Modiriat-e mavād-e zāed-e jāmed” (Management, organization and Improvement of urban services: Solid waste management). *Majalle-ye ‘Olum-e Ensāni va Ejtemā’ee-ye Dānešgāh-e Tabriz*, 25, pp. 43-60. [Persian]
- Ormond-Parker, Lyndon & Sloggett, Robyn. (2012). “Local archives and community collecting in the digital age”. *Archival Science*, 12 (2), pp. 191-212.
- Pakdaman Naeenie, Maryam. (1387/2008). “Āršiv, ketābxāneh: Āršivist, ketābdār” (Archive, library: Archivist, librarian). *Māhnāme-ye Ettelā’-yābi va Ettelā’-resāni*, Ordibehešt 1387/May 2008, 7, pp. 37-42. [Persian]
- Shareghi, Sima. (1388/2009). “Āyande-ye āršiv va tahqiqāt-e tārixi” (The future of archival studies and historical research). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 19(4) (consecutive issue 76), pp. 95-102. [Persian]

#### Dissertations

- Shirkhanian, Zahra. (1395/2016). “*Emkān-sanji-ye ijād-e āršiv-hā-ye bumi-mahalli dar ketābxāne-hā-ye ‘omumi zir-e nazar-e nahād-e ketābxāne-hā-ye ‘omumi-ye kešvar, mostaqar dar ostān-e Semnān*” (Create indigenous-local archives in public libraries under the supervision of Iran Public Libraries Institution, located in Semnan Province: A feasibility study) [Master’s thesis]. Tehran: Alzahra University, Faculty of Psychology and Education, Department of Information Science and Knowledge Studies. [Persian]
- Taleb Haghighi, Farzaneh. (1394/2015). “*Emkān-sanji-ye rāh-andvzi-ye āršiv-e te’ātr barāye majmou’e-ye te’ātr-e šahr-e Tehrān*” (A means analysis to run a theater archive for Tehran Theater Complex) [Master’s thesis]. Tehran: Alzahra University, Faculty of Psychology and Education, Department of Information Science and Knowledge Studies. [Persian]
- Zareei, Maryam. (1396/2017). “*Emkān-sanji-ye ijād-e āršiv dar dafter-e barresi-ye savāneh va havādes-e sāzmān-e havāpeymāyi-ye kešvari*” (Setting up an archive for the Iranian Civil Aviation Office of Air Accidents: A feasibility study) [Master’s thesis]. Tehran: Alzahra University, Faculty of Psychology and Education, Department of Information Science and Knowledge Studies. [Persian]





# Archival Material Titles Description Based on International Standards

Anahita Nazari<sup>1</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

## Abstract:

**Purpose:** Suggesting a framework for describing archival material titles according to the rules of ISAD-G (ICA, 1999), RAD Canadian Archivists Association, (2008), MAD (Procter&cook, 2016), DACS (American Archivists Association, 2013) and RDA (Pazuki and Fatahi Translation, 1396).

**Method and Research Design:** After classifying and matching data and information from library resources, common and distinctive relevant rules were identified and presented in tables under general and specialized rules.

**Findings and Conclusion:** According to the standards, two classes of titles are assigned to records. Official vs Supplied (Devised Title). Official Titles include Formal, Parallel, Proper, Subtitle and Variant Title. Supplied Titles have three elements: name, nature and subject. Examples are also provided in this paper to further understand how to implement the rules.

## Keywords:

Standardation; Archival records; International Standards; Titles; Description Rules.

## Citation:

Nazari, A. (2019). Archival Material Titles Description Based on International Standards. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 168-185. (In persian)

1. PhD Student, , Document Research Institute of the National Archives and Library of Iran, Tehran, I. R. Iran.

nazari.anahita@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2400

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 168 - 185 (18) | Received: 30, Sep. 2019| Accepted: 29, Dec. 2019

Archival studies







فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

# توصیف عنوان منابع آرشیوی بر اساس استانداردهای بین‌المللی

آناهیتا نظری<sup>۱</sup>

## چکیده:

**هدف:** عرضه چارچوبی برای توصیف عنوان منابع آرشیوی بر اساس قواعد پنج استاندارد بین‌المللی ایس‌ا‌د-جی، ر‌د، م‌د‌ک‌س، و آر دی ای.

**روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر توصیفی-تطبیقی است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابی و اسناد استفاده شده است. پس از دسته‌بندی و تطبیق داده‌ها و اطلاعات، قواعد مشترک و متمایز کاربرد در توصیف عنوان مواد آرشیوی در جداولی تحت عنوان قواعد عمومی و تخصصی عرضه شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** مطابق استانداردهای عنوان‌های کاربرد در منابع آرشیوی به دو طبقه عمومی عنوان رسمی و عنوان اختیاری تقسیم می‌شوند. عنوان رسمی خود شامل عنوان کامل، عنوان موازی، عنوان برابر، عنوان فرعی، و عنوان متغیر است. عنوان اختیاری نیز عنوانی است که از ترکیب سه جزء عنصر نام، عنصر ماهیت و عنصر موضوعی به دست می‌آید.

## کلیدواژه‌ها:

استانداردسازی؛ قواعد بین‌المللی؛ منابع آرشیوی؛ عناصر توصیف؛ عنوان نویسی.

استناد:

نظری، آناهیتا. (۱۳۹۸). توصیف عنوان منابع آرشیوی بر اساس استانداردهای بین‌المللی. *گنجینه اسناد*، ۲۹(۴)، ۱۶۸-۱۸۵.

۱. دانشجوی دکتری، پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.  
nazari.anahita@gmail.com



## گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۴۰۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۶۸-۱۸۵ (۱۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۸

مطالعات آرشیوی

## مقدمه

کارکرد مراکز اطلاع‌رسانی از جمله آرشیوها، کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها بر سازمان‌دهی بهینه منابع تکیه دارد. این سازمان‌دهی بسته به نوع فراهم‌آوری و شیوه تنظیم منابع، به اصول و قواعدی نیازمند است تا ضمن پیشگیری از اعمال سلیقه، به تهیه توصیف‌هایی با ویژگی‌های استاندارد شده برای بازیابی دقیق اطلاعات ساختاری و محتوایی منابع این مراکز منجر شود. فرایند توصیف آرشیوی<sup>۱</sup> بخش عمده‌ای از سازمان‌دهی منابع آرشیوی و اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات منابع در دست توصیف است. این فرایند دو مرحله دارد:

۱. تبیین عناصر مورد نیاز برای داده‌های سندشناسی (فرا داده)؛<sup>۲</sup> شیوه توصیف (داده).  
توصیف‌های آرشیوی ابزارهای بازیابی<sup>۲</sup> هستند که به کاربران در یافتن منابع آرشیوی مدنظر کمک می‌کنند. به دلایلی همچون ماهیت منابع آرشیوی، پراکندگی منابع آرشیوی در بین بسیاری از مؤسسات، و شرایط فیزیکی مخازن آرشیوی که در دسترسی به آن‌ها تأثیرگذار است، ایجاد و استفاده از پیشینه‌های توصیفی به‌عنوان ابزار بررسی غیرمستقیم اصل منابع آرشیوی ضروری است (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، xxi). میلر توصیف آرشیوی را سیستمی متشکل از سه بخش معرفی می‌کند: الف. اطلاعاتی درباره اسناد و پدیدآورنده آن‌ها؛ ب. ابزارهایی که برای بازنمایی آن اطلاعات استفاده می‌شوند؛ ج. استانداردها و قواعدی که در ایجاد این ابزارها به‌کار رفته‌اند (میلر، نقل در باغستانی و خسروی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). استانداردسازی توصیف آرشیوی بر اساس قواعد توصیف بین‌المللی، به‌عنوان اصلی اساسی برای یکپارچگی سامانه‌های ذخیره و بازیابی پیشینه‌های آرشیوی، بیش از دو دهه است که در حوزه آرشیو در سطح جامعه جهانی مورد توافق قرار گرفته است. در این راستا کمیته بهترین روش‌ها و استانداردهای توصیف آرشیوی و کمیته‌هایی فرعی زیر نظر شورای بین‌المللی آرشیو (ایکا)<sup>۳</sup> تشکیل شده‌اند و قواعدی استاندارد را تهیه و تدوین کرده‌اند. این استانداردها به‌عنوان چارچوبی قاعده‌مند و مرجع برای هماهنگی سایر کشورها تبیین شده و بر کاربرد آن‌ها تأکید شده است. از جمله این استانداردها می‌توان به ایسادی-جی<sup>۴</sup>: استاندارد بین‌المللی عمومی توصیف آرشیوی (ایکا، ۲۰۰۰) اشاره کرد. مبنای تدوین این استاندارد، قواعد انگلوامریکن<sup>۵</sup> و آر دی ای<sup>۶</sup> با در نظر گرفتن مختصات منابع آرشیوی است. سایر کشورها نیز در پیروی از قواعد ایسادی-جی و با توجه به الزامات مخازن خود اقدامات فراوانی در راستای گسترش قواعد عمومی ایسادی-جی به سطح تخصصی قواعد مطرح در سایر استانداردهای جهانی انجام داده‌اند و با همین رویکرد استانداردهایی با کاربرد سطح ملی تدوین کرده‌اند که از آن جمله، مباحث مطرح درباره نحوه توصیف عنوان (ها) در استانداردهای کشور کانادا (رِد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸)، آمریکا (داکس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳) و انگلستان

1. Archival Description
2. Access Tools
3. ICA: International Council On Archives
4. ISAD (G): General International Standard Archival Description
5. AACR: Anglo-American Cataloguing Rules
6. RDA: Resource Description and Access
7. RAD: Rules for Archival Description
8. DACS: Describing Archives: A Content Standard



(مد ۳، ۲۰۱۶) را می‌توان برشمرد. آرشیو ملی ایران نیز به‌عنوان مرجع آرشیوهای کشور، قریب یک دهه است که بر ترجمه و بومی‌سازی این قواعد همت گماشته است که نمونه آن انتشار جلد دوم کتاب مجموعه قوانین و مقررات و شیوه‌نامه‌های آرشیوی: شیوه‌نامه‌ها و رویه‌های تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی (اسناد متنی کاغذی و عکس) (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۱) است؛ این کتاب بر جنبه‌های عمومی قواعد ایسادی تأکید دارد؛ در نتیجه این شیوه‌نامه پاسخگوی تمامی نیازهای متخصصان فهرست‌نویسی و توصیف منابع آرشیوی نیست و مستلزم گسترش و کاربرد تخصصی هر یک از عناصر توصیفی است. برای نمونه، در شیوه‌نامه عنوان‌نویسی (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۳۳-۳۸)، به انواع عنوان و اجزای تشکیل‌دهنده آن هیچ اشاره‌ای نشده است؛ در نتیجه آرشیو داران حد و حدود عنوان‌نویسی را نمی‌دانند و فارغ از تشخیص انواع عنوان و نحوه توصیف هر یک از آن‌ها، دچار نوعی سردرگمی و ناهماهنگی هستند (نظری، ۱۳۹۷، ص ۲). در بررسی نتایج حاصل از کاربرد عناصر توصیف و به‌خصوص توصیف عنوان (باغستانی و خسروی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد که عنصر فراداده عنوان منابع آرشیوی سیر تکمیلی داشته، ولی نحوه توصیف عنوان فاقد چارچوب مشخص استاندارد شده است؛ تا آنجا که در برخی سال‌ها تنها شرح سند که مشابه عنوانی محتوانماست عرضه شده است و مرزی بین عنوان و محتوا وجود ندارد. به تدریج که دو عنصر عنوان و چکیده محتوایی از هم تفکیک شده‌اند، به دلیل فقدان یا عام‌بودن شیوه استاندارد نحوه توصیف عنوان، شاهد نوعی اعمال سلیقه در این زمینه هستیم که نمونه‌های خروجی آن در پایگاه داده‌های سندشناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران<sup>۱</sup> به‌وفور قابل مشاهده است (نظری، ۱۳۹۷، ص ۲). از این‌رو، برای پیشگیری از اعمال سلیقه آرشیو داران در شیوه توصیف عنصر عنوان از نظریه تا عمل، چه در نظام بایگانی کشور و چه در مراکز اسنادی و آرشیوی، تطبیق اصول و شیوه‌های استاندارد و هماهنگ با سایر کشورها ضروری است؛ بنابراین پژوهش حاضر در تلاش است تا براساس قواعد پنج استاندارد ایسادی-جی (ایکا، ۲۰۰۰)، داکس (انجمن آرشیو داران آمریکا، ۲۰۱۳)، رد (انجمن آرشیو داران کانادا، ۲۰۰۸)، مد ۳ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶)، آر دی ای<sup>۲</sup> (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶) ضمن بررسی و معرفی انواع عنوان، قواعد و شیوه عمومی و تخصصی عنوان‌نویسی منابع آرشیوی را عرضه کند. این شیوه‌نامه را در هر سطحی از توصیف، و هر نوع سند کاغذی و الکترونیکی و هم‌چنین قبل و بعد از ایجاد منابع می‌توان به‌کار برد.

## مفهوم عنوان و کاربرد آن در توصیف منابع آرشیوی

مفهوم عنوان در منابع آرشیوی را به عبارتهای معناداری می‌توان معطوف دانست که در

1. MAD: Manual of Archival Description

2. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/>

3. RDA: Resource Description and Access

۴. اصل این اثر را انجمن‌های آرشیوی آمریکا، کانادا و انگلستان برای توصیف و دسترسی به منابع منتشر شده تهیه کرده‌اند.



شناسایی اسناد نقش کلیدی دارند. براساس تعریف استانداردهای جهانی می‌توان دریافت که عنوان در مفهوم عام نامی است که به منبع (اثر) داده می‌شود (آرشیو انگلستان، ۲۰۰۶، ص ۵۴) یا به نام واحد توصیف اطلاق می‌شود (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۱۴). بسته به نوع منابع آرشیوی، عناوین به دو طبقه عمومی عنوان رسمی<sup>۱</sup> و عنوان اختیاری<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند و هریک از این دو طبقه نیز شامل انواع عنوان با کاربردهای خاص خود هستند.

عنوان رسمی یکی از عناصر هسته در توصیف منابع به‌شمار می‌رود (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۲) که پدیدآور یا کاربران اصلی منابع آن را تعیین می‌کنند (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۰). عناوین رسمی معمولاً در منابع منتشرشده و یا توزیع‌شده مانند کتاب، گزارش، نقشه، و فیلم به‌صورت برجسته یافت می‌شوند. عناوین رسمی ممکن است در منابع منتشرنشده نیز موجود باشند که در این صورت نامی مفهومی (مثلاً، عنوان یک عکس، برچسب روی یک پوشه یا راهنمای روی یک فیلم) توسط پدیدآور به منبع داده می‌شود. در بررسی تمامی منابع آرشیوی، عناوین رسمی بیشتر در پرونده‌ها یا فقره‌ها دیده می‌شوند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷). طبق استاندارد آر دی ای (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶) عنوان رسمی دارای انواعی است که تعریف و کاربرد آن‌ها در جدول ۱ آمده‌است.

#### عنوان اختیاری: چنانچه در منبع اصلی اطلاعات در دست توصیف هیچ عنوان رسمی

برجسته‌ای وجود نداشت، در این صورت باید یک عنوان عرضه شود (پروکتر و کوک، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱)؛ در چنین وضعیتی آرشیودار باید برای عرضه یک عنوان اختیاری، به‌جای رونویسی از عنوان برچسب‌حاملی که ممکن است گمراه‌کننده باشد، از قضاوت حرفه‌ای خود استفاده کند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷). برای عرضه عنوان اختیاری براساس استانداردهای توصیفی می‌توان عناوین جدول ۱ را به‌کار برد.

1. Formal Title
2. Supplied Title



<p>نام اصلی منبع که معمولاً برای ارجاع به آن منبع از آن استفاده می‌شود. در آر دی ای این عنوان دارای دو نوع عنوان کامل اولیه و عنوان کامل بعدی است (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).</p> <p>عنوانی که پدیدآور اصلی یا کاربران اصلی منابع آن را تعیین کرده‌اند (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۰).</p> <p>عنوان رسمی کامل منابع آرشیوی معمولاً در سطح پرونده و فقره یافت می‌شود (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷).</p>	<p>۱.۱. عنوان کامل<sup>۲</sup></p>	
<p>عنوان کامل یک منبع به سایر زبان (ها) و خط (ها) (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۵۰)؛ (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).</p>	<p>۱.۲. عنوان موازی<sup>۳</sup></p>	
<p>بخشی از عنوان کامل (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۳) که همراه با کلمه «یا» و بین علامت نقل قول به عنوان اصلی متصل می‌شود.</p> <p>وقتی عنوان از دو بخش تشکیل شود و قسمت دوم با کلماتی مانند «یا» به قسمت اول وصل شود، قسمت دوم را عنوان برابر می‌نامند (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴).</p>	<p>۱.۳. عنوان برابر<sup>۴</sup></p>	<p>۱. عنوان رسمی<sup>۱</sup></p>
<p>اطلاعاتی که طبق قواعد انگلوامریکن به دنبال عنوان کامل منبع می‌آید (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).</p> <p>بخش توضیحی عنوان که به دنبال عنوان اصلی می‌آید (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۶).</p>	<p>۱.۴. عنوان فرعی<sup>۵</sup></p>	
<p>عناوینی مرتبط با عنوان کامل هستند؛ مانند عنوان برابر، عنوان عطف، یا بخشی از عنوان کامل (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۵).</p>	<p>۱.۵. عنوان متغیر<sup>۶</sup> یا غیرمترجم<sup>۶</sup></p>	
<p>چنانچه در منبع اصلی اطلاعات آثار و مدارک، هیچ عنوانی یافت نشود (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴) یا عنوان رسمی گمراه‌کننده باشد و قابل فهم نباشد، در این صورت فهرست‌نویس براساس قواعد استاندارد شده و قضاوت حرفه‌ای خود عنوانی را طراحی می‌کند (نظری، ۱۳۹۷، ص ۵).</p> <p>در صورت فقدان عنوان رسمی معنادار، عنوانی طراحی می‌شود (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۱۱۱).</p>	<p>۲.۱. عنوان طراحی شده<sup>۸</sup></p>	
<p>چنانچه عنوان مدرکی به اندازه کافی انعکاس‌دهنده محتوای آن نباشد، عنوانی کامل‌تر برای آن عرضه می‌شود. این عنوان به تنهایی و یا همراه چکیده استفاده می‌شود (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۶).</p> <p>عنوان محتوای شکل کامل‌تر عنوان طراحی شده است و در توصیف سطح پرونده و فقره اسناد می‌تواند به عنوان جایگزین چکیده محتوای منابع به کار رود.</p>	<p>۲.۲. عنوان محتواها<sup>۹</sup></p>	<p>۲. عنوان اختیاری<sup>۷</sup></p>

1. formal Title
2. Proper Title
3. Parallel Title
4. Alternative Title
5. Subtitle
6. Variant Title
7. Supplied Title
8. Divised Title
9. Content Title

## جدول ۱

طبقه‌بندی و تعریف انواع عنوان در منابع آرشیوی



در توصیف هر نوع منبع و حامل اطلاعاتی از جمله سند، کتاب، پیاوند، مواد دیداری و شنیداری و سایر منابع، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ذخیره و بازیابی در سامانه‌ها و شبکه‌های توصیفی، عنوان هر اثر است. در جست‌وجوی منابع در کل، عنوان به‌منزله نقطه کلیدی بازیابی به‌کار می‌رود (آرشیو انگلستان، ۲۰۰۶، ص ۵۴) و دارای اهداف و کاربردهای زیر است:

- برجستگی برای استفاده در گفتار متداول و یا در یک راهنمای مقدماتی؛
- عرضه معادل سرعنوان اصلی در بازیابگر کتاب‌شناسانه؛
- هدایت کاربران به توصیف‌های دقیق‌تر (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۸).

در بین عناصر ۲۶ گانه ایسادی و عناصر توصیفی سایر استانداردهای بین‌المللی، عنصر عنوان به‌منزله عنصری ضروری در زیرناحیه شرح هویت منابع آرشیوی در نظر گرفته شده است (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۹)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۸). در استاندارد توصیفی مد ۳ بر استفاده شرح هویت در هر سطح از توصیف تأکید شده است تا از این طریق هویت موجودیت آرشیوی ایجاد و زمینه بازیابی دقیق‌تر منابع فراهم شود (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۷). در مبحث الزامات توصیف تک‌سطحی و چندسطحی بر مبنای استاندارد انجمن آرشیوداران آمریکا و کانادا نیز کاربرد عنوان، ضروری معرفی شده است. توصیفی تک‌سطحی با کمترین تعداد عناصر ضروری شامل کد بازیابی، نام و مکان مخزن، عنوان، حجم، نام پدیدآورندگان/ایجادکننده(ها)، دامنه و محتوا، شرایط دسترسی، و زبان‌ها و خط منابع است (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، صص ۸-۱۰). در بررسی سایر استانداردهای توصیفی نیز بر ضرورت کاربرد عنصر عنوان تأکید شده است. تطبیق عنصر عنوان و شماره قاعده آن در استانداردهای توصیف محتوایی و ساختار داده‌ای، در جدول شماره ۲ آمده است.

آردی ای	دکس	مد	رد	ایسادی	استاندارد
۲,۳,۲	۲,۳	۱۴,۲ B	۱۳,۱ B	۳,۱,۲	شماره قاعده
۱۱,۴					

## جدول ۲

تطبیق شماره عنصر عنوان در استانداردهای توصیفی

## اصول و قواعد توصیف عنوان در منابع آرشیوی

قواعد توصیف عنوان را به دو سطح عمومی و تخصصی می‌توان تقسیم کرد. قواعد عمومی همان است که ذیل عناصر استاندارد ایسادی و به‌عنوان رهنمودهایی کلی عرضه شده است. قواعد توصیف تخصصی هم به جزئیاتی اشاره دارد که به‌عنوان راهنمای



عمل در توصیف دقیق‌تر هریک از عناوین در سطوح مختلف عرضه می‌شود. از آنجاکه هیچ استاندارد جامع و تخصصی واحدی در حوزه توصیف آرشیو وجود ندارد، هر کشوری فراخور نیاز خود به تبیین الزامات توصیف عنوان بر اساس استاندارد ایسادی-جی و آر دی ای (برای نمونه: استاندارد داکس) یا انگلومریکن (برای نمونه: استانداردهای مد و رد) پرداخته‌است. از این روی برای هرچه کاربردی‌تر شدن توصیف عنوان بر اساس قواعد عمومی و تخصصی، از تطبیق و تلفیق مؤلفه‌های استانداردهای ایسادی-جی (ایکا، ۲۰۰۰)، آر دی ای (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶)، داکس (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳)، مد (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶) و رد (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸) استفاده شده‌است که حاصل آن در جداول ۳، ۴ و ۵ قابل مشاهده است.

منبع	عنوان منابع آرشیوی	قواعد
ایسادی-جی	۱. عنوان رسمی یا عنوان مختصر اختیاری را مطابق با قواعد توصیف چندسطحی و مقررات ملی ارائه دهید. ۲. تمایز بین عناوین رسمی و اختیاری را بر اساس قراردادهای ملی یا زبانی مشخص کنید.	عمومی

### جدول ۳

قواعد عمومی توصیف عنوان (ها) در منابع آرشیوی

## الف. اصول و قواعد حاکم بر عنوان رسمی در منابع آرشیوی

در مقایسه اصول و قواعد برگرفته از استانداردهای ایسادی-جی، داکس، مد و رد برای توصیف عنوان رسمی منابع آرشیوی و قواعد انگلومریکن و آر دی ای برای منابع کتابخانه‌ای، می‌توان دریافت که این اصول مشابه‌اند و آرشیوها همواره در صورت نیاز به گسترش قواعد توصیف عنوان، با استانداردهای کتابخانه‌ای هماهنگ عمل می‌کنند. بین قواعد آر دی ای و شیوه‌های آرشیوداران در تهیه عناوین «طراحی شده»<sup>۱</sup> تطابق زیادی وجود دارد. در نسخه ۲۰۰۴ داکس برای هماهنگی با ایسادی-جی، از اصطلاح «اختیاری»<sup>۲</sup> برای عناوین استفاده می‌شد تا زمانی که کمیته فنی داکس در پی پذیرش هم‌گرایی روبه‌رشد بین استانداردهای توصیف آرشیوی، کتابخانه‌ای و موزه‌ای و کاربرد وسیع اصطلاح «طراحی شده» در استانداردهای آرشیوی همگام با داکس، تصمیم گرفت تا عنوان «اختیاری» را به «طراحی شده» تغییر دهد (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، XX). در ادبیات به‌کاررفته در طبقه‌بندی عناوین و دستورالعمل‌های استانداردهای مد و رد نیز مطابقت زیادی با قواعد انگلومریکن دیده می‌شود که نمونه آن در جدول‌های ۴ و ۵

1. Divided Title

2. supplied

تحت عنوان قواعد و دستورالعمل‌های عمومی و تخصصی عناوین رسمی و طراحی شده منابع آمده است (برای اطلاعات بیشتر به قواعد انگلوماریکن و آر دی ای مراجعه شود).

۱. عنوان رسمی منابع آرشیوی	
قواعد عمومی	۱. در صورت لزوم، عنوان رسمی طولانی را بدون از دست دادن اطلاعات اصلی کوتاه‌نویسی کنید (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۹).
قواعد تخصصی	<p>۱. عنوان کامل یکی از عناصر هسته است (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۲) و در تمام سطوح توصیف باید ارائه شود (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۴۷).</p> <p>۲. عنوان کامل باید به همان شکلی که در متن اصلی آمده است، رونویسی شود (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۲). در صورت وجود عنوان رسمی کامل، یعنی آن چیزی که پدیدآور اصلی یا کاربران اصلی منابع آن را تعیین کرده‌اند، آن را دقیقاً به همان شکل جمله‌بندی، ترتیب و املا رونویسی کنید؛ ولی به نقطه‌گذاری و تبدیل حروف نیازی نیست (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۰).</p> <p>۳. هنگام کوتاه کردن عنوان رسمی طولانی، هرگز پنج کلمه اول آن را حذف نکنید. قسمت حذف شده را با علامت سه نقطه نشان دهید و قسمت باقی‌مانده عنوان را در یادداشتی رونویسی کنید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۸).</p> <p>۴. هنگامی که عنوان رسمی همراه کننده یا ناقص است، آن را در ناحیه ساختار و محتوا یادداشت کنید. به صورت جایگزین، توصیفی اختیاری یا فرعی برای تکمیل یا توصیف عنوان رسمی نامناسب در نظر بگیرید (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۱).</p> <p>۵. عناوین سنتی که در گفتار متداول به کار می‌روند، ممکن است به منزله عنوان موازی یا عنوان فرعی در نظر گرفته شوند (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۱).</p> <p>۶. چنانچه عنوان رسمی شامل شرح مسئولیتی است که آن شرح بخشی جدایی‌ناپذیر از عنوان اصلی است، آن را به منزله بخشی از عنوان اصلی رونویسی کنید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱).</p> <p>۷. اگر عنوان رسمی دارای نمادها و علامت‌هایی است، آن‌ها را به شکل اصطلاحی توضیح‌گر داخل کروشه قرار دهید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱).</p> <p>۸. هرگونه داده‌ای را که در تکمیل عنوان اضافه می‌شود به منزله توضیح‌گر داخل کروشه قرار دهید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۱).</p>
۱.۱. عنوان موازی یا عنوان به زبان دیگر	
قواعد تخصصی	<p>۱. اگر منبع اصلی اطلاعات دارای عناوینی به دو یا چند زبان یا خط باشد، عنوان اصلی رسمی را به زبان یا خط محتوای اصلی نوشته شده در واحد توصیف رونویسی کنید (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۲)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۲)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱). اگر این معیار قابل استفاده نیست و ابهام دارد، عنوان اصلی را با توجه به نظم عناوین یا طرح منبع اصلی اطلاعات انتخاب کنید و عناوین دیگر را به منزله عناوین موازی ثبت کنید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱).</p> <p>یادداشت: عنوان موازی به ندرت در سطوح بالاتر توصیف (مثل فوند، ردیف، یا مجموعه) دیده می‌شود (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۷).</p>

## جدول ۴

قواعد عمومی و تخصصی توصیف عنوان(های) رسمی منابع آرشیوی





۱.۲. عنوان برابر	
قواعد تخصصی	۱. عنوان برابر بخشی از عنوان کامل رسمی است. در سطح فقره، بعد از کلمه «یا» (یا معادل آن در زبان دیگر) عنوان برابر را با کاما وارد کنید. اولین کلمه عنوان برابر را با حروف بزرگ بنویسید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱). یادداشت: آر دی ای این نوع عنوان را ذیل عنوان غیرمُرَجَّح در نظر گرفته است.
۱.۳. سایر اطلاعات عنوان یا عنوان فرعی	
قواعد تخصصی	۱. عنوان فرعی یا سایر اطلاعات عنوان را که بیانگر ویژگی‌های محتوایی و مرتبط با عنوان کامل است از همان منبع اطلاعات عنوان کامل استخراج و رونویسی کنید (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۴): (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱). یادداشت: عنوان فرعی شامل عنوان روی عطف، پشت جلد، عناوین بخش‌ها و ضمایم نمی‌شود (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).
۱.۴. عنوان متفاوت یا غیرمُرَجَّح	
قواعد تخصصی	۱. این عنوان شامل عنوان برابر، عنوان عطف، عنوان تکرارشونده (سرفصله)، عنوان اصلاح‌شده و بخشی از عنوان است (پازوکی و فتاحی، ۱۳۹۶، ص ۸۵). ۲. اشکال متفاوت عنوان، باید ثبت شوند (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۲).

#### ادامه جدول ۴

قواعد عمومی و تخصصی توصیف  
عنوان (های) رسمی منابع آرشیوی

### ب. اصول و قواعد عنوان اختیاری

وجه تمایز در توصیف عنوان منابع آرشیوی و منابع کتاب‌خانه‌ای، دقیقاً در این نکته است که توصیف عنوان منابع کتاب‌خانه‌ای بیشتر به عناوین رسمی محدود است؛ ولی در اکثر منابع آرشیوی به‌ویژه سوابق سازمانی و اسناد شخصی، معمولاً عنوان رسمی کاملی وجود ندارد و یا به دلیل کاربری پیشینه‌ها در گذشته، برای درک کاربران فعلی ناکافی است؛ بنابراین لازم است در صورت فقدان یا نقص عنوان رسمی، عنوانی طراحی و عرضه شود. عرضه عنوان به اصول و قواعدی نیازمند است که سلايق مختلف را به چارچوبی یکدست و هماهنگ تبدیل کند. از این روی دستورالعمل‌های زیر که نتیجه تطبیق و تلفیق استانداردهای بین‌المللی توصیف آرشیوی است به عنوان مبنای عمل هماهنگ و مشترک آرشیوداران عرضه شده است:

### قاعده ۱: تناسب داده‌های توصیفی عنوان با سطوح تنظیم

مطابق قواعد ۲،۲ و ۲،۴ توصیف چندسطحی ایسادی (۲۰۰۰) و اصل ۷،۳ توصیف



آرشیو (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷) فقط اطلاعات متناسب با سطح در دست توصیف باید عرضه شود. برای مثال، اگر واحد در دست توصیف، فوند است، عرضه اطلاعات دقیق پرونده نادرست است. هم‌چنین از تکرار داده‌های سطوح بالا در سطوح پایین باید خودداری شود. براساس چنین قواعدی باید هنگام عرضه عنوان براساس سلسله‌مراتب کل به جزء سطوح تنظیم، کاربرد اصطلاحات عام به خاص رعایت شود. این قاعده ذیل مثال‌های استاندارد مد ۳ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۷) و رد (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱) نیز رعایت شده است.

مثال:

### تناسب توصیف عنوان با سطوح توصیف

توصیف عنوان اختیاری (طراحی شده)	سطوح تنظیم <sup>۱</sup>
کاخ گلستان	فوند
بیوتات سلطنتی	زیرفوند
فهرست‌های کتاب‌خانه سلطنتی	ردیف
فهرست‌های عرض دید قفسه‌های کتاب	زیرردیف
کتاب‌های انتقالی از کتاب‌خانه کاخ گلستان	پرونده
صورت جلسه انتقال کتاب‌های فرانسه از کتاب‌خانه کاخ گلستان به کاخ صاحبقرانیه	فقره

توصیف عنوان اختیاری (طراحی شده)	سطوح تنظیم
وزارت فرهنگ و هنر	فوند
اداره کل نگارش و مطبوعات	زیرفوند
سانسور مطبوعات دوره پهلوی	ردیف
سانسور کتاب‌های مذهبی	زیرردیف
مراحل ثبت، سانسور و چاپ کتاب (عنوان کتاب)	پرونده
نسخه پیش از چاپ کتاب (عنوان کتاب)	فقره

۱. طبق استاندارد ایسادی، سطوح تنظیم شامل چهار سطح اصلی فوند، ردیف، پرونده و فقره است که سطح فوند و ردیف به سطوح فرعی زیرفوند و زیرردیف قابل گسترش هستند. در استاندارد داکس، سطح «گروه مدیریت» و در استاندارد مد سطح «گروه» معادل سطح فوند قرار گرفته‌اند.

### قاعده ۲: عناوین طراحی شده با ترکیب سه بخش زیر عرضه می‌شوند:

- عنصر نام پدیدآور(ان)
- عنصر ماهیت منابع در دست توصیف (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۹)؛ (انجمن آرشیوداران آمریکا،



۲۰۱۳، ص ۱۷)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۹)؛

۳. عنصر موضوع واحد توصیف (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۹)؛ (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷).

عنوانی مختصر<sup>۱</sup> را که شامل یک بخش نام، یک اصطلاح بیانگر ماهیت واحد در دست توصیف<sup>۲</sup>، و به صورت اختیاری یک بخش موضوعی است مطابق با قواعد جدول زیر طراحی کنید.

۲. عنوان طراحی شده منابع آرشیوی	
قواعد عمومی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در سطوح بالاتر توصیف، عناوین اختیاری شامل نام پدیدآور منابع است و در سطوح پایین‌تر توصیف شامل نام نویسنده منبع و اصطلاحی است که بیانگر شکل منابع تشکیل‌دهنده واحد توصیف است و در صورت نیاز، شامل عبارتی است که انعکاس‌دهنده عملکرد، فعالیت، موضوع، محل، و یا زمینه است (ایکا، ۲۰۰۰، ص ۹).</li> </ul>
قواعد تخصصی	<p>۱. عنصر نام پدیدآور (ان)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• نام‌های اشخاص، خانواده‌ها (خاندان) یا تالگان‌های مسئول خلق، انباشت، ذخیره و یا نگهداری منابع را ثبت کنید.</li> <li>• نام‌هایی را ثبت کنید که پدیدآور (ان) معمولاً با آن شناخته می‌شوند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۷۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).</li> <li>• نام (ها) را به زبان طبیعی یا رسمی کشور محل اقامت و فعالیت افراد یا تالگان‌ها ثبت کنید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱)؛ (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷).</li> <li>• اگر شکل کامل نام پدیدآور در ناحیه دیگری از توصیف (مثلاً، در تاریخچه اداری/ زندگی‌نامه) وجود داشته باشد، می‌توان شکل نام پدیدآور را به منزله یک نقطه بازنمایی مختصر کرد (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۱۷)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).</li> <li>• در صورتی که نام پدیدآور (ان)، نگه‌دارنده یا گردآورنده نامعلوم است، هیچ نامی را ثبت نکنید؛ در چنین مواردی ماهیت منابع آرشیوی را در عنوان ثبت کنید.</li> <li>• در توصیف‌های چندسطحی ممکن است که بخش نام در سطوح بالاتر توصیف قرار گیرد و به بیان صریح آن در سطوح پایین‌تر نیازی نباشد (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).</li> <li>• در صورتی که مخزن مسئول گردآوری مجموعه است، نام موسسه مجموعه‌دار به منزله بخشی از عنوان طراحی شده در نظر گرفته می‌شود (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).</li> </ul> <p>۱. ۱. توصیف نام شخص</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• در صورتی که مسئولیت خلق کل منابع با سه شخص یا کمتر از سه شخص است، اسامی آن‌ها را به ترتیب (خطی) و زبان طبیعی ثبت کنید. شخصی را که مسئول ایجاد بیشترین بخش منابع است به عنوان نفر اول فهرست در نظر بگیرید. در صورت تعیین نشدن چنین ترتیبی، اسامی را به ترتیب حروف الفبا فهرست کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).</li> <li>• در صورتی که مسئولیت خلق منابع بین بیش از سه نفر تقسیم شود، نام اشخاص دارای حجم غالب منابع را ثبت کنید؛ در غیر این صورت مناسب‌ترین نام را انتخاب کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).</li> <li>• به صورت اختیاری، اسامی تمام اشخاص معتبری را که مسئول خلق منابع هستند ثبت کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).</li> </ul>

۱. عنوان طراحی شده نباید با شرح یا چکیده محتوای واحد در دست توصیف اشتباه گرفته شود. عنوان طراحی شده نام‌های ساده‌ای هستند که تا حد ممکن در واحدی فشرده جای می‌گیرند. محتوای واحدی مانند نامه شخصی باید در عنصر دامنه و محتوا توصیف شود.

۲. رده کلی نوع منابع که در استاندارد رده تعیین شده است عبارتند از: واحدهای چندرسانه‌ای؛ پیشینه‌های متنی؛ منابع نقشه برداری؛ منابع ترسیمی؛ نقشه‌های فنی و معماری؛ تصاویر متحرک؛ منابع شنیداری (صوت)؛ پیشینه‌هایی به شکل الکترونیکی؛ پیشینه‌هایی بر میکروفیلم؛ اشیاء؛ تمبر و فقره منابع مستقل.

## جدول ۵

قواعد عمومی و تخصصی توصیف عنوان طراحی شده منابع آرشیوی



## ۱. عنوان طراحی شده منابع آرشیوی

## ۱.۲. توصیف نام خانواده‌ها/خاندان‌ها

- در صورتی که منابع در بستر روابط خانوادگی افرادی که نام خانوادگی مشترکی دارند خلق، نگهداری، جمع‌آوری و استفاده شده‌است، آن نام مشترک را در ادامه واژه خانوادگی ثبت کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).
- در صورتی که منابع در بستر روابط خانوادگی افرادی که نام خانوادگی مشترکی ندارند خلق، نگهداری، جمع‌آوری و استفاده شده‌است، تمامی اسامی افراد را به دنبال واژه خانوادگی ثبت کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).
- به صورت اختیاری، منابعی را که در بستر روابط خانوادگی مشترک خلق، نگهداری و یا گردآوری و استفاده شده‌اند ولی حجم منابع یکی از اشخاص غالب است، نام کامل آن شخص را به دنبال واژه خانوادگی ثبت کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).
- اگر دو یا سه خانواده مسئول خلق منابع هستند، تمامی نام‌ها را به دنبال واژه خانوادگی ثبت کنید.
- اگر مسئولیت خلق منابع در بین بیش از سه خانواده تقسیم شود، فقط نام خانواده‌های دارای منابع غالب را ثبت کنید. اگر منابع هیچ‌یک از خانواده‌ها غالب نیست، مناسب‌ترین نام را انتخاب کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).
- به صورت اختیاری، تمام نام‌های خانوادگی مسئول خلق منابع را ذکر کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).

قواعد تخصصی

## ۱.۳. توصیف نام تنالگان

- برای تنالگانی واحد: نام تنالگان مسئول خلق، انباشت، ذخیره و یا نگهداری منابع را ثبت کنید.
- بیش از یک تنالگان: در صورتی که منابع بیش از یک تنالگان در بین منابع وجود دارد، فقط نام یک تنالگان را در عنوان ثبت کنید. برای انتخاب نام تنالگانی که در عنوان به کار می‌رود خط‌مشی ثابتی تهیه کنید. در حالی که فقط نام یک تنالگان را می‌توان در عنوان ثبت کرد، امکان ثبت اسامی سایر تنالگان‌هایی که اسنادی در میان منابع دارند در ناحیه عنصر نام پدیدآور وجود دارد (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).
- تغییر نام تنالگان: در صورتی که نام تنالگان تغییر کرده‌است، از آخرین نام تنالگان منابع در دست توصیف استفاده کنید. نام قبلی تنالگان را در ناحیه عنصر نام پدیدآور ثبت کنید.
- به صورت اختیاری، در صورت تغییر نام تنالگان، نام ایجادکننده بیشترین حجم منابع را به کار ببرید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱).

## ادامه جدول ۵

قواعد عمومی و تخصصی توصیف عنوان طراحی شده منابع آرشیوی



۱. عنوان طراحی‌شده منابع آرشیوی

۲. ماهیت منابع آرشیوی

- اصطلاحاتی که برای توصیف ماهیت منابع آرشیوی به کار می‌روند، برای ذی‌نفعان مؤسسه باید قابل فهم باشند. عناوین باید مطابق با قواعد مؤسسه و در قالبی منسجم و ثابت ساخته شوند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).
- اصطلاحاتی که برای توصیف ماهیت منابع آرشیوی به کار می‌روند به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:
  - الف. اصطلاحات پذیرفته‌شده‌ای از قبیل اوراق (برای منابع شخصی)، پیشینه یا سابقه و یا آرشیو (برای اسناد و مدارک سازمانی)، و مجموعه یا مجموعه‌اوراق (برای مجموعه‌سازی موضوعی). این اصطلاحات برای طراحی عناوین سطح گروه یا زیرگروه اسناد کاربرد دارد (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱)؛ (پروکتر و کوک، ۲۰۱۶، ص ۶۹).
  - اصطلاح یا عبارتی دقیق که به‌طور خلاصه واحد را توصیف می‌کند. اصطلاح یا عبارت باید نشان‌دهنده شکل (های) عام مواد یا اصطلاح ساده بیانگر نوع منابع باشد (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱). این اصطلاحات معمولاً برای سطح ردیف و زیرردیف کاربرد دارد.
  - در صورتی که منابع در دست توصیف یک یا دو شکل خاص را شامل می‌شوند، این اشکال را برای توصیف ماهیت واحد آرشیوی ارائه دهید. اشکال را به ترتیب حجم غالب آن‌ها توصیف کنید (انجمن آرشیوداران کانادا، ۲۰۰۸، ص ۵۱)؛ (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).
  - به صورت اختیاری، در صورتی که یک یا دو شکل خاص از اسناد دارای حجم غالب است ولی اشکال دیگری از منابع نیز وجود دارد، یک یا دو شکل غالب را در عنوان طراحی شده ثبت کنید و به دنبال آن عبارت «و منابع دیگر» را بیاورید و در ناحیه دامنه و محتوا به اشکال خاص منابع اشاره کنید (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۲).

قواعد تخصصی

۳. موضوع واحد توصیف

- به صورت اختیاری، دقیق‌ترین و مختصرترین عبارت یا اصطلاح مشخصه موضوعی واحد در دست توصیف را انتخاب کنید. این اصطلاح باید انعکاس‌دهنده عملکرد، فعالیت، تراکنش، موضوع، اشخاص یا سازمان‌هایی باشد که اساس خلق یا استفاده از پیشینه‌ها هستند.
- بخش موضوعی عنوان فقط زمانی استفاده می‌شود که عناصر نام و ماهیت برای شناسایی دقیق منابع کافی نباشند (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۱).
- در صورتی که موضوع مجموعه، شخص است، ولی آن شخص گردآورنده آن مجموعه نیست، شرح عنوان مجموعه باید به گونه‌ای واضح نشان دهد که شخص موضوع مجموعه، گردآورنده آن نیست (انجمن آرشیوداران آمریکا، ۲۰۱۳، ص ۲۲).

ادامه جدول ۵

قواعد عمومی و تخصصی توصیف عنوان  
طراحی‌شده منابع آرشیوی



مثال:

طراحی عنوان اختیاری

ماهیت	سطح تنظیم	عنوان اختیاری (طراحی شده)
اوراق (اسناد) شخصی- خانوادگی	فوند	عبدالله ناصری
	ردیف (بخشی از فوند یا زیرفوند)	اسناد ملکی
	پرونده (بخشی از ردیف)	مبايعه نامه های اراضی روستای قروچاه
	فقره (جزئی از پرونده)	مبايعه نامه نهر کله چوب روستای قروچاه
پیشینه تالگانی	فوند	۱. بیوتات سلطنتی ۲. وزارت امور خارجه ۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
	ردیف (بخشی از فوند یا زیرفوند)	۱. فرمانها و نامه های ناصرالدین شاه قاجار ۲. تفاهم نامه های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ۳. آرشيو روابط بین الملل (وزارت امور خارجه)
	پرونده (بخشی از ردیف)	۱. نامه های ناصرالدین شاه قاجار با صاحب منصبان ۲. تفاهم نامه های سازمان اسناد و کتابخانه ملی با کتابخانه های عضو اكو ۳. معاهدات ایران و کشورهای همسایه
	فقره (جزئی از پرونده)	۱. نامه ناصرالدین شاه قاجار به امیرکبیر درباره بلدیة تهران ۲. تفاهم نامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی با کتابخانه ملی ترکیه ۳. معاهده ترکمنچای
مجموعه	فوند	خبرگزاری پارس
	ردیف (بخشی از فوند یا زیرفوند)	بولتن های خبرگزاری پارس
	پرونده (بخشی از ردیف)	بولتن خبرگزاری پارس- ۱۳۷۲



## منبع

### کتاب

پازوکی، فاطمه؛ فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۹۶). *آر دی ای: رهنمودها و کاربردها*. تهران: نشر کتابدار.  
سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. (۱۳۷۹). *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر.  
عزیزی، غلام‌رضا و دیگران. (۱۳۹۱). *مجموعه قوانین، مقررات و شیوه‌نامه‌های آرشیوی: شیوه‌نامه‌ها و رویه‌های تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی (اسناد متنی کاغذی و عکس)*. (ج ۲). تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی.

### مقاله

باغستانی، ساناز؛ خسروی، فریبرز. (۱۳۹۵). «شیوه توصیف اسناد آرشیوی در آرشیو ملی ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۰». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال بیستم و ششم، دفتر دوم، تابستان ۱۳۹۵.  
نظری، آناهیتا. (۱۳۹۷). «طراحی عنوان سند بر اساس استاندارد آرشیوی داکس». فصل‌نامه آرشیو ملی ایران، ش ۱۶.

### منابع اینترنتی

سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران. اوپک.

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/index1.jsp>

### منابع لاتین

Association of Canadian Archivists. (2008). RAD: *Rules for Archival Description*.  
[http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete\\_July2008.pdf](http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete_July2008.pdf)  
ICA. (2000). ISAD(G): *General International Standard Archival Description*. ICA: International Council On Archives. Committee on Best Practices and Standards.  
<https://www.ica.org/en/isadg-general-international-standard-archival-description-second-edition>  
Metadata Working Group. (2006). *e-Government Metadata Standard*. UK. National Archives, Cabinet Office, e-Government Unit, Technical Policy Team, Metadata Policy Co-coordinator. Version 3.1. <http://www.nationalarchives.gov.uk>  
Procter, Margaret; Cook, Michael. (2016). *MAD: Manual of Archival Description*. (3rd ed). New York. Rutledge.



Society of American Archivist. (2013). *DACS: Describing Archives: a Content Standard*. Chicago. [http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013\\_v0315.pdf](http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013_v0315.pdf)

## English Translation of References

### Books

- Azizi, Gholam Reza et al. (1391/2012). "*Majmou'eh qavānin, moqarrarāt va šive-nāme-hā-ye āršivi: Šive-nāme-hā va ravie-hā-ye tanzim va tosif-e asnād-e āršivi: Asnād-e matni-ye kāqazi va ax*" (Collection of laws, regulations and archival rules: Style guides and procedures for arranging and describing archival documents: Paper text documents and photographs) (vol. 2). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), Mo'avenat-e Asnād-e Melli (Deputy for Document Affairs). [Persian]
- Pazokī, Fatemeh & Fattahi, Rahmatollah. (1396/2017). "*Ār di ey: Rahnemud-hā va kārbord-hā*" (RDA principles and guideines). Tehran: Našr-e Ketābdār. [Persian]
- Procter, Margaret; Cook, Michael. (2016). MAD: *Manual of Archival Description*. (3rd ed.). New York: Rutledge.
- Soltani, Pouri & Rastin, Farvardin. (1379/2000). "*Dānešnāme-ye ketābdāri va ettelā'-resāni*" (A cyclopedic dictionary of library and information sciences). Tehran: Farhang-e Mo'āser. [Persian]

### Articles

- Baghestani, Sanaz & Khosravi, Fariborz. (1395/2016). "Šive-ye tosif-e asnād-e āršivi dar āršiv-e melli-ye Irān dar dowre-ye zamāni-ye 1350-1390" (Archival Description in the National Archives of Iran from 1972 to 2012). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 26 (2) (Summer 1395/2016), pp. 114-132. [Persian]
- Nazari, Anahita. (1397/2018). "Tarrāhi-ye 'onvān-e sanad bar asās-e estāndārd-e āršivi dāks" (Designing document titles based on DACS archive standard). *Fasl-nāme-ye Āršiv-e Melli-ye Irān*, 16, 8-22. [Persian]





### Online references

Association of Canadian Archivists. (2008). *RAD: Rules for Archival Description*. Retrieved from [http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete\\_July2008.pdf](http://www.cdncouncilarchives.ca/RAD/RADComplete_July2008.pdf).

ICA. (2000). *ISAD(G): General International Standard Archival Description*. ICA: International Council On Archives. Committee on Best Practices and Standards. Retrieved from <https://www.ica.org/en/isadg-general-international-standard-archival-description-second-edition>.

Metadata Working Group. (2006). *e-Government Metadata Standard*. UK. National Archives, Cabinet Office, e-Government Unit, Technical Policy Team, Metadata Policy Co-coordinator. Version 3.1. Retrieved from <http://www.nationalarchives.gov.uk>.

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). "*Opek*" (OPEC) (The Organization of the Petroleum Exporting Countries). Retrieved from <http://opac.nlai.ir/opac-prod/index1.jsp>. [Persian]

Society of American Archivist. (2013). *DACS: Describing Archives: a Content Standard*. Chicago. Retrieved from [http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013\\_v0315.pdf](http://files.archivists.org/pubs/DACS2E-2013_v0315.pdf)



# Materials and Techniques used for Retouch of Glass Plate Negatives Held at the Golestan Palace

Sahar Nohi<sup>1</sup> | Helen Asadian<sup>2</sup> | Fathollah Niyazi<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

## Abstract:

**Purpose:** Variations of retouch on black and white glass plate negatives, including collodion and gelatin glass plates was a common practice in 19th and early 20th century. This paper, inspired by a larger research project, reports an examination of glass plate negatives held at Golestan Palace Photo Archive in Tehran to identify techniques and materials used.

**Method and Research Design:** Data is collected by observations, historical technical literature on retouching as well as from library materials.

**Findings and Conclusion:** Glass plate negatives are retouched by various tools and materials including graphite (pencil), abrasives (knife, needle or abrasive powders), colors, papers. Several techniques also have been applied as discussed in the paper.

## Keywords:

Retouch; Collodion Glass Plate Negatives; Gelatin Glass Plate Negatives; Photography-Golestan Palace.

## Citation:

Nohi, S., Asadian, H., Niyazi, F. (2019). Materials and Techniques used for Retouch of Glass Plate Negatives Held at the Golestan Palace Sahar Nohi. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 186-205. (In Persian)

1. MA of Chemistry-Physics, Research Institute for the Protection and Restoration of Historical and Cultural Monuments, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author).  
s.nohi@richt.ir

2. Master of Restoration of Historical and Cultural Objects, Golestan Palace, Tehran, I. R. Iran.  
helenassadian@yahoo.com

3. Master of Restoration of Historical and Cultural Objects, Research Institute for the Preservation and Restoration of Historical and Cultural Monuments, Tehran, I. R. Iran.  
f.niyazi@richt.ir

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2401

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 186 - 205 (20) | Received: 19, Oct. 2019 | Accepted: 29, Dec. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

# رتوش، مواد و فنون آن در نگاتیوهای عکاسی پایه شیشه‌ای کاخ گلستان

سحر نوحی<sup>۱</sup> | هلن اسدیان<sup>۲</sup> | فتح‌الله نیازی<sup>۳</sup>

## چکیده:

**هدف:** انواع رتوش در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای کلودیونی و ژلاتینی در قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ رایج بوده است. در این مقاله شیوه‌ها، ابزار، و مواد این کار بررسی شده است. **روش/ رویکرد پژوهش:** این مطالعه بر روی آثار موجود در آلبوم‌خانه مجموعه کاخ گلستان انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** رتوش در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای با استفاده از مواد و ابزارهایی مانند، گرافیت (مداد)، بُرنده‌ها و ساینده‌ها، رنگ‌های مختلف، کاغذ، صمغ و... انجام می‌شده است. همه فنون رتوش زیرمجموعه دو گروه اصلی افزایش و کاهش قرار می‌گیرد.

## کلیدواژه‌ها:

رتوش؛ نگاتیوهای پایه‌شیشه‌ای کلودیونی؛ نگاتیوهای پایه‌شیشه‌ای ژلاتینی؛ عکاسی؛ کاخ گلستان.

## استناد:

نوحی، سحر؛ اسدیان، هلن؛ نیازی، فتح‌الله. (۱۳۹۸). مواد و فنون به‌کار رفته در رتوش نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای کاخ گلستان. *گنجینه اسناد*، ۲۹ (۴)، ۱۸۶-۲۰۵.

۱. کارشناس ارشد شیمی-فیزیک، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی-فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

s.noohi@richt.ir

۲. کارشناس ارشد مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی، کاخ گلستان، تهران، ایران.

helenassadian@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی-فرهنگی، تهران، ایران.

f.niazi@richt.ir



## گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۴۰۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۸۶-۲۰۵ (۲۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۸

مطالعات آرشیوی

## مقدمه

رتوشِ نگاتیو اصلاح آن برای رسیدن به تصویری مثبت با کیفیت بیشتر است و هدف از آن بهبود و اصلاح بخش‌هایی از تصویر است. در اصطلاح، فن حَک و اصلاح تصویر را رتوش می‌گویند که پس از مرحله ظهور و ثبوت نگاتیو، برای رفع ایرادهای احتمالی نگاتیو و با استفاده از قلم‌مو، رنگ، مداد، تیغ، مواد شیمیایی و بعضاً قلم بادی انجام می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۶۷۳ و ۷۸۳). رتوش، همراه با عکاسی و به دلیل خواسته‌های فراوان مخاطبان نخستین عکس‌ها و هم‌چنین محدودیت‌های ذاتی روش‌های عکاسی اولیه ایجاد شد.

برای انجام رتوش علل گوناگونی وجود داشته‌است؛ از جمله:

۱. چون بسیاری از عکس‌ها در استودیو گرفته می‌شدند، از نور طبیعی بی‌بهره بودند؛ انجام رتوش باعث می‌شد تا نور به شکل بهتری در عکس نمود پیدا کند.
۲. دلیل دیگر رتوش، ماهیت صفحات شیشه‌ای بود که قادر نبود تصویر و نور پیرامون آن را همانند واقعیت ثبت کند. در آن زمان امولسیون‌های مورد استفاده به نور قرمز حساس نبود؛ به همین دلیل رنگ‌های طیف قرمز، در تصویر بسیار تیره ظاهر می‌شدند. از طرف دیگر امولسیون‌ها به رنگ آبی بسیار حساس بودند؛ به همین علت رنگ‌های طیف آبی، در تصویر بسیار روشن ظاهر می‌شدند.

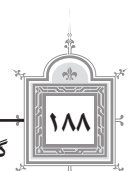
۳. جزئیات واقعی میکروسکوپی‌ای که لنز دوربین در عکس ثبت می‌کرد و با چشم غیر مسلح مشاهده آن‌ها چندان ممکن نبود نیز، یکی دیگر از علل رتوش عکس‌ها بود.
۴. ناتوانی عکاس در حذف برخی از نقایص در موقع گرفتن عکس، علت دیگر انجام رتوش بعد از ثبت عکس بود.

۵. ظهور نامرغوب نگاتیو نیز علت دیگر لزوم انجام رتوش بود. در برخی مواقع حتی اگر عکاس هم عملیات عکاسی را کاملاً بی‌نقص انجام می‌داد، استفاده نامناسب، اشتباه، و یا کم‌وزیاد از داروهای شیمیایی در ظهور نگاتیو خلل وارد می‌کرد.

۶. توزیع نامتقارن سایه و نور در تصویر از دیگر علل رتوش محسوب می‌شد. با رتوش می‌شد نورها و سایه‌های پراکنده و شکسته‌شده را اصلاح و یکدست کرد.

۷. تغییر بیان؛ گاهی هدف عکاس در بیان تصویر تغییر می‌کرد و توجهش به سمت افزایش کیفیت هنری عکس معطوف می‌شد. لازمه این کار ایجاد تغییراتی در تصویر اولیه بود؛ رتوش کمک بسیار زیادی در رسیدن به این هدف می‌کرد (Weisman, 1903, pp 19-25; Johnson, 1941, pp 5-9).

فن رتوش، همگام با فن عکاسی و به فراخور آن در دوره‌های گوناگون تغییر کرده‌است. در قرن نوزده میلادی، نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای مرسوم بودند. بر همین



اساس رتوش به صورت دستی و بر روی لایهٔ امولسیون و یا شیشه انجام می‌شد. رتوش در همهٔ انواع نگاتیوهای پایه‌شیشه‌ای تقریباً به صورت مشابه انجام می‌گرفت. رتوش در این محصولات یکسری روش‌های دستی است که با پنهان کردن نواقص، و تغییراتی در تنالیت ایجاد می‌شود تا نتیجهٔ بهتری را در نسخهٔ مثبت تصویر به دست دهد. دسته‌ای از این روش‌ها افزودنی‌اند؛ یعنی با افزودن موادی مانند رنگ (رنگ‌های روحی، و یا جسمی)، لاک، کاغذ و... انجام می‌شوند. در روشی دیگر که کم‌هزینه‌تر است، رتوش از طریق کاهش یا از بین بردن تراکم امولسیون با استفاده از اشیاء تیز مانند تیغ، اسکالپل یا چاقوهای مخصوص انجام می‌شود (Herrera, 2011, p126).

در ایران به استناد کتاب «تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران» فن رتوش را کارلیان به آقارضاخان اقبال السلطنه آموزش داده است و یا میرزا احمدخان صنیع السلطنه آن را در اولین سفر خود به فرنگ آموخته است (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۳۹۹).

در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای بسته به نوع عکس (چهره، گروهی، دورنما، مجلس و...) و اهداف مدنظر، نوعی از رتوش رایج‌تر از انواع دیگر بود. برای نمونه، در عکس‌های چهره، منظور از رتوش، دست‌کاری چهره و لباس به کمک مهارت نقاشی بود. براساس آنچه در کتاب «علم عکاسی جدید» دالکیجیان آمده است، دربارهٔ عکس‌های گروپ<sup>۱</sup> و صورت<sup>۲</sup>، مخصوصاً عکس نیم‌تنه، در برخی مواقع انجام رتوش لازم بود. حال آنکه در عکس‌های دورنما، عکس‌های مجلس و عکس‌های فوری اصولاً رتوش به این معنا انجام نمی‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷۸).

در مواردی هدف از انجام رتوش، رفع عیوب کلی تصویر مانند خراشیدگی قسمتی از امولسیون، جمع‌شدگی لایهٔ امولسیون، کمبود امولسیون در قسمت‌هایی از تصویر و... بود. امکان انجام این نوع از رتوش در هر یک از انواع عکس‌ها اعم از گروپ، صورت، دورنما، مجلس و... وجود داشت (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۰). در برخی مواقع نیز حذف قسمتی از تصویر مدنظر بود. این قسم از رتوش نیز در همهٔ انواع عکس‌ها می‌توانست انجام شود (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۶). هر یک از موارد یادشده با استفاده از مواد و فنون متفاوت انجام می‌شد که در این مطالعه به تفکیک به آن‌ها پرداخته شده است.

براساس بررسی‌های انجام‌شده بر روی آثار موجود در آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که استفاده از رتوش، در ایران بسیار رایج بوده است.

تحقیق حاضر با این هدف انجام شده است: عرضهٔ اطلاعاتی دربارهٔ انواع رتوش، فنون گوناگون و مواد استفاده‌شده در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای رایج در قرن ۱۹ میلادی و ابتدای قرن ۲۰ که حدوداً بین سال‌های ۱۸۵۱-۱۹۲۵ تولیدشده‌اند.

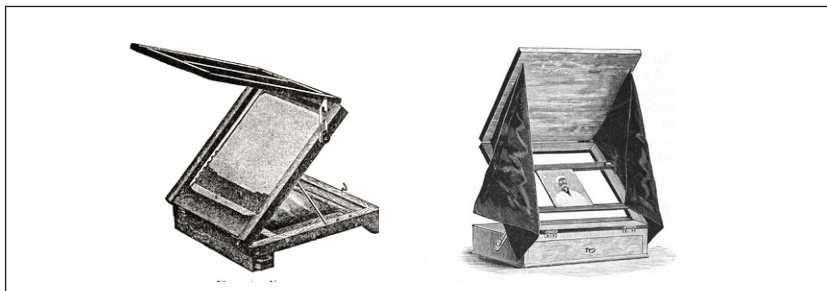
۱. عکس دسته‌جمعی؛ عکسی که از چندین نفر گرفته شود.  
۲. پرتره؛ تک‌چهره؛ تمام‌قد، نیم‌تنه یا چهرهٔ یک فرد.

## رتوش در نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای

نگاتیوهای قرن نوزده میلادی، همگی برپایه شیشه بوده‌اند و در آن‌ها ذرات نقره حساس به نور با استفاده از امولسیون‌های آلبومین، کلودیون و یا ژلاتین به تکیه‌گاه شیشه‌ای چسبانده می‌شده‌اند (Noohi and Asadian, 2017, p48). روش‌های مختلف عکاسی به روش‌های متفاوت رتوش هم نیاز داشته‌اند؛ ولی به‌طور کلی، روش‌ها و ابزار رتوش در طول دوران عکاسی تغییراتی ناچیز داشته‌اند و آن‌هایی که در محصولات عکاسی پایه‌شیشه‌ای استفاده می‌شده‌اند، عملاً تا روی کارآمدن محصولات برپایه پلاستیک، تغییری نکرده‌اند.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد رتوش در این محصولات به صورت دستی و باتوجه‌به هدف مدنظر، با ابزارهای متفاوتی انجام می‌شد.

برای انجام رتوش صورت و دست‌ها در عکس‌های صورت و نیم‌تنه از میز رتوش استفاده می‌شد. این میز به‌استناد کتاب علم عکاسی جدید دالکیجیان، از سه تخته تشکیل می‌شد که روی هم تا می‌شدند. در این میزها، طبقه اول (زیرین) افقی بود و روی زمین قرار داشت. طبقه میانی نسبت به طبقه اول مورب قرار گرفته بود و در وسط آن شیشه‌ای تار نصب می‌شد. طبقه سوم به‌سمت بالا خم می‌شد و دارای قلاب بود و هراندازه که می‌خواستند می‌توانستند آن را بالا و پایین ببرند. روی طبقه اول آینه‌ای قرار داشت که وقتی شیشه نگاتیو بر روی تخته وسطی قرار می‌گرفت، آینه طوری تنظیم می‌شد که شعاع نور از آن به پشت شیشه نگاتیو بیافتند و آن را خوب روشن و واضح کند (کارکردی مشابه میز نورهای کنونی). برای تمرکز بیشتر بر روی ناحیه مدنظر، عموماً از کاغذی سیاه استفاده می‌شد که به‌اندازه شیشه نگاتیو برش خورده بود و ناحیه مدنظر برای انجام رتوش بر روی آن سوراخ شده بود (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷۹) (تصویر ۱).



### تصویر ۱

تصویر شماتیک میز (چهارچوب) رتوش  
منبع  
McCabe, 2005, p109; Schriever, 1909,  
p27: <https://archive.org/details/completefirst10schr/page/27>.

میز (چهارچوب) رتوش را حشمت‌الممالک به سال ۱۳۱۷ق از فرنگ به ایران وارد کرد (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۹۷).

انجام رتوش بر اساس هدف مدنظر و همچنین امولسیون مورد استفاده در هر یک از نگاتیوهای پایه شیشه‌ای، روش‌هایی متفاوت داشت:

### ۱. استفاده از چاقو، تیغ و سنباده (اچ کردن)<sup>۱</sup>

این روش زیرمجموعه نوع کاهشی محسوب می‌شود. در این روش لایه امولسیون در محل‌هایی که تجمع امولسیون زیاد بود و در تصویر به صورت نقاط برجسته ظاهر می‌شد، با چاقوی مخصوص و یا مواد ساینده خراشیده می‌شد و از این طریق تصویر اصلاح می‌شد (McCabe, 2005, p112).

یکی از موارد استفاده از روش اچ کردن، در رتوش صورت بود؛ بدین نحو که در وجه فاقد امولسیون، منطقه مدنظر برای رتوش با یک لایه ورنی صاف و یکدست می‌شد و سپس نقش دلخواه با خراش بر روی قسمت‌های لازم (چشم‌ها، بینی و...) ایجاد می‌شد. یکی دیگر از روش‌های اچ کردن استفاده از خمیرهای ساینده بود. این خمیرها از مخلوط کردن پودر سنباده با روغنی غلیظ به دست می‌آمد. استفاده از این ماده یا با پارچه‌ای انجام می‌شد که به دور انگشت پیچیده شده بود و یا با استفاده از سواپ پنبه‌ای<sup>۲</sup>. در عمل این روش بیشتر برای رتوش سطوح وسیع کاربرد داشت (Johnson, 1941, p34).

روش اچ کردن بیشتر در محصولات ژلاتینی مرسوم بود و در صورت نیاز به آن می‌بایست پیش از هر روش دیگری از آن استفاده می‌شد (Johnson, 1941, p30). در محصولات کلودیونی نیز تنها در مواردی که سطح امولسیون با لایه ورنی پوشانده شده بود، برای آماده‌سازی بستر برای انجام رتوش، لایه ورنی سنباده می‌شد (Herrera, 2011, p72; Peres, 2007, p129). به طور کلی در رتوش، روش‌های کاهشی کمتر از روش‌های افزودنی رایج بودند؛ زیرا در روش‌های کاهشی برای حذف دقیق سایه‌ها بدون وارد آمدن آسیب به نگاتیو به توانایی بیشتری نیاز بود (Herrera, 2011, p135).

در روش اچ کردن به علت استفاده از ابزار ساینده مانند سنباده، تیغ و چاقو خراش‌هایی جزئی در سطح امولسیون ایجاد می‌شد. این خراش‌ها در عکس چاپ شده -به ویژه زمانی که رتوش کار مبتدی بود- با خطوطی تیز و با مرز نمایان مشخص می‌شد. این موضوع از نظر زیبایی‌شناسی، برای بیننده عکس چندان خوشایند نبود.

### ۲. استفاده از مداد و یا پودر گرافیت

این روش یکی از زیرمجموعه‌های نوع افزودنی است. در این روش از مداد گرافیت برای انجام اصلاحات جزئی و ظریف، مانند اصلاحات مربوط به صورت، و دست‌ها و

1. etching

۲. چوبی بلند و باریک که در یک سر خود دارای پنبه است (چیزی شبیه گوش پاک‌کن یکس).



لباس، در عکس‌های صورت، گروپ، و نیم‌تنه استفاده می‌شد. قبل از انجام اصلاحات با مداد، نیاز بود تا سطح امولسیون در منطقه مدنظر، آمادگی لازم را برای پذیرش تغییرات با استفاده از مداد پیدا کند. به‌همین منظور پیش از انجام رتوش در محصولات کلودیونی، سطح لایه ورنی با استفاده از مواد ساینده‌ای مانند پودر استخوان خراشیده می‌شد (Herrera, 2011, p129; Peres, 2007, p72). در کتاب فنّ عکاسی ترجمه آنتوان سوریوگین، به رتوش شیشه‌های کلودیونی با استفاده از مداد و پودر گرافیت اشاره شده است. نویسنده به اصلاح سایه‌ها با مداد، و یا گرد گرافیتی اشاره کرده است؛ این گرد با کاغذ پیچیده به محل موردنظر مالیده می‌شده است (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵).

در نگاتیوهای ژلاتینی قبل از رتوش با گرافیت، از محلولی به‌نام ماتولین<sup>۱</sup>، به‌عنوان لایه پیش‌رتوش استفاده می‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۶۷۸-۶۸۰). البته در کتاب *دانشنامه عکاسی فوکال*، اثر مایکل آر. پرس به استفاده از ماستیک برای آماده‌سازی سطح و ایجاد دندان‌هایی به‌عنوان پذیرنده گرافیت اشاره شده است (Peres, 2007, pp 75, 84 & 92). براساس اطلاعات موجود در منابع مختلف ماده‌ای که برای پیش‌رتوش استفاده می‌شد ترکیباتی متنوع داشت. برای نمونه در کتاب پوشش عکس‌ها، محلولی مرکب از ترباتین و نوعی رزین (عموماً دامار) معرفی شده است. ترکیب دیگری که در این کتاب معرفی شده است، از انحلال رزین‌های سندروس و ماستیک در اتر، به‌علاوه بنزن به‌دست می‌آمد (McCabe, 2005, pp 113-114). براساس کتاب علم عکاسی جدید دالکیجیان، از ترکیب الکل، سندروس و روغن کرچک برای پیش‌رتوش استفاده می‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷۹)؛ و به‌روایت مسیو پاریان، پیش‌رتوش از سندروس، دامار و ترباتین تشکیل شده بود (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۴۰۰). مراحل انجام رتوش در روش استفاده از مداد و یا پودر گرافیت به‌این ترتیب بود که ابتدا شیشه کاملاً پاک می‌شد و بعد در محل‌هایی که رتوش لازم بود، آهسته با سر انگشت به‌مقدار خیلی کم (حدوداً ۱ قطره) ماتولین (یا هر ماده‌ای با اثر مشابه) مالیده می‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۶۷۸-۶۸۰). بعد از خشک شدن این محلول، عملیات رتوش با استفاده از ابزار و مداد مخصوص انجام می‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷۹؛ ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۴۰۰) (تصویر ۲).

در این روش به‌دلیل استفاده از بافت نرم گرافیت، اثر اصلاح جزئیات در نگاتیو، پس از چاپ به‌صورت نامحسوس و ملایم نمایان می‌شد. شاید بتوان این روش را از دید زیبایی‌شناسی بهترین روش رتوش آن زمان دانست؛ ولی به‌دلیل ماهیت ماده گرافیت، پاک شدن نقوش پدیدآمده با این ماده، بسیار محتمل و رایج بود و این موضوع نگهداری از نگاتیوهای دارای رتوش گرافیت را دشوار می‌کرد.

۱. در ایران به نوعی ورنی گفته می‌شود که ترکیبی است از ترباتین و کالیفون حل‌شده در الکل؛ و از آن برای محافظت از نگاتیو و آماده‌سازی آن برای عمل رتوش استفاده می‌شود.

2. Coatings on Photographs



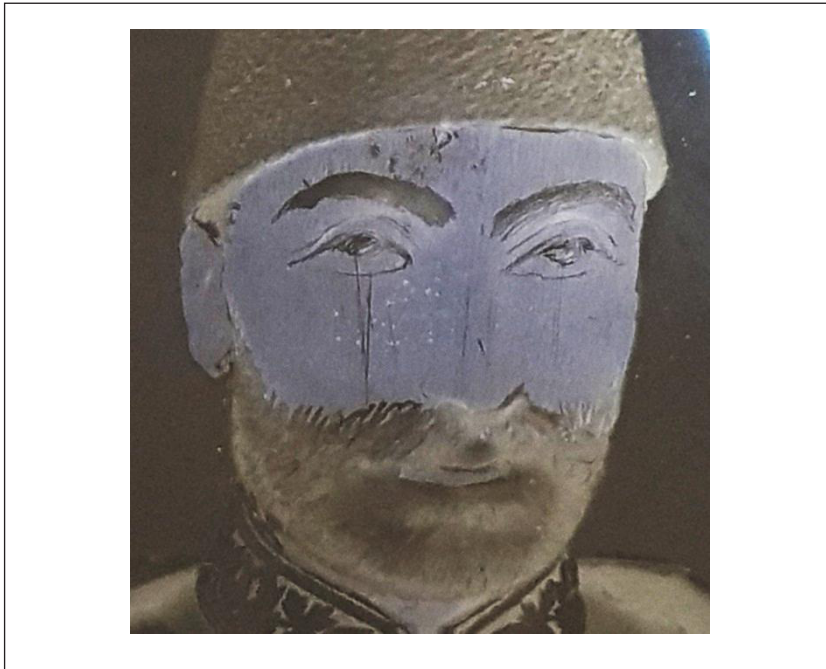




## تصویر ۲

الف. نگاتیو رتوش شده با مداد گرافیت در نور عبوری؛ ب. همان نگاتیو در نور انعکاسی (نور با زاویه به صفحه تابانده شده است)؛ ج. عکس چاپ شده؛ د. نقش چهره ترسیم شده به عنوان رتوش در وجه دارای امولسیون در نور انعکاسی با بزرگنمایی (نور با زاویه به صفحه تابانده شده است) (منبع: آلبوم خانه کاخ گلستان، عکس از آلبوم جدید ۳۳، صفحه ۱۶؛ شیشه با شماره ثبت ۰۲۲۴۱.GP).

در برخی موارد برای طبیعی تر جلوه دادن منطقه دست کاری شده، از محلول هایی که برای آماده سازی منطقه رتوش به کار می رفت، در وجه فاقد امولسیون شیشه نیز استفاده می شد (McCabe, 2005, p114). گفتنی است که این ماده در مناطق لازم، مانند چشم ها، ابروها، بینی و... با سوزن و یا ابزارهای تیز خراشیده می شد (تصویر ۳). در برخی مواقع نیز برای اصلاح رنگ ها و سایه ها از محلول های رنگی استفاده می شد.



### تصویر ۳

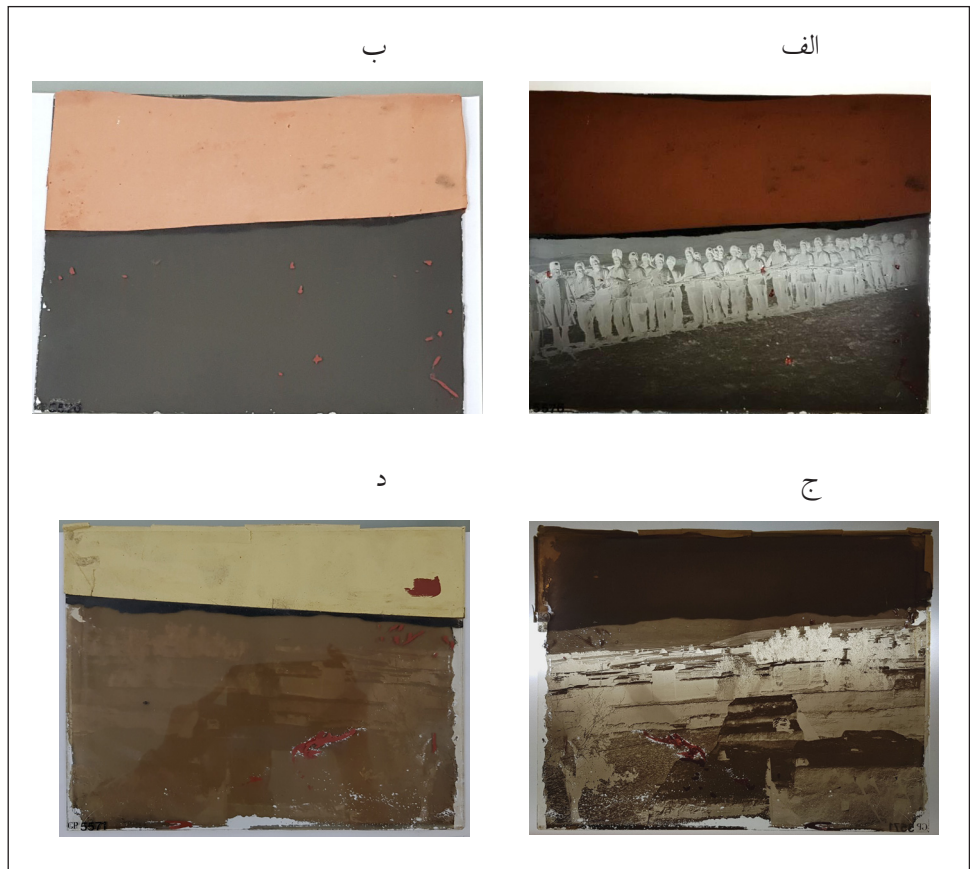
استفاده از محلول پیش‌رتوش در وجه فاقد امولسیون برای طبیعی‌تر جلوه‌دادن رتوش صورت  
(منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شیشه با شماره ثبت GP005579).

### ۳. استفاده از کاغذ

این روش نیز زیرمجموعه نوع افزودنی است که در هر دو نوع نگاتیو شیشه‌ای رایج آن دوران (کلودیونی و ژلاتینی) کاربرد داشته‌است و اغلب در مواردی از آن استفاده می‌شده که سطح وسیعی برای انجام رتوش مدنظر بوده‌است (تصویر ۴). از کاغذ برای بهبود تصویر با هدف حذف، و یا یکدست و یکنواخت کردن و همچنین ایجاد کنتراست در بخشی از تصویر (بیشتر آسمان و پس‌زمینه) استفاده می‌شده‌است. استفاده از نوعی کاغذ که آن را کاغذ وژتل (نباتی) یا کاغذ ابریشم یا دیوپتريک می‌نامیدند، در این روش توصیه شده‌است. این کاغذ در مناطق مدنظر، با استفاده از مقداری صمغ به پشت شیشه (اغلب وجه فاقد امولسیون) چسبانده می‌شده‌است (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۶). البته، در نمونه‌های موجود در آلبوم‌خانه، در موارد متعددی از کاغذهای باطله نیز برای این کار استفاده شده‌است.

با وجود اینکه در نمونه‌های بررسی شده، از کاغذ بیشتر در وجه فاقد امولسیون استفاده شده‌است، ولی طبق آنچه در کتاب دایرةالمعارف عکاسی آمده‌است در نظر گرفتن نکات فنی براساس میزان عبور نور، و تأثیر آن بر تصویر پوزتیف، از موارد تعیین‌کننده در انتخاب وجه مناسب برای رتوش با استفاده از این تکنیک محسوب می‌شده‌است (Peres, 2007, p47).

برای چسباندن کاغذ بر روی شیشه و یا امولسیون از مواد چسبی مانند صمغ‌های طبیعی (عموماً صمغ عربی) استفاده می‌شده‌است. گاهی نیز برای آنکه در میزان عبور نور از کاغذ تغییراتی ایجاد کنند، از رنگ بر روی کاغذ استفاده می‌کرده‌اند (Herrera, 2011, p132).



#### تصویر ۴

استفاده از کاغذ در وجه فاقد امولسیون در نگاتیو شیشه‌ای ژلاتینی و کلودیونی: الف. وجه فاقد امولسیون در نور انعکاسی (نگاتیو ژلاتینی): ب. وجه فاقد امولسیون همان نگاتیو در نور عبوری؛ ج. وجه فاقد امولسیون در نور انعکاسی (نگاتیو کلودیونی)؛ د. وجه فاقد امولسیون همان نگاتیو در نور عبوری (منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شیشه با شماره ثبت: الف و ب: GP005576؛ ج و د: GP005571).

استفاده از کاغذ در چاپ عکس چهره (پرتره) با زمینه سفیدمحو<sup>۱</sup>، برای اولین بار در رساله عکاسی محلاتی بیان شده‌است (طهماسب‌پور ۱۳۹۲، ص ۱۷۰)؛ که البته نوعی زینت‌بخشی محسوب می‌شده‌است.

در این روش، در مواردی که از کاغذ در ایجاد کنتراست برای مجزا کردن آسمان استفاده شده، فرایند زمان و آب‌وهوا در عکس در بیشتر موارد حذف شده‌است. هم‌چنین خط مرز میان آسمان و سطح پایینی به‌صورت کاملاً تصنعی در عکس مشاهده می‌شود.

تامت‌ها امولسیون‌های مورد استفاده در عکاسی پایه‌شیشه‌ای حساسیت بسیار زیادی

1. vignetting

به رنگ آبی و رنگ‌مایه‌های آن داشتند؛ به‌همین علت رنگ‌های طیف آبی، در عکس بسیار روشن و هم‌رنگ ظاهر می‌شدند. بعد از مدتی نگاتیوهای ژلاتینی با تفکیک بهتر رنگ‌مایه آبی تولید شدند و تشخیص ابر از آسمان در آن‌ها میسر شد (تصویر ۵). با توجه به این موضوع، درباره اینکه نگاتیوهای دارای رتوش آسمان -به‌نحوی که ذکر آن رفت- و یا عکس‌های چاپ‌شده‌ای که آسمان در آن‌ها سفید یکدست می‌نماید، احتمالاً به دوره پیش از تولید نگاتیوهای ژلاتینی با تفکیک زیاد تعلق دارند درست می‌توان قضاوت کرد.



#### تصویر ۵

نگاتیو شیشه‌ای ژلاتینی با تصویر آسمان و ابرهای قابل تشخیص در آن (عکس چاپ‌شده از این نگاتیو به سال ۱۳۰۷ تعلق دارد) (منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شیشه با شماره ثبت GP004183).

#### ۴. استفاده از رنگ

استفاده از رنگ نیز یکی از زیرمجموعه‌های نوع افزودنی است که در هر دو نوع نگاتیو شیشه‌ای رایج آن دوران (کلودیونی و ژلاتینی) کاربرد داشته‌است. استفاده از این روش برای بهبود تصویر با اهدافی مانند رفع عیوب کلی، حذف، و یا یکدست و صاف کردن بخشی از تصویر -بیشتر آسمان و پس‌زمینه- انجام می‌شده‌است.

در صورتی که هدف از رتوش اصلاح عیوب عمومی نگاتیو، مانند خراشیدگی، کنده‌شدگی امولسیون، سوراخ‌های ریزودرشت، یا کمبود امولسیون در گوشه‌های شیشه و رفع آسیب ریزترک‌های مشبک<sup>۱</sup> (در نگاتیوهای کلودیونی) و... بود، اصلاح آن با قلم‌مو و رنگ -عموماً رنگ قرمز کارمین<sup>۲</sup> که با آب صمغ بسیار غلیظ مخلوط شده بود- انجام می‌شد (رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۶۷۸-۶۸۰) (تصویر ۶).

۱. آسیب ریزترک‌های مشبک: در محصولات عکاسی پایه‌شیشه‌ای کلودیونی، به‌علت فرزیت

2. carmin





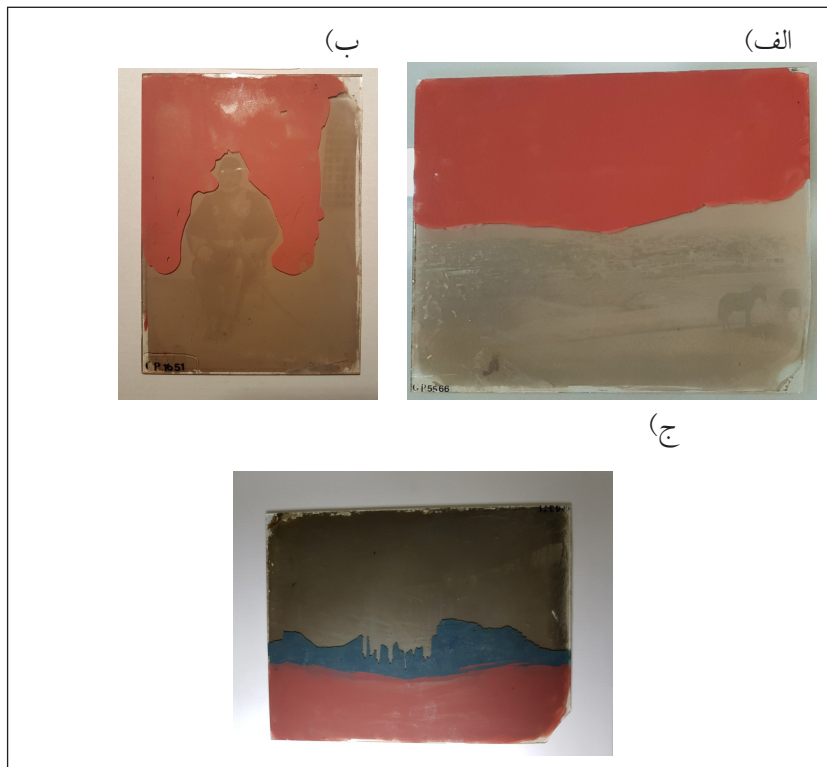
## تصویر ۶

استفاده از رنگ در وجه دارای امولسیون  
برای: الف. پوشش قسمت‌های  
خراشیده‌شده و کنده‌شده امولسیون  
در نگاتیو شیشه‌ای ژلاتینی؛ ب. پوشش  
قسمت‌های خراشیده‌شده و دارای کمبود  
امولسیون در نگاتیو شیشه‌ای کلودیونی؛  
ج. پوشش قسمت‌های دارای آسیب  
ریزترک‌های مشبک در نگاتیو شیشه‌ای  
کلودیونی  
(منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان با  
شماره ثبت: الف. GP004181؛ ب.  
GP005905؛ ج. GP001932).

از دیگر کاربردهای استفاده از رنگ در رتوش تصاویر، حذف قسمتی از تصویر در نگاتیو بود. با استفاده از این روش، قسمت مدنظر برای حذف با استفاده از رنگ در وجه حاوی امولسیون و یا در برخی موارد در وجه فاقد امولسیون پوشانده می‌شد. با این روش، قسمت پوشانده‌شده، در تصویر مثبت حذف می‌شد و به رنگ سفید ظاهر می‌شد. در عکس‌های گروهی نیز برای حذف یک نفر از عکس از این روش استفاده می‌کردند (نوحی و اسدیان، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

کاربرد دیگر استفاده از رنگ در رتوش تصاویر، یکدست و یکنواخت کردن منطقه

مدنظر از جمله آسمان، پس‌زمینه و... بود. ضمناً از این طریق، کنتراست موردنیاز در تصویر نیز ایجاد می‌شد. این نوع از رتوش ترجیحاً در وجهی از شیشه فاقد امولسیون انجام می‌شد؛ گرچه نمونه‌های بسیاری نیز دیده شده‌است که در وجه حاوی امولسیون هم انجام شده‌است (نوحی و اسدیان، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۲۳) (تصویر ۷).



### تصویر ۷

استفاده از رنگ در وجه فاقد امولسیون چند نگاتیو شیشه‌ای کلودیونی با هدف: الف. ایجاد کنتراست و یکنواخت کردن آسمان؛ ب. یکنواخت کردن پس‌زمینه؛ ج. ایجاد کنتراست (منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان با شماره ثبت: الف. GP005566؛ ب. GP001651؛ ج. GP005371).

بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده و همچنین مطالعات انجام‌شده، رنگ‌های مورد استفاده برای انجام رتوش عبارت بوده‌اند از: رنگ قرمز (کوچین یا کارمین، قرمز اخرا، جوهر هندی، قرمز سرب، و خون سیاووشان)، رنگ زرد (ترکیبات آهن مانند زرد اخرا و یا جوهر هندی)، رنگ آبی (آبی پروس)، رنگ سیاه (ترکیبات کربن شامل دوده چراغ، ورنی سیاه و...)، و رنگ سفید (رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۶۸۰؛ Ayres, 1883, p183). در کتاب دانشنامه عکاسی فوکال نیز به استفاده از رنگ قرمز هندی اشاره شده‌است که از ترکیب قرمز اخرا با صمغ عربی به‌دست می‌آید. (Peres, 2007, p86). از این مواد رنگی در هر دو طرف صفحه شیشه‌ای می‌شد استفاده کرد (Clark and Franziska, 2003, p12; Flowers, 2009, p4).

با مطالعه تعداد زیادی از نمونه‌های موجود در آلبوم خانه کاخ گلستان، می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که از رنگ در ابعاد وسیع‌تر، عموماً در وجه فاقد امولسیون شیشه استفاده می‌شده‌است و از رنگ‌ها با هدف رتوشِ مناطق کم‌وسعت‌تر و پوشش ایرادات جزئی‌تر، در وجه حاوی امولسیون استفاده می‌شده‌است؛ که البته این موضوع کاملاً منطقی به نظر می‌رسد (نوحی و اسدیان، ۱۳۹۷، ص ۱۵).

در این روش قدرت فرم‌دهی در رتوش به اندازه روش مداد و گرافیت نیست؛ ولی در مقایسه با روش استفاده از کاغذ برای انجام رتوش، قابلیت‌های بیشتری دارد. هم‌چنین به دلیل امکان ترکیب‌شدن رنگ‌ها با یکدیگر، فرم جدیدی از رتوش با سایه‌های متنوع قابل دستیابی است که در آن مرز بین مناطق مختلف رتوش از بین می‌رود. نکته دیگر آنکه به دلیل زمان لازم برای خشک‌شدن رنگ بر روی شیشه، مرز میان منطقه رتوش شده و اوریجینال تغییر شکل می‌داد و باعث ایجاد فرم و زیبایی در عکس می‌شد. این روش نیز به دلیل امکان پاک‌شدن رنگ‌های به‌کاررفته، همانند روش استفاده از گرافیت در رتوش، مشکلاتی در نگهداری از نگاتیوها ایجاد می‌کند.

## نتیجه

نتایج مطالعات انجام‌شده بر روی نگاتیوهای عکاسی پایه‌شیشه‌ای متعلق به قرن ۱۹ و ابتدای ۲۰ میلادی نشان داد که به‌طور کلی رتوش به دو نوع کاهشی و افزایشی تقسیم می‌شود که این دو نوع براساس ماده و ابزار مورد استفاده، به چهار روش اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. کاهشی: استفاده از چاقو، تیغ و سنباده (اچ کردن)؛ ۲. افزایشی: الف. استفاده از مداد؛ ب. استفاده از کاغذ؛ ج. استفاده از رنگ (جدول ۱).

نوع رتوش	روش رتوش (براساس ابزار و ماده مورد استفاده)	مناطق مورد رتوش	نوع عکس	نوع نگاتیو
کاهشی	استفاده از چاقو، تیغ و سنباده (اچ کردن)	صورت و بدن (دست‌ها)	صورت، نیم‌تنه و گروپ	ژلاتینی
افزایشی	استفاده از مداد و یا پودر گرافیت	صورت و بدن (دست‌ها)	صورت، نیم‌تنه و گروپ	کلودیونی و ژلاتینی (بیشتر ژلاتینی)
	استفاده از کاغذ	آسمان و پس‌زمینه	دورنما	کلودیونی و ژلاتینی (بیشتر کلودیونی)
	استفاده از رنگ	آسمان و پس‌زمینه (در سطوح وسیع) مناطق دارای خراشیدگی و معیوب (در سطوح کم‌وسعت)	همه انواع عکس	کلودیونی و ژلاتینی

### جدول ۱

کلیدهای تشخیص انواع روش‌های رتوش



روش اچ کردن که با استفاده از مواد بُرنده یا ساینده انجام می‌شد، مختص نگاتیوهای ژلاتینی بود و برای اصلاح جزئیات تصویر از آن استفاده می‌شد. از این روش بیشتر در عکس‌های صورت، نیم‌تنه و گروپ، برای اصلاح اجزاء چهره و بدن استفاده می‌شد. روش استفاده از مداد باوجود اینکه جزء زیرگروه نوع افزایشی است، ولی با روش اچ کردن تقریباً کاربردی مشابه داشته و در بسیاری از موارد به‌عنوان روشی تکمیلی در ادامه روش اچ کردن به‌کار می‌رفته‌است. سطح کار پیش از انجام رتوش به این روش به آماده‌سازی نیاز داشته‌است. این روش بیشتر در نگاتیوهای ژلاتینی و کمتر در نگاتیوهای کلودیونی به‌کار می‌رفته‌است.

استفاده از کاغذ نیز یکی از روش‌های رتوش نگاتیوهای پایه‌شیشه‌ای بوده‌است. از این روش بیشتر با هدف ایجاد کنتراست و یکنواخت و یکدست کردن تصویر استفاده می‌شده و در نگاتیوهای کلودیونی بیشتر رایج بوده‌است.

استفاده از رنگ یکی از پرکاربردترین روش‌های رتوش نگاتیوهای پایه‌شیشه‌ای بوده و در موارد متعددی مانند رفع عیوب عمومی، ایجاد کنتراست، یکنواخت و یکدست کردن و حذف بخشی از تصویر از آن استفاده می‌شده‌است. این روش در هر دو نوع نگاتیوهای کلودیونی و ژلاتینی استفاده گسترده‌ای داشته‌است.

هرکدام از روش‌های انجام رتوش، براساس نوع امولسیون به‌کاررفته در نگاتیو و خصوصیات فیزیکی آن، هدف از انجام رتوش، و هم‌چنین خصوصیات منطقه مدنظر (مانند ضخامت لایه امولسیون، میزان جزئیات، وسعت و...) انتخاب می‌شده‌است.

تفسیر و فهم درست جزئیات فرایندی که به‌عنوان رتوش بر روی این آثار انجام شده‌است، تنها راه برخورد درست با این دسته از آثار است. آگاهی از ابزار، و تکنیک‌های به‌کارگرفته‌شده، درک چگونگی ایجاد آن‌ها و اینکه چه کاربردی داشته‌اند، همه‌وهمه از ملزومات کار با این دسته از آثار است. این موضوع می‌تواند تأثیری به‌سزا در تصمیم‌گیری درباره انتخاب مواد و روش‌های حفاظت و نگهداری از این دسته از آثار داشته باشد. در این پژوهش، سعی شد با شناخت فنی روش‌های رتوش گامی در این مسیر برداشته شود.

## منبع

### اسناد

- آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP001651
- آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP001932
- آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP002241





آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP004181  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP004183  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005371  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005566  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005571  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005576  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005579  
آلبوم‌خانه کاخ گلستان، شماره ثبت GP005905

### کتاب فارسی

ذکاء، یحیی. (۱۳۷۶). *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*. (چ ۱). تهران: شرکت افست.  
رحیمی، عباس. (۱۳۹۱). *قاجاریه و آموزش عکاسی*. (چ ۱). تهران: فرزانه روز.  
طهماسب پور، محمدرضا (۱۳۹۲). *ناصرالدین، شاه عکاس: پیرامون تاریخ عکاسی ایران*. (چ ۳).  
نشر تاریخ ایران.

### طرح‌های پژوهشی

نوحی، سحر؛ اسدیان، هلن. (۱۳۹۷). «مطالعه و بررسی انواع رتوش و مواد به‌کاررفته در محصولات عکاسی پایه‌شیشه‌ای قرن ۱۹ میلادی با نگاهی به آثار مخزن اسناد تصویری کاخ گلستان». پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

### منابع لاتین

#### کتاب

Clark, Susie; Franziska, Frey. (2003). *Care of photographs*. (1<sup>st</sup> ed). Amsterdam: European Commission on Preservation and Access.  
McCabe, Constance. (2005). *Coatings on photographs: materials, techniques, and conservation*. (1<sup>st</sup> ed). Washington D.C.: American Institute for Conservation.  
Peres, Michael. R. (2007). *The Focal Encyclopedia of Photography: Digital Imaging, Theory and Applications, History, and Science*. (4<sup>th</sup> ed). Amsterdam: Elsevier.

#### مقاله

Noohi, Sahar; Asadian Helen. (2017). "Application of FTIR Microscopy to Identify



Some Glass Plates of Golestan Palace Photo Archive'. *Iranian Conservation Science Journal* (Ir Cons Sci J), 2017, 1(1), pp 48-53.

#### منابع اینترنتی

- Ayres, George. B. (1883). *How to paint photographs in water colors and in oil: how to work in crayon, make the chromo-photograph, retouch negatives ...* (6<sup>th</sup> ed). New York: Daniel Appleton & Company. (Retrieved: 16/1/2019) from: <https://archive.org/details/cu31924031285319>
- Flowers, Jill. K. (2009). *19th Century Photograph Preservation; A Study of Daguerreotype and Collodion Processes*. University of Oklahoma Preservation of Information Materials. (Retrieved 28 Jan 2019) from: <https://si.edu/mci/EarlyPhotography/references/Flowers2009.pdf>
- Herrera Garrido, Rosina. (2011). *Técnicas de retoque de negativos fotográficos historia y conservación*. *Pátina*, 16, pp 125-136. (Retrieved: 16/6/2018) from: <http://revista-patina.esrbc.com/numero/16>
- Johnson, Robert. (1941). *The art of retouching and improving negatives and prints*. (14<sup>th</sup> ed). Boston: American Photographic Publishing Co. (Retrieved: 16/5/2019) from: <https://archive.org/details/artofretouchinga000681mbp>
- Schriever, J. B; Harrison, T. (Cummings). (1909). *Complete self-instructing library of practical photography (vol. X): Negative retouching; etching and modeling. encyclopedic index. Glossary*. American School of Art and Photography (Scranton, Pa.). (Retrieved: 6/4/2019) from: <https://archive.org/details/completeselfinst-10schr/page/n8/mode/2up>
- Weisman, Clara. (1903). *A complete treatise on artistic retouching, modeling, etching, art and nature, art and photography, character, chiaroscuro, composition, style and individuality*. Saint Louis: H. A. Hyatt. (Retrieved: 14/2/2019) from: <https://archive.org/details/treatiseonartist00weis>



## English Translation of References

### Documents

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP001651.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP001932.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP002241.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP004181.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP004183.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005371.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005566.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005571.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005576.

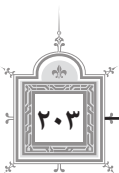
Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005579.

Ālbom-xāne-ye kāx-e Golestān (Photographic archive of Golestan Palace), registry number GP005905.

### Books

Clark, Susie & Franziska, Frey. (2003). *Care of photographs* (1<sup>st</sup> ed.). Amsterdam: European Commission on Preservation and Access.

McCabe, Constance. (2005). *Coatings on photographs: materials, techniques, and conservation* (1<sup>st</sup> ed.). Washington D. C.: American Institute for Conservation.



- Peres, Michael. R. (2007). *The focal encyclopedia of photography: Digital imaging, theory and applications, history, and science* (4<sup>th</sup> ed.). Amsterdam: Elsevier.
- Rahimi, Abbas. (1391/2012). *“Qājārieh va āmuzeš-e akkāsi” (Qajar and photography training)* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Farzān Ruz. [Persian]
- Tahmasbpour, Mohammad Reza. (1392/2013). *“Nāser-ed-din Šāh, šāh-e akkāsi: Pirāmun-e tārix-e akkāsi-ye Irān” (Naser - od - din the photographer king)* (3<sup>rd</sup> ed.). (n. p.): Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Zoka, Yahya. (1376/1997). *“Tārix-e akkāsi va akkāsan-e pišgām dar Irān” (The history of photography and pioneer photographers in Iran)* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Šerkate Ofset (Offset Press Inc.). [Persian]

#### Research projects

- Noohi, Sahar & Asadian, Helen. (1397/2018). *“Motāle’e va barresi-ye anvā’-e rotuš va mavād-de be kār-rafteh dar mahsulāt-e akkāsi-ye pāyeh šīše-ee-ye qarn-e nuzdahom-e milādi bā negāhi be āsār-e maxzan-e asnād-e tasviri-ye kāk-e Goleštān” (A study and investigation of various types of retouching methods and materials used in photography products of 19<sup>th</sup>-century glass plate negatives by looking at the works in the visual documents repository of Golestan Palace).* Pažuhešgāh-e Mirās-e Farhangi va Gardeš-gari. [Persian]

#### Articles

- Noohi, Sahar & Asadian Helen. (2017). “Application of FTIR microscopy to identify some glass plates of Golestan Palace photo archive”. *Iranian Conservation Science Journal (Ir Cons Sci J)*, 2017, 1(1), pp. 48-53.

#### Online references

- Ayres, George. B. (1883). *How to paint photographs in water colors and in oil: How to work in crayon, make the chromo-photograph, retouch negatives ...* (6<sup>th</sup> ed.). New York: Daniel Appleton & Company. Retrieved in 16/1/2019, from: <https://archive.org/details/cu31924031285319>.



- Flowers, Jill. K. (2009). *19th century photograph preservation; A study of daguerreotype and collodion processes*. University of Oklahoma Preservation of Information Materials. Retrieved in 28 Jan 2019, from: <https://si.edu/mci/EarlyPhotography/references/Flowers2009.pdf>.
- Herrera Garrido, Rosina. (2011). *Técnicas de retoque de negativos fotográficos histórica y conservación. Pátina*, 16, pp. 125-136. Retrieved in 16/6/2018, from: <http://revista-patina.esrcbc.com/numero/16>.
- Johnson, Robert. (1941). *The art of retouching and improving negatives and prints* (14<sup>th</sup> ed.). Boston: American Photographic Publishing Co. Retrieved in 16/5/2019, from: <https://archive.org/details/artofretouchinga000681mbp>.
- Schriever, J. B; Harrison, T. (Cumplings). (1909). *Complete self-instructing library of practical photography (vol. X): Negative retouching; etching and modeling. encyclopedic index*. Glossary. American School of Art and Photography (Scranton, Pa.). Retrieved in 6/4/2019, from: <https://archive.org/details/completeselfinst-10schr/page/n8/mode/2up>.
- Weisman, Clara. (1903). *A complete treatise on artistic retouching, modeling, etching, art and nature, art and photography, character, chiaroscuro, composition, style and individuality*. Saint Louis: H. A. Hyatt. Retrieved in 14/2/2019, from: <https://archive.org/details/treatiseonartist00weis>.

## Table of contents

### *Ganjineh-Ye Asnad*

(Peer-reviewed Journal)

Vol.29, No.4, (Winter 2020)

Ser.No: 116

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

### **Historical Research**

---

- International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran\  
**Hossein Ahmadzadeh-Nodijeh, Ghobad Mansourbakht** 6-40(35)
- Bandar Gaz and Iranian merchants: Amin al-Zarb and Thumanian\  
**BagherAli Adelfar, Masoud Adinevand** 42-72(31)
- The Story of a Road: Construction and maintenance of Mashhad-Ashgabat Road  
(1886-1925)\ **Jalil Ghasabi-Gazkoh, Hadi Vakili, Yousof Motavali-Haghighi** 74-105(32)
- The Role of Teacher Training Centers in Promoting Women Social Status During  
the Timd of Reza Shah Pahlavi (1925-1941)\  
**Ali Reza Sangtrashan, Manijeh Sadri, Hassan Zandieh, Masoumeh Gharadaghi** 106-139(34)

### **Archival Studies**

---

- Tehran Municipal Archive: A Feasibility Study\  
**Zeynabsadat Sandid, Saeid Rezaei-Sharifabadi, Roya Bradar** 140-167(28)
- Archival Material Titles Description Based on International Standards\  
**Anahita Nazari** 168-185(18)
- Materials and Techniques used for Retouch of Glass Plate Negatives Held at the  
Golestan Palace\  
**Sahar Nohi, Helen Asadian, Fathollah Niyazi** 186-205(20)
- 
- English Abstracts \ **Ebrahim Afshar-Zanjani**

# Ganjine-ye Asnad

## Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.29, No.4, Winter 2020

(116)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

### Editor-in-Chief:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

### Managing Editor:

Golamreza Azizi greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

### Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeed Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

Robabeh Motaghedi, Assistant Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 26405621

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

